

زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه

شادان پروند

زهرا سبحانی



مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی

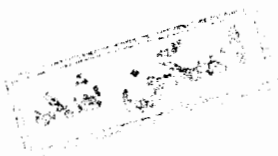
مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای شناخت فرهنگ دیگر ملتها و پدید آوردن ارتباط میان جامعه فرهنگی کشور با دیگر چهره‌ها و مرکزهای فرهنگی بیرون از مرزها، در مهرماه سال ۱۳۶۹ بنا گردید و در راستای هدفهای معاونت امور بین‌الملل با تشکیل گروه‌های تحقیقاتی به گونه‌ی منطقه‌یی و موضوعی به پژوهش پرداخت. اکنون در پی آن است تا در نخستین گامها با همکاری استادان و اندیشمندان فرهنگی آگاهیها و دانش‌های لازم را با توجه به منابع و مآخذی که در دسترس دارد، پس از تدوین، به جامعه فرهنگ‌دوست ارائه دهد، با این امید که این آگاهیها و اطلاعات فرهنگی در روند ارتباطها و برنامه‌ریزی فرهنگی سودمند افتد.

بدیهی است کوشش برای شناخت فرهنگی، با توجه به پیچیدگی مقوله «فرهنگ» دور از نارسایی و خالی از خلل نخواهد بود. از این رو بی‌تردید پیشنهادها و راهنماییهای صاحب‌نظران ارجمند این مرکز را برای شناخت بیشتر و بهتر از دیگر فرهنگها یاری خواهد داد.

زمینه‌های شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه

شادان پروند - زهراسبحانی

۳۰



۷۱۷۱۶

زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه

گردآوری، ترجمه و اقتباس

شادان پروند

زهرا سبحانی



مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی

۱۳۷۳

۹۱۷۱۷



مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی

نام کتاب: زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه

گردآوری، ترجمه و اقتباس: شادان پروند

زهرا سبحانی

نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۷۳

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۸۰۰ ریال

حروفچینی و لیتوگرافی: انتشارات بین‌المللی الهدی

چاپ و صحافی: چاپخانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه ناشر..... ۱۳

پیشگفتار..... ۱۷

فصل اول - حدود و مشخصات جغرافیایی

۱ - ۱ جغرافیای طبیعی..... ۳

۱ - ۱ - ۱ - موقعیت جغرافیایی، حدود و وسعت..... ۳

۱ - ۱ - ۲ - ارتفاعات..... ۵

۱ - ۱ - ۳ - رودخانه‌های مهم..... ۶

۱ - ۱ - ۴ - دریاچه‌ها..... ۷

۱ - ۱ - ۵ - دریاها و خلیجها..... ۸

۱ - ۱ - ۶ - پوشش گیاهی..... ۸

۱ - ۱ - ۷ - خاک..... ۸

۱ - ۱ - ۸ - آب و هوا..... ۸

۱ - ۱ - ۹ - بارندگی..... ۱۱

۱۰-۱-۱- درجه حرارت.....	۱۲
۲-۱- جغرافیای انسانی.....	۱۵
۱-۲-۱- نژاد.....	۱۵
۱-۲-۱-۱- نژاد ترک.....	۱۵
۱-۲-۱-۲- نژاد ترک در ترکیه.....	۱۶
۲-۱- جمعیت.....	۲۰
۲-۲-۱- حرکات جمعیت.....	۲۰
الف- رشد جمعیت.....	۲۰
ب- مهاجرت.....	۲۱
ج- تراکم جمعیت.....	۲۲
۲-۲-۱- ساختمان جمعیت.....	۲۷
الف) ترکیب سنی جمعیت.....	۲۷
ب) ترکیب جنسی جمعیت.....	۲۸
۳-۱- جغرافیای سیاسی.....	۳۰
- زیرنویسهای فصل اول.....	۳۲
- منابع فصل اول.....	۳۴

فصل دوم - بررسی تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

۱-۲- ترکیه تا پیدایش حکومت عثمانی، ۱۲۹۹ میلادی (ورود ترکها به صحنه تاریخ ترکیه).....	۳۹
۲-۲- حکومت عثمانی، پیدایش و توسعه: ۱۶۰۰- ۱۲۹۹ میلادی.....	۴۲
۲-۳- حکومت عثمانی، سالهای سقوط: ۱۹۱۸- ۱۶۰۰ میلادی (ساختار حکومت عثمانی).....	۴۴
۲-۴- ترکیه پس از امپراطوری عثمانی - ظهور آتاتورک ۱۹۳۸- ۱۹۱۸ میلادی.....	۵۴
۲-۵- ترکیه پس از آتاتورک: ۱۹۳۸ میلادی.....	۵۸
- زیرنویسهای فصل دوم.....	۶۲
- منابع فصل دوم.....	۶۳

فصل سوم - نظام اجتماعی

۱-۳- مقدمه‌ای بر شناخت ساختار اجتماعی جامعه ترکیه.....	۶۷
۲-۳- ازدواج و خانواده در جامعه ترکیه.....	۶۹

۷۱	۱-۲-۳- نحوه تشکیل خانواده و انحلال آن در بعضی مناطق روستایی ترکیه
۷۵	۳-۳- آسیب شناسی اجتماعی
۷۸	۳-۴- وضعیت دین در جامعه ترکیه
۸۰	۱-۴-۳- آشنایی با برخی ادیان، مذاهب و طریقت‌های موجود در ترکیه
۸۰	۱-۴-۳-۱- شیعیان
۸۱	۲-۴-۳- علویان
۸۲	- تحولات جدید فرهنگی و سیاسی در برخورد با علویان ترکیه
۸۳	- اعتقادات علویان
۸۴	۳-۴-۱-۳- بکتاشیها
۸۵	- اعتقادات بکتاشیها
۸۶	- شاخه‌های بکتاشی
۸۶	۴-۴-۳- قزلباش
۸۷	۵-۴-۳- قدریه
۸۸	۶-۴-۳- دیگر طریقت‌های علوی
۸۹	۷-۴-۳- نقشبندیه
۸۹	۸-۴-۳- نورجیها
۹۰	۹-۴-۳- سلیمانجی‌ها
۹۱	۱۰-۴-۳- مسیحیان
۹۲	۱۱-۴-۳- یهودیان
۹۳	۲-۴-۳- فعالیت گروه‌های اسلامی ترک در اروپا
۹۴	- زیرنویس‌های فصل سوم
۹۷	- منابع فصل سوم

فصل چهارم - اوضاع فرهنگی

۱۰۱	۱-۴- تأثیرات فرهنگی
۱۰۴	۲-۴- سیاست‌های فرهنگی
۱۰۴	۱-۲-۴- فرهنگ ملی
۱۰۷	۲-۲-۴- موسسات فرهنگی
۱۰۷	۱-۲-۲-۴- موسسات رسمی دولتی

- ۱۰۸..... ۲-۲-۲-۴- موسسات فرهنگی خصوصی
- ۱۰۹..... ۳-۲-۲-۴- موسسات فرهنگی خارجی
- ۱۱۰..... الف- فعالیتهای فرهنگی تشکیلات اوقاف در ترکیه
- ۱۱۲..... ب- فعالیتهای فرهنگی موسسات اقتصادی- بانکها- در ترکیه
- ۱۱۳..... ج- فعالیتهای فرهنگی موسسات فرهنگی خارجی
- ۱۱۴..... -خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در آنکارا
- ۱۱۵..... ۳-۴- جوانان در جامعه ترکیه- آشنایی با دشواریها
- ۱۱۷..... ۴-۴- آشنایی با وضعیت زنان در جامعه ترکیه
- ۱۱۷..... ۱-۴-۴- وضعیت زنان در عهد عثمانی
- ۱۱۹..... ۲-۴-۴- وضعیت زنان در دوره جمهوری
- ۱۲۲..... ۵-۴- جهانگردی
- ۱۲۲..... ۱-۵-۴- مروری بر تاریخچه جهانگردی در ترکیه
- ۱۲۳..... ۲-۵-۴- موقعیت توریستی ترکیه
- ۱۲۴..... ۳-۵-۴- درآمدهای توریسم ترکیه
- ۱۲۵..... ۴-۵-۴- سفر افراد خارجی به ترکیه
- ۱۲۷..... ۵-۵-۴- سفر شهروندان ترک از ترکیه
- ۱۳۰..... -زیرنویسهای فصل چهارم
- ۱۳۲..... -منابع فصل چهارم

فصل پنجم- نهادهای فرهنگی

- ۱۳۷..... ۱-۵- آموزش و پرورش
- ۱۳۷..... ۱-۱-۵- سیر تحول سیستم آموزشی در ترکیه
- ۱۳۷..... ۱-۱-۱-۵- نظام آموزشی در دوره عثمانی
- ۱۴۰..... ۲-۱-۱-۵- نظام آموزشی در دوره جمهوری تا امروز
- ۱۴۳..... ۲-۱-۵- وضعیت سواد در ترکیه
- ۱۴۵..... ۳-۱-۵- معرفی نهادهای آموزشی در سیستم آموزشی امروز ترکیه
- ۱۴۵..... ۱-۳-۱-۵- آموزش ابتدایی
- ۱۴۶..... ۲-۳-۱-۵- آموزش دبیرستانی
- ۱۴۷..... ۳-۳-۱-۵- مدارس دینی امام خطیب

- ۱۴۸ آموزش فنی ۴-۳-۱-۵- آموزش فنی
- ۱۴۹ آموزش عالی ۵-۳-۱-۵- آموزش عالی
- ۱۵۰ تربیت معلم ۶-۳-۱-۵- تربیت معلم
- ۱۵۰ آموزش بزرگسالان ۷-۳-۱-۵- آموزش بزرگسالان
- ۱۵۰ مدارس مردم ۸-۳-۱-۵- مدارس مردم
- ۱۵۱ مدارس خارجی ۹-۳-۱-۵- مدارس خارجی
- ۱۵۱ نظام آموزشی - سیستم اجرایی ۴-۱-۵- نظام آموزشی - سیستم اجرایی
- ۱۵۲ آشنایی با محافل علمی و فرهنگی ترکیه ۵-۱-۵- آشنایی با محافل علمی و فرهنگی ترکیه
- ۱۵۲ معرفی کتابخانه‌های ترکیه ۱-۵-۱-۵- معرفی کتابخانه‌های ترکیه
- ۱۵۵ آشنایی با موزه‌های ترکیه ۲-۵-۱-۵- آشنایی با موزه‌های ترکیه
- ۱۶۰ آشنایی با سازمانهای فرهنگی و علمی ۳-۵-۱-۵- آشنایی با سازمانهای فرهنگی و علمی
- ۱۶۱ الف - مؤسسات تحقیقات فرهنگی و اجتماعی
- ۱۶۴ ب - مؤسسات تحقیقات علمی (علوم محض و کاربردی)
- ۱۶۴ ۴-۵-۱-۵- معرفی مجامع علمی و فرهنگی
- ۱۶۵ ۲-۵- وسایل ارتباط جمعی
- ۱۶۵ ۱-۲-۵- نشریات و مطبوعات
- ۱۶۵ ۱-۱-۲-۵- تاریخچه / معرفی روزنامه‌های پرتیراژ
- ۱۶۸ ۲-۱-۲-۵- نشریات ادواری
- ۱۷۱ ۳-۱-۲-۵- کتاب
- ۱۷۱ الف - تاریخچه انتشار کتاب
- ۱۷۲ ب - مراکز مهم انتشاراتی
- ۱۷۳ ج - نگرشی بر جامعه کتابخوان در ترکیه
- ۱۷۶ ۲-۲-۵- آژانسهای خبری
- ۱۷۷ ۱-۲-۲-۵- دفاتر خبری خارجی در ترکیه
- ۱۷۷ ۳-۲-۵- رادیو
- ۱۷۷ ۱-۳-۲-۵- سرویس خارجی صدای ترکیه
- ۱۷۸ ۴-۲-۵- تلویزیون
- ۱۷۹ ۱-۴-۲-۵- آشنایی با کانالهای تلویزیونی ترکیه
- ۱۸۴ ۳-۵- زبان و ادبیات

- ۱۸۴ ۱-۳-۵- زبان ترکی
- ۱۸۵ ۱-۳-۵- تاریخچه زبان و ادبیات ترکیه
- ۱۸۶ دوره اول - ترکی اصیل
- ۱۸۷ دوره دوم - فرهنگ اسلامی
- ۱۸۸ آثار بزرگ ادبی مسلمانان دوره فرهنگ اسلامی
- ۱۸۹ دوره سوم - دوره مدرن
- ۱۹۰ ۲-۳-۵- آشنایی با جریان‌های ادبیات نوین ترکیه و شخصیت‌های مهم ادبی
- ۱۹۱ ۱-۲-۳-۵- ادبیات تنظیمات
- ۱۹۳ ۲-۲-۳-۵- ادبیات ملی
- ۱۹۴ ۳-۲-۳-۵- جریان‌های جدید
- ۱۹۶ ۳-۳-۵- تاثیر زبان و ادبیات بیگانه در جامعه
- ۱۹۷ ۱-۳-۳-۵- تاثیر زبان و ادبیات فارسی بر زبان و ادبیات ترکیه
- ۱۹۸ شواهدی بر تاثیر زبان و ادبیات فارسی
- ۱۹۹ ۴-۳-۵- نحوه تغییر خط از عربی به لاتین
- ۲۰۲ ۴-۵- آشنایی با هنر ترکیه
- ۲۰۳ ۱-۴-۵- نقاشی و مجسمه سازی
- ۲۱۰ ۲-۴-۵- خط
- ۲۱۴ ۳-۴-۵- فلزکاری
- ۲۱۸ ۴-۴-۵- شیشه‌گری
- ۲۱۹ ۵-۴-۵- معماری و تزئینات ساختمان
- ۲۲۲ ۶-۴-۵- سفالگری
- ۲۲۳ ۷-۴-۵- بافندگی
- ۲۲۴ ۸-۴-۵- تئاتر
- ۲۲۸ ۹-۴-۵- سینما
- ۲۲۸ ۱-۹-۴-۵- پیدایش سینما و ریشه‌های آن در ترکیه
- ۲۳۰ ۲-۹-۴-۵- سینمای نوین ترکیه
- ۲۳۶ - زیرنویس‌های فصل پنجم
- ۲۴۰ - منابع فصل پنجم
- ۲۴۵ مؤخره

ضمیمه‌ها

- ۲۵۳ ضمیمه شماره یک، ترکیه در یک نگاه
- ۲۵۹ ضمیمه شماره دو، معرفی دانشگاه‌های ترکیه
- ۲۸۵ ضمیمه شماره سه، روابط فرهنگی ایران و ترکیه

فهرست‌ها

- ۲۹۹ فهرست منابع
- ۲۹۹ - فهرست منابع فارسی
- ۳۰۳ - فهرست منابع لاتین
- ۳۰۶ فهرست جداول
- ۳۰۸ فهرست نقشه‌ها
- ۳۰۹ فهرست نمودارها
- ۳۱۰ فهرست تصاویر

مقدمه

آیا شناخت تفصیلی جامعه و فرهنگ کشوری همچون ترکیه و جمع‌آوری اطلاعات همه‌جانبه پیرامون فرهنگ این کشور در قالب یک کتاب امکان‌پذیر است؟ این سؤالی است که اکثر کسانی که در مفهوم فرهنگ تدقیق کرده‌اند و با مسائل فرهنگی ترکیه آشنایی دارند، بدان پاسخ منفی خواهند گفت. ترکیه وارث متجدد امپراطوری عثمانی است که تا کمتر از یک قرن پیش بزرگترین رقیب سیاسی و نظامی کشورهای مغرب‌زمین محسوب می‌گشت و امروزه به نزدیکترین همکار آنها در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بدل گردیده است. در نیم قرن گذشته اکثر شاخه‌های فرهنگ این سرزمین دچار تحوّل عظیم شده و حتّی ماهیتی دگرگون یافته است. از خط و زبان که اصلی‌ترین جلوه و نمود فرهنگ هر جامعه است تا آموزش و پرورش، هنر و گرایشها و رفتارهای دینی جامعه ترکیه، همگی دستخوش تغییری بنیادین شده‌اند و چهره‌ای متفاوت به این اجتماع بخشیده‌اند. سیاست لائیسیزم و آنچه از دوران آتاتورک به بعد، حرکت بعدی نوگرایی خوانده شد موجب شد که بسیاری از عرصه‌های فرهنگ ترکیه دستکاری شوند، بنیادهای سنتی - مذهبی آن مورد تهاجم قرار گیرند و نهادها و سازمانهای لائیک تحت نظارت و حاکمیت کامل برنامه‌ریزان و اندیشه‌سازان غرب، جایگزین آنها گردند. هر چند این جایگزینی موجب از بین رفتن ریشه رفتارها، نهادها و گرایشهای مذهبی جامعه ترکیه نشد، اما دوگانگی عمیقی را در فرهنگ این کشور پدید آورد. تغییر خط و اصطلاحات زبانی برغم تأثیرات فرهنگی عمیق‌اش نتوانست گرایش بخش مهمی از مردم را به زبان سنتی خود که اصطلاحات مذهبی فراوانی در خود داشت را از بین ببرد. مبارزه با پوشش اسلامی، محدود ساختن عمل به شعائر اسلامی و تلاش در جهت کنترل نهادهای مذهبی نیز نتوانست نهاد و گرایش بنیادین مردم به مذهب را از میان بردارد و آموزش و پرورش لائیک نیز گرچه منشاء تحوّل شگفت‌انگیز در اساس فرهنگ ترکیه گردید اما نتوانست سران دولت را به هدف غربی کردن سریع و

تمام عیار جامعه برساند. هنرهای مختلف از جمله سینما نیز هر چند در اثر موج جدید فرهنگی مدّتی در ورطه‌های گوناگون بی‌هویتی غوطه‌ور گردیدند اما نهایتاً به خلق آثاری ارزشمند که نشان از وجود دردمندی و تعمق در میان هنرمندان ترک بود، پرداخته و بیش از هر زمان نشان دادند که با وجود گسترش تمام عیار نهادها و ارزشهای لائیسیزم و غربگرایی در جامعه ترکیه، روی دیگر سکه فرهنگ این کشور را گرایش به مذهب، سنتهای ماندگار و گاه رادیکالیزم اجتماعی تشکیل می‌دهد. درست در شرایطی که دولتمردان بیشترین تلاش را برای نشان دادن چهره‌ای اروپایی از خود نشان می‌دهند و تمامی هم خود را مصروف پیوستن به جامعه اروپا ساخته‌اند، کارشناسان جامعه اروپا به بهانه سنتی و مذهبی بودن مانع ورود ترکیه به آن می‌شوند. تورگوت اوزال رئیس جمهور فقید ترکیه پس از آخرین باری که اعضای جامعه اروپا، پیوستن ترکیه به آن را رد کردند، گفت: آنها تنها یک بهانه برای این کار دارند و آن اینکه ما مسلمانییم.

البته در حال حاضر موج جدیدی که می‌تواند تحول فرهنگی عمده‌تری را در پی داشته باشد در جامعه ترکیه بوجود آمده است. پیدایش بیش از ۹ کانال تلویزیونی جدید ظرف دو سال که اکثراً مملو از برنامه‌های غیراخلاقی است و بعضاً اعتراض گروههای متعددی از جامعه روشنفکران این کشور را برانگیخته به نوعی، تمامی عرصه‌های فرهنگ ترکیه را متأثر ساخته و تحول سیاسی ناشی از سقوط حزب مام میهن موجب تغییر پاره‌ای از سیاستهای فرهنگی گردیده است. از سوی دیگر مشکلات تازه اقتصادی سبب‌ساز مسأله‌دار شدن دوباره طبقه متوسط و بازانندیشی گروههای عمده‌ای از روشنفکران ترک در مورد ارزشها و اصول شده است. تمامی این تحولات با گسترش، تأسیس و رویکرد به مدارس امام خطیب و انسجام دوباره برخی از گروهها و روشنفکران مسلمان همراه و همزمان شده است. اعتراض گسترده‌ای که اخیراً درباره چاپ ترجمه ترکی «آیات شیطانی» توسط عزیزنسن صورت گرفت و نیز اعتراض به پخش گسترده تصاویر غیراخلاقی در کانالهای تازه تأسیس تلویزیونی، نشانگر آن است که اسلام‌گرایان ترک برغم کاستی‌ها و ضعفهایی که در تبیین اندیشه و ارائه آن دارند، در پی آغاز حرکتی نوین در ترکیه می‌باشند. بدین سان می‌توان پیش‌بینی کرد که در سالهای آینده کشاکشی دوباره میان اسلام‌گرایان و لائیسیزم جدید را شاهد خواهیم بود که نتیجه و سنتز آن می‌تواند در شکل‌گیری فرهنگ این کشور در قرن بیستم نقشی اساسی و تعیین‌کننده داشته باشد.

نکته دیگری که توجه به آن اهمیت شناخت هر چه بیشتر فرهنگ ترکیه را گوشزد می‌نماید، فعالیت‌های برون‌مرزی گسترده‌ای است که کارگزاران فرهنگی این کشور در سالهای اخیر آغاز کرده‌اند

ارائه گسترده محصولات هنری و گسترش پوشش تلویزیونی برخی کانالهای ترکیه در کشورهای همجوار و به ویژه کشورهای آسیای میانه، امکان فراوانی را برای ترویج و توسعه نفوذ فرهنگی این کشور بوجود آورده است. همچنین فعالیت بی سابقه روشنفکران، لائسیستها و آکادمیسین های ترک در مجامع فرهنگی بین المللی باعث شده که در برخی موارد آنکارا به عنوان یکی از پایگاههای مهم فعالیتهای علمی و فرهنگی در این منطقه شناخته شود. به همین علت و به خاطر متداخل بودن حوزه فعالیت ترکیه و جمهوری اسلامی ایران، امروزه شناخت هر چه بهتر فرهنگ ترکیه به یکی از اولویتهای علمی و تحقیقاتی فرهنگی کشور در عرصه فرهنگ بین الملل بدل شده است.

کتاب حاضر که از نخستین گامهای مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی در راه شناخت مسائل فرهنگی کشورها است، برای برآوردن نیازهای برخاسته از ضرورتهای سابق الذکر تهیه شده است. هر چند نویسندگان محترم این کتاب تمامی تلاش خود را برای استفاده بهینه از منابع موجود در داخل و خارج از کشور کرده اند، اما محدودیت منابع که در دسری همیشگی برای تحقیقات در کشور است و گستردگی موضوع اجازه تهیه کتابی که آخرین اطلاعات و تحلیلها درباره مسائل گوناگون فرهنگی ترکیه را در برداشته باشد، نداد. به همین سبب نیز عنوان «زمینه شناخت» برای این کتاب انتخاب گردید زیرا در تحلیلها و بررسیهای آن بیش از آنکه قصد ارائه سخن آخر پیرامون موضوعات مختلف وجود داشته باشد، هدف آشنا ساختن خواننده با جریانات و زمینه های اصلی فرایندهای فرهنگی جامعه ترکیه در نظر بوده است. تردیدی نیست که تحقیق و پژوهشهای مستقل پیرامون مسائل فرهنگی کشورها کاری کم سابقه و جدید است و لذا تهیه کتابهایی که زمینه گسترش این نوع خاص از پژوهش را بوجود آورند می توانند ارزش فراوانی در این قلمرو علمی داشته باشند. ارزشی که در این کتاب، نویسندگان بخوبی توانسته اند از عمده ارائه آن برآیند و زمینه ای مناسب برای تحقیقات و پژوهشهای بنیادی تر در مورد فرهنگ ترکیه را فراهم آورند.

گروه مطالعات اروپا

حسین سلیمی

پیشگفتار

انگیزه تدوین مجموعه حاضر که با عنوان «زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه» ارائه می‌شود، در حقیقت به پاره‌ای ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و ژئوپلیتیکی نهفته در این سرزمین باز می‌گردد. نخست آنکه ترکیه جامعه‌ای است مسلمان که در همسایگی کشور ما واقع شده و سابقه روابط فرهنگی میان این دو جامعه ریشه در زمانهای دور دارد. افزون بر این خصوصیت، که در ارتباط با جامعه اسلامی و ایرانی ما جنبه‌ای خاص بخود می‌گیرد، اوضاع فرهنگی و اجتماعی این سرزمین از یکسو بدلیل موقعیت خاص جغرافیایی و از سوی دیگر وجود مقاطع تاریخی تعیین کننده، تحولات قابل ملاحظه‌ای را تجربه نموده است و مجموعه چنین شرایطی است که «جامعه» و «فرهنگ» ترکیه را قابلیت بررسی بیشتری می‌بخشد.

در این مطالعه کوشش خواهیم کرد برخی از مشخصه‌های جامعه و فرهنگ ترکیه را باز شمرده و با روشنی بخشیدن به گوشه‌هایی از این عرصه پر دامنه، زمینه‌ای جهت بحثها و دعوتی جهت تحقیقات گسترده‌تر آتی فراهم آوریم. با چنین دیدگاهی، در ابتدا با موقعیت جغرافیایی کشور ترکیه آشنا خواهیم شد و چگونگی جای گیری نژاد ترک در این سرزمین و همچنین برخی مشخصات بارز جمعیتی این جامعه را مورد بررسی قرار خواهیم داد، سپس فشرده‌ای از روند تحول تاریخی این کشور را جهت درک بهتر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی متعاقب آن مرور می‌نمائیم. در بحث بعدی در قالب نظام اجتماعی ترکیه، زمینه‌ای جهت شناخت ساختار جامعه ترکیه و برخی آسیب‌های اجتماعی مبتلا به آن را فراهم آورده و به وضعیت دین و مذاهب مختلف موجود در این اجتماع اشاره خواهیم کرد. تاثیرپذیری فرهنگی و سیاستهای فرهنگی مباحث دیگری هستند که در حقیقت نقش ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی این سرزمین را در سیر تحول فرهنگ و خط مشی‌های فرهنگی عینیتی نسبی می‌بخشند. در پی این بررسی، از میان اقشار جامعه، وضعیت جوانان و زنان (با فرض تاثیرپذیری

بیشتر آنها از دگرگونیهای اجتماعی) به عنوان مصادیقی از وقوع تحولات اجتماعی - فرهنگی در صحنه اجتماع اجمالاً مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. در ادامه با جهانگردی در ترکیه نیز، به سبب نقش اقتصادی - فرهنگی قابل ملاحظه‌اش آشنا خواهیم شد، و در آخرین فصل این مطالعه مروری خواهیم داشت بر چگونگی وضعیت گذشته و حال پاره‌ای از نهادهای فرهنگی در ترکیه.

علاوه بر مباحث فوق الذکر، در بخش انتهایی کتاب مطالبی نیز در قالب سه بحث «به ضمیمه» می‌باشند، که نخستین آنها، تحت عنوان «ترکیه در یک نگاه» مشخصات کلی این جامعه را بگونه‌ای فهرست وار ارائه می‌نماید (پیشنهاد میشود خوانندگانی که هیچگونه آشنایی با جامعه ترکیه ندارند، مطالعه را با مروری بر این بخش آغاز نمایند). ضمائم دیگر به معرفی: «دانشگاههای ترکیه» و «چگونگی قالبهای رسمی روابط فرهنگی ایران و ترکیه» اختصاص داده شده است.

در غالب مباحث سعی شده است اطلاعات کلی و بنیادی ارائه گردیده و از ورود به جزئیات خودداری شود. بدون تردید هر یک از موضوعات مطرح شده، زمینه‌ای از مطالعات جامع‌تر را بصورتی بالقوه با خود همراه دارند و این مطالعه چونان گامی نخست تلقی می‌شود که محتاج برداشتن گامهای دیگری است که در آینده در پی بیابند و روشنی بیشتری ببخشند. انشاءالله.

لازم به ذکر است که بخش قابل توجهی از آنچه در این دفتر گردآمده است بر بررسیها و گزارشات ارسالی از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا تکیه دارد که حسن فعالیت این مرکز قابل تقدیر است. همچنین در روند تهیه و تدوین این مجموعه از همفکرهای آقای «حسین سلیمی» مدیر گروه اروپا مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی همواره بهره برده‌ایم که بدینوسیله از ایشان صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

* تذکرات:

- زیرنویسهای هر فصل در انتهای فصل آمده‌اند.
- شماره‌های منابع جداول، نمودارها، تصاویر و همچنین مأخذ مطالب ذکر شده در مباحث، معرف شماره‌های در نظر گرفته شده در فهرست منابع انتهایی کتاب می‌باشند؛ شماره‌های لاتین نشانگر منابع لاتین خواهند بود.

- منابع هر فصل بطور مجزا و به تفکیک هر یک از زیر فصلها، در انتهای فصول نیز ذکر شده‌اند.
- ارقام تاریخی مورد نظر مباحث بر مبنای تاریخ میلادی می‌باشند و در موارد استثناء تصریح شده‌اند.

شادان پروند / زهرا سبحانی

تهران ۱۳۷۲



فصل اول

حدود و مشخصات جغرافیایی

جغرافیا را از جمله عوامل موثر بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی ترکیه میتوان بشمار آورد. موقعیت جغرافیایی این کشور از یکطرف، و تنوع آب و هوایی آن از سوی دیگر، تاثیرات فرهنگی اجتماعی قابل توجهی بهمراه داشته است. با توجه به این ویژگی، در آغاز این مطالعه مشخصه‌های جغرافیایی ترکیه را اجمالاً مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- جغرافیای طبیعی

۱-۱-۱- موقعیت جغرافیایی، حدود و وسعت

ترکیه با مختصات جغرافیایی $36/5^{\circ}$ و 42° عرض شمالی، و 26° و 45° طول شرقی در نیمکره شمالی قرار گرفته است و از زمره کشورهای خاورمیانه در غرب آسیا - و نزدیکترین کشور آسیائی به اروپا محسوب میگردد.

ترکیه از جمله کشورهای اوراسیایی^(۱) و پل شرق و غرب محسوب می‌شود، زیرا بخشی از آن در قاره آسیا (حدود ۹۵٪) و بخشی دیگر در قاره اروپا (حدود ۵٪) واقع شده است. مساحت قسمت آسیایی ترکیه ۷۵۵۶۸۸ کیلومتر مربع و مساحت قسمت اروپایی آن ۲۳۷۶۴ کیلومتر مربع می‌باشد. بخش آسیایی ترکیه به «آناتولی» یا «آسیای صغیر» و بخش اروپایی به «تراس شرقی» شهرت دارد.

این دو بخش بوسیله دریای مرمره و توسط دو تنگه از یکدیگر جدا گردیده‌اند. تنگه «داردانل» (محل ارتباط دو دریای مرمره و اژه)، و تنگه «بوسفور» (راه ارتباطی دریای سیاه و دریای مرمره). شهر تاریخی استانبول نیز در ساحل تنگه بوسفور واقع شده است. (ر.ک. نقشه شماره ۱)

از نظر وسعت، ترکیه با ۷۸۰۵۸۰ کیلومتر مربع مساحت (کمتر از نصف مساحت ایران)، سی و پنجمین کشور جهان محسوب میگردد و دارای ۲۷۵۳ کیلومتر مرز خشکی با کشورهای همجوار و ۸۳۳۳ کیلومتر مرز آبی با دریاها و پیرامون می‌باشد. (ر.ک. جدول شماره ۱)



نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی کشور ترکیه

این کشور از شمال با دریای سیاه، از شرق با ایران و شوروی سابق، از جنوب با دریای مدیترانه و کشورهای سوریه و عراق و از غرب با دریای اژه، یونان و بلغارستان محصور شده است. بخشی از مرز شمال شرقی ترکیه (مابین شوروی سابق و ترکیه) را نیز شعبه‌ای از رود ارس تشکیل می‌دهد. (ر.ک. نقشه شماره ۱)

در دریای اژه و مرمره نیز جزایری متعلق به کشور ترکیه موجود است که مهمترین آنها در دریای اژه، جزایر ازمیر (Izmir)، ادرمیت (Edremit) و ایمروز (Imroz) می‌باشند. سایر جزایر ترکیه در دریای اژه عبارتند از: گوگجه، مرمره، اوزون، بزجه، علی بن، تورکلی.

مرزهای خشکی و آبی	
طول (کیلومتر)	مرز خشکی
۴۵۴	ایران
۲۶۹	بلغارستان
۸۷۷	سوریه
۱۱۰	شوروی سابق
۳۳۱	عراق
۲۱۲	یونان
۲۷۵۳	جمع کل
طول (کیلومتر)	مرز آبی
۶۴۸۰	سواحل آناتولی در کنار دریای مدیترانه و اژه
۷۸۶	سواحل بخش اروپایی
۱۰۶۷	سواحل جزایر
۸۳۳۳	جمع کل

جدول شماره ۱: طول مرزهای خشکی و آبی ترکیه

مأخذ: منبع شماره 3

۲-۱-۱- ارتفاعات

ترکیه سرزمینی کوهستانی است که کوههای آن، عمدتاً متعلق به دوران سوم زمین شناسی می باشد. بخش آسیایی ترکیه شامل کمربندی از سلسله کوههای جوان با ارتفاع متوسط ۱۱۰۰ متر از سطح دریا می باشد که این ارتفاعات مشرف بر نواحی داخلی ترکیه هستند و بخشهای مرکزی فلات آناتولی را احاطه کرده اند. کوههای «پونتیک» در شمال فلات آناتولی و کوههای «توروس» نیز در جنوب این کشور قرار دارند. قله cilodagi با ۴۱۱۶ متر ارتفاع در مشرق ارتفاعات «توروس» مرتفع ترین نقطه این منطقه محسوب می شود. رشته کوه آنتی تورس نیز در شرق و مرکز فلات آناتولی واقع شده است. کوههای این قسمت از ترکیه شامل قله بلند و مرتفع و مخروطهای آتشفشانی است.

مرتفعترین قله در ترکیه، قله آارات با ۵۲۴۳ متر ارتفاع (واقع در مرز ایران و ترکیه و شوروی) می باشد. و سایر قله مهم ترکیه عبارتند از: قله سبجان (۴۱۴۶ متر)، مه لتو (Meleto)

۳۵۵۰ متر ارتفاع)، باقر (۳۳۷۰ متر ارتفاع)، مرسون (Mercun ۳۱۵۰ متر ارتفاع)، دمیر (Demir ۳۱۵۰ متر ارتفاع).

۳-۱-۱- رودخانه‌های مهم

رودخانه‌های مهم ترکیه را می‌توان در قالب رودهای حوضه دریای مدیترانه، رودهای حوضه دریای سیاه و رودهایی که از ترکیه خارج می‌شوند، مورد بررسی قرار داد:

الف) حوضه دریای مدیترانه

از مهمترین رودخانه‌های این حوضه «سیحان» و «جیحان» می‌باشند که از کوههای «توروس» و «آنتی توروس» سرچشمه گرفته و در جنوب ترکیه به دریای مدیترانه می‌ریزند.

ب) حوضه دریای سیاه

در حوضه دریای سیاه واقع در شمال ترکیه دو رودخانه قزل ایرماق (Kizi -Irmak) و یاشیل ایرماق (Yashil - Irmak) جاری می‌باشند که هر دو از کوههای شمال شرقی ترکیه سرچشمه گرفته و به دریای سیاه می‌ریزند.

ج) رودخانه‌هایی که از ترکیه خارج می‌شوند

رودخانه قره‌سو (که در سوریه و عراق به فرات مشهور است) از کوههای شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۱۲۶۳ کیلومتر از مسیر خود در خاک ترکیه وارد سوریه و سپس عراق می‌گردد و در نهایت به خلیج فارس می‌ریزد.

همچنین رودخانه‌های دیکله نهری (Dikle Nahri) که در عراق و سوریه به دجله معروف است؛ از کوههای «توروس» در جنوب ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسیر خود در خاک عراق به خلیج فارس می‌ریزد. این رود نیز ۵۲۳ کیلومتر از مسیر خود را در ترکیه طی می‌نماید. رودخانه‌های دیکله نهری (دجله) با ۱۸۱۵ کیلومتر و قره سو (فرات) با ۲۶۹۶ کیلومتر و قزل ایرماق با ۱۱۰۰ کیلومتر طول، از جمله طولترین رودهایی هستند که در ترکیه جریان دارند و از این میان بزرگترین رودخانه‌ای که تماماً در مالکیت ترکیه می‌باشد، رودخانه قزل ایرماق است.

رود ارس واقع در مرز ترکیه و شوروی سابق نیز از دیگر رودهای مهم ترکیه محسوب می‌گردد. بخشی از این رود نیز مرز مشترک ایران و شوروی سابق را تشکیل می‌دهد و به دریای خزر می‌ریزد.

حوضه	نام رود	طول (کیلومتر)
حوضه دریای مدیترانه و اژه	جیحان	۵۰۹
	سیحان	۵۰۶
	گریزنهر	۳۵۰
	مندرس	۲۶۵
	گوق نهر	۱۴۰
حوضه دریای سیاه	قزل ایرماق	۱۱۰۰
	ساکاریا	۸۲۴
	باشیل ایرماق	۴۶۰
رودخانه‌هایی که از ترکیه خارج میشوند	فوات	۱۲۶۳ (طول مسیر)
	دجله	۵۲۳ (در خاک ترکیه)
	ارس	۵۴۸

جدول شماره ۲: رودخانه‌های مهم ترکیه
 مأخذ: منبع شماره ۱۰

۴-۱-۱- دریاچه‌ها

ترکیه دارای دریاچه‌های متعددی است. بزرگترین آنها دریاچه «وان» است که دریاچه‌ایست با آب شور. اندازه، مقدار آب و سطح آب این دریاچه در فصول مختلف سال با توجه به میزان بارندگی و تبخیر، متغیر و ناپایدار است. دریاچه «وان» ۳۷۱۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و در شرق ترکیه واقع است.

از دیگر دریاچه‌های مهم ترکیه می‌توان از توز (Tuz) آک شهیر (Akshehir) بی شهیر (Beyshehir) و اگریدیر (Egridir) نام برد.

نام دریاچه	وان	توز	بی شهیر	اگری دیر	اکشهیر	ایزینیک
استان	وان	قونیه	قونیه	اسپارتا	قونیه	بورسا
وسعت (کیلومتر)	۳۷۱۳	۱۵۰۰	۶۵۶	۴۶۸	۳۵۳	۲۹۸
عمق (متر)	۱۶۴۶	۹۲۵	۱۱۲۱	۹۱۶	۹۵۸	۸۵
نام دریاچه	بوردور	کوش	آسی	اولیات	ابر	سیلیدر
استان	بوردور	بالکسیر	قره حصار	بورسا	قره حصار	قارص
وسعت (کیلومتر مربع)	۲۰۰	۱۶۶	۱۵۳	۱۳۴	۱۲۶	۱۱۵
عمق (متر)	۸۴۵	۱۵	۸۲۶	۵	۹۶۷	۹۵۹

جدول شماره ۳: دریاچه‌های ترکیه (با بیش از ۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت).
 مأخذ: منبع شماره ۱۰

۵-۱-۱- دریاها و خلیجها

دریای سیاه در شمال ترکیه و دریای مدیترانه در جنوب و دریای مرمره ما بین دو بخش آسیایی و اروپایی این کشور واقع شده‌اند. دریای مرمره در بخش شمالی بوسیله تنگه «بسفور» به دریای سیاه و در بخش جنوبی بوسیله تنگه «داردانل» به دریای اژه مربوط میگردد. مهمترین خلیج‌های ترکیه عبارتند از: آدالیا (Adalia) و خلیج الکساندر (اسکندرون) در جنوب، و خلیج کرمه (Kerme) در جنوب غربی.

۶-۱-۱- پوشش گیاهی

نواحی وسیعی از خاک ترکیه در جنوب و غرب و شمال غربی، دارای پوشش گیاهی انبوه و متراکم (خاص نواحی مدیترانه‌ای)، و از بوته‌ها و علفزارهای کوچک و تنک پوشیده شده است. در حالیکه سواحل دریای سیاه، محل متراکمترین نواحی جنگلی ترکیه می‌باشد. بخشهای داخلی و خشک فلات آناتولی نیز جایگاه استپها با علفها و بوته‌های کوتاه می‌باشد و حیوانات وحشی چون گرگ و روباه، گراز، کفتار، گربه وحشی، خرس، گوزن و آهو در این مناطق یافت می‌شوند. بز، شتر و گاومیش نیز از جمله حیوانات اهلی این مناطق به شمار می‌روند.

۷-۱-۱- خاک

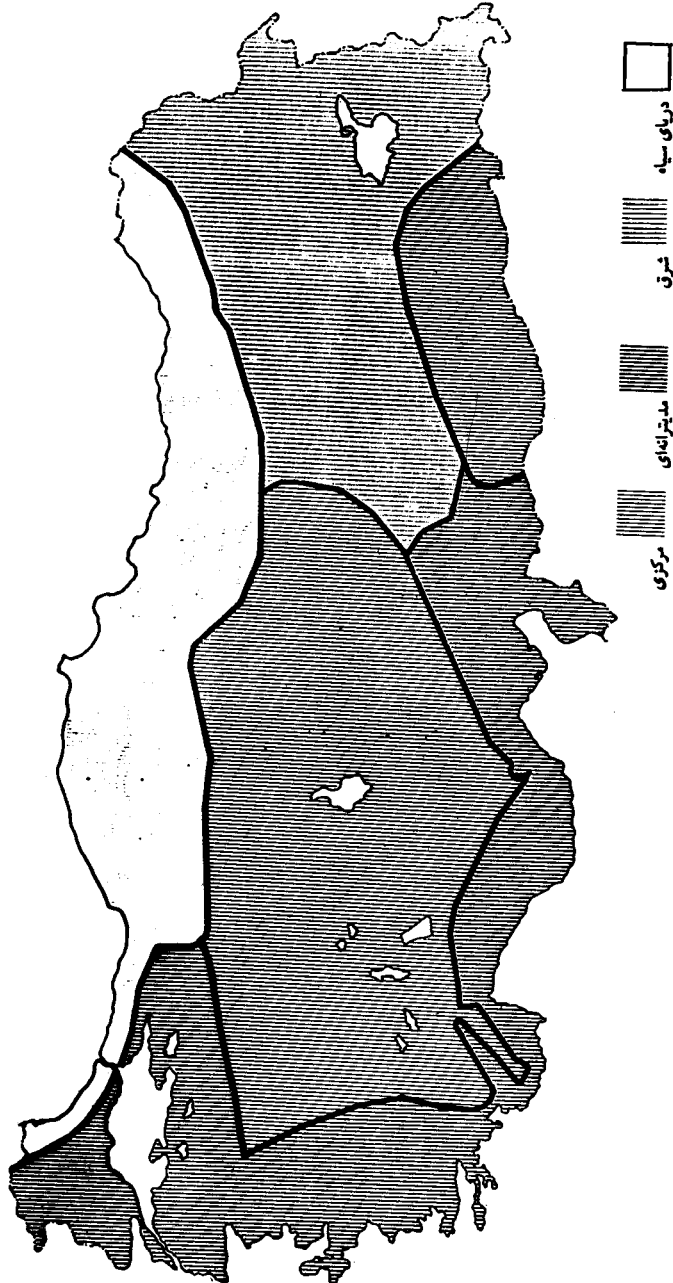
حدود $\frac{2}{5}$ از زمینهای ترکیه، اراضی قابل کشت و زرع می‌باشند و بیش از $\frac{1}{4}$ از این زمینها به کشت غلات اختصاص دارد. حدود $\frac{1}{7}$ از اراضی موجود و قابل استفاده را نیز چراگاهها و مراتع تشکیل می‌دهند.

۸-۱-۱- آب و هوا

به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص ترکیه وجود ارتفاعات و دوری و نزدیکی مناطق مختلف آن به دریا، آب و هوای متنوعی در این کشور وجود دارد. ولی به طور کلی ۴ منطقه آب و هوایی در آن قابل تشخیص است:

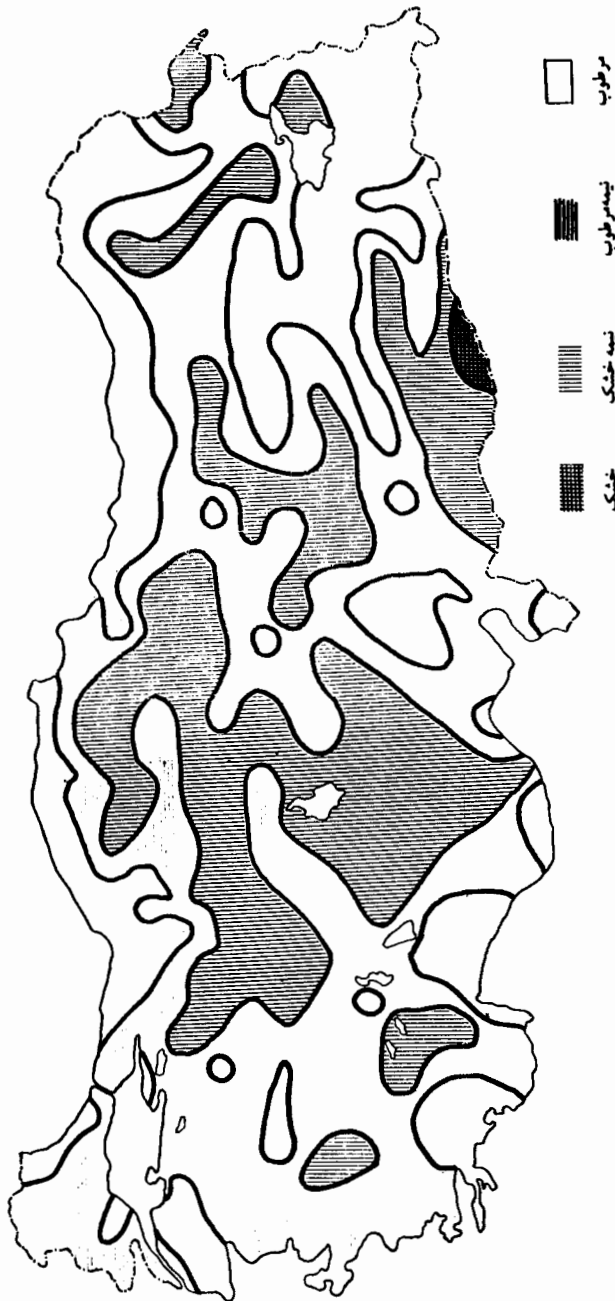
نقشه شماره ۲: تفکیک مناطق آب و هوایی ترکیه

مأخذ منبع شماره: 10



نقشه شماره ۳: تنوع آب و هوایی ترکیه.

مآخذ منبع شماره: 10



- الف) سواحل جنوب و غرب بدلیل مجاورت با دریای مدیترانه دارای آب و هوای مدیترانه‌ای است (تابستانهای گرم و زمستانهای ملایم و مرطوب) بالاترین درجه حرارت به طور متوسط ۲۹° سانتیگراد در جولای (مرداد ماه) است.
- ب) سواحل دریای سیاه دارای تابستانهای گرم و زمستانهای معتدل و مرطوب است و به طور متوسط ۲۴۳۸ میلیمتر بارندگی در سال دارد.
- ج) بخشهای شرق و شمال شرقی ترکیه، دارای آب و هوای کوهستانی است. تابستانها معتدل و زمستانها بسیار سرد و خشک می‌باشد. متوسط درجه حرارت در این مناطق در ماههای سرد سال ۱۲° - سانتیگراد است.
- د) بخشهای مرکزی فلات آناتولی دارای آب و هوای خشک بری است. تابستانهای آن گرم و خشک و زمستانها سرد و مرطوب است. (ر.ک. به نقشه شماره ۳ و ۲).

۹-۱-۱- بارندگی

با توجه به تنوع آب و هوا در ترکیه، در ارتباط با چگونگی بارندگی نیز اختلافات اساسی میان نواحی مختلف آن وجود دارد. به این ترتیب که ویژگیهای آب و هوای بری (با مشخصه بارندگی در سراسر سال) و آب و هوای نیمه استوایی (با مشخصه تابستانهای گرم و کم باران) به طور همزمان قابل مشاهده است. به طور کلی در ترکیه، بارندگیهای سنگین در دامنه کوهها و نواحی ساحلی مجاور دریا اتفاق می‌افتد و هر قدر به سمت نواحی داخلی پیش برویم از میزان بارندگی کاسته می‌شود. (ر.ک. نقشه شماره ۴).

سواحل دریای سیاه - در شمال - در تمام طول سال بارندگی دارند. در سواحل دریای مرمره و مدیترانه و اژه پائیز آغاز فصل بارندگی است که تا اواخر بهار ادامه می‌یابد. شرق ترکیه چنانکه اشاره شد دارای زمستانهای خشک بوده و فصل بارانی آن به هنگام بهار می‌باشد. در نواحی داخلی و جنوب شرقی آناتولی، بارندگی عمدتاً در بهار صورت می‌گیرد و نواحی غربی و جنوب غربی، علیرغم نزدیکی به دریا و رطوبت، دارای تابستانهای کم باران می‌باشند.

لازم به ذکر است که بالاترین و پائین‌ترین متوسط بارندگی سالانه را به ترتیب، استان‌های رایز (Rize) با ۲۳۲۳/۲ میلیمتر باران و قونیه (Konya) با ۳۲۶/۳ میلیمتر باران دارا مینباشند. رایز همچنین دارای بالاترین درصد رطوبت نسبی سالانه (۷۷٪) و بیشترین تعداد متوسط روزهای بارانی (۱۷۳/۵ روز) است. در این ارتباط پائین‌ترین درصد رطوبت نسبی متعلق به

دیاربکر (Diyarbakir) با رطوبت ۵۳٪ است.

آنتالیا (Antalya) نیز در ساحل دریای مدیترانه دارای کمترین میزان متوسط روزهای بارانی در سال است (۷/۶ روز بارانی در سال).

۱۰-۱-۱- درجه حرارت

گوناگونیهای اقلیمی ترکیه تنوع درجه حرارت را نیز در این کشور، با خود همراه دارد. به طور کلی مناطقی که در فاصله دورتری از دریاها و تأثیرات معتدل کننده آن قرار گرفته‌اند، در مقایسه با سایر نواحی دارای تابستانهای گرمتری هستند، در حالیکه بخشهای شمال شرقی فلات آناتولی و دامنه کوهستانها دارای تابستانهای خنکتری می‌باشند. در طول سردترین ماههای سال در زمستان (ژانویه و فوریه) نیز اختلاف مهمی میان درجه حرارت نواحی ساحلی و مناطق سرد داخلی قابل مشاهده است. سواحل جنوبی ترکیه در طی زمستان آب و هوای معتدل دارند و متوسط درجه حرارت آنها بین ۱۲ و ۸ درجه سانتیگراد در نوسان

ناحیه	استان	متوسط بارندگی (میلیمتر)	رطوبت نسبی (%)	تعداد روزهای بارانی
شمال	زنگولداک	۱۲۲۳/۸	۷۳	۱۳۹/۱
	سامسون	۷۳۵	۷۲	۱۳۳/۸
جنوب	آدانا	۶۴۱/۶	۶۶	۷۶/۴
	گزیانتپ	۵۵۶/۲	۶۰	۸۴/۵
شرق	وان	۳۷۷	۶۰	۸۵/۷
	قارص	۱۱۰/۸	۶۸	۱۳۴/۷
غرب	استانبول	۶۷۷/۴	۷۵	۱۳۵/۶
	ازمیر	۶۹۸	۶۵	۸۱/۸
مرکزی	آنکارا	۳۷۱	۶۰	۱۰۲/۴
	سیواس	۴۱۳/۳	۶۴	۱۱۰/۹

جدول شماره ۴: تنوع متوسط بارندگی، رطوبت نسبی و تعداد روزهای بارانی در ۱۰ استان منتخب در ۵ ناحیه از کشور ترکیه - در طی دوره‌های زمانی مشاهده ۴ تا ۵۵ ساله، آمار ۱۹۸۹.

مأخذ: منبع شماره 10

نقشه شماره ۴: متوسط بارندگی سالانه، تقسیم بندی مناطق بر اساس نزولات جوی.
مأخذ: منبع شماره 10



ناحیه	استان	ارتفاع از سطح دریا (متر)	حداقل درجه (سانتیگراد)	حداکثر درجه (سانتیگراد)	متوسط درجه سالانه (سانتیگراد)
شمال	زنگولداک	۱۳۶	فوریه ۸ -	اوت ۳۹/۸	۱۳/۵
	سامسون	۴۴	مارس ۷ -	اکتبر ۳۶/۷	۱۴/۴
جنوب	آدانا	۲۰	ژانویه ۸/۴ -	اوت ۴۵/۶	۱۸/۸
	گزیانتیپ	۸۵۵	ژانویه ۱۷/۵ -	اوت ۴۲/۸	۱۴/۵
شرق	وان	۱۷۲۵	ژانویه ۲۸/۷ -	اوت ۳۶/۷	۶/۶
	قارص	۱۷۷۵	ژانویه ۳۹/۶ -	جولای ۳۴/۸	۴/۲۰
غرب	استانبول	۳۹	ژانویه ۱۳/۹ -	اوت ۴۰/۵	۱۴
	ازمیر	۲۵	ژانویه ۸/۲ -	اوت ۴۲/۷	۱۷/۶
مرکزی	آنکارا	۸۵۵	ژانویه ۲۴/۹ -	اوت ۴۰	۱۱/۷
	سیواس	۱۲۸۵	ژانویه ۳۴/۶ -	جولای ۳۸/۳	۸/۶

جدول شماره ۵: درجه حرارت سالانه در ۱۰ استان منتخب در ۵ ناحیه از کشور ترکیه در طی دوره‌های زمانی مشاهده ۴۱ تا ۶۳ ساله، آمار ۱۹۸۹. مأخذ: منبع شماره ۱۰

ناحیه	استان	تعداد روزهای برفی	تعداد روزهای یخبندان	ساعات آفتابی
شمال	زنگولداک	۱۱/۸	۱۵/۳	۵/۵۹
	سامسون	۸/۸	۱۲/۴	۴/۵۵
جنوب	آدانا	-	۶/۶	۸/۰۶
	گزیانتیپ	۱۳/۲	۵۶/۵	۸/۰۹
شرق	وان	۸۰/۴	۱۳۲/۱	۷/۴۸
	قارص	۱۰۶/۵	۱۸۰	۶/۳۴
غرب	استانبول	۸/۲	۲۱/۷	۶/۳۲
	ازمیر	-	۶/۲	۸/۰۸
مرکزی	آنکارا	۲۲/۳	۸۵/۵	۷/۲۵
	سیواس	۶۲/۱	۱۲۳/۳	۶/۵۵

جدول شماره ۶: متوسط سالانه تعداد روزهای برفی، یخبندان و ساعات آفتابی در ۱۰ استان منتخب در ۵ ناحیه از کشور ترکیه در طی دوره‌های زمانی مشاهده ۳۰ تا ۵۵ ساله، آمار ۱۹۸۹. مأخذ: منبع شماره ۱۰

است. در سواحل غربی و شمالی نیز زمستانها زیاد سرد نمی‌شود و متوسط درجه حرارت در ژانویه بین ۵ و ۷ درجه سانتیگراد متغیر است. این در حالی است که آناتولی شرقی و بخشهای داخلی ترکیه به دلیل همجواری با کوهستانها (که همچون سپری مانع از رسیدن جریانات تعدیل کننده هوا به نواحی داخل هستند) دارای زمستانهایی سرد هستند و متوسط بالاترین درجه حرارت در این مناطق بین صفر و ۱۰- درجه سانتیگراد است.

متوسط درجه حرارت سالانه در سواحل جنوبی بین ۲۰- ۱۸ درجه، در سواحل غربی حدود ۱۵- ۱۴ درجه و در آسیای صغیر (بر اساس موقعیت مکانها از متوسط سطح دریا) بین ۱۸- ۴ درجه سانتیگراد در نوسان است.

در میان شهرهای ترکیه، بالاترین و پائین ترین متوسط درجه حرارت به ترتیب در شهرهای آنامور (Anamur، ۱۹/۵ درجه سانتیگراد) و کاراکوز (Karakose با ۵/۹ درجه سانتیگراد) مشاهده گردیده است.

شهر «کاراکوز» همچنین با متوسط ۱۱۶/۴ روز برفی در سال بالاترین میزان متوسط سالانه روزهای برفی را دارا می‌باشد و این در حالی است که «ازمیر»، «آتالیا» و «آدانا» فاقد روزهای برفی می‌باشند. بالاترین متوسط تعداد روزهای یخبندان نیز متعلق به استان قارص (Kars) می‌باشد با ۱۸۰ روز یخبندان در سال، (حدود نیمی از سال).

از نظر متوسط سالانه ساعات آفتابی، شهر «آنامور» (Anamur) با ۸/۷۴ ساعت بالاترین «رایز» با ۴/۲۲ ساعت پائین ترین میزان را در اختیار دارند.

۲-۱- جغرافیای انسانی

۱-۲-۱- نژاد

۱-۲-۱-۱- نژاد ترک

موطن اصلی مردمی که امروز «ترک» خوانده می‌شوند، به درستی معلوم نیست. برخی معتقدند که ترکهای اصلی، از آغاز، در جنوب سبیری و ترکستان می‌زیستند، بعدها به سوی غرب و جنوب مهاجرت کرده و پراکنده شدند. تا قبل از قرن ششم میلادی، این مردم، اقوامی بدوی بودند که بطور پراکنده در آسیای مرکزی زندگی می‌کردند و با اسامی قبیله‌ای خود شناخته می‌شدند. گاه چندین قبیله دور هم گرد آمده و دست به مهاجرت‌های عظیمی می‌زدند. گاه نیز با انتخاب رهبری از میان خود سرزمینهای پیرامون را مورد تهاجم و تاخت و

تاز قرار می دادند. در نیمه اول قرن ششم میلادی، گروهی از این اقوام ترک، آلتایی، از سکونتگاههای خود مهاجرت کرده و با همراهی برخی دیگر از قبایل همجوار، امپراطوری را تشکیل دادند که قلمرو آن از مغولستان تا دریای سیاه را در برمی گرفت. عنوان «ترک»، ظاهراً، نخستین بار بوسیله بنیانگذاران این امپراطوری انتخاب و اطلاق شده است. آنان خود را «توروک» (Turuk) به معنی «قوی» خواندند. این امپراطوری، دو دسته ترکان شرق و غرب را شامل می شد که در ابتدا هر دو تابع امپراطوریهای چین بودند، و بعدها به استقلال رسیده و انشعابات از آنها فراهم آمد و امپراطوریهای متعددی پا گرفت از جمله امپراطوریهای ترکان سلجوقی و عثمانی در آسیا.

امروز، «ترک» اصطلاحی است که در معنی وسیع خود بر مردمی اطلاق می گردد که، بویژه، به زبان ترکی تکلم می نمایند. صرف نظر از برخی استثناها (۲)، مردم ترک عمدتاً در محدوده آسیا بسر می برند، و مهمترین پیوند فرهنگی آنها، جدا از تاریخ و زبان، دین است. همه آنها مسلمان هستند. (۳) مردم ترک را در حال حاضر می توان به دو گروه عمده تقسیم نمود: شرقی و غربی. گروه شرقی، مردم ترک اتحاد جماهیر شوروی سابق و منطقه چینی سین-کیانگ (Sinkiang) را در برمی گیرد، و گروه غربی، شامل مردم ترک اروپا و ترکهای است که در غرب آسیا ساکن بخش آسیایی ترکیه و همچنین شمال غرب ایران و جمهوری آذربایجان می باشند.

جدا از ترکهای ترکیه، و تا قبل از شکل گیری جمهوریهای مختلف شوروی و همچنین حکومت مستقل سین کیانگ در چین، می توان گفت که هیچیک از مردم ترک دارای موجودیت سیاسی و ملی دائمی نبوده اند.

امروز بیشترین تعداد مردم ترک بعد از ترکهای ترکیه، ازبکهای (Uzbek) اتحاد جماهیر شوروی سابق و افغانستان می باشند. و گروههای قابل توجه دیگر را، قزاقها (Kazakh)، و قرقیزها (Kirgiz) و تاتارهای (Tatar) ساکن اتحاد جماهیر شوروی سابق، و همچنین ترکمنهای ایران، افغانستان و شوروی سابق و آذربایجانهای آذربایجان شوروی سابق و ایران تشکیل می دهند.

۲-۱-۲-۱- نژاد ترک در ترکیه

درباره اولین کسانی که در سرزمین آناتولی زندگی کرده اند اطلاع زیادی در دست نیست،

آنچه مسلم است از زمانهای بسیار دور اقوام و تمدنهایی در این منطقه سکونت داشته‌اند. در آناتولی درباره قدمت استقرار آدمی در این سرزمین افسانه‌ای وجود دارد، در این افسانه آمده است:

... آن زمان که حضرت آدم پیر و فرسوده گردید، عزرائیل به نزدش آمد تا جاننش را بستاند و آدم و اوسین خواهش خود را با عزرائیل در میان نهاد و از او خواست تا قبل از مرگش یکبار دیگر زادگاهش را ببیند و عزرائیل پذیرفت. آن دو به راه افتادند و بسیار جستجو نمودند، اما نیافتند. در بازگشت از فراز آناتولی شرقی گذر کردند و حضرت آدم با نگاهی به پائین مردمی را دید که با خرمنکوب به کوبیدن گندم کشتزارهایشان مشغول بودند و گفت اینجا زادگاه من است. (۴)

بنابر نظر باستان‌شناسان و یافته‌های باستانی، نخستین قوم بزرگی که در آناتولی زندگی کرده است، قوم «هیتیان» (Hittites) بوده است که در فاصله ۲ هزار تا هزار و صد سال قبل از میلاد مسیح می‌زیستند، و صاحب تمدنی همپای تمدن مصر بوده‌اند. «هاتوساس» (Hattusas)، واقع در شرق آنکارا، پایتخت این قوم در ۱۱۹۰ ق. م توسط مهاجمینی بیگانه مورد تهاجم قرار گرفته و به آتش کشیده می‌شود. از این قوم حجاریها ابزار و الواح سنگی و گلی، تویهای زیرزمینی... کشف گردیده است که آن‌ها را با تمدن مصر قابل قیاس دانسته‌اند. ترکها نیز غالباً تمایل دارند که گذشته و تداوم تاریخ خود را به این قوم متصل بدانند، آتاتورک نیز از همین دیدگاه، برای تشویق روحیه ناسیونالیستی در مردم، این شعار را اعلام می‌نمود: «من ترک هستم نژاد و زبان من بزرگ است».

با اینحال، آنچه در مورد ترکیه قابل ذکر است این است که از دیرباز به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، که چون پلی میان آسیا و اروپا عمل می‌کرده است، همواره قبایل مهاجر بسیاری از آن گذر کرده‌اند و طبعاً، همواره نیز بسیاری از آنها در آن مستقر شده‌اند و لذا ترکیه طی قرن‌ها، جایگاه اختلاط گروه‌های مختلف فرهنگی و نژادی بوده است. نژادهای بسیاری پدید آمده‌اند و نابود گردیده‌اند. اما در این میان یکی از قطعیترین تاثیرات را باید در قرن یازدهم میلادی و در زمان تاخت و تاز و استیلای ترکهای آسیای مرکزی - مغولستان و سرحدات چین - جستجو کرد. (۵) از این زمان بود که در اثر اختلاط نژادی این ترکهای مهاجم با نژاد مدیترانه‌ای ترکیب نژادی جدیدی، مدیترانه‌ای - مغولی، به قومیت و سرزمین آناتولی راه یافت. بنظر می‌رسد ریشه نژادی غالب، مدیترانه‌ای - ترکی باشد که به سواحل غربی و

جنوبی راه یافت و با نژاد آلبی در نواحی مرکزی و شرقی ترکیب گردید. تاثیرات ناشی از ورود اقوام مختلف به ترکیه را می‌توان در چهره مردم این کشور مشاهده نمود. مانند تیپ مغولی، ترکمنها با چشمانی تنگ و مورب، «چرکسی‌ها» با پوستهایی روشن که ریشه در ناحیه قفقاز دارند، ترکهای مویور و چشم آبی که در حوالی دریاچه وان بیشتر قابل مشاهده‌اند، ترکان سرخ موی که احتمالاً از آلمان یا شمال اروپا به این منطقه آمده‌اند، یا تیپ‌های یونانی با پوستهای زیتونی. علیرغم این گوناگونی، تیپ خاص ترکها تسلط و حاکمیت خود را از لحاظ کمی و کیفی حفظ کرده است. در توصیف این تیپ آمده است: «ترکها بطور کلی مردمی جسور، بلند قد، قوی بنیه با سیمایی عبوس ولی نجیب هستند که در زیر ابروان سیاه آنها چشمان باهوششان برق می‌زند». (۶)

جدا از ترک بودن که چون رشته‌ای اقوام مختلف این سرزمین را به یکدیگر پیوند داده است، کردها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، یونانیها و عربها اقلیتهایی قابل ذکری هستند که در نقاط مختلف ترکیه ساکن می‌باشند. درباره جمعیت این اقلیتها آمارهای دقیقی در دست نیست. «کردها» بزرگترین اقلیت ترکیه می‌باشند و جمعیت آنها را در حدود ۱۰ میلیون نفر تخمین می‌زنند. این گروه به زبان کردی و با لهجه‌های مختلف (کرمانجی، زازا...) تکلم می‌نمایند. خانواده‌های سنتی کرد در نواحی فقیر و دور افتاده شرق و جنوب شرقی زندگی می‌کنند و از نظر اقتصادی اجتماعی نمی‌توانند با دیگر مناطق کشور برابری کنند. «ارمنی‌ها»، اقلیت دیگری هستند که عمدتاً در پیرامون و شمال دریاچه «وان» زندگی می‌کنند، گروهی از آرامنه ثروتمند نیز در استانبول ساکن می‌باشند.

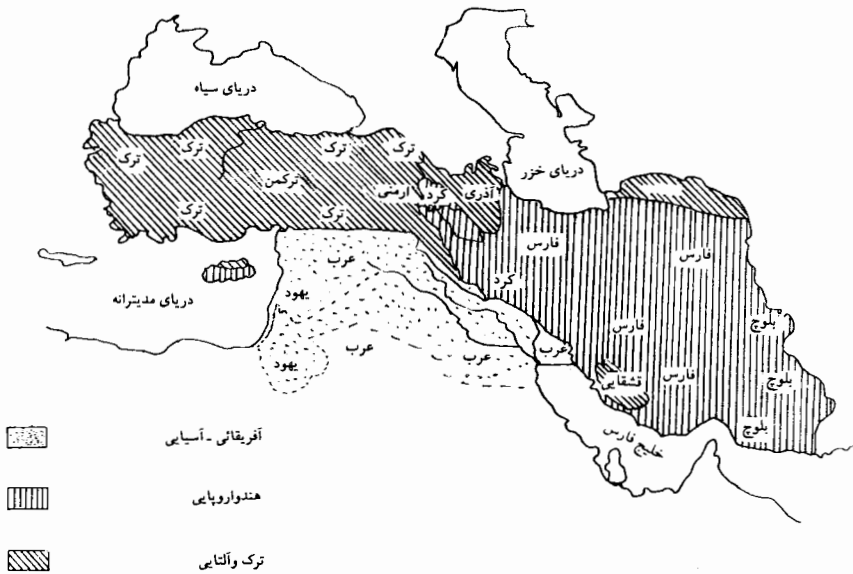
«گرجی‌ها»، نیز در سواحل دریای سیاه، میان طرابوزان و مرز گرجستان شوروی سابق ساکن می‌باشند «یونانیها»، در استانبول و از میر سکونت دارند و «عربها» در کنار مرز کشورهای عراق و سوریه و در جنوب شرقی ترکیه زندگی می‌کنند. نقشه شماره ۵ پراکندگی اقوام مختلف، نژادی - زبانی، را در ترکیه و کشورهای همجوار آن نشان می‌دهد.

در میان اقلیتهای قومی، دو اقلیت کرد و ارمنی، به دلیل سعی در حفظ اصالتهای قومی و مذهبی و تأکید بر آن، همواره از حل شدن در جامعه ترک خودداری کرده و بدین لحاظ همواره نیز مورد توجه دولتهای ترکیه قرار داشته‌اند.

در میان کردهای ترکیه، پاپیندی به اعتقادات مذهبی دارای جایگاه ویژه‌ای است به نحوی که تعصب مذهبی را یکی از ویژگیهای این قوم بر شمرده‌اند. - کردها غالباً سنی مذهب بوده و

گرایش شافعی دارند و علاوه بر آن اعتقاد به فرقه علویه و صوفیه هم بعضاً در میان آنان دیده می‌شود.

ارامنه ترکیه نیز، پیوسته تلاش نموده‌اند حول محور قومیت، هویت قومی خود را حفظ نموده، ارزشهای اعتقادی خود را پاس دارند. شمار افراد این قوم، در اثر مهاجرت‌های گروهی در گذشته، امروز بسیار کاهش یافته است. در عهد عثمانی و در حدود قرن نوزدهم میلادی، تحت شرایط دشوار اجتماعی و سیاسی، گروه عظیمی از ارامنه ترکیه ناگزیر از مهاجرت به کشورهای دیگر شدند. بطور مثال، در خلال جنگ جهانی اول، حدود ۶۰۰ هزار ارمنی به سوریه کوچ کردند و گفته‌اند که در همین زمان تعداد قابل ملاحظه‌ای نیز توسط دولت عثمانی از میان رفته‌اند. ظاهراً به دلیل هراس دولت عثمانی از همکاری آنان با روسیه، که این امر امروز انگیزه‌ای شده است برای انتقامجویی گروه‌های ناسیونالیست افراطی ارمنی، و ترور دیپلمات‌های ترک توسط این افراد یکی از اقدامات تلافی‌جویانه آنان بشمار می‌رود. توجه به مسائل کردها و ارامنه، در داخل و خارج کشور همواره در سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه مورد توجه بوده است.



نقشه شماره ۵: پراکندگی اقوام مختلف، نژادی - زبانی، در ترکیه و کشورهای همجوار آن.

مأخذ: منبع شماره ۱۰

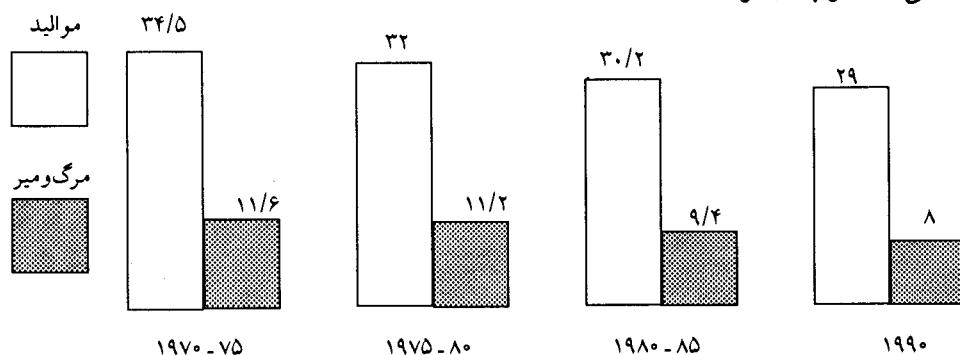
۲-۲-۱- جمعیت

۱-۲-۲-۱- حرکات جمعیت

الف- رشد جمعیت

جمعیت ترکیه براساس برآورد سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۰، به ترتیب ۴۴۷۳۶۹۵۷، ۵۰۶۶۴۴۵۸ و ۵۶۷۰۴۳۲۷ نفر ذکر شده است، نگاهی به ارقام میزان جمعیت، بیانگر این نکته است که جمعیت ترکیه در طی یک دوره ده ساله، ۱۱۹۶۷۳۷۰ نفر افزایش یافته است و به عبارت دیگر رشد جمعیت در سال ۱۹۹۰ نسبت به ۱۹۸۰، ۲۶/۷۵٪ افزایش را نشان می‌دهد.

نرخ رشد سالانه جمعیت در ترکیه بطور تقریبی در حدود ۲/۱٪ می‌باشد، که نتیجه منطقی میزان مولید بالا (۲۹ در هزار) و متوسط مرگ و میر (۸ در هزار) است، و نرخ نسبتاً بالائی محسوب می‌گردد.



نمودار شماره ۱: مقایسه میزان مولید و مرگ و میر در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ - میلادی

مآخذ ارقام: منابع شماره 4، 9، 10

همانگونه که نمودار فوق نشان می‌دهد، علیرغم روند نزولی نرخ مولید و مرگ و میر در طی دوره ۲۰ ساله مورد بررسی، فاصله میان مولید و مرگ و میر کاهش قابل توجهی را نشان نداده و همواره بین ۲۳ تا ۲۱ در هزار در نوسان بوده است، که به معنی عدم تغییر محسوس نرخ رشد جمعیت کشور در این فاصله زمانی است. نرخ مرگ و میر کودکان در ترکیه در حدود ۷۴ در هزار (در سال ۱۹۹۰) و میانگین بعد خانوار (در سال ۱۹۸۵) ۵/۲ نفر بوده است.

ب - مهاجرت

براساس آمار رسمی ارائه شده از سوی مرکز آمار ترکیه (وابسته به نخست وزیری) تعداد مهاجران و پناهندگان به کشور ترکیه از سایر کشورهای منطقه در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ به شرح جدول شماره ۷ می باشد.

در بررسی موضوع مهاجرت در ترکیه توجه به مهاجرت کارگران ترک لازم بنظر میرسد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و به هنگام بازسازی کشورهای اروپایی و نیاز این کشورها به نیروی کار، کارگران مهاجر بسیاری از ترکیه به این کشورها مهاجرت کردند به نحوی که این حرکت جمعیتی یکی از ویژگیهایی جمعیتی ترکیه محسوب شده آثار و پیامدهای آن هنوز نیز جامعه ترکیه را تحت تأثیر خود دارد. در حال حاضر صرفنظر از کارگران و مقاطعه کاران ترک بسیاری که در کشورهای عربی و بویژه شیخ نشینها و امیرنشینهای خلیج فارس به سر می برند، در حدود یک میلیون کارگر مهاجر ترک و خانواده هایشان در آلمان اقامت دارند این جمعیت که امروز به عنوان یکی از معضلات جامعه آلمان از آن نام برده میشود، از آنجا که علیرغم سالها حضور در جامعه آلمان ارزشهای فرهنگی خود را کم و بیش حفظ نموده اند، در متن جامعه آلمان از مقبولیت اجتماعی و فرهنگی لازم بهره مند نبوده و همواره جامعه آلمان از پذیرش آنان سرباز زده است و در سالهای اخیر نیز بدلیل درگیری این جامعه با بیکاری، حضور این مهاجرین کمتر از گذشته تحمل شده و دولت آلمان تلاش می کند با روشهای تشویقی و یا تنبیهی این جمعیت مهاجر را به کشور خود بازگرداند و این در حالی است که کشور ترکیه نیز با مشکل بیکاری روبرو است و از بازگشت این افراد استقبال نمی کند، مضافاً بر آنکه سالانه وجوه ارزی قابل توجهی نیز از سوی این مهاجرین به ترکیه ارسال می گردد.

مهاجرت ایرانیان به ترکیه نیز از زمانهای بسیار دور به دلایلی چون همجواری دو کشور و تشابهات مذهبی و زبانی و... معمول بوده است. در سالهای بعد از انقلاب و در زمان جنگ ایران و عراق به دلیل شرایط خاص این دوران از یکسو، و عدم نیاز به اخذ روادید برای ورود به کشور ترکیه از سوی دیگر تعداد سفرها و مهاجرت ایرانیان به ترکیه به بیشترین حد خود رسید. - براساس آمارهای غیررسمی ارائه شده، در طول دوره جنگ در حدود ۱ تا ۳ میلیون نفر ایرانی در ترکیه بسر می بردند. (بنابراین به نظر می رسد ارقام ارائه شده از سوی مرکز آمار ترکیه تعداد ایرانیان مهاجر را ملحوظ نداشته است. ر.ک. جدول شماره ۷) - لازم به

۱۹۸۸	۱۹۸۵	۱۹۸۱	مهاجر/ پناهنده
۱۴۰	۱۰۰	۴۳	مهاجر: خانوار
۵۸۳	۳۹۰	۱۷۷	تعداد
۱	-	۴	بلغارستان خانوار
۷	-	۵	تعداد
۳۱	۲۳	۴	رومانی خانوار
۱۰۱	۷۰	۱۲	تعداد
۱	۵	۹	ترکستان خانوار
۷	۲۰	۶۱	تعداد
۹۴	۷۲	۲۵	یوگسلاوی خانوار
۴۱۵	۳۰۰	۹۵	تعداد
-	-	۱	یونان خانوار
-	-	۴	تعداد
۱۳	-	-	سایر کشورها خانوار
۵۳	-	-	تعداد
۲۹۷	۲۰۸	۱۳۷	پناهنده: خانوار
۳۹۲۸	۱۸۰۹	۱۳۰۲	تعداد

جدول شماره ۷: تعداد مهاجران و پناهندگان به ترکیه

مأخذ: منبع شماره ۱۰

ذکر که در سالهای اخیر و مشخصاً پس از خاتمه جنگ آمار مهاجرت‌های ایرانیها به ترکیه کاهش قابل توجهی یافته است.

در ارتباط با مسئله مهاجرت، نکته قابل توجه دیگر موضوع مهاجرت آوارگان ترک زبان افغانی است (۷). در سال ۱۹۸۲ پس از مسافرت کنعان اورن - رئیس جمهور وقت ترکیه - به پاکستان، وی موافقت خود را با اسکان این گروه در نواحی شرقی ترکیه اعلام داشت.

ج - تراکم جمعیت

با توجه به وسعت ترکیه، ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع، در سه مقطع آمارگیری سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۰، تراکم جمعیت در ترکیه به ترتیب ۵۷، ۶۵، ۷۲ نفر در کیلومتر مربع

بوده است، که ضمن آنکه سیر صعودی تراکم جمعیت ترکیه را در فاصله ۱۰ ساله مورد نظر نشان میدهد، در مقایسه با برخی کشورهای همجوار نیز مبین تراکم جمعیتی بالاتری است. برای مثال، تراکم نسبی جمعیت کشور ایران، در آخرین سرشماری ۱۹۸۶، ۳۵ نفر در هر کیلومتر مربع می باشد.

از نظر چگونگی توزیع جمعیت در کشور، ترکیه نیز مانند غالب کشورهای در حال توسعه دارای یک منطقه بشدت متراکم است که با دیگر مناطق فاصله جمعیتی فاحشی را داراست براساس آمار سال ۱۹۸۵، در حالیکه استانبول تراکمی معادل ۱۰۲۱ نفر در کیلومتر مربع را داشته است، تراکم جمعیتی استانهای «حکاری» و «تونچلی» ۱۸ نفر در کیلومتر مربع بوده است. در همین حال دومین استان پرتراکم پس از استانبول، «قوچالی» تراکمی برابر با ۲۰۳ نفر در کیلومتر مربع را دارا بوده است (۵ برابر کمتر از استانبول). رک. جداول شماره (۸) و ۹ همچنین نقشه شماره ۶.

سال		تراکم نفر / km ²	ردیف
۱۹۸۵	۱۹۸۰		
		نام استان	
۱۰۲۱	۸۲۹	استانبول	۱
۲۰۳	۱۶۳	قوچالی	۲
۱۸۲	۱۵۵	ازمیر	۳
۱۷۳	۱۴۸	حتای	۴
۱۵۹	۱۴۸	طرابوزان	۵
۱۲۲	۱۰۹	سکاریا	۶
۱۲۰	۱۰۴	بورسا	۷
۱۱۷	۹۸	گزیانتیپ	۸
۱۱۶	۱۰۹	اردو	۹
۱۱۶	۱۰۶	زنگولداک	۱۰

جدول شماره ۸: معرفی ۱۰ استان پرتراکم ترکیه در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۰ میلادی

مأخذ: منبع شماره ۱۰

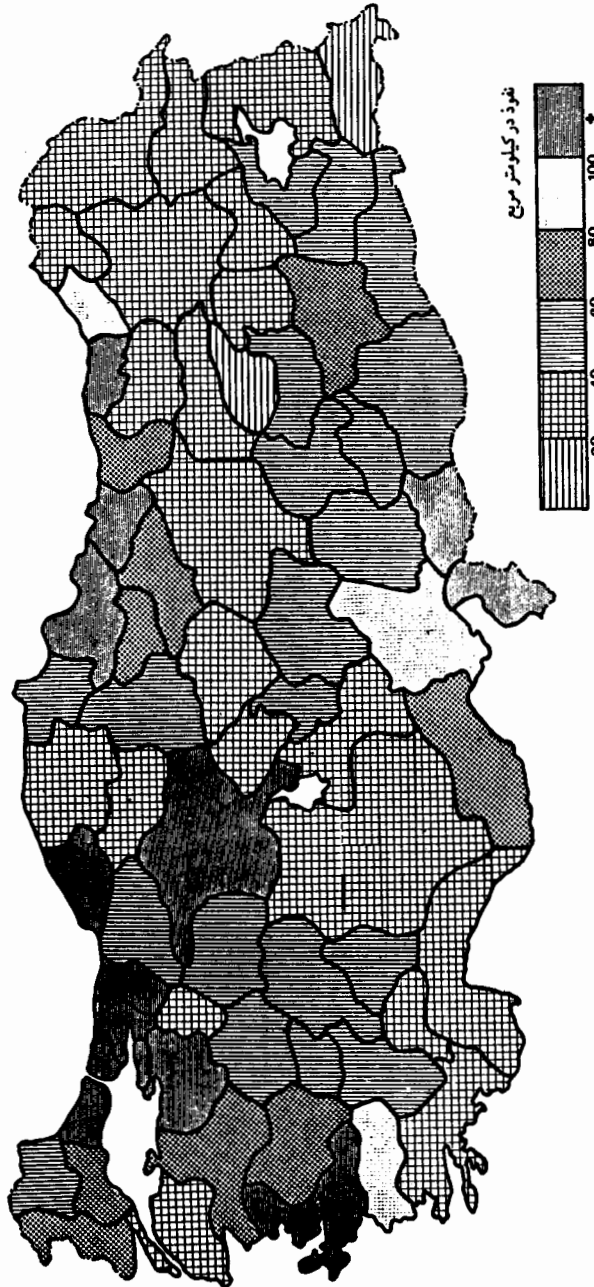
سال		تراکم نفر/ km ²	نام استان	ردیف
۱۹۸۵	۱۹۸۰			
۱۸	۱۶		حکاری	۱
۱۸	۱۸		تونچلی	۲
۲۵	۲۳		ارزینجان	۳
۲۵	۲۵		گوموسخانه	۴
۲۶	۲۵		سیواس	۵
۲۷	۲۶		بینگل	۶
۲۸	۲۸		آرتوین	۷
۲۹	۲۸		چانکری	۸
۳۲	۳۹		ارزروم	۹
۴۱	۳۱		اورفا	۱۰

جدول شماره ۹: معرفی ۱۰ استان کم تراکم ترکیه در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ میلادی
 مأخذ: منبع شماره ۱۰

تمرکز جمعیت در استانبول را می توان به سبب موقعیت جغرافیایی خاص این استان، تمرکز فعالیتهای تجاری و بازرگانی و همچنین قدمت تاریخی و امکانات تفریحی - توریستی آن دانست. صرف نظر از استانبول، توزیع جمعیت در دیگر استانهای ترکیه، سلسله مراتب جمعیتی معینی باروندی تدریجاً نزولی، از ۲۰۳ تا ۱۸ نفر در کیلومتر مربع، را شامل میگردد. در توزیع جمعیت میان مناطق شهری و روستایی نیز، نوعی حرکت جمعیت به چشم می خورد. در سال ۱۹۸۰، حدود ۴۳/۹ درصد از جمعیت کشور در شهرها و حدود ۵۶ درصد در روستاها بسر می بردند. در سال ۱۹۸۵، درصد جمعیت شهری افزایش یافته - حدود ۱۰٪ - و به همان میزان از درصد جمعیت روستایی کاسته گردید که یکی از دلایل عمده آنرا می توان مهاجرت روستائیان به شهر دانست. از سوی دیگر در همین فاصله زمانی در حالی که جمعیت شهرها حدود ۲۲٪ رشد را نشان میدهد جمعیت مناطق روستایی تنها ۴/۶٪ افزایش یافته اند. ر.ک. جدول شماره ۱۰.

نقشه شماره ۶: تراکم جمعیت در استانهای کشور ترکیه

مأخذ: منبع شماره 10

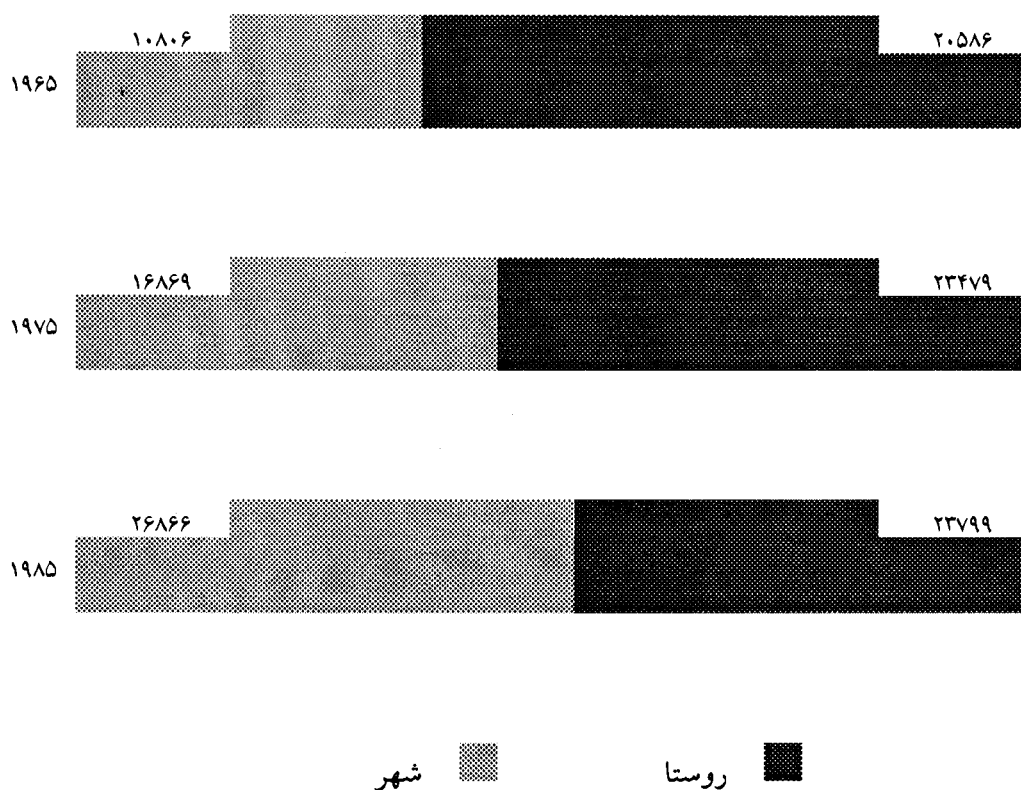


سال	جمعیت کل	جمعیت شهر / %	جمعیت روستایی / %
۱۹۸۰	۴۴۷۳۶۹۵۷	۴۳/۹	۵۶/۰۹
۱۹۸۵	۵۰۶۶۴۴۵۸	۵۳/۳	۴۶/۹۷

جدول شماره ۱۰: درصد توزیع جمعیت شهری و روستایی در سطح کشور ترکیه در سالهای

۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ میلادی

مأخذ: منبع شماره ۱۰



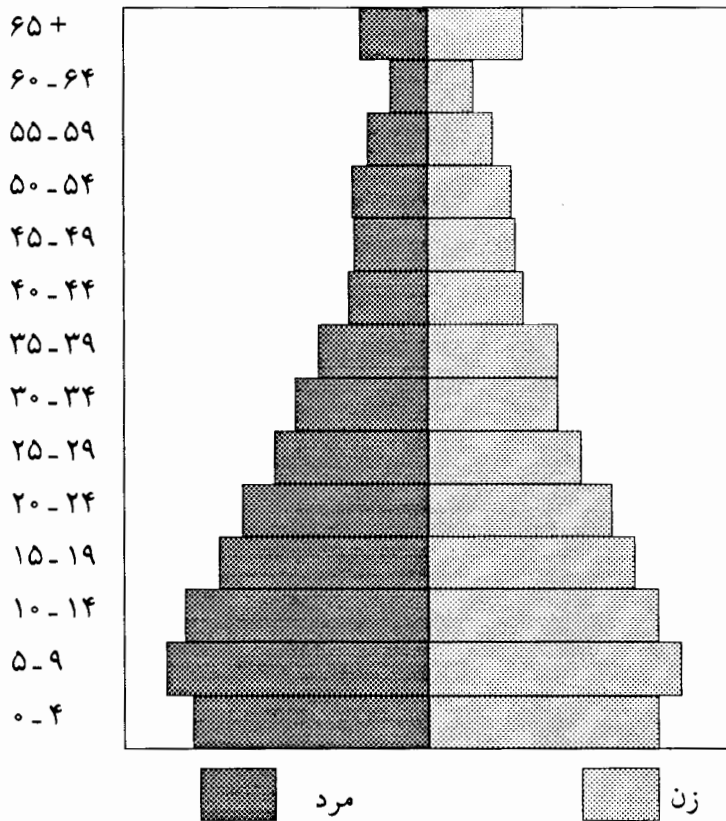
نمودار شماره ۲: جابجایی جمعیت شهری و روستایی در کشور ترکیه در سه مقطع زمانی

مأخذ: منبع شماره ۱۰

۱-۲-۲-۲ ساختمان جمعیت

الف - ترکیب سنی جمعیت

به دنبال نرخ رشد بالای جمعیت، جوانی جمعیت نیز یکی دیگر از ویژگیهای ساختار جمعیتی ترکیه به شمار میرود و گستردگی پایه هرم سنی جمعیت این کشور در گروههای سنی زیر ۱۴ سال، این مشخصه جمعیتی ترکیه را بخوبی نشان می دهد (ر.ک. نمودار شماره ۳)



نمودار شماره ۳: هرم سنی جمعیت ترکیه، ۱۹۸۵ میلادی (ارقام به هزار نفر)

مأخذ ارقام: منبع شماره ۱۰

بر طبق آمار سال ۱۹۸۵، بیش از ۶۵٪ از جمعیت ترکیه کمتر از ۳۰ سال سن داشته اند و حدود ۳۷٪ از جمعیت رانیز افراد زیر ۱۴ سال تشکیل میداده اند. این نسبت در سال ۱۹۹۰ به حدود ۴۰٪ رسیده است، در همین زمان حدود ۵۶٪ جمعیت در گروههای سنی ۱۵ تا ۵۹

سال و حدود ۶٪ در رده‌های بالای ۶۰ سال قرار داشته‌اند.

نسبت وابستگی جمعیت (۹) در ترکیه معادل ۱۲۰ است. به عبارت دیگر در قبال هر ۱۰۰ نفر نیروی فعال (۱۰) جامعه، ۱۲۰ نفر افراد غیرفعال وجود دارند که در تولید سهمی نداشته و مصرف کننده می‌باشند و فشار اقتصادی بیشتری از این طریق بر نیروی فعال وارد می‌گردد، و دولت نیز ناگزیر از ارائه امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی... به این بخش از جمعیت می‌باشد که خود متضمن هزینه قابل توجهی است.

ب - ترکیب جنسی جمعیت

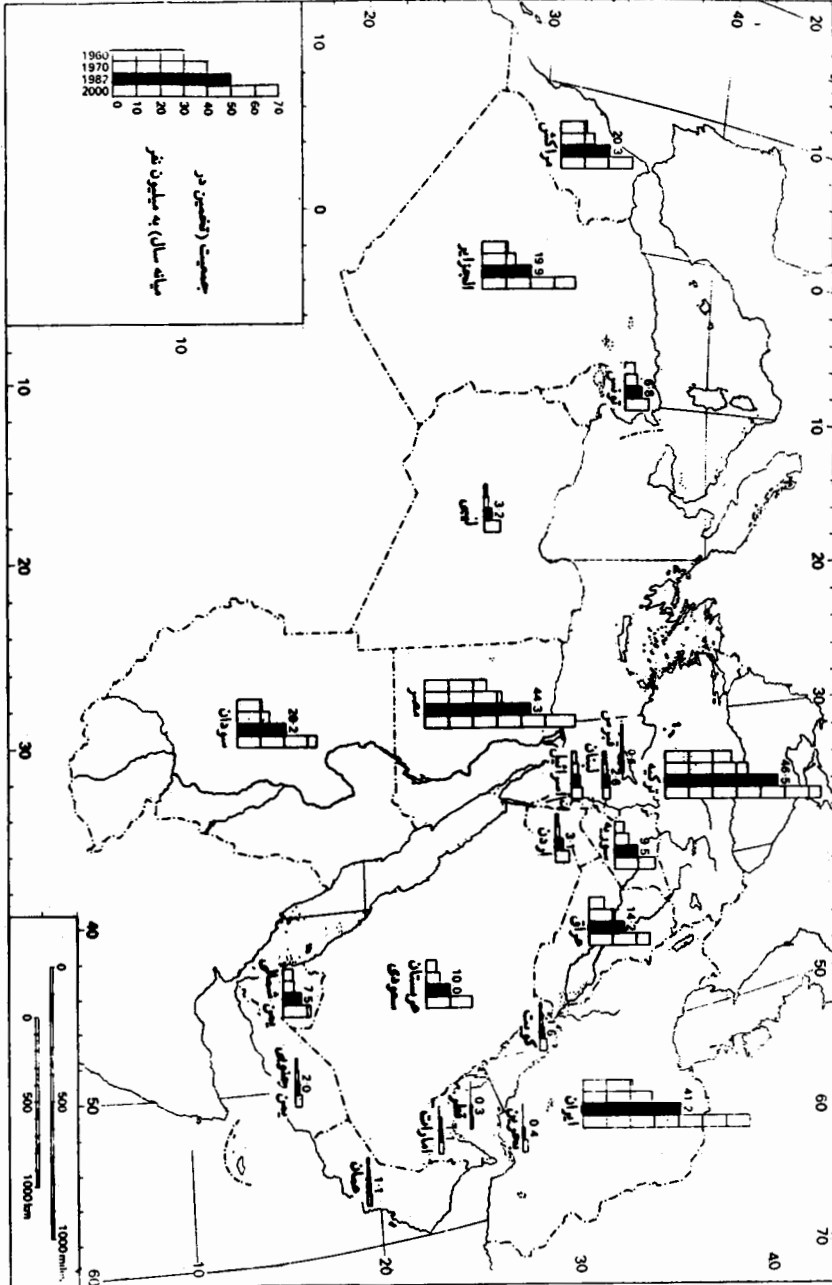
ترکیب جنسی جمعیت ترکیه، معمولاً، فزونی نسبی مردان به زنان را نشان می‌دهد. اما این اختلاف زیاد نیست و البته در گروه‌های سنی مختلف با تفاوت‌هایی همراه است. جدول زیر ترکیب جنسی جمعیت ترکیه را در یک دوره زمانی ۵۰ ساله نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، صرف‌نظر از سال ۱۹۳۵ که تعداد زنان بیش از مردان منعکس شده است و نسبت جنسی ۹۷ (۱۱) می‌باشد در بقیه سالها اکثریت نسبی را مردان در اختیار داشته‌اند و میانگین نسبت جنسی در مقطع زمانی مورد بررسی ۱۰۲ (۱۲) بوده است که از نظر جمعیت شناختی رقم متعارفی است.

نسبت جنسی	درصد		کل		سال
	زن	مرد	درصد	جمعیت (نفر)	
۹۷	۵۰/۹	۴۹/۱	۱۰۰	۱۶۱۵۸۰۱۸	۱۹۳۵
۱۰۱	۴۹/۷	۵۰/۳	۱۰۰	۱۸۷۹۰۱۷۴	۱۹۴۵
۱۰۳	۴۹/۲	۵۰/۸	۱۰۰	۲۴۰۶۴۷۶۳	۱۹۵۵
۱۰۴	۴۹/۰	۵۱/۰	۱۰۰	۳۱۳۹۱۴۲۱	۱۹۶۵
۱۰۶	۴۸/۶	۵۱/۴	۱۰۰	۴۰۳۴۷۷۱۹	۱۹۷۵
۱۰۳	۴۹/۳	۵۰/۷	۱۰۰	۵۰۶۶۴۴۵۸	۱۹۸۵

جدول شماره ۱۱: ترکیب جنسی جمعیت ترکیه

مأخذ: منبع شماره ۱۰

نقشه شماره ۷: تحولات جمعیتی ترکیه در مقایسه با کشورهای همجوار
 مأخذ: منبع شماره ۱۰



۳-۱- جغرافیای سیاسی

این کشور که امروز با نام جمهوری ترکیه شناخته می‌شود در گذشته آسیای صغیر خوانده می‌شد. نویسندگان و مورخان چون «هرودوت» و «توسیدید» از آنجا که این شبه جزیره را چون قاره آسیای کوچکی می‌پنداشتند، در آثار خود آنرا به این نام خوانده‌اند. عثمانی و آناتولی نیز از دیگر اسامی است که در گذشته به این سرزمین اطلاق می‌شده است. آناتولی (به ترکی آنادولو) به معنی سرزمینی است به سمت خورشید تابان.

نوع حکومت ترکیه جمهوری پارلمانی و پایتخت آن شهر آنکارا می‌باشد که در قسمت آسیایی ترکیه (فلات آناتولی) قرار گرفته است. ترکیه دارای پرچمی قرمز رنگ با نقشی از هلال ماه و ستاره سفید می‌باشد. از نظر تقسیمات سیاسی ترکیه دارای ۷۰ استان می‌باشد که ۴ استان در ترکیه اروپا و بقیه در ترکیه آسیا است (۱۳) (ر.ک. نقشه شماره ۸) براساس آمار سال ۱۹۸۰ ترکیه دارای ۵۶۳ شهرستان و ۳۶۱۵۵ روستا بوده است. در میان استانهای ترکیه «استانبول» و «آنکارا» با دارا بودن ۱۹ شهرستان و «قره‌شهر» و «موش» با داشتن ۳ شهرستان بیشترین و کمترین تعداد شهرستانها را دارا می‌باشند. بزرگترین استان، «قونیه» در بخش آسیایی ترکیه واقع شده است. شهرهای مهم آن در تراس شرقی (ترکیه اروپا) عبارتند از: استانبول، ادرنه، کرکلارلی، (Kirklareli)، چورلو (Curlu) تکیر داغ - (Takirdag) و در ترکیه آسیا: ازمیت، زنگولداک، سینوپ، سامسون، طرابوزان، ماراس، مانیزا، انطاکیه، اورفا، ارزروم، ازمیر، آدنا، بورسا، دیاربکر، قونیه، مرسین، ادرمیت، قارص، اسکرواز. بنادر مهم آن عبارتند از: استانبول و تکیر داغ در ترکیه اروپا و زنگولداک، سینوپ و طرابوزان در ترکیه آسیا و در ساحل دریای سیاه، باندیرما (Bandirma) در ساحل دریای مرمره، مرسین و آلانیا (Alanya) و انطاکیه در ساحل دریای مدیترانه و بنادر «ازمیر» و ایوالیک (Ayvalik) در ساحل دریای اژه.

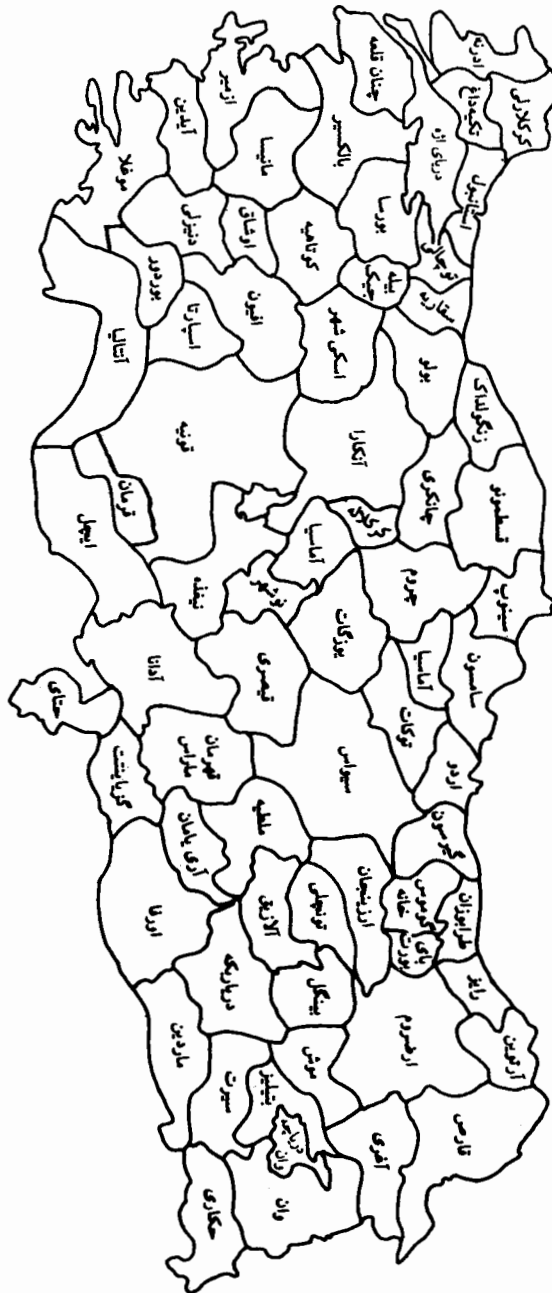
جدول زیر نمایانگر اسامی و تعداد جمعیت بعضی از شهرهای مهم ترکیه براساس آمار ۱۹۸۵ می‌باشد:

نام شهر	آنکارا	استانبول	ازمیر	آدانا	بورسا	گزیناتیب
جمعیت (نفر)	۲۲۳۵۰۳۵	۵۴۷۵۹۸۲	۱۴۸۹۷۷۲	۷۷۷۵۵۴	۶۱۲۵۱	۴۷۸۶۳۵
نام شهر	قونیه	قیصریه	اسکی شهر	مرسین	دیاربکر	آنتالیا
جمعیت	۴۳۹۱۸۱	۳۷۳۹۳۷	۳۶۶۷۶۵	۳۱۴۳۵۰	۳۰۵۹۴۰	۲۶۱۱۴
نام شهر	ارزروم	مالاتیا	سامسون	ازمیت	فهرمان ماراس	سیواس
جمعیت	۲۴۶۰۵۳	۲۴۳۱۳۸	۲۴۰۶۷۴	۲۳۳۳۳۸	۲۱۰۳۷۱	۱۹۸۵۵۳

جدول شماره ۱۲: معرفی شهرهای پرجمعیت ترکیه

مآخذ: منبع شماره ۱۰

نقشه شماره ۸: ترکیه به تفکیک استانها
مأخذ: منبع شماره 10



نام استان	نام استان	نام استان	نام استان
۱- آدانا	۱۹- اوشاق	۳۷- دنیزلی	۵۵- قونیه
۲- آدی یامان	۲۰- ایچل	۳۸- دیاربکر	۵۶- قیصریه
۳- آرتوین	۲۱- بالکسیر	۳۹- رایز	۵۷- کریکلاله
۴- آغری	۲۲- بایبورت	۴۰- زنگولداک	۵۸- کوتاهیه
۵- آماسیا	۲۳- بردور	۴۱- سامسون	۵۹- گوموس خانه
۶- آنتالیا	۲۴- بورسا	۴۲- سقاریه	۶۰- گیرسون
۷- آنکارا	۲۵- بولو	۴۳- سینوپ	۶۱- ماردین
۸- آیدین	۲۶- بتلیس	۴۴- سیواس	۶۲- مانیسا
۹- ادرنه	۲۷- بیله جیک	۴۵- صیرت	۶۳- مرعش
۱۰- اردو	۲۸- بینگل	۴۶- طرابوزان	۶۴- ملطیه
۱۱- ارزروم	۲۹- تکیر داغ	۴۷- غازی یانتیپ	۶۵- موش
۱۲- ارزینجان	۳۰- توکات	۴۸- قارص	۶۶- موغلا
۱۳- ازمیر	۳۱- تونچلی	۴۹- قره حصار	۶۷- نوشهر
۱۴- اسپارتا	۳۲- چانکری	۵۰- قره شهر	۶۸- نیغده
۱۵- استانبول	۳۳- چروم	۵۱- قرمان	۶۹- وان
۱۶- اسکی شهر	۳۴- چنان قلعه	۵۲- قسطنونو	۷۰- یوزگات
۱۷- افیون	۳۵- حتای	۵۳- قهرمان ماراس	
۱۸- اورفا	۳۶- حکاری	۵۴- قوچالی	

اسامی استانهای ترکیه

ماخذ: منبع شماره ۳

زیرنویسهای فصل اول:

- ۱- ترکیه و شوروی سابق که بخشی از خاک آنها در آسیا و بخش دیگر در اروپا قرار دارد، اصطلاحاً کشورهای "اوراسیایی" (اروپایی - آسیایی) خوانده می شوند.
- ۲- شامل بخش اروپایی ترکیه و ناحیه ولگا
- ۳- غیر از اقوام ترک شرق سیبری و منطقه ولگا

۴- مأخذ: منبع شماره ۱

۵- احتمالاً این گمان همان مضمون معمول در ادبیات حماسی ترک است مبنی بر اینکه: ترکها بصورت سپاهی از سواران با انضباط و خاموش، سپیده دم آهنگ عزیمت کرده و بسوی، غرب، آنجا که خورشید غروب می‌کند، پیش می‌روند.

۶- به نقل از کتاب: بیزانتینو توریسیکا، اثر: اسکاراتوس و نیزانیتوس - منبع پیشین: ص

۱۷۴

۷- این گروه از ترکان پس از پیروزی بلشویکها و استقرار رژیم سوسیالیستی در شوروی سابق به افغانستان مهاجرت نمودند و در آنجا ساکن گردیدند. پس از اشغال خاک افغانستان توسط شوروی سابق، گروهی از آنان به ایران و پاکستان مهاجرت نمودند.

۸- در این جداول ۱۰ استان متراکم که همگی دارای تراکم نسبی بالای ۱۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع هستند و ۱۰ استان کم تراکم که دارای تراکم جمعیتی زیر ۴۵ نفر در کیلومتر مربع می‌باشند به عنوان نمونه ذکر گردیده‌اند.

۹- نسبت وابستگی: نسبت درصد افراد غیرفعال به فعال در جامعه

۱۰- نیروی فعال از نظر اقتصادی: افرادی که در گروه سنی ۲۰ تا ۶۰ سال قرار می‌گیرند.

۱۱- به ازاء هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۹۷ نوزاد پسر متولد شده است.

۱۲- به ازاء هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۱۰۲ نوزاد پسر متولد شده است.

۱۳- لازم به تذکر است که کشور ترکیه خود را بیش از آنکه کشوری آسیایی بدانند،

کشوری اروپایی محسوب می‌دارد.

منابع فصل اول

۱ - جغرافیای طبیعی

منابع فارسی

- ایران - وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، از سری انتشارات،
 بررسی مسایل کشورها، ترکیه - تهران: ۱۳۶۴
 سعیدیان، عبدالحسین. مردمان جهان - تهران: انتشارات علم و زندگی، ۱۳۶۲.
 شاملویی، حبیب‌الله. جغرافیای کامل جهان - تهران: بنیاد، ۱۳۵۱
 محجوب، محمود. گیتاشناسی کشورها - تهران: مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۶۲.

منابع لاتین

- The New Encyclopedia Britanica. - England: Encyclopedia Britanica Inc. 1990.
Statistical yearbook of Turkey. - Turkey: State Institute of Statistical prime minister, 1989.

۲ - جغرافیای انسانی

منابع فارسی

- اسپنسر، ویلیام. سرزمین و مردم ترکیه، ترجمه علی اصغر بهرام‌بیگی. -
 تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، مجموعه ملل، ۱۳۴۵
 ایران، وزارت امور خارجه، کتاب سبز ترکیه - تهران:
 ۱۳۶۹.

ایران. وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، از سری انتشارات، بررسی مسایل کشورها، ترکیه، - تهران: ۱۳۶۴.

منابع لاتین

- Blake, Gerald The Cambridge Atlas of the Middle East and North
 Dewdney, John Africa. - Department of Geography, University of
 Mitchell, Jonathan Dvrham; Cambridge University press, 1987.
Countries of the World and their Leaders yearbook .
 Detroit, Michingan: Gale Research Inc., 1990.
The Europa world year book. - London: Europa
 publications Limited, 1990.
The New Encyclopedia Britannica. - England: Encyclopedia
 Britannica Inc., 1990.
Statistical yearbook of Turkey . - Turkey: State Institute of
 Statistical Prime minister, 1989.

۳ - جغرافیای سیاسی

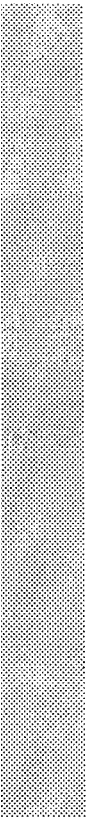
منابع فارسی:

- ایران - وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، از سری انتشارات،
 بررسی مسایل کشورها، ترکیه . - تهران: ۱۳۶۴
 سعیدیان، عبدالحسین. مردمان جهان . - تهران: انتشارات علم و زندگی، ۱۳۶۲.
 شاملویی، حبیب‌الله. جغرافیای کامل جهان . - تهران: بنیاد، ۱۳۵۱.
 محبوب، محمود. گیتاشناسی کشورها . - تهران: مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۶۲.

منابع لاتین

Statistical yearbook of Turkey. - Turkey: State Institute of Statistical

Prime minister, 1989.



فصل دوم

بررسی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی

در این بخش، با نگاهی تاریخی سرزمین ترکیه را مورد مطالعه قرار داده و مروری خواهیم داشت بر چگونگی سیر تحول تاریخ در این کشور در طی قرون که بر آن گذشته است. این بررسی در قالب عناوینی پنجگانه که در حقیقت هر یک بیانگر مقطعی تعیین کننده در تاریخ و تمدن این سرزمین بشمار میروند، ارائه خواهد شد. با این اعتقاد که همچون محملی، تحولات سیاسی اجتماعی و مآلاً، فرهنگی ترکیه را در بطن خود روشنی بخشیده، زمینه‌ای جهت بحثهای آتی فراهم آورند.

۱-۲- ترکیه تا پیدایش حکومت عثمانی، ۱۲۹۹ میلادی

آناتولی، آسیای صغیر یا ترکیه امروز، از جمله کهن‌ترین سرزمینهای مسکونی جهان بشمار رفته و آنرا زادگاه تمدن یونان دانسته‌اند. این کشور، در طی تاریخ پرفراز و نشیب خود، همواره شاهد درگیریها و کشمکشهای اقوام و حکامی بوده است که برای دست یافتن بر آن، با یکدیگر به نزاع پرداخته‌اند. بروز اینگونه جدالها را، که سابقه تاریخی آنها به حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح میرسد، عمدتاً میتوان بدلیل موقعیت جغرافیایی خاص این سرزمین دانست که همچون پلی شمال را به جنوب و شرق را به غرب پیوند میدهد و همواره در مسیر حرکت دولتهای توسعه طلب از یکسو و قبایل مهاجر از سوی دیگر قرار داشته است.

مادها، هخامنشیان، یونانیان، رومیان، قبایل ترک سلجوقی و عثمانی از جمله دولتها و قبائلی هستند که نامشان هر یک در برهه‌ای از تاریخ این سرزمین نقش بسته است. یافته‌های باستان شناسی از شهر سوخته «هاتوساس»، پایتخت قوم «هیتیان» واقع در ۱۸۰ کیلومتری شمال شرقی آنکارا امروز، نشانه‌هایی هستند از یکی از قدیمترین تهاجمها در آناتولی، تهاجم قومی بیگانه در سال ۱۱۹۰ ق.م.

«هیتیان» نخستین قوم بزرگی بود که در فاصله ۲ هزار تا ۱۱۰۰ ق.م. در آناتولی می‌زیست، تمدن این قوم راهمپای تمدن مصر دانسته‌اند و همانطور که قبلاً اشاره شد ترکها

غالباً جهت استدلال قدمت تاریخی سرزمین خود به پیوستگیشان بدین قوم استناد می‌کنند. بعدها، در قرن هفتم. ق.م. یونانیان بر آسیای صغیر غلبه یافتند و با ایران همسایه شدند. از این زمان تا قرن سوم. ق.م. بخش غربی آسیای صغیر، محل استقرار یونانی زبانها، جایگاه جنگهای نامنظمی میان آتنی‌ها، اسپارته‌ها و ایرانیان بود. در یکی از این جنگها ایرانیان به پیروزی رسیده و فرمانروایی آسیای صغیر را در اختیار گرفتند، لیکن چون مرکز امپراطوری آنان از متصرفاتشان در آسیای صغیر فاصله بسیار داشت، فرمانروایی خود را از طریق فرمانداران محلی اعمال میکردند، که دوام چندانی نیافت.

در قرن سوم ق.م. «اسکندر مقدونی» با غلبه بر آناتولی زمینه‌ساز فرمانروایی مهاجمینی دیگر در این شبه جزیره گردید. پس از مرگ اسکندر، آسیای صغیر میان سرداران وی تقسیم شد. در طی سالها، فرمانروایان رومی بخشهای مختلف آناتولی را فتح کرده و با یکدیگر متحد ساختند. سرانجام در سال ۱۹۶ پس از میلاد، امپراطوری روم بر قسمت اعظم آسیای صغیر تسلط یافت. فرمانروایی رومیان حدود ۵۰۰ سال بطول انجامید در طی این دوره، صلح و قانون به سبک رومی در آناتولی برقرار شد و راهها و شهرهای بسیاری بنا گردید. در پایان قرن چهارم میلادی، و به سال ۳۹۵ میلادی، امپراطوری روم به دو بخش تجزیه شد. امپراطوری روم غربی و امپراطوری روم شرقی (بیزانس). ترکیه بخشی از روم شرقی یا بیزانس، و قسطنطنیه (استانبول امروز) (۱) پایتخت آن گردید.

امپراطوری بیزانس، حتی پس از زوال امپراطوری روم غربی در ۴۷۶ میلادی، تا سال ۱۴۵۳ میلادی با عظمت باقی ماند. در این دوره حوزه غلبه فرمانروایان روم شرقی بر ترکیه متغیر بود و تمام خاک ترکیه در تصرف آنها قرار نداشت، چنانکه در اواخر این دوره تنها «تراکیا» در ترکیه فعلی جزو بیزانس بود.

در دوران امپراطوری بیزانس در مرزها حکام فئودال (۲) «اکریتایی» (Akritai) می‌زیستند که زمینهایی را در تیول خود داشتند و اعتقاد داشتند که باید با دشمنان خدا و امپراطور، که خلیفه حضرت مسیح در زمین تلقی میشد، جنگید. غرور و بی‌لیاقتی این حکام فئودال آناتولی را یکی از دلایل ضعف و زوال تدریجی امپراطوری بیزانس بر شمرده‌اند. این حکام امپراطورانی را که از اهالی آناتولی نبودند مورد حمایت و یاری قرار نمی‌دادند.

به هر حال با توجه به اهمیت آناتولی برای امپراطوران بیزانس، انحطاط امپراطوری آنس را باید از زمانی دانست که سرزمین آناتولی بدنبال شکست «مالازگرت» (Malazgirt)

به سال ۱۰۷۱ میلادی به ترکان سلجوقی تسلیم گردید. بطور کلی دوران بیزانس را باید از دورانهای آرامش آسیای صغیر دانست. این آرامش هرازگاهی با حملات ایرانیان و اعراب مختل میگردید و در این میان تأثیر حمله اعراب مهمتر و طولانی تر بود. چراکه پایگاه حرکت آنان را ایدئولوژی اسلام تشکیل میداد، و اینان قصد توسعه سرزمینهای اسلامی و تشکیل امپراطوری اسلامی را در سر داشتند. اعراب بارها آناتولی را مورد تاخت و تاز قرار دادند لیکن هیچگاه نتوانستند بخش قابل توجهی از آنرا به تصرف خود در آورند. در حقیقت این قبایل چادر نشین ترک بودند که مقاصد اعراب را جامه عمل پوشاندند. این قبایل با گرویدن به دین اسلام، دسته‌های غازی (۳) اسلام را تشکیل دادند و جهت توسعه دین اسلام راهی دیگر سرزمینها گردیدند و در این میان نتیجه غلبه این قبایل بر آناتولی، بسیار پراهمیت بود.

ورود ترکها به صحنه تاریخ ترکیه

از زمان خلفای عباسی، قدرت سیاسی امپراطوری اسلامی تدریجاً رو به ضعف نهاد و در نتیجه اتکاء بیشتری به قوای نظامی یافت. در همین زمان قبایل ترک آسیای مرکزی که به تازگی با دین اسلام آشنا شده بودند، از آنجا که اقوامی جنگجو و مبارز بودند، مورد توجه خلفای عباسی قرار گرفتند و حمایت گردیدند. افراد این قبایل که در ابتدا به عنوان سرباز وارد دستگاه نظامی خلفای عباسی شده بودند، بعدها، به سرعت نیروی نظامی خلفا را تحت کنترل خود در آوردند و پس از آن تدریجاً، قبایل چادر نشین ترک شروع به نفوذ در امپراطوری نمودند. در اواسط قرن دهم میلادی خلفای عباسی قدرت خود را کاملاً از دست دادند و از آن زمان تا اواخر قرن نوزدهم، گروههای مختلف ترک کنترل سیاسی خود را بر اکثر نقاط خاورمیانه اعمال نمودند. در اوائل قرن یازدهم میلادی یکی از آن قبایل چادر نشین ترک، قبیله «سلجوق» (۴) بود که رهبری آنرا فردی به نام «سلجوق» به عهده داشت. ترکهای سلجوقی که دین اسلام را رسماً پذیرفته بودند، با دست یافتن بر بغداد، حاکمیت خود را بر عراق، ایران و سوریه اعمال نموده و بخش اعظم آسیای صغیر را از تسلط امپراطوری بیزانس خارج نمودند. بعدها پسران و نوه‌های سلجوق سلسله سلجوقی را تشکیل دادند و «طغرل بیک»، نخستین رهبر این سلسله معرفی گردید. پسر «طغرل بیک»، به نام آلب ارسلان (به معنی شیر شجاع)، گامی فراتر نهاد و ترکهای سلجوقی را جهت اقامت به

سرزمین آناتولی کوچ داد. در سال ۱۰۷۱ میلادی و پس از طی یک دوره بی‌نظمی در قرن یازدهم، وی با پیروزی بر سپاهیان امپراطوری بیزانس در «ملازگرت»، تسلط قومی دیگر بر آناتولی و آغاز فصلی دیگر در تاریخ این سرزمین را رقم زد. از این تاریخ، ترکها سرنوشت این شبه جزیره را تا قرن‌ها در اختیار خود گرفتند.

امپراطوری سلجوقی، نخستین دولت ترک در آسیای صغیر محسوب میشود، گستره این حکومت در آن زمان از غرب به دریای مرمره و از شرق به کوههای آارات محدود گردید و پایتخت آن، از سال ۱۰۷۷ میلادی شهر ایزنیک (Iznik) بود. حضور سلاطین سلجوقی در آناتولی خدمتاتی را نیز در پی داشت، آنان قلمرو سابق سلطنت روم را بخوبی حفظ و اداره نمودند و راهها و کاروانسراهای بسیار ساختند و تلاش نمودند امنیت و آسایش نسبی را برقرار نمایند. با اینحال از آنجا که به زندگی عشیره‌ای و کوچ تمایل ذاتی داشتند، قادر به اداره قلمرو وسیع نبوده و تدریجاً رو به ضعف نهادند، درگیری با جنگجویان صلیبی - که جهت دستیابی بر فلسطین، آناتولی را زیر پا نهادند - نیز بر سرعت انحطاط این قوم افزود سرانجام در اواخر قرن سیزدهم میلادی به دنبال تهاجم قوم مغول (Mongol)، این امپراطوری نیز شروع به تجزیه شدن نمود و به ممالک مستقل چندی تقسیم گردید که یکی از کوچکترین آنها مملکت ترکان عثمانی بود که در جوار مرز بقایای حکومت بیزانس در روم شرقی در شهر Sogut و پیرامون آن استقرار یافته بود.

۲-۲ - حکومت عثمانی، پیدایش و توسعه: ۱۶۰۰ - ۱۲۹۹ میلادی

ترکان عثمانی، به سرکردگی «ارطغرل» (Ertugrul) در میانه قرن دوازدهم به آسیای صغیر مهاجرت نمودند. پس از مرگ «ارطغرل» پسر وی «عثمان بیک» (عثمان اول) ریاست قوم را بر عهده گرفت، عثمان بیک که در ابتدا تابع سلاجقه بود، در سال ۱۲۹۹، مقارن با ضعف دولت سلجوقی استقلال قوم خود را از حکومت سلجوقی اعلام نموده ممالک تحت نفوذ خود را در شمال غربی آناتولی توسعه بخشید و تدریجاً بر کلیه دول سلجوقی تسلط یافت. در این زمان عثمانیها با دولت روم شرقی همجوار گشته و لذا گذر از اروپا برایشان دشوار نبود و سرزمین آنها دروازه‌ای گشت جهت اقوام ترکی که از داخل آسیای صغیر بسوی غرب حرکت می‌نمودند. عثمان بیک و ۳۶ پادشاه خاندان عثمانی در فاصله سالهای ۱۹۲۲ - ۱۲۹۹، تحت عنوان امپراطوری عثمانی بر قلمرو وسیعی حکم راندند.

بورسا، (Bursa) شهری در روم شرقی، در سال ۱۳۲۶ میلادی تسخیر و به عنوان نخستین پایتخت عثمانی برگزیده شد. در سال ۱۳۵۶، عثمانیها به منظور استقرار در اروپا برای نخستین بار از تنگه «داردانل» عبور کردند و سپس در ۱۳۶۱ با تهاجمی گسترده به اروپا، پایتخت خود را به «ادرنه» (Edirne) منتقل نمودند. در قرن چهاردهم عثمانیها به بخش اعظم آناتولی غلبه یافتند. لیکن به سال ۱۴۰۲ امپراطوری عثمانی مانند دیگر نواحی غرب آسیا مورد تاخت و تاز دیگری از سوی مغولها و به رهبری «تیمورگورکانی» (تیمورلنگ) قرار گرفت که منجر به متلاشی شدن این امپراطوری در آناتولی گردید. این شکست و تلاشی، پایانی بود بر نخستین دوره تاریخ امپراطوری عثمانی. در فاصله سالهای ۱۴۰۲ تا ۱۴۱۳ میلادی امپراطوری عثمانی یک دوره رخوت را تجربه نمود و طی آن نزاع برای دستیابی بر سلطنت میان افراد خاندان عثمانی وجود داشت. پس از این دوره، پادشاهان عثمانی سعی نمودند وحدت عثمانی را مجدداً بر آناتولی برقرار سازند و در کمتر از یک قرن، توانستند مجدداً بر این مهم نائل آیند. مهمترین واقعه این دوران را باید فتح شهر «قسطنطنیه» و تغییر نام آن به «استانبول» از سوی «سلطان محمد دوم» (معروف به سلطان محمد فاتح) دانست. غلبه بر این شهر و اعلام پایتختی آن از سوی عثمانیها نقطه پایانی بر امپراطوری روم شرقی بود. سلطان «محمد فاتح» همچنین بر بخش اعظم بالکان تسلط یافت و قلمرو عثمانی را توسعه بخشید. وی جهت افزایش جمعیت پایتخت (استانبول)، هزاران نفر از مردم آلبانی و یونان را به این شهر روانه ساخت و یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، تحت لوای آزادی مذهب در کنار یکدیگر و تحت حکومت وی زندگی میکردند. وی همچنین حامی هنر و ادبیات بود و مایل بود شهر استانبول مرکز فرهنگ و هنر و آموزش باشد و لذا در آبادی آن تلاش بسیار کرد، مساجد و مناره‌های بسیار بنا نمود. (۵) وی سیستمی جهت اداره کشور تدوین نمود که تا قرن ۱۹ دوام یافت. در زمان مرگ وی در سال ۱۴۸۱ حیطه قلمرو حکومت عثمانی به حدود ۲ میلیون کیلومتر مربع میرسید.

نیات توسعه طلبانه جانشینان سلطان محمد فاتح، بار دیگر دوران صلح را به جنگ مبدل نمود و در طی آن سرزمینهایی چون مصر، عراق، الجزایر، سوریه و مجارستان، تا نیمه اول قرن شانزدهم، به امپراطوری ضمیمه گشتند. بعلاوه پس از غلبه بر سرزمینهای اسلامی، امپراطوران عثمانی خود را خلیفه مسلمین نامیدند و تا پایان قرن ۱۸ تنها این عنوان را برای خود بکار می‌بردند. در زمان سلطان «سلیمان قانونی» هشتمین و قدرتمندترین پادشاه

امپراطوری، قلمرو امپراطوری به بالاترین حد خود رسید و مرزهای آن از شمال تا قفقاز، از جنوب تا کرانه‌های جنوبی عربستان و از شرق تا مرزهای مراکش و از غرب تا مرزهای ایران، وسعت یافت و کشورهای فعلی ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین، مصر، کناره دریای مدیترانه در آفریقای شمالی، بخش اعظم بالکان و دهها منطقه کوچک و بزرگ دیگر را در برمی‌گرفت. مؤرخان، مرگ سلطان سلیمان قانونی در ۱۵۶۶ را نشانه‌ای از آغاز دوران طولانی زوال امپراطوری عثمانی دانسته‌اند.

در حقیقت، فاصله سالهای ۱۵۹۵ تا ۱۶۸۳ میلادی، را باید سالهای وقفه و سپس زوال قدرت امپراطوران عثمانی دانست. در طی این سالها اگر چه آنان اقتدارشان را از دست نداده بودند لیکن خود را در موقعیتی دفاعی یافتند. در این زمان، ملتهای جوان متعددی با ایده‌های جدید در اروپا ظهور کرده بود. اروپا طی دوره رنسانس به پیشرفتهای علمی، تکنولوژیکی، هنری و همچنین اکتشافات جغرافیایی گوناگونی دست یافته بود. غفلت امپراطوری عثمانی از این تحولات از یکسو و فساد داخلی از سوی دیگر را از جمله علل عمده سقوط آنها دانسته‌اند. در طی قرن هفدهم تدریجاً بخشهای مختلفی از متصرفات اروپایی عثمانی از دست رفت و بوسیله اطریش اشغال گردید. در این دوران، عثمانی همواره درگیر جنگهای شدیدی با همسایگان و شورشیان بود. سرانجام شکست در وین در سال ۱۶۸۳ نشانی بود از زوال محتوم این امپراطوری بزرگ.

۳-۲- حکومت عثمانی، سالهای سقوط: ۱۹۱۸-۱۶۰۰ میلادی

در اینجا، قبل از ورود به بحث «سقوط امپراطوری عثمانی» ابتدا لازم است ویژگیهای حکومت عثمانی را بشناسیم، چنین شناختی درک بهتر علل آغاز زوال حکومت عثمانی در اواخر قرن شانزدهم را ممکن می‌سازد. از سوی دیگر بدون آگاهی از این ویژگیها، درک تحولات مقاطع تاریخی، اجتماعی بعدی - و بخصوص اصلاحات «مصطفی کمال آتاتورک» - بدشواری ممکن است.

ساختار حکومت عثمانی

پادشاه (سلطان) - که لزوماً از افراد «عثمانی» بود در راس حکومت قرار داشت سلطنت موروثی و از پدر به پسر منتقل می‌گشت اما از آنجا که در این ارتباط قانونی نبود که

معلوم کند کدام پسر به جای پدر بنشیند، تعدادی از پادشاهان عثمانی با کشتن برادران خود به سلطنت دست می‌یافتند. بعدها که سلاطین متوجه شدند این عمل، نسل سلاطین و بقای امپراطوری عثمانی را به مخاطره می‌افکند، روش زندانی کردن افراد ذکور خانواده سلطنتی در محلی بنام «فقس» را معمول داشتند (۶)، پس از مرگ سلطان، غیر از ولیعهد که جانشین وی میشد، بقیه پسران و برادران - برای همه عمر زندانی میشدند و اگر بنا بر دلایلی یکی از این افراد به سلطنت میرسید، بسته به مدت حبس از روح و جسم سالمی جهت اداره امور امپراطوری بهره‌مند نبود.

پادشاه در اداره امور مملکت با وزرا و مفتی استانبول (که لقب شیخ الاسلام داشت) مشورت می‌نمود لیکن حق تصمیم‌گیری نهایی تنها با وی بود. او معمولاً قوانین سنتی و قوانین شرعی اسلامی را لازم الاجرا میدانست و رعایت میکرد.

صدراعظم - بعد از سلطان در سلسله مراتب اداره حکومت، عنوان صدراعظم (وزیر اعظم) قرار داشت. وظایف وی تا حدی با مقام نخست وزیری قابل مقایسه بود، هرچند با اقتداری بیشتر، او حق عزل و نصب دولتمردان مهم حکومتی را در اختیار داشت. در زمان جنگ نیز زمانیکه پادشاه از رفتن به عرصه کارزار خودداری میکرد وی فرماندهی نیروهای نظامی عثمانی را بر عهده میگرفت.

دیوان - حکومت از طریق یک شورای دولتی که «دیوان» نامیده میشد اداره میگردد. در اوایل حکومت عثمانیها، دیوان تحت نظارت سلطان قرار داشت اما بعدها - از زمان سلطان محمد فاتح - این مسئولیت بر عهده وزیر اعظم قرار گرفت. وزراء، دو قاضی نظامی ارشد، مفتی استانبول و دریا سالار نیروی دریایی، اعضاء این شورا را تشکیل میدادند.

قصر - (حرم - اندرون) - قصر سلطان، خاندان سلطنتی و مرکز حکومت را توأم شامل میشد، قصر پادشاه بجای یک ساختمان واحد، ساختمانهای متعدد کوچک و منفردی را در برمی‌گرفت که از طریق راههایی به یکدیگر ربط می‌یافتند. در میان قصر نیز حیاطها و باغهایی وجود داشت. شورای دولتی نیز در این قصر برپا میگردد.

حرمسراها، کنیزان و خواجه سراها از ملزومات قصر بودند، ضیافتهای مجلل نیز از دیگر دبستگیهای امپراطوران عثمانی بشمار میرفت و همه اینها را سلاطین عثمانی از امپراطوری

بیزانس تقلید و اقتباس نموده بودند. سلطان، مانند امپراتور بیزانس، چندین همسر داشت که یکی از آنها ملکه بود و همه این زنان در درون حرمسرا و اتاقهای متعدد آن در حقیقت زندانی بودند و کسی جرات و امکان دسترسی به آنها را نداشت.

باب عالی - خانه وزیر اعظم بود که امور اداری مملکت نیز در آن صورت می گرفت. اداره نخست وزیری، وزارت امور داخله، وزارت امور خارجه، همچنین شورای دولتی در این محل مستقر بودند.

نحوه اداره مملکت: وسعت بسیار حکومت عثمانی تا اواخر قرن شانزدهم، درجه بالائی از سازماندهی را لازم داشت، در این دوره قلمرو حکومتی اصولاً به دو بخش بزرگ تقسیم شده بود:

۱ - امارات آناتولی Anatolia ۲ - امارات Rumelian و حاکم هر بخش بیکلریبگی (Beylerbeyi) خوانده میشد که مسئولیت اداره بخش را در قبال حکومت مرکزی بر عهده داشت. هر یک از این بخشها به San'yak هایی تقسیم میشد که در راس آنها San'yakbey ها قرار داشتند. شهر و روستاها واحدهای کوچکتری از San'yak بودند. نظارت بر اجرای قانون و امر قضاء را قضات بر عهده داشتند و «مباشران مردم» مسئول برقراری نظم و امنیت در شهر و روستا بودند.

گروه دیگری از املاک عثمانی، در مقایسه با دو بخش قبلی، از خود مختاری نسبی برخوردار بودند. مانند خان نشین کریمه، امارت والاشی (Valachia) و مولداوی (Moldavia)، سلطنت های مجارستان و ترنسیلوانیا (Transylvania) و امارات حجاز. گروه دیگری نیز دارای حکمرانان نیمه مستقل بودند، شامل: مصر، تریپولی، تونس، الجزیره و یمن.

کاپیتولاسیون: کاپیتولاسیون به عنوان یکی از روشهای اداره امپراطوری عثمانی برای نخستین بار از زمان سلطان سلیمان قانونی و بسال ۱۵۳۵، به کشور فرانسه واگذار گردید و به موجب آن بازرگانان فرانسوی اجازه کشتیرانی در آبهای امپراطوری عثمانی و استفاده از بنادر عثمانی و انجام معاملات بازرگانی در داخل حکومت عثمانی - با معافیت از مالیات - را

یافتند و علاوه بر آن هرگونه مسائل حقوقی و بازرگانی و جرائم آنها بوسیله دولت فرانسه پیگیری میشد. بعدها دیگر دول اروپائی، مانند اطریش و انگلستان، نیز از این حقوق بهره‌مند گردیدند. معمولاً عهدنامه‌های کاپیتولاسیون با این مقدمه آغاز میگردید: «سلطان عثمانی که همیشه مویبدو منصور است از راه کمال لطف و عنایت امتیازات ذیل را به سلطان مشرک... که همیشه مغلوب و منکوب است اعطا می‌فرماید.» (۷)

کاپیتولاسیون که با هدف رونق و توسعه بازرگانی معمول گردیده بود در ابتدا عملکرد مثبتی برای دولت عثمانی به‌مراه داشت لیکن بعدها و در زمان ضعف این امپراطوری بصورت یکی از عوامل سقوط آن عمل نمود.

سیستم ملت: (Millet system) امپراطوری عثمانی ملیتها و مذاهب مختلفی را در بر می‌گرفت. شامل آلبانیایی‌ها، ارمنی‌ها، عربها، بربرها، بوسنیایی‌ها (Bosnians)، بلغارها، قفقازها، یونانیها، مجارها، یهودها، کردها، رومن‌ها، صربها، تاتارها، و ترکمن‌ها. حکومت عثمانی با تشکیل سیستمی تحت عنوان «ملت» کلیه مردم را تحت نظارت رهبران مذهبی قرار داد که هر یک به نوبه خود در قبال حکومت مسئولیت داشتند. سلاطین عثمانی هیچ تلاشی جهت تشکیل یک جامعه واحد و یکپارچه بعمل نمی‌آوردند و نژادها و مذاهب مختلف در کنار یکدیگر اما بطور مجزا از هم زندگی میکردند. بخصوص، مسلمانان و غیرمسلمانان بر مبنای تفاوت مذهبی اجتماعات مستقلی را تشکیل میدادند که «ملت‌ها» نامیده میشدند. اعضاء هر «ملت» در اعتقاد، انجام امور دینی، و حفظ نهادها، قوانین و سنتهای مذهبی و ملی تحت رهبری رهبران مذهبی خود، آزاد بودند. از این طریق حکمرانان عثمانی ضمن تامین منافع خود و کسب مالیات، با حداقل مقاومت و برخورد روبرو میگشتند. طبقه حاکمه نیز که خود را مسلمان و عثمانی می‌خواند یک ملت محسوب میشد با اینحال مردم ترک زبان آناتولی، بدلیل تشابه مذهبی و قومی با طبقه حاکمه، احساس امنیت و برتری بیشتری می‌نمودند - هرچند که از سوی دیگر ملتها، معمولاً روستائینی خشن تلقی میشدند - در صورت بروز اختلاف میان اعضاء یک ملت یا فرقه‌های یک ملت، «قاضی القضاة» قضاوت را برعهده میگرفت و سلطان دخالتی نمی‌کرد. این ملتها اتباع درجه دوم امپراطوری را تشکیل میدادند و غیر از الزام به پرداخت مالیات سرانه، حق حمل اسلحه یا خدمت در ارتش امپراطوری را نداشتند.

حفظ روحیه ناسیونالیستی در میان اقوام مغلوب، علیرغم آنکه در ابتدا و در زمان قدرت امپراطوری، دارای کارکردی مثبت بود، در زمان ضعف این امپراطوری عامل طغیان و استقلال خواهی آنان شد.

علاوه بر ملت‌ها، بردگانی نیز در امپراطوری عثمانی وجود داشتند: شامل آلمانها، یونانیها، روسها، ایتالیاییها و فرانسویها و اسپانیایی‌ها.

خلافت: زمانیکه «سلطان سلیم» - معروف به سلطان سلیم شقی - بر مصر پیروز گشت، خود را خلیفه - جانشین پیغمبر اسلام - و رهبر جامعه مسلمین خواند، و مسئولیت استقرار و حاکمیت شریعت اسلام با این لقب همراه گردید. در این دوره، قانون شریعت همانگونه که مسائل اجتماعی و اقتصادی را تحت تاثیر خود داشت بر نحوه زندگی مذهبی جامعه نیز نظارت میکرد.

علماء: این واژه بر رهبران مذهبی و فقهایی که معلمین و مفسران شریعت بودند اطلاق میشد. علما در کنار فقه، قانون، منطق، نجوم و زبان و ادبیات عربی و فارسی را می‌آموختند و معمولاً در شهرها عنوان «حاکم شرع» را داشتند که برانجام امور بر طبق دستورالعملهای شرعی، که قانون کشوری معلوم میداشت، نظارت می‌نمودند. در قرن هفدهم علمای دینی غالباً در اداره امور امپراطوری اعمال نفوذ بسیاری نمودند و این نهاد با انحراف از اصول اعتقادی، در سالهای بعد به صورت مهمترین مانع حرکت‌های اصلاح طلبانه و روشنفکرانه درآمد.

آموزش: آموزش خاص پسران بود، آنها معمولاً در سن ۵ تا ۶ سالگی آموزش ابتدایی را آغاز میکردند و خواندن قرآن و بجا آوردن احکام فقهی را تعلیم میدیدند. هیچگونه نظارت مرکزی بر اینگونه تعالیم اعمال نمی‌گردید. برای آموزش بالاتر لازم بود پسرها به «مدرسه» بروند. این مدرسه‌ها به مساجد بزرگ وابسته بودند و در آنها بطور اصولی الهیات، عربی، فارسی، ریاضیات و بعضاً تعالیم تاریخی و طبیعی، آموزش داده میشد. لیکن اغلب پسرها در سنین پائین مدرسه‌ها راترک میکردند و به اشتغال میپرداختند. علاوه بر این مدرسه سلطنتی نیز وجود داشت که پسران غلامان و بردگان را برای نیروی نظامی و مراکز اداری

حکومت تعلیم میداد و از سطح آموزشی بهتری بهره‌مند بود. در دوران عثمانی، دختران اجازه رفتن به مدرسه را نداشتند در منزل خیاطی - گلدوزی و خانه‌داری را تعلیم میدیدند.

زبان: زبان ترکان عثمانی، در طی امپراطوری عثمانی بطرز گسترده‌ای از عربی و فارسی تاثیر پذیرفت و نویسندگان عثمانی در نوشته‌های خود لغات و دستور زبان این زبانها را آزادانه بکار می‌گرفتند. این زبان ترکیبی، در حقیقت تنها زبان رسمی در مراکز شهری امپراطوری بود و هرگز بوسیله عامه مردم ترک در آناتولی استفاده نشده و بدرستی نیز فهمیده نمیشد.

ارتش: ارتش امپراطوری عثمانی طی دورانی طولانی، بصورت یک ارتش قوی سازماندهی شده بود. سیستم نظامی عثمانی به سه بخش اصلی تقسیم میشد. نخستین گروه، «سپاهیان» بودند. نیروهای ملاکین فئودال که از آزادگان مسلمان تشکیل شده بود. این فئودالها مسئول اجیر و آماده کردن مردان برای خدمت در قشون سواره بودند. گروه دوم، «ینی چری» (Yanissary) - به معنی فوج جدید - نامیده میشدند و متشکل از جوانان مسیحی بودند که به عنوان برده در جنگها به اسارت درمی‌آمدند و گارد محافظ امپراطور را تشکیل میدادند و در جنگها در آخرین خط دفاعی مستقر میگرددیدند. با کاهش تعداد اسرای جنگی، روش سربازگیری معمول شد، افسران نظامی با مراجعه به سرزمینهای بالکان بهترین پسران مسیحی را در سنین ۱۰ تا ۲۰ سالگی از خانواده‌هایشان جدا کرده و آنها را طی مراسمی مسلمان می‌نمودند. این افراد تعالیم نظامی دشوار و منظمی می‌دیدند و اطاعت بی قید و شرط از مافوق را می‌آموختند، در مقابل از مزایای فوق‌العاده‌ای بهره‌مند می‌شدند و در صورت شایستگی می‌توانستند بسرعت در دستگاه امپراطوری ترقی کرده و به پایگاههای مهمی دست یابند. این گروه می‌توانستند بعضاً، تحولات بزرگی را در دستگاه حاکمه بوجود آورند. افرادی چری معمولاً با واژگون کردن طب‌های جنگی مخالف خود را با سلطان نشان میدادند و در اینگونه مواقع سلطان با تقاضای آنان موافقت می‌نمود.

- سومین گروه «مهاجمین» خوانده میشدند، اینان گارد سازماندهی شده‌ای بودند که در مرزها مستقر میشدند و حفاظت و حراست از سرحدات امپراطوری را بر عهده داشتند و هراز چندگاهی به ممالک دشمن یورش می‌بردند.

نیروی دریایی: در اوایل حکومت عثمانی نیروی دریایی سازماندهی متمرکزی نداشت لیکن در طی قرن ۱۶، ناوگانی از کشتیهای جنگی و دریاسالارهای بزرگی فراهم آمدند و امپراطوری عثمانی توانست از این طریق شمال آفریقا و یمن را تصرف کرده و در اقیانوس هند نیز به فتوحاتی دست یابد.

قلمرو امپراطوری: در اواخر قرن شانزدهم امپراطوری عثمانی سرزمینی به وسعت دو میلیون کیلومتر مربع را شامل بود: در اروپا: شبه جزیره بالکان، ترنسیلوانیا، مولداوی، والاشی، مجارستان، سواحل شمالی دریای سیاه، قبرس و جزایر دریای اژه. در آسیا: آناتولی، ارمنستان، اکثر اراضی قفقاز دره‌های دجله و فرات، خلیج فارس، سواحل شرقی، مدیترانه و سواحل شبه جزیره عربستان تا خلیج عدن. در آفریقا: مصر، تریپولی، تونس و الجزایر.

در امپراطوری عثمانی، زمین قانوناً به مردم تعلق داشت - لیکن تحت نظارت شدید دولت - هرکس زمین خود را سه سال متوالی لم یزرع باقی می‌گذارد، حق تملک از او سلب شده و زمین به فرد دیگری که میتواند آنرا قابل کشت نماید واگذار میشود. مالکین زمین، چه مسلمان و چه مسیحی بایستی مالیات زمین خود را به دولت میپرداختند. زمینهایی که به موسسات مذهبی تعلق داشت جهت مدرسه، بیمارستان، مسجد... در نظر گرفته میشود.

همانطور که قبلاً اشاره شد، از نظر تاریخی، حمله امپراطوری عثمانی به اطریش به سال ۱۵۹۳ میلادی و شکستهای پیاپی در این جنگ و نهایتاً عقب‌نشینی از وین، نشانه بارزی بود از آغاز فروپاشی این امپراطوری بزرگ، این شکست و ناتوانی، نتیجه‌اش از دست دادن سرزمینهای اروپایی بسیاری بود. از این زمان کشورهای اروپایی بر علیه امپراطوری عثمانی با یکدیگر متحد شدند. جنگهای بسیاری در نقاط مختلف اروپا در گرفت که سرانجام در سال ۱۶۹۹ میلادی، با امضاء عهدنامه «کارلویتس» (karlowits) به پایان رسید و امپراطوری عثمانی ممالک بسیاری را از دست داد.

بحران بزرگ دیگر برای امپراطوری عثمانی، جنگهای طولانی روس و عثمانی بود که از اوایل قرن هیجدهم آغاز گردید. این جنگها که در ابتدا با پیروزی عثمانیها همراه بود در سال ۱۷۶۸ شدت یافت و سرانجام به امضاء عهدنامه «قینارجه» (kaynrea) در سال ۱۷۷۴ منجر

گردید. این معاهده را ننگین‌ترین عهدنامه امپراطوری عثمانی دانسته‌اند که به موجب آن «کریمه» کاملاً از عثمانی مستقل شد، روسها حق دریانوردی آزاد در دریای سیاه و مدیترانه را پیدا کرده، همچنین حق حمایت از مذهب ارتودکس را در امپراطوری عثمانی بدست آوردند. تا رسیدن به قرن نوزدهم، عثمانیها بار دیگر طی جنگهایی دیگر، ۹۲-۱۷۸۴، و سپس معاهده‌ای دیگر، سرزمینهای بیشتری رابه روسها واگذار نمودند و ورود «دنپر» مرز دو کشور گردید (در آن زمان ترکیه فقط در اروپا با روسیه هم مرز بود و قفقاز هنوز در دست ایران بود). در همین سالها بصره نیز طی جنگی با ایران، به تصرف ایران در آمده بود.

از سوی دیگر متعاقب انقلاب کبیر فرانسه، ایده‌های ناسیونالیستی در میان ملیتهای مختلف امپراطوری عثمانی نشر یافته بود و به نافرمانیها و شورشهای ملی گرایانه متعددی منجر شده بود. به دنبال این شورشها نیز امپراطوری سرزمینهای دیگری را از دست داد. در نخستین شورشها، صربها و یونانیها استقلال خود را بدست آوردند و مصر نیز به استقلال داخلی دست یافت. در چنین شرایطی و با توجه به ضعف امپراطوری، قلمرو عثمانی مورد تجاوزهای متعدد دولتهای وقت قرار گرفت. فرانسه، تونس را گرفت، اطیش بوسنی (Bosnia) و هرزگوین (Herzegovina) را ضمیمه کشور خود کرد، ایتالیا بر تریپولی و بن‌غازی دست یافت، روسیه تا ارضروم پیشروی کرد، و یونان جزیره کرت را از تسلط ۲۴۳ ساله عثمانیها خارج کرده و تحت سلطه خود درآورد. در سال ۱۹۱۲، صربها، بلغارها و یونانیها برای جنگ علیه امپراطوری عثمانی متحد شدند...

در حالیکه دولت عثمانی درگیر جنگها و شورشهای بسیاری بود، مشکلات داخلی امپراطوری نیز روز به روز افزایش می‌یافت. ارتش امپراطوری ضعیف شده بود و در هیچیک از جنگهای طولانی و متعدد خود به موفقیتی دست نیافته بود. ممالک امپراطوری یکی پس از دیگری تدریجاً، بوسیله قدرتهای اروپایی از آن جدا می‌گردیدند و بسیاری ملتها استقلال خود را طلب میکردند. کشور فقیرتر میشد و اراضی کشاورزی بسیاری طی سالها بصورت لم‌یزرع رها شده بود. در چنین شرایطی، سلاطین در اداره کشور بسیار ناتوان گردیده بودند و بر خلاف نیاکانشان که غازی (مجاهدان دینی) بودند، آنها مبدل به امپراطوران ثابتی گشتند که زندگی مجلل و راحت خود را در قصرهای خود دنبال میکردند. برخی از آنها فاقد ذکاوت لازم بودند و برخی بدلیل سالها اسارت خود یا پدرانیشان در قفسها از سلامت کامل برخوردار نبودند. در حالیکه در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی تنها

۱۲ سلطان زمام امور را در اختیار داشتند، در فاصله سالهای ۱۶۰۰ تا ۱۹۲۲ میلادی، ۲۴ سلطان بر امپراطوری حکمراندند. بسیاری از آنها عزل شدند، کشته شدند و یا مجبور به کناره‌گیری گردیدند. پول خزانه، ضمن آنکه ارزش خود را از دست داده بود، با اسراف و تبذیرهای فراوان به هدر میرفت. سیستم «ینی چری»، نیز با نفوذ افراد نالایق، که معمولاً به توصیه مقامات دولتی بدان وارد میشدند، رو به فساد و سستی نهاده بود.

نخستین تلاشهای جدی جهت تغییر و تحول این وضعیت بوسیله سلطان «سلیم سوم» (۱۸۰۷ - ۱۷۸۹) آغاز گردید. وی با هدف تجدید سازماندهی ارتش و سازمان اداری کشور، اصلاحاتی را تحت عنوان «نظم نوین» مقرر داشت. مدارس نظامی تأسیس گردیدند و آموزگارانی از اروپا آورده شدند... با اینحال اینگونه تحولات، بخصوص از آنجا که از سوی ینی چری‌ها و علما نیز مورد حمایت نبود، نتوانست مشکلات داخلی امپراطوری را حل کند. رشوه، توصیه و حمایت از خویشان، همچنان در سیستم اداری باقی مانده بود، مسئولین، هم در حکومت مرکزی و هم در ایالات و ولایات، بر مبنای لیاقت و کاردانی منصوب نمی‌گردیدند. حکمرانان، قضات، سربازان و مأموران انتظامی غالباً در اثر ناآگاهیها و ناتوانیهای خود مردم را تحت فشار و بهره‌کشی قرار میدادند و در نتیجه سوءمدیریت، مردم احترام و اطمینان خود نسبت به حکومت را از دست دادند. کارایی بسیاری از نهادهای عثمانی نیز، رو به ضعف نهاده بود. از جمله «مدرسه‌ها» که تعلیم و تربیت علما را بر عهده داشتند، نتوانستند همپای تحولات جهان خارج، تعالیم لازم را ارائه نمایند. امپراطوری سالها از پیشرفتهای علوم و فنون در اروپا دور ماند. در حالیکه عثمانیان در زندگی قرون وسطایی باقی مانده بودند، اروپا، بویژه پس از رنسانس و انقلاب صنعتی به عصر جدیدی پانواده بود. لذا، امپراطوری عثمانی در اوایل قرن نوزدهم به لزوم اصلاحاتی همگام با تحولات اروپایی معتقد گردیده بود، و این آغاز «غربگرایی» در ترکیه بود که نخستین بار بوسیله سلطان «محمد سوم» (۳۹ - ۱۸۰۸) آغاز شد. وی ینی چریها را منحل، و آکادمی نظامی با معلمین اروپایی تأسیس نمود و ارتشی جدید را سازمان داد. مدرسه پزشکی نیز در این دوره آغاز بکار کرد. آموزش ابتدایی برای کلیه پسران - قبل از اشتغال آنها - اجباری گردید و دانشجویان بسیاری به اروپا اعزام شدند. وی همچنین تحولاتی در سیستم اداری فراهم آورد. در دوران زمامداری وی، سیستم قدیمی فئودالی که در برخی ایالات وجود داشت و مستقلاً عمل میکرد و تنها وظیفه اش جمع‌آوری و پرداخت مالیات بود، برچیده شد

و حکومت مرکزی جمع‌آوری مالیاتها را برعهده گرفت.

اقدامات اصلاحی در طی قرن نوزدهم نیز ادامه یافت. سلطان «عبدالمجید اول» (۱۸۳۹-۶۱) به کمک «مصطفی رشید» که از دولتمردان بزرگ و غربگرا بود، برنامه اصلاحی را تحت عنوان «تنظیمات» تهیه نمودند، که با نام «گلخانه خط همایونی» در نوامبر ۱۸۳۹ به امضاء رسید و طی آن برای نخستین بار ارتباط میان سلطان و اتباع خاطر نشان گردیده بود. این شروع دوره‌ای بود که «تنظیمات» خوانده شد. فرمان در همه اتباع عثمانی، صرفنظر از نژاد و مذهب، بطور مساوی جاری میگردید و همه اتباع بر یک اساس معین مالیات میپرداختند. در این زمان قوانین مدنی، جنایی و بازرگانی بر اساس الگوهای غربی وضع گردید و تلاش شد امنیت افراد و دارائی‌های آنان تأمین گردد. در کنار مدارس مقدماتی تعالیم مذهبی و «مدرسه‌ها» مدارس متوسطه نیز گشایش یافت و سیستم آموزشی متمرکز گردید. آموزشگاهی نیز جهت تربیت قاضی تأسیس شد. در طول این دوره، امپراطوری عثمانی شروع به اعزام سفیر به پایتختهای اروپایی نمود.

با اینحال، تا پایان حکومت عبدالمجید اول و جانشین وی «عبدالعزیز» (۷۶ - ۱۸۶۱) اصلاحات پیش‌بینی شده در فرمان، به تمامی، عملی نگردید و کشور همچنان با مشکلات و مسائل مختلفی روبرو بود. در این میان، برخی روشنفکران و دولتمردان که در اروپا تحصیل کرده بودند، ایده‌هایی برای ملت نوین عثمانی در سر داشتند و جمعیت انقلابی پنهانی را بنام «عثمانیهای جدید» تشکیل دادند. آنها از ایده‌هایی مبتنی بر یک حکومت مشروطه با یک مجلس که در آن کلیه فرق مذهبی در امپراطوری بتوانند نماینده‌ای داشته باشند، حمایت میکردند. نامیک کمال (Namik kemal) شاعر و میهن‌پرست بزرگ ترک و ضیاء پاشا (ziya pasa)، شاعر فکاهی نویسنده از جمله افراد سرشناس این جمعیت بودند. این جمعیت بوسیله مدحت پاشا (Midhat pasa) که از دولتمردان ذینفوذ بود حمایت میشد. پس از عزل سلطان عبدالعزیز و جانشین بی‌کفایت وی، «مراد پنجم» (۱۸۷۶م)، سرانجام «عبدالحمید دوم» (۱۹۰۹ - ۱۸۷۶)، با شرط برقراری حکومت مشروطه و تشکیل مجلس بر مسند حکومت نشست و مدحت پاشا، طرح حکومت مشروطه را بر مبنای سیستم فرانسوی طراحی نمود و به منصب صدراعظمی انتصاب یافت. در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶، «مشروطیت» اعلام و مجلس افتتاح گردید. لیکن حدود ۶ هفته بعد به بهانه جنگ با روسیه (۱۸۷۷). مجلس منحل گردید و نخستین دوره مشروطیت بدین ترتیب پایان یافت. مدحت پاشا ابتدا به

اروپا و سپس به حجاز تبعید شد. عصری که از این زمان آغاز و تا اواخر دوران سلطنت «عبدالحمید دوم» ادامه یافت، در تاریخ امپراطوری عثمانی به عصر استبداد شهرت دارد. در این دوره سلطان جاسوسانی را جهت اطلاع خویش از افراد مظنون و مخالف با حکومت در سراسر امپراطوری اجیر کرده بود. با اینحال همواره از سوی افکار ترقیخواه که خواهان بازگشت مشروطه بودند، تحت فشار قرار داشت و سرانجام در جولای ۱۹۰۸، ناگزیر به اعلام مشروطیت دوم گردید که با استقبال اقشار مختلف مردم روبرو شد. در طی این سالها، حس ناسیونالیستی هر روز تقویت میشد و انقلابات ادامه داشت و سلطان عبدالحمید تلاش بسیار نمود تا از طریق رواج دوباره خلافت و استفاده از نفوذ آن بار دیگر اتحاد را بازگرداند لیکن در سال ۱۹۰۹ عزل و محمد پنجم (۱۸ - ۱۹۰۹) بر تخت نشست.

در طی سالهای دهه اول قرن بیستم، روابط عثمانی و آلمان تدریجاً پیشرفت نمود و لذا دولت عثمانی در ۱۹۱۴ و در نخستین سالهای شروع جنگ جهانی اول، در حمایت از دولت آلمان، خود را درگیر جنگی دیگر یافت و این بار در مقابل متفقین. جنگ به مرزهای مصر، بین‌النهرین و قفقاز و تنگه داردانل سرایت کرد. در ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸، قرارداد ترک مخاصمه «مودروس» (Mudros) به امضاء رسید و سرزمینهای تحت سلطه عثمانی در عربستان و سوریه و عراق و آفریقا تحت کنترل متفقین قرار گرفت. مدخل‌های ورودی تنگه داردانل و دریای سیاه نیز بوسیله متفقین اشغال گردید. با پیمان ترک مخاصمه مودروس جنگ جهانی اول به پایان رسید اما دوران جدیدی برای ترکیه آغاز گردید.

۴ - ۲ - ترکیه پس از امپراطوری عثمانی (ظهور آتاتورک: ۱۹۱۸-۱۹۳۸ میلادی)

پیمان «مودروس» برای سلطان و حکومت استانبول به معنی از دست دادن پادشاهی بود. در سالهای ۲۰ - ۱۹۱۹ متفقین پیروز جنگ جهانی اول یعنی انگلیس و فرانسه، با همراهی ایتالیا بر آناتولی دست یافتند. تنگه‌ها، استانبول، و دیگر سرزمینهای قید شده در پیمان «مودروس» به اشغال متفقین درآمد. یونان نیز با حمایت نیروهای متفقین در «ازمیر» مستقر گردید و این شهر را پس از ۶۰۰ سال مجدداً به تصرف خود درآورد.

از این تاریخ تا ۱۹۲۳ میلادی ترکیه یک دوره هرج و مرج و اغتشاش و جنگهای استقلال را پشت سر نهاد. در سراسر کشور هسته‌های میهن پرستی بوسیله روشنفکران بر علیه

متفقین شکل گرفت. با اینحال این گروهها متحد و یکپارچه نبودند. در این زمان «مصطفی کمال» (۸) (آتاتورک)، افسر نظامی که بدلیل موفقیت‌هایی در جنگ جهانی اول به شهرت و اعتباری دست یافته بود، پا به عرصه پر تلاطم سیاسی - اجتماعی ترکیه نهاد. هدف وی سازماندهی مردم آناتولی بود، مردمی که از شکست ترکیه، و از فساد و ناتوانی دستگاه حاکمه به خشم آمده بودند. وی ضمن کناره‌گیری از ارتش، اقدام به تشکیل دوکنگره یکی در «ارضروم» (Erzrum) و دیگری در «سیواس» (Sivas)، نمود. این کنگره‌ها که در حقیقت مظهر خواست و اراده ملی تلقی میشدند، تصمیماتی بشرح زیر را به مردم ابلاغ نمودند:

- ترکیه بایستی در داخل مرزهای خود ملت واحد و متحدی را تشکیل دهد.

- در صورت قصور یا ناتوانی حکومت استانبول در حمایت از استقلال ترکیه، یک

حکومت موقت بایستی برقرار گردد.

- به اقلیتها نباید حقوق ویژه‌ای اعطا شود که بر مبنای آن عدم تعادلی در اتحاد ملی

حاصل آید.

- کلیه سازمانها و تشکلهای میهن پرستی باید در قالب «اتحادیه دفاع از آناتولی» و

"Rumelia" متحد گردند.

پس از این تصمیمات، سلطان «محمدششم» (۲۲ - ۱۹۱۸). جهت تشکیل یک مجلس جدید، متشکل از نمایندگان باگرایشات ملی، تحت فشار افکار عمومی قرار گرفت. در ژانویه ۱۹۲۰، این مجلس در جهت خواست کنگره‌های مزبور، «پیمان ملی»، را به تصویب رساند. لیکن از آنجا که برقراری چنین شرایطی، در حقیقت اختطاری به متفقین بشمار میرفت، در مارس ۱۹۲۰، نیروهای ایتالیا، فرانسه و انگلیس، استانبول را رسماً اشغال نمودند و مجلس به دستور سلطان در ۱۱ آوریل همان سال، بسته شد و نمایندگان ناسیونالیست، برخی به آنکارا گریختند و برخی دیگر تبعید گردیدند.

مصطفی کمال بیدرنگ در ۲۳ آوریل، مجلسی در آنکارا افتتاح و از نمایندگان سراسر آناتولی جهت شرکت در آن دعوت بعمل آورد. در این زمان بود که وی به عنوان رئیس مجلس کبیر ملی، و رئیس حکومت جدید ترکیه انتخاب گردید. در همین دوره، قانون اساسی موقت اعلام کرد که سلطنت به مردم تعلق دارد و مجلس ملی نماینده مردم تلقی میشود که عملکردهای قانونی و اجرائی را تماماً به عهده دارد.

در جناح دیگر، متفقین پیمان «سور» (sevre) را با حکومت استانبول به امضاء رساندند که

مقرر می‌داشت کلیه متصرفات عثمانی از آن تجزیه شود. این پیمان که از میان بردن استقلال و آزادی ترکیه را دنبال می‌کرد، ضمن آنکه با مخالفت شدید ملیون به رهبری مصطفی کمال روبرو شد، موجبات تقویت روحیه ناسیونالیستی را فراهم آورد و مردم که از موضع حکومت استانبول ناامید بودند شروع به حمایت ناسیونالیستها نمودند. نیروهای ناسیونالیست طی جنگهای پی‌درپی با نیروهای مستقر متفقین در آناتولی، سعی در بازگرداندن اراضی اشغالی و حفظ هویت مستقل آن نمودند و به پیروزیهای قابل توجهی دست یافتند، از جمله، توانستند با غلبه بر یونانیان آنان را از خاک خود بیرون رانند - یونانیان در اثر این شکست، ضمن عقب‌نشینی، «ازمیر» و دیگر شهرهای بزرگی که در مسیرشان قرار داشت را به آتش کشیدند.

در اکتبر ۱۹۲۲ - پیمان ترک مخاصمه میان دولت آنکارا، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا به امضاء رسید. تدریجاً، «پیمان ملی» به حقیقت نزدیک می‌گشت. مجلس کبیر ملی در نوامبر همان سال، سلطان را خلع نمود و عصر خاندان سلاطین عثمانی پس از ۶۴۱ سال به سرآمد و سلطان محمد ششم تنها در مقام «خلیفه روحانی» باقی ماند، لیکن وی چند روز بعد از کشور گریخت و «عبدالمجید بیگ» یکی دیگر از افراد خاندان عثمانی، به عنوان خلیفه برگزیده گردید. (تا سال ۱۹۲۴ که این منصب نیز از میان رفت).

با امضاء عهدنامه لوزان با متفقین در سال ۱۹۲۳ میلادی ترکیه تقریباً به کلیه اهداف تعیین شده در «پیمان ملی» دست یافت. طی این عهدنامه حدود ترکیه مشخص و تضمین گردید و وجود یک دولت مستقل ترکیه در سرزمین آناتولی و تراس شرقی به رسمیت شناخته شد. کاپیتولاسیون ملغی و تنگه‌های داردانل و بسفور برای همیشه به ترکیه تعلق گرفت و ترکیه نیز از ادعاهای خود نسبت به متصرفات امپراطوری عثمانی در خارج از آناتولی، چشم پوشید. یونانیها منطقه تراس شرقی را ترک نمودند و منطقه شاهد جابه‌جایی یونانیان ساکن آناتولی با ترکهای ساکن یونان بود البته این معاوضه جمعیتی، تراس غربی و استانبول را شامل نشد. (۹)

در ۱۳ اکتبر ۱۹۲۳، آنکارا به عنوان پایتخت جدید ترکیه معرفی گردید، این تحول در حقیقت مفهوم قطع کامل با گذشته و دوران سلاطین عثمانی را با خود همراه داشت. حکومت جدید نیز «جمهوری» اعلام و «مصطفی کمال» به عنوان نخستین رئیس جمهور برگزیده شد. در ۲۹ اکتبر همان سال، وی نخستین نطق خود را در مقام رئیس جمهور، در

مجلس ملی ایراد نمود. «عصمت پاشا» (اینونو) نیز به عنوان نخست وزیر مأمور تشکیل نخستین کابینه جمهوری نوین گردید.

* * *

علاوه بر جبهه نظامی، ملی‌گرایان خود را ناگزیر از مبارزه در جبهه اجتماعی فرهنگی نیز یافتند. طی ششصدسال حکمروایی سلاطین عثمانی، ساکنین آناتولی، با ویژگیهای اجتماعی و آداب و رسوم خود گرفته بودند که با اهداف مصطفی کمال همخوانی نداشت. این بار، هدف مصطفی کمال، ایجاد تحولاتی هماهنگ با تمدن غرب و برپایه الگوهای غربی، در ترکیه بود و در طی پانزده سالی که مقام رئیس جمهوری را در اختیار داشت، با انجام تغییرات متعددی در صحنه اجتماعی و فرهنگی جامعه سعی نمود ترکیه را به صورت یک کشور بظاهر اروپایی درآورد. اولین قدم وی مخالفت با مداخله مذهب در سیاست و خارج کردن ترکیه از تسلط مذهب بود. در مارس ۱۹۲۴م، نیز سه قانون از تصویب مجلس ملی گذشت: ۱- منسوخ شدن خلافت ۲- خروج کلیه افراد خاندان عثمانی از کشور ۳- تشکیل وزارت آموزش عمومی و ادغام کلیه مدرسه‌ها و مراکز آموزشی در آن. اصلاحات یکی پس از دیگری انجام می‌گرفت و بعضاً در برخورد با مخالفان به خشونت کشیده میشد: تغییر لباس، الفبا، زبان، آموزش، اسامی، موقعیت زنان، تقویم... از جمله این تغییرات می‌باشند. (۱۰) بدنبال این تحولات، تغییراتی نیز در سیستم قضایی صورت گرفت، قوانین کیفری - بر پایه قوانین کیفری ایتالیا - و حقوق تجارت - بر پایه حقوق تجارت آلمان و ایتالیا - در اول مارس و ۲۹ می ۱۹۲۶ به تصویب رسیدند و در پنجم نوامبر همان سال، مدرسه حقوق جدیدی در آنکارا گشایش یافت.

از دیدگاه سیاست داخلی، تا زمان مرگ آتاتورک (مصطفی کمال پاشا)، ۱۹۳۸، کشور عملاً در قالب یک سیستم تک حزبی اداره میشده و «حزب خلق»، (۱۱) که در سال ۱۹۲۳، بر اساس اصول و اعتقادات نوین ترکیه تشکیل گردیده بود، تنها حزب مجاز بشمار میرفت. ۶ اصل اعتقادی این حزب - جمهوریخواهی، ناسیونالیسم، حمایت از مردم، حمایت از ارتش، جدایی دین از سیاست و اصلاح طلبی - در سال ۱۹۳۷، جزو قانون اساسی ترکیه درآمده و «کمالیسم» خوانده شد. در دوره جمهوری اول، با وجودیکه احزاب مخالفی نیز تشکیل گردیدند لیکن هیچیک دوام و قوامی نیافتند. در سیاست خارجی نیز ترکیه با تکیه بر شعار آتاتورک «صلح در خانه، صلح در خارج از خانه»، همزیستی مسالمت آمیز و دوستی با

کشورهای همجوار را برگزید و پیمان نامه‌های عدم تجاوز متعددی با کشورهای همسایه منعقد گردید. در سال ۱۹۳۹، پس از توافقی با فرانسه، استان حتای (Hatay) که به سوریه ضمیمه بود، به ترکیه الحاق گردید و از این زمان ترکیه شکل نهائی اش را در مرزهای خارجی بازیافت.

۵-۲- ترکیه پس از آتاتورک (۱۹۳۸ میلادی)

در دهم نوامبر ۱۹۳۸، «آتاتورک» در گذشت، این واقعه تغییراتی را در ساختار سیاست داخلی ترکیه بوجود آورد و دوران پر تلاطم دیگری آغاز گردید. چند روز پس از درگذشت آتاتورک، مجلس ملی کبیر «عصمت اینونو» را به عنوان دومین رئیس جمهور برگزید. وی با دقت و احتیاط اصول کمالیسم را دنبال نمود. در فاصله کوتاهی پس از ریاست جمهوری «عصمت اینونو»، جنگ جهانی دوم آغاز گشت. وی تا پایان جنگ سیاست بیطرفی در جنگ را پیش گرفت و ترکیه را از درگیری در جنگ دیگری که می‌توانست فاجعه‌ای برای جامعه نوین ترکیه باشد حفظ نمود. در سال ۱۹۴۳، «عصمت اینونو» مجدداً به ریاست جمهوری برگزیده شد و در این دوره دوم ریاست جمهوری وی بود که ترکیه به عصر چند حزبی رسید.

در ژانویه ۱۹۴۶، حزب «دموکرات» تأسیس شد. این حزب در انتخابات سراسری سال ۱۹۵۰ به پیروزی رسید و رهبر آن جلال بایار (Celal Bayar) رئیس جمهور گردید. این حزب تا سال ۱۹۶۰ زمام امور کشور را در دست داشت. در طی این دوره، سیاست اقتصاد آزاد مورد پذیرش بیشتری قرار گرفت. صنعت نفت از صورت ملی خارج شد، بخش خصوصی و سرمایه‌گذارهای خارجی مورد تشویق قرار گرفت و سرمایه‌گذارهای دولتی افزایش یافت. هدف از این تحولات، تحول اقتصاد کشور از یک حالت بسته و محدود و روستایی به اقتصادی ملی و توسعه یافته بود. با اینحال اینگونه استراتژیهای اقتصادی برنامه‌ریزی نشده منجر به بحران مالی بزرگی شد و موجبات افزایش تورم، کاهش ارزش پول رایج، کسری بودجه و بدهیهای خارجی را فراهم آورد. تغییر دیگر در سیاست دولت، اجازه تجدیدنظر در مذهب و احیاء سنتهای کهن رامیداد. مانند آموزش مذهبی در مدارس. (با توجه به اینکه اکثریت مردم در روستاها و شهرهای کوچک زندگی می‌گردند و هنوز شیوه‌های سنتی را دنبال کرده و بشدت به مذهب وابسته بودند، از این ویژگی جامعه در جلب آراء بیشتر حزبی

استفاده گردید). از سوی دیگر ممانعت از کلیه فعالیتهای دموکراتیک آغاز شد. آزادی نشریات موقوف گردید و روزنامه نویسان متعددی به دلیل مخالفت با دولت به زندان افکنده شدند. رادیو دولتی نیز بصورت ابزاری جهت تبلیغات حکومتی درآمد و در سال ۱۹۶۰، استبداد و فساد حکومتی در ترکیه به اوج خود رسید. بحرانی دیگر آغاز شده، ترورها شدت گرفت، و آشفتگیها و ناآرامیهای در کشور بچشم می خورد که بصورت آشوبها و تظاهرات خیابانی بخصوص در دو شهر استانبول و آنکارا، بروز می نمود. لذا دولت اعلام حکومت نظامی کرده، طی یک کودتای نظامی به حاکمیت دهساله حزب دموکراتیک پایان داده شد. انحراف از دموکراسی و اصول کمالیسم و تبعیض میان اعضاء حزب و سایر مردم، را از جمله مهمترین دلایل کودتا بر شمرده اند. در این زمان قانون اساسی جدیدی با هدف برقراری عدالت اجتماعی تهیه و به فراندوم عمومی گذارده شد. توجه به برنامه ریزی درسیستم اقتصادی جامعه نیز مورد توجه قرار گرفت.

بدنبال کودتای نظامی، ژنرال «جمال گورسل» (Cemal Gursel) به عنوان چهارمین رئیس جمهور ترکیه معرفی گردید. حزب دموکراتیک منحل و حزب عدالت جانشین آن شد. لیکن تا سال ۱۹۶۵ کشور بوسیله دولتهای ائتلافی اداره میگردید. پس از انتخابات سراسری ۱۹۶۵، حزب عدالت به رهبری «سلیمان دمیرل» (Suleyman Demirel) توانست با کسب اکثریت آراء حکومت اکثریتی را تشکیل دهد.

سالهای آخر دهه ۱۹۶۰، برای ترکیه با مشکلات اقتصادی اجتماعی بیشتری همراه بود، بویژه آنکه بُعد جدیدی به ساخت اجتماعی کشور افزوده گردیده بود که دشواریهای خاص خود را بر جامعه تحمیل می نمود: با گسترش موج صنعتی شدن در شهرهای بزرگ، روستائیان با ترک روستاهای خود بسوی شهرها سرازیر شده و شهرهای بزرگ در محاصره پدیده حاشیه نشینی قرار گرفته بودند. تحول ساختار اجتماعی جامعه، در سیاستهای اقتصادی حزبهای سیاسی نیز تغییراتی فراهم آورد. در حالی که حزب عدالت از یک اقتصاد آزاد حمایت میکرد، حزب جمهوریخواه خلق عدالت اجتماعی را سرلوحه کار خود قرار داده بود. در اواخر دهه ۱۹۶۰، بار دیگر ترکیه با آشوبهای اجتماعی مواجه گردید. «فعالتهای دانشجویی» با تقاضاهای تحولات بیشتر اجتماعی و آموزشی آغاز گردید و مدتی بعد بار دیگر عملیات تروریستی از سر گرفته شد. نارضایتی از دولت اوج میگرفت و مردم خواهان اصطلاحات بیشتری بودند.

سرانجام در سال ۱۹۷۱، «سلیمان دمیرل» از مقام خویش کناره‌گیری نمود و بار دیگر ارتش به دلیل هرج و مرج و بحرانهای اقتصادی اجتماعی در کشور مداخله نظامی نمود. از این زمان، طی یک دوره ۲ ساله، حکومت‌های غیر حزبی شکل گرفتند. در استانهای مختلف حکومت نظامی اعلام و عناصر مخالف دستگیر گردیدند. قانون اساسی، در جهت محدود کردن آزادیها و حقوق اساسی مردم، یکبار دیگر تغییر نمود. «فخری کورتورک» (Fahri Koruturk) در سال ۱۹۷۲ به عنوان ششمین رئیس جمهور ترکیه برگزیده شد. در همین سال «بلنت اجویت» (Bulent Ecevit) با شکست دادن «عصمت اینونو» که از زمان آتاتورک رهبری حزب جمهوریخواه خلق را به عهده داشت، به رهبری این حزب رسید. وی یکسال بعد در مقام نخست وزیری ترکیه یک حزب ائتلافی تشکیل داد. در طی تابستان ۱۹۷۴، بدنال بحران قبرس ترکیه بخش شمالی این جزیره را تصرف نمود و این امر برخورد‌هایی را در داخل دولت فراهم آورد و سرانجام منجر به کناره‌گیری اجویت در سپتامبر همان سال گردید. (۱۲)

در طی دهه هفتاد میلادی، هیچ دولت اکثریتی نتوانست تشکیل گردد، راه‌های متعددی تجربه شد، از جمله دولت غیر حزبی و کوتاه مدتی که بوسیله «سعدی ایرماک» (Sadi Irmak)، نخست وزیری مستقل، رهبری میشد (از نوامبر ۱۹۷۴ تا آوریل ۱۹۷۵). در حد فاصل سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ نیز، «اجویت» و «دمیرل»، دولت‌های ائتلافی و یا اقلیتی را تشکیل دادند.

از ویژگیهای موقعیت کلی ترکیه در دهه ۷۰ میتوان به موارد زیر اشاره کرد: تداوم بیشتر مشکلات اقتصادی و اجتماعی، افزایش بی سابقه هرج و مرج، ترور، افزایش نرخ بیکاری، افزایش کسر بودجه و تورم (تا بیش از ۱۰۰٪)، کاهش ارزش پول رایج و افزایش استفاده از کمک‌های خارجی، که علیرغم روند فزاینده‌اش، گرهی را ننگشود.

در سال ۱۹۷۹، بار دیگر در ۱۹ استان ترکیه حکومت نظامی اعلام شد و در سال ۱۹۸۰ نظامیان به رهبری ژنرال «کنعان اورن» (Kenan Evren)، دست به کودتای نظامی دیگری زدند. دولت دمیرل سرنگون و دهه‌سیاستمدار موقتاً دستگیر گردیدند. در این زمان اداره امور کشور را شورای ۶ نفره نظامی، بنام «شورای امنیت ملی» به رهبری ژنرال «اورن»، بر عهده گرفت و قانون اساسی جدیدی به مورد اجرا گزارده شد. در این زمان احزاب و گروه‌های سیاسی که تعدادشان به حدود ۱۱۵ واحد میرسید منحل اعلام شد و سران آنها

دستگیر، محاکمه و زندانی گردیدند. برخی از این احزاب عبارت بودند از: حزب جمهوریخواه خلق به رهبری بلنت اجویت، حزب سلامت ملی به رهبری نجم‌الدین اربکان، حزب عدالت به رهبری سلیمان دمیرل، حزب دموکرات به رهبری مندرس، حزب اتحاد ترکیه، حزب کارگران ترکیه، حزب ترکیه نوین...

۲ سال بعد، در سال ۱۹۸۲، قانون اساسی جدید به فراندوم گذارده شد و «ژنرال اورن» نیز به ریاست جمهوری رسید (۱۳). در همین سال احزاب در چارچوبی محدود و مشخص اجازه فعالیت یافتند. استفاده از قالبها و اسامی حزبی گذشته ممنوع شد، احزاب اسلامی و کمونیستی نیز اجازه فعالیت نیافتند. افکار و آراء آتاتورک به عنوان محور فعالیت احزاب مقرر شده و احزاب ملی‌گرا، محافظه‌کار، راست‌گرا، چپ‌گرا و سوسیال دموکرات شروع به فعالیت نمودند. در سال ۱۹۸۳ انتخابات عمومی در ترکیه برگزار گردید، تنها احزابی می‌توانستند در این انتخابات شرکت نمایند که قبلاً مورد تأیید شورای امنیت قرار گرفته باشند و علاوه بر اساس قانون، حزبی می‌توانست به مجلس راه یابد که بتواند حداقل ۲۰ نماینده به مجلس بفرستد.

حزب خلق به ریاست «نجوت جالپ»، حزب دموکراسی ملی به ریاست ژنرال بازنشسته «توگورت سونالپ» و حزب مام میهن به ریاست «تورگوت اوزال»، سه حزبی بودند که اجازه شرکت در انتخابات را یافتند، که از آن میان حزب مام میهن به پیروزی دست یافت و دولت را تشکیل داد. با روی کار آمدن دولت توگورت اوزال، طی یکسری اصلاحات اجتماعی، تلاش شد تعادلی میان روند رو به گسترش غرب‌گرایی و فرهنگ سنتی مذهبی جامعه برقرار گردد و اقداماتی از قبیل پیشنهاد تدریس زبان عربی در مدارس، تعقیب و مجازات اهانت‌کنندگان به مقدسات مردم و اماکن مقدس، محدودیت در فروش مشروبات الکلی و پاکسازی مجامع عمومی از آن... مقرر گردید.

در سی‌ویکم اکتبر ۱۹۸۹، با برکناری ژنرال کنعان اورن، «تورگوت اوزال» به ریاست جمهوری رسید، وی اعتقاد داشت، ترکیه باید نقش پل اقتصادی میان غرب و خاور میانه را ایفا نماید و علاوه بر آن سیاست خارجی در ترکیه اساساً به سوی غرب تمایل یابد. در این دوره، «ایلدرم آق بلوت» از حزب مام میهن به عنوان نخست‌وزیر جدید کابینه دولت را تشکیل داد، لیکن دولت وی دوام چندانی نیافت و جناح دیگر این حزب به رهبری «مسعود یلماز» به زودی حکومت را بدست گرفت. در انتخابات سال ۱۹۹۱، حزب راه راست به

رهبری «سلیمان دمیرل» با پیروزی بر حزب حاکم - مام میهن - و دیگر احزاب سیاسی شرکت کننده در انتخابات سراسری به پیروزی دست یافت و مأمور تشکیل کابینه گردید. - حزب سوسیالیست خلق به رهبری «اردال اینونو»، حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری «نجم‌الدین اربکان» و حزب سوسیال دموکرات چپ به رهبری «بلنت اجویت» از جمله احزاب شرکت کننده در این انتخابات بودند.

زیرنویسهای فصل دوم

- ۱ - شهری که بدست امپراطور کنستانتین بر روی شهر کوچک یونانی بیزانتیوم بنا شده بود.
- ۲ - این حکام را یکی از عوامل غارت قسطنطنیه بوسیله ونیزیها در طی دوره چهارم جنگهای صلیبی نیز دانسته‌اند.
- ۳ - مجاهدان دینی
- ۴ - این قبیله که در نزدیکی بخارا مأوا داشتند، قومی آنیمیست و معتقد به وجود روح در همه موجودات بودند لیکن از آنجا که این اعتقاد تکیه‌گاه محکمی نبوده و موجبات امنیت و رضایت آنها را فراهم نمی‌آورد و آنها دائماً در اثر حمله دشمنان، زمینها و چراگاههای خود را از دست میدادند، لذا زمینه مساعدی جهت پذیرش دیدگاه اعتقادی جدید را داشته و دربرخورد با اسلام و تعالیم حق طلبانه آن بسرعت جذب آن شدند.
- ۵ - اما از سوی دیگر، بسیاری از دانشمندان و فلاسفه عهدبیزانس در این دوران به سوی غرب گریختند و این امر در تقویت و ظهور نهضت بزرگ فرهنگی و هنری اروپا (رنسانس) بسیار موثر افتاد.
- ۶ - البته در اواخر قرن نوزدهم شاهزادگان عثمانی کم و بیش از آزادی بیشتری بهره‌مند گردیدند که چون مقارن با اواخر عصر امپراطوری بود، حاصلی در پی نداشت.
- ۷ - به نقل از منبع شماره ۱ ص: ۱۸۰
- ۸ - وی بعدها از سوی مجلس ملی کبیرترکیه، «آتاتورک» یا پدر ملت ترک، نام گرفت.

۹- با توجه به اینکه اکثر بنگاههای بازرگانی در استانبول را یونانیها در اختیار داشتند و دولت ترکیه جهت احیاء وضع اقتصادی نابسامان ترکیه به آنها نیازمند بود مانع از جابه‌جایی آنها گردید.

۱۰- این تحولات اجتماعی و فرهنگی در بحثهای آتی، مورد بررسی بیشتری واقع خواهند شد.

۱۱- این حزب بعدها به حزب «جمهوریخواه خلق» تغییر نام یافت.

۱۲- مهمترین مشکل ترکیه بعد از سال ۱۹۵۰ جزیره قبرس بود. در سال ۱۹۷۴، زمانیکه یونانیها تلاش نمودند این جزیره را به یونان الحاق نمایند. سربازان ترک به قبرس اعزام شدند. بدنبال آن ایالات متحده آمریکا کمکهای نظامی خود به ترکیه را به حال تعلیق درآورد و ترکیه متقابلاً پایگاههای نظامی آمریکا را تحت کنترل خود قرارداد. لیکن بعدها دو دولت در ادامه کمکهای نظامی و بازگشایی پایگاهها به توافق رسیدند.

۱۳- وی تا رسیدن به انتخابات ۱۹۸۹ میلادی در این مقام باقی ماند.

منابع فصل دوم

۱- بررسی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی

منابع فارسی

- اسپنسر، ویلیام. سرزمین و مردم ترکیه، ترجمه علی اصغر بهرام بیگی. - تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مجموعه ملل، ۱۳۴۵.
- ایگدمیر، اولوغ؛ و دیگران. آتاتورک، ترجمه حمید نطقی. - تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸.
- برنارد، لوئیس. استانبول و تمدن امپراطوری عثمانی، ترجمه ماه ملک بهار. - تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- رابینسون، ریچارد. جمهوری اول ترکیه. - ترجمه ایرج امینی، - تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۶۵.

- محبوب، محمود. گیتاشناسی کشورها. - تهران: مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۶۲.
 تال، کریم. شناسنامه فرهنگی ترکیه. - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگی اروپا و آمریکا، ۱۳۶۹.
 روزنامه کیهان، مورخ ۳۰ مهر ۱۳۷۰- گزارش: «حزب حاکم ترکیه در انتخابات سراسری شکست خورد».
 روزنامه کیهان، مورخ ۲۲ آبان ۱۳۷۰- مقاله: «پرونده سیاسی ترکیه»، نوشته: سیروس غفاریان.

منابع لاتین

- Blake, Gerald. The Cambridge Atlas of the Middle East and North Africa - Department of Geography university of Durhm: Cambridge University press, 1987.
 Dewdney, John. World Bibliographical Series, V.27: Turkey.- Great Britain: The Camelet press, 1981.
 Mitchell, Jonathan.
 Guclu, Meral.

(بخشی از مطالب این فصل، بویژه در ارتباط با شناخت ویژگیهای تاریخی عهد عثمانی، بر مبنای برگزیده‌ای از مطالب منبع اخیر تهیه و تدوین گردیده‌اند که برای اطلاع بیشتر می‌تواند مورد مراجعه قرار گیرد.)



فصل سوم

نظام اجتماعی

۱-۳- مقدمه‌ای بر شناخت ساختار اجتماعی جامعه ترکیه

آشنایی ترکیه با مظاهر تمدن غرب در اواخر عهد عثمانی، و بدنبال آن آغاز عصر جمهوری، تغییرات بنیادینی را در ساختار اجتماعی جامعه در پی داشت. همراه با تحولات سیاسی اجتماعی، تدریجاً، سیستم اجتماعی سنت‌گرای عثمانی به سیستمی تجدیدگرا - غربگرا استحاله یافت، و قشر بندی جامعه را نیز با خود متحول ساخت. در عصر عثمانی در درون ساخت جامعه، سلطان عثمانی یا خلیفه، در رأس هرم طبقات اجتماعی و در جایگاه خلیفه مسلمین قرار داشت. وی دارای اقتدار کامل بود و حق سلطنت تنها به خاندان او تعلق می‌گرفت. پس از مقام خلافت و خاندان سلطنتی، دیگر اقشار اجتماعی عبارت بودند از: علما یا رهبران مذهبی - که در حقیقت قشر ممتاز (الیت) جامعه را از نظر معنوی تشکیل میدادند و بسیار مورد احترام بودند - نظامیان، رجال و اعیان و فئودالها و رؤسای طوایف و قبایل و ملاکین...، تجار و بازرگانان - که غالباً از اقلیتهای غیر مسلمان بودند - قشر متوسط - که عمدتاً در اواخر دوران عثمانی قابل ذکر می‌باشند و شامل تعداد محدودی کارمندان دولت، معلمین، روشنفکران و ادبا میشدند - و سرانجام گروه دهقانان و رعایا که اکثریت مردم جامعه را در می‌برگرفت و در پائین‌ترین رده نردبان اقشار جامعه باقی مانده و در حد بسیار نازلی زندگی میکردند. در این دوره، تأکید بر بسته بودن جامعه از سوی دستگاه حاکمه مردم را از هر گونه افکار تازه و روشهای نوین زندگی دور نگهداشته بود. امکان تحرک و تغییر پایگاه اجتماعی نیز بدشواری ممکن بود - بخصوص برای افراد فرودست جامعه - تنها در ساختار نظامی جامعه، گروه «بنی چری» همانگونه که قبلاً اشاره شد، این امکان را می‌یافتند که در صورت احراز شایستگیهای لازم به بالاترین مقامات - غیر از سلطنت - در دستگاه حاکمه دست یابند. در دوران امپراطوری عثمانی جامعه ملیتی واحد نداشت و ملت در حقیقت واحدی متشکل از مردم دارای ملیتهای مستقل و مذهب مستقل بود. افراد ملت با نژادها، ملیتها و مذاهب مختلف در کنار یکدیگر زندگی میکردند و از این نظر تمایزات و امتیازات اجتماعی مشخص میان افراد جامعه عثمانی به چشم نمی‌خورد. هرچند تشابه

مذهبی و قومی مردم ترک زبان و مسلمان آناتولی با طبقه حاکم، احساس امنیت و برتری نسبتاً بیشتری به آنان می‌بخشد، اما این امر در تحرک اجتماعی افراد جامعه نقشی نداشت. ظهور ساخت اجتماعی مدرن ترکیه را در حقیقت بایستی از زمان آشنایی مردم با دنیای خارج، و مشخصاً غرب، دانست: از سال ۱۸۷۶، تلاش جامعه جهت تحولات اجتماعی با موج مشروطه‌خواهی صراحت بیشتری یافت. مدرنیزاسیون و غربگرایی تدریجاً ساخت اجتماعی حکومت عثمانی را از درون دستخوش دگرگونی نمود و در این مسیر، فروپاشی حکومت عثمانی، زمینه لازم را جهت بسیاری از حرکت‌های اصلاح‌طلبانه اجتماعی فراهم آورد. طی نخستین مرحله جمهوری ترکیه به رهبری آتاتورک و افکار وی، گرایش‌های جدیدی - و غالباً در خلاف جهت عصر عثمانی - بدرون بافت اجتماعی جامعه راه یافت و در مرحله دوم جمهوری نیز به رهبری «عصمت اینونو» ادامه یافت. در این زمان «کمالیست‌ها»، که ترکیبی بودند از گروه‌های روشنفکر، بوروکراتها، کارمندان و تعدادی از متخصصین و تجار و بازرگانان، بر جای طبقه نخبگان جامعه نشستند و قشر «علما» اعتبار خود را از دست دادند. تغییر نظام آموزشی از قالب دینی به غیردینی نیز تحول اساسی دیگری بود که خود زمینه‌ساز تحولات اجتماعی اقتصادی بسیاری گردید. از سوی دیگر صنعتی شدن و رشد شهرنشینی، پدیده مهاجرت از روستا به شهر را سبب گردید. در این دوره سازمان فئودالی و عشیره‌ای گذشته تحول اساسی یافت و تغییر پایگاه‌های اجتماعی برای افراد جامعه نیز سهولت نسبتاً بیشتری یافت.

در حال حاضر، در ساخت اجتماعی ترکیه، قشر تحصیلکرده، که عمدتاً در نواحی شهری مستقر می‌باشند، و قشر سنتی که یا تحصیلات کمی دارند یا فاقد تحصیلات می‌باشند و عمدتاً ساکن روستاها هستند، دو قشر قابل ذکر بشمار می‌روند که دارای فاصله اقتصادی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای می‌باشند.^(۱) افرادی که فارغ‌التحصیل لیسه‌ها (Lycee) یا دانشگاه‌ها هستند، عموماً طبقه تحصیلکرده شهری، امکان تحرک اجتماعی مثبت و دستیابی به موقعیتهای برتر از نظر مالی و اعتباری در جامعه ترک دارا می‌باشند. برای این گروه شانس قابل ملاحظه‌ای جهت نائل شدن به پایگاه اجتماعی بالاتر، و بهره‌گیری از خدمات بهتر و موفقیت بیشتر در زمینه‌های تخصصی و حرفه‌ای وجود دارد. در مقابل در بخش دیگر جامعه روستائیان قرار دارند که در مقایسه با شهرنشینان، از امکانات و سطح زندگی

پائین تری برخوردارند. بخشی از این گروه همچنان در روستا مانده و به مشاغل روستایی اشتغال دارند، و بخش دیگر، بدلیل فرصتهای بهتر اقتصادی، اجتماعی و آموزشی متمرکز در شهر، همچون دیگر جوامع رو به توسعه، بسوی شهرها مهاجرت می نمایند، و این حرکت تمایزات و طبقات اجتماعی را در سطح جامعه عینیت بیشتری می بخشد. گروه اخیر غالباً در شهر نیز پایگاه اقتصادی اجتماعی مناسبی نیافته و با مشکل اشتغال روبرو میگردند و درگیر بیکاری یا بیکاری پنهان شده، به انواع آسیب های روانی اجتماعی، بهداشتی مبتلا میگردند و مشکلاتی را نیز برای جامعه سبب میگردند. از جمله مسائلی که بدنبال این جابه جایی جمعیت در جامعه ترکیه بوجود آمده است، بروز پدیده حاشیه نشینی در جوار شهرهای بزرگ است که بررسی پیامدهای اجتماعی آن از حوصله این بحث خارج است.

۲-۳- ازدواج و خانواده در جامعه ترکیه

همانطور که اشاره شد، در ارتباط با ساختار اجتماعی جامعه ترکیه، تفاوت آشکاری میان روستائیان و شهرنشینان شهرهای بزرگ بچشم می خورد و در حقیقت سنت گرایی و تجددخواهی با دو چهره متفاوت و در تقابل با یکدیگر در این دو اجتماع نموده های ویژه ای یافته اند. در حالیکه شهرهای بزرگ جایگاه تمایلات تجددطلبانه و غربگرایانه است، محافظه کاری، احترام به سنتها و گردن نهادن بر حاکمیت قوانین فرهنگی - اجتماعی دیرینه از مشخصه های اجتماعات روستایی این کشور بشمار میروند که ضمن معلوم نمودن پایگاه اجتماعی افراد، تأمین سلامت و دوام جامعه روستایی را نیز بر عهده دارند.

در این ارتباط با توجه به جایگاه زیربنایی و در خور توجه خانواده در ساختار جامعه، چگونگی شکل گیری این نهاد و سنتها و ارزشهای حاکم بر آن بویژه تحول فرم و عملکرد آن در گذر زمان در جامعه ترکیه، موضوعی شایان بررسی است. آنچه مسلم است «خانواده ترک» نیز از تأثیر ورود ارزشهای غربی به صحنه اجتماع بی نصیب نماند، لیکن با توجه به دیربایی و دوام نظام سنتهای حاکم در این زمینه، این تأثیرپذیری با مقاومت بیشتری روبرو شده و در مقایسه با دیگر شئون اجتماعی با روندی نسبتاً بطی تر توانسته است در عمق جامعه نفوذ یابد. بازتاب چنین ویژگی را میتوان در حضور همزمان صورتهای متفاوتی از «ازدواج و خانواده» در جامعه ترکیه مشاهده نمود که بر طیفی از حاکمیت سنن دیرین تا مدرن گرایی به سبک غربی تکیه دارد.

در گذشته پایندهای شرعی و عرفی در برقراری پیوند ازدواج میان افراد جامعه بشدت محترم شمرده می شدند و تشکیل خانواده در این چهارچوب مشروعیت می یافت. با شروع دوران جمهوری و بدنبال تحولات وسیع فرهنگی و اجتماعی، ازدواج نیز فقط در شکلی قراردادی و قانونی مقبولیت یافت و خارج از این قالب فاقد اعتبار و رسمیت لازم شناخته شد. این اقدام که در بدو ورود به جامعه با بی اعتنایی خانواده‌های سنت‌گرا - و بویژه روستانشینان - روبرو گردید، تدریجاً در طی زمان، جای خود را در جامعه باز کرده و متداول شد. اما این دگرگونی به مفهوم تحولی بنیادین و یا نقطه پایانی بر فرم سنتی ازدواج در جامعه نبود و امروز بسیاری از ازدواجها در ترکیه هم بصورت شرعی و عرفی و هم بصورتی قانونی - و عمدتاً جهت بهره‌گیری از مزایای اجتماعی و قانونی آن - انجام می‌گیرد. در انجام مراسم ازدواج، هنوز اعتقادات مذهبی و سنتها و آداب و رسوم فرهنگی مراعات میشود و این امر بسته به خاستگاه جغرافیایی و فرهنگی افراد و مشخصاً درگذر از شهرهای بزرگ به روستاها، دارای شدت و ضعف متفاوتی است. بنابر سنن فرهنگی، ازدواج مبتنی بر طی مراحلی است - مشابه با سنن ایرانی - همچون خواستگاری، انجام توافقه‌های لازم در مواردی چون شیربها، برگزاری مراسم ازدواج، جهیزیه... که معمولاً بیش از آنکه خواست عروس و داماد را در برگیرد متکی بر باورهای فرهنگی، اعتقادی و دیدگاههای بزرگان دو خانواده می‌باشد. در این شیوه ازدواج، مقام مذهبی جاری کننده عقد ازدواج بوده و از پایگاه اعتباری ویژه‌ای بهره‌مند است و اوست که ازدواج را مشروعیت می‌بخشد. با تمایل جامعه به سوی ارزشهای جوامع غربی، و تشکیل خانواده در قالب قانونی، در حقیقت، مراجع قانونی برجای مقامات مذهبی نشسته و انجام تشریفات قانونی جایگزین سنن فرهنگی اجتماعی شدند و ازدواج مستقل از حاکمیت صلاحیدهای بزرگان فامیل تنها بر مبنای خواست طرفین منعقد گردید.

از ویژگیهای دیگر ازدواج در ترکیه، رواج «ازدواجهای فامیلی» است. علیرغم هشدارهای وسائل ارتباط جمعی در مورد آثار سوء اینگونه ازدواجها بر روی نسلها، حدود $\frac{1}{5}$ ازدواجها در قالب فامیلی انجام گرفته و ۷٪ آن در میان فامیلهای نزدیک می‌باشد - در شرق ترکیه ۲۳٪ و در جنوب و شمال ۲۰ و ۱۸٪ از ازدواجهای فامیلی است.

همراه با دگرگونی شکل ازدواج و به موازات نزدیکی به باورهای غربی، شکل خانواده نیز تدریجاً از قالب‌های گذشته خود دور شده و از صورت خانواده‌ای سنتی، گسترده و

همبسته بسوی خانواده‌ای هسته‌ای و کوچک گرایش یافت. اما این تمایل در مناطق مختلف بطرز ی یکسان انجام نگرفته است. بنابر بررسی انجام شده توسط «یونیسف»، در حال حاضر از هر ۱۰۰ خانواده ساکن در شمال و شرق ترکیه به ترتیب ۴۸ و ۴۰ خانواده از نوع خانوار گسترده و سنتی هستند و این در حالی است که در مناطق غربی ۷۳٪ از خانواده‌های کوچک و هسته‌ای می‌باشند.^(۲)

در مجموع در ارتباط با خانواده در ترکیه باید توجه داشت که علیرغم تحولات انجام شده و بخصوص رسوخ ارزشهای غربی در آن، هنوز «خانواده ترک» را می‌توان نهادی نسبتاً سنتی دانست، چه آنجا که در قالب و پوسته‌ای غربی در جامعه حضور می‌یابد و چه آنجا که سرسختانه ارزشهای کهن خود را پاس می‌دارد و تلاش می‌کند هویت، حاکمیت و اقتدار گذشته خود را حفظ کند.

- بطور مثال: هنوز پایگاه اجتماعی افراد در آن نقش مؤثری دارد و یا هنوز علیرغم تبلیغ و تلاش دولتهای حاکم - پس از جمهوری - در مورد آزادی و برابری زن و مرد، مردان در محور ساختار خانواده جای دارند و از پایگاه و مقام والاتری نسبت به زنان برخوردار می‌باشند.^(۳) جهت روشن شدن نسبی برخی ویژگیهای فوق‌الذکر، تشکیل خانواده و چگونگی انحلال آن همچنین پاره‌ای مشخصه‌های روابط افراد خانواده در جوامع روستایی ترکیه، که در حقیقت حاصل مطالعه موردی انجام شده در برخی روستاهای ترکیه می‌باشد، در ادامه بحث ارائه می‌گردد.

۱- ۲- ۳- نحوه تشکیل خانواده و انحلال آن در بعضی مناطق روستایی ترکیه^(۴)

در این تجزیه و تحلیل مختصر، تعدادی خانوار روستایی ساکن در مناطق، «کارابرون» در «ازمیر» و روستای «تکه» در منطقه «کزل چاحامام» با ۵۴۴ نفر جمعیت بعنوان نمونه انتخاب گردیده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند این خانواده‌ها به کشاورزی با روشهای سنتی اشتغال دارند و قسمت اعظم تولیدات و گاهی تمامی تولیدات خود را جهت مصرف داخلی تهیه می‌نمایند.

اولین موضوعی که مورد بحث قرار می‌گیرد نحوه تشکیل خانواده در این مناطق میباشد.

الف) ازدواج روستایی

به‌طور کلی اهداف روستائیان از ازدواج بقاء نسل، ارضاء نیازهای جنسی از طریق قانونی،

تربیت فرزندان و مواظبت از آنها و ایجاد یک واحد تولیدی جدید می باشد. از آنجائیکه در اینگونه جوامع والدین کنترل و نفوذ فراوانی بر رفتار فرزندان جوان خود دارند، بنابراین موقعیتهای مناسب برای ازدواج نیز توسط آنان فراهم میشود. به این صورت که خانواده‌هایی که مایل به برقراری روابط جدید (بصورت خویشاوندیهای نسبی) هستند فرزندان یکدیگر را برای ازدواج در نظر می‌گیرند، اما این بدان معنا نیست که دختران و پسران جوان بر خلاف میل خود ازدواج می‌کنند. بدلیل شرایط خاص جوامع روستایی مانند کوچک بودن این جوامع و آشنایی و همسایگی تمام افراد با یکدیگر و حضور آشکار جوانان در جامعه، دختران و پسران جوانی که مایل به ازدواج با یکدیگر میباشند، بخوبی یکدیگر را می‌شناسند. گاهی نیز به هنگام کار و فعالیت دسته‌جمعی در روستا (همانند برداشت محصول، برگزاری جشنها و اعیاد) افراد مورد نظر برای ازدواج مشاهده و انتخاب می‌شوند. برای ابراز علاقه و تمایل از طرف خانواده داماد به خانواده عروس آداب و رسوم و سنتهای خاصی وجود دارد و عبارتهای خاصی به کار برده می‌شود. مانند: «عروس مادرم» یا «ممکن است عروس ما بشوید؟»

هرگاه پسر جوانی بخواهد به پدر و مادر خود تفهیم کند که زمان ازدواج یا تشکیل خانواده برای او فرا رسیده است به راههای مختلفی متوسل می‌شود از قبیل آویزان کردن کفش پدر از بالای در بوسیله میخ و یا شکستن کوزه آبی بر پشت بام خانه دختر مورد علاقه‌اش و یا بوسیله گفتن اذان بيموقع از مناره مسجد.

براساس آداب و رسوم موجود و سنتهای رایج در جوامع روستایی از آنجائیکه درخواست ازدواج از سوی خانواده داماد است، و خانواده عروس باید موافقت خود را اعلام کند، بنابراین داماد و خانواده‌اش باید بسیار فعال و پرتحرک باشند در مقابل آنان دختران آموخته‌اند که صبور باشند و ظاهراً بی‌میل و رغبت به نظر می‌رسند. از دیگر سنتهای رایج این است که پدر دختر هر چند که مایل به ازدواج دخترش باشد ولی نباید فوراً پاسخ دهد و براساس آداب و رسوم باید ایجاد مشکل و درد سر کند و نباید فوراً «بله» بگوید، زیرا چنانچه پدری در مراحل اولیه یک خواستگاری موافقت خود را اعلام کند به عدم رعایت آداب و رسوم محکوم شده و مورد سرزنش قرار می‌گیرد و باعث می‌شود این ذهنیت در اطرافیان بوجود بیاید که او می‌خواسته هرچه سریعتر دخترش را از سر خود

پس از قطعی شدن قول و قرار ازدواج میان دو خانواده (همانند توافق بر سر بازگرداندن جهیزیه به خانواده عروس در صورت طلاق و بیوگی) جشن ازدواج آغاز می‌گردد. حنابندان، کوتاه کردن موی عروس به نشانه خاتمه دوران دختری و ورود به مرحله جدید، خرمن کردن گندم برای طلب خیر و برکت و خواندن سرودهای مذهبی از جمله مراسم ازدواج می‌باشند. در مناطق روستایی مورد مطالعه اکثراً ازدواجها با افراد فامیل و یا افراد شناخته شده صورت می‌گیرد و ازدواج اقوام و خویشاوندان همواره با استقبال و موافقت همگان توأم است. متوسط سن ازدواج برای دختران ۱۸ سال و برای پسران ۲۲ - ۲۱ سال است.

ب) طلاق

با توجه به عدم وجود تکنولوژی مدرن و ماشین آلات کشاورزی و کار طاقت‌فرسای روستائیان در بسیاری از روستاها، همواره نیاز به نیروی انسانی احساس شده و افراد بدون در نظر گرفتن جنس و سن در کارها مشارکت می‌کنند. این امر باعث ایجاد یک پیوند قومی میان افراد و تلاش دسته‌جمعی برای زندگی می‌شود. هر یک از اعضای خانواده با توجه به توانایی خود به کاری اشتغال دارند و وظایفی برای هر عضو خانواده در نظر گرفته شده است. نیاز به افراد خانواده باعث استحکام پایه‌های خانواده شده و زمینه طلاق به دلیل اختلافات جزئی را از میان برمی‌دارد. در اکثر خانواده‌های روستاهای مورد مطالعه از هم پاشیدن خانواده‌ها بدلیل طلاق صورت نگرفته بلکه بدلیل فوت یکی از طرفین بوده است. در جوامع روستایی ترکیه موجه‌ترین علت برای طلاق نازایی زنان است. البته در این مورد خاص نیز راهی غیر از طلاق وجود دارد و آن ازدواج شوهر با بیوه یا زنی است که قابلیت بچه‌دار شدن را داشته باشد. بدلیل اینکه در ترکیه تعدد زوجات از نظر قانونی منع شده است فقط یکی از زنان همسر رسمی می‌باشد که این زن مادر قانونی بچه‌های زن دوم خواهد بود. از طرفی روشها و آداب و سنن خاص ازدواج اجازه از هم گسیختگی کانون خانواده را نمی‌دهد مثلاً در موردی که دو خانواده دخترانشان را به ازدواج دو پسر خانواده در می‌آوردند (و یا به زبان ساده یک دختر می‌دهند و یکی می‌گیرند) اگر در یکی از خانواده‌ها اختلاف و جدایی صورت گیرد موقعیت خانواده دیگر نیز به خطر می‌افتد بنابراین هر خانواده سعی می‌کند با عروس خود رفتار خوبی داشته باشد تا زندگی و خوشبختی دخترشان به خطر نیفتد. بازگرداندن جهیزیه به خانواده دختر در صورت طلاق یکی دیگر از مواردی است که انجام طلاق را با دشواری روبرو می‌سازد.

ج) روابط افراد خانواده

روابط بین افراد خانواده نیز تماماً بستگی به سن و جنس افراد خانواده دارد. برای مثال فرزند دختر و فرزند پسر خانواده جایگاه کاملاً متفاوت و دور از یکدیگر دارند. مسایلی مانند قدرت بدنی برتر مردان و حفاظت از عنوان خانواده و بقای نسل توسط آنها از جمله امتیازاتی است که باعث برتری و موقعیت بهتر آنها در مقایسه با زنان می‌گردد. در خانواده روستایی؛ رابطه پدر با پسر بزرگ بسیار صمیمانه است. یک پسر جوان که به تازگی مراحل کودکی خود را پشت سر گذاشته است می‌تواند بزنان مسن‌تر از خویش حتی اگر از مادرش نیز بزرگتر باشند دستور دهد. مردان حتی اجازه نمی‌دهند که زنان پیشاپیش آنان راه بروند زیرا براساس اعتقادات خرافی عقیده دارند که شانس و خوشبختی مرد در این صورت به خطر افتاده است. در هر موردی مردان قصد دارند برتری خود را بر زنان حفظ کنند. نگاهی به فولکلور و ضرب‌المثل‌های عامیانه رایج در میان روستائیان مورد مطالعه، این مسئله را تا اندازه‌ای اثبات می‌کند. برای مثال ضرب‌المثل‌هایی مانند:

- برای اینکه ثابت کنید مرد هستید چشمان زنان را اشک آلود نگهدارید.

- هنگام کتک زدن زنان باید طوری به سرش ضربه بزنید که روسری سفیدش قرمز شود و مشخص شود او را کتک زده‌اید.

در خانواده‌های روستایی مردان مالک بی‌چون و چرای ثروت، زمین و محصولات حاصل از آن هستند. با توجه به چنین ارزشهایی است که از تولد نوزاد پسر در خانواده استقبال شده و زنی که پسر بدنیا آورده باشد می‌تواند پس از وضع حمل به استراحت پردازد و برای کار به مزرعه نرود، در صورتیکه زنی که دختر بدنیا بیاورد بلافاصله توسط مادرشوهر در خانه به کار گمارده می‌شود.

در درون خانواده مادر نمی‌تواند بچه را بر طبق میل خود تربیت نماید، نمی‌تواند هر زمان و به دلخواه خود با فرزندش بازی کند یا او را در حضور دیگران در آغوش بگیرد. زنان معمولاً برای کار از خانه خارج می‌شوند و کودک توسط برادر یا خواهر بزرگتر خویش نگهداری می‌شود. هر پسر یا دختر جوان در خانواده می‌آموزد که در آینده با خانواده همسر خود چگونه زندگی کند. برای مثال می‌آموزد که عروس خانواده باید به پدرشوهر و برادرشوهر خود احترام بگذارد (در حالیکه عروس‌های یک خانواده برای مخالفت با مادرشوهر با یکدیگر متحد می‌شوند، در احترام به پدرشوهر خود با یکدیگر به رقابت می‌پردازند).

۳-۳- آسیب‌شناسی اجتماعی

فروپاشی نظام کهن عثمانی و جانشینی نظام جمهوری بر جایگاه آن، زمینه‌ساز تحولات اجتماعی فراوانی گردید. از آنجا که حاکمیت جدید قطع کامل با گذشته و کلیه مظاهر فرهنگی و اجتماعی تمدن عثمانی را در نظر داشت، جامعه بسته و سنت‌گرای عثمانی با موجی از افکار و آراء و ارزشهای جدید - غربی - روبرو شد که با معتقدات پیشین آن مغایرت بسیار داشت. از این زمان ارزشهای تمدن غربی با سرعت و نفوذ روزافزون به بطن جامعه ترکیه راه یافتند و برجای ارزشهای اجتماعی سنتی و عمدتاً مذهبی نشستند. اگر چه این چنین واژگونی ارزشهای اجتماعی در همه نقاط ترکیه دارای سرعت و شدت یکسانی نبود و با مقاومت‌های اجتماعی متفاوتی روبرو گردید، اما در هر حال در اثر این حرکت، بنیاد تعادل فرهنگی جامعه متزلزل گردید، و ثبات روابط اجتماعی گذشته برهم خورد. یکی از پیامدهای این شرایط بروز نابهنجاریهای اجتماعی در عرصه‌هایی از زندگی مردم ترکیه بود که بحرانهای اقتصادی مبتلا به جامعه نیز آنها را تشدید می‌کرد. رواج فساد و فحشاء و رشوه‌خواری، افزایش آمار طلاق... از جمله بازتابهای اجتماعی تحولات سریع ارزشهای اجتماعی در این جامعه می‌باشند.

در میان عوامل موثر بر تحول ارزشهای جامعه - و بدنبال آن بروز آسیب‌های اجتماعی - میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- توسعه و نفوذ فرهنگ غرب و جدایی از پیشینه فرهنگی گذشته جامعه - تکیه بر ارزشهای غربی، با توجه به اینکه این ارزشها از بیرون جامعه بر آن وارد شده و از متن جامعه بر نخاسته بودند، بحرانهای هویتی و نابهنجاریهای اجتماعی را بدنبال آورد. -

- سستی اعتقادات و پایبندیهای مذهبی جامعه.

- تغییر قشربندی اجتماعی، بدنبال برنامه‌های اقتصادی جدید - که بویژه موجب پیدایش قشر خاصی از سرمایه‌داران مرفه، صاحبان صنایع، تجار... با درآمدهای بسیار گردید، که فاصله طبقاتی را در بافت جامعه ترکیه افزایش داد. با توجه به اینکه در سوی دیگر جامعه، در نتیجه بحرانهای اقتصادی و سقوط ارزش پول رایج، اقشار کم درآمدی قرار داشتند، که بعضاً بدلیل فقر اقتصادی و فرهنگی به انحرافات اجتماعی کشانده میشدند. -

- نیاز دولت و اتکاء آن به مالیاتهای حاصل از مراکز فساد و فحشاء، جهت جبران وضعیت نامتعادل اقتصادی، را نیز یکی از علل رواج مفاسد اجتماعی در جامعه ترکیه دانسته‌اند. در



سال ۱۹۸۷، حدود نیمی از کل درآمد مالیاتی دریافت شده از صاحبان مشاغل را مالیاتهای دریافتی از اینگونه مراکز تشکیل میداده است،^(۵) که در صورت صحت ضمن آنکه وابستگی خزانه ترکیه را به این بخش نشان میدهد خود بیانگر گوشه‌ای از ناهنجاریهای جامعه ترکیه می‌تواند باشد.

- از آنجا که رسانه‌های جمعی از جمله عوامل مهمی هستند که در تغییر نظام ارزشی جامعه نقش بسزایی ایفا می‌نمایند، ارائه گسترده فیلمها و سریالهای غربی، که بیش از نیمی از برنامه‌های تلویزیون ترکیه را بخود اختصاص داده است، همچنین استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای، که تصاویر تلویزیونی جوامع غربی را به‌مراه تبلیغات ارزشهای غربی مستقیماً به حریم اجتماعی - اخلاقی خانواده‌های ترک می‌آورد، در کنار انتشار روزنامه‌ها و مجلات داخلی و خارجی که جهت جلب خوانندگان بیشتر مبادرت به چاپ مطالب و تصاویر غیراخلاقی می‌نمایند، علیرغم مقاومت فرهنگ سنتی مردم، نقش قابل ملاحظه‌ای در تبلیغ و اشاعه ارزشهای جوامع غربی و بدنبال آن توسعه آسیبهای اجتماعی در جامعه ترکیه بر عهده داشته‌اند. یکی از روسای تلویزیون ترکیه می‌گوید: در چند سال آینده ترکیه زیر بمباران تبلیغاتی خواهد ماند و آمریکا و اروپا از طریق تلویزیون نبرد فرهنگی خود را بر ما تحمیل خواهند نمود.^(۶)

- توجه و تشویق روزافزون صنعت توریسم و پذیرش گسترده توریست و ارائه امکانات رفاهی تفریحی گوناگون - کاباره‌ها، کازینوها... - به منظور تعدیل وضعیت اقتصادی را نیز از دیگر عوامل موثر بر تغییر ارزشهای جامعه و رواج ناهنجاری اجتماعی در ترکیه دانسته‌اند.

بحث در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی ترکیه خود نیازمند بررسی مستقل و دقیق‌تری است که در این مبحث کوتاه نمی‌گنجد. در اینجا تنها به برخی از مظاهر آن مختصراً اشاره می‌گردد:

- رشوه‌خواری: ارتشا در جامعه ترکیه امری شناخته شده و تا حدی پذیرفته شده است، که ریشه در عدم توازن اقتصادی جامعه و تورم و گرانی و کاهش قدرت خرید اقشار کم درآمد و بویژه حقوق بگیران جامعه دارد.

- خانه‌های فساد در ترکیه: که مراکزی رسمی و قانونی هستند. مجله پانوراما، شماره آریلیک ۱۹۸۸ در این ارتباط می‌نویسد «امروز دیگر فحشا به عنوان یک عیب اجتماعی بزرگ دیده نمیشود بلکه با اجازه خانواده صورت می‌گیرد و از این رو روسپی‌هایی که از حیث درآمد و

طرز زندگی در سطح بالایی هستند به عنوان افراد موفق جامعه شناخته میشوند.» برخی مفاد قانون نیز تسهیلاتی را در این زمینه موجب گردیده‌اند. از جمله پذیرش سقط جنین، هر ساله ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار جنین در ترکیه سقط میشود و حدود ۴ هزار زن جان خود را از این طریق از دست میدهند.^(۷) عمل سقط جنین بویژه در میان دختران دبیرستانی و دانشجو و زنان شوهردار رواج دارد.

- همجنس‌گرایی: از دیگر آسیب‌های اجتماعی ترکیه بشمار میرود که بویژه در شهرهای بزرگ شیوع قابل ملاحظه‌ای دارد، به موجب آمارهای غیررسمی تنها در استانبول در حدود ۵۰۰ هزار نفر از اینگونه افراد بسر میبرند. این گروه از اجتماع دارای کلوپ و آزادی عمل بوده و گاه‌گاهی با برپایی تظاهرات در پی کسب هویت اجتماعی می‌باشند. این عمل در میان زنان ترک در قالب نوعی تجدد رواج یافته که البته قبح اجتماعی آن هنوز بکلی از میان نرفته است.

- شرابخواری: نوشیدن شراب در ترکیه سابقه‌ای کهن دارد و تقریباً تمامی سلاطین عثمانی شراب می‌نوشیده‌اند. در حال حاضر نیز مشروبات الکلی در ترکیه به آسانی در همه جا در اختیار همه قرار دارد، در سال ۱۹۸۵، در حدود ۳۱۰ میلیون لیتر مشروبات الکلی در ترکیه تهیه شده است. آزادی استعمال مشروبات الکلی یکی از علل افزایش تصادفات رانندگی و کاهش ایمنی راهها در ترکیه شناخته شده است.

قمار: در ترکیه قمار به دو صورت انجام می‌گیرد، یکی در قهوه‌خانه‌های سنتی محلات (اگرچه بازی در قبال پول در این اماکن از سوی دولت ممنوع شده است) و دیگری قمار به شیوه غربی که در هتلهای بزرگ، کلوبها و کازینوها... دایر می‌باشد. ماشین‌آلات قمار نیز بطور روزافزونی به کشور وارد میگردد. ظاهراً سود بسیار این بخش، سرمایه‌گذارهای زیادی را نیز بخود جلب نموده است.

چهره‌های دیگر آسیب‌های اجتماعی ترکیه را میتوان از طریق بررسی چگونگی بروز طلاق، خودکشی و جرائم... بررسی نمود.

- طلاق: افزایش آمار طلاق^(۸) در جامعه ترکیه، بویژه در شهرهای بزرگ، نشانی است از حضور عواملی چون عدم استحکام بنیان خانواده، سستی گرفتن تعصبات دینی، تلقی نادرست از آزادی اجتماعی زنان، غربگرایی، توسعه زندگی شهری... که مجموعاً شرایط مساعدی را جهت بروز چنین ناهنجاری اجتماعی فراهم آورده‌اند. در بررسی آمارهای

رسمی ترکیه، در میان علل طلاق، ناسازگاری و عدم توافق و سپس ترک نمودن خانواده از سوی یکی از طرفین بالاترین علت طلاق بوده‌اند و پس از آن، زنا، مسائل حیثیتی، مسائل و بیماریهای روانی قرار گرفته‌اند.

- خودکشی: در این زمینه بررسیهای آماری نشان می‌دهد، که طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸، میزان خودکشی در گروههای سنی پانزده سال تا بیست و چهار سال روندی صعودی داشته و در فاصله سنی ۲۵ تا ۵۴ سال کاهش یافته است و مجدداً در سنین بالای ۵۵ سال روندی فزاینده یافته است. مطالعه علل خودکشی در ترکیه نشان می‌دهد که به ترتیب پس از خودکشی بدلیل بیماری، ناسازگاری خانوادگی بیشترین دلیل خودکشی افراد بوده است و پس از آن مشکلات و ورشکستگی‌های اقتصادی، مسائل احساسی، عدم توفیق در ازدواج با فرد دلخواه و شکستهای تحصیلی به عنوان مهمترین علت خودکشی قابل ذکر می‌باشند.

- جرائم: بررسی بزهکاری در جامعه ترکیه، خود نیازمند مجال بیشتری است، در اینجا تنها سعی میشود، بر مبنای داده‌های آماری، برخی مشخصه‌های اجتماعی آن بیان گردد. مطالعه آمارهای بزهکاری در ترکیه در فاصله سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ نشان می‌دهد که اصولاً رقم کل جرائم ارتكابی طی این سالها از ۳۶۹۲۰ فقره در سال ۱۹۸۱ به ۳۹۶۵۷ فقره در سال ۱۹۸۸ افزایش یافته است. در این ارتباط مردان در حدود ۵ برابر بیش از زنان جامعه مرتکب جرم گردیده‌اند. بعلاوه، دستیابی به مدارج تحصیلی بالاتر در بزهکاری افراد نقشی معکوس داشته است. بنابر آمارها، بزهکاری در میان افراد متأهل بیش از مجردین بوده است. از سوی دیگر در میان گروههای سنی جامعه، ۲۲ تا ۳۹ سالگی، بالاترین رقم جرائم را داشته و از کل جرائم سال ۱۹۸۸ حدود ۶۰٪ بوسیله افراد این گروه سنی انجام گرفته است. در رابطه با گروههای شغلی، مجرمین کشاورز، ماهی‌گیر، شکارچی و دیگر مشاغل وابسته به آنها در بالاترین رده ارتكاب جرم قرار داشته و شاغلین در مشاغل مدیریتی در پائین‌ترین رده بوده‌اند. تهدید مالکیت و حقوق افراد همچنین مخالفت با قوانین خانوادگی و اصول اخلاقی جامعه، از جمله دلایل ارتكاب جرائم شناخته شده‌اند که مجرمین بیشتری مرتکب آنها گردیده‌اند.

۴-۳- وضعیت دین در جامعه ترکیه

نخستین قانون اساسی کشور ترکیه، به سال ۱۹۲۴ میلادی، دین اسلام را به عنوان دین

رسمی جامعه تعیین نمود. لیکن در اصلاحات قانونی سال ۱۹۲۸ این ماده قانونی حذف و با تاکید بر جدایی دین از سیاست، ترکیه کشوری با دولت و حکومت غیرمذهبی - لائیک - معرفی گردید. بعدها در سال ۱۹۸۲ میلادی نیز به هنگام تدوین قانون اساسی جدید حاکمیت اصل لائیک مجدداً مورد تصریح قرار گرفت.

در ترکیه در زمینه اعتقادات دینی و مذهبی وحدتی موجود نیست و اعتقاد به مذاهب و طریقه‌های مختلف در میان اقشار مختلف مردم یکی از ویژگی‌های ساختار مذهبی این جامعه محسوب می‌گردد^(۹). با اینحال تحقیقات آکادمیک در این زمینه کمتر انجام گرفته است. بنابر آمار سال ۱۹۹۰، ۹۸٪ از جمعیت ترکیه را مسلمانان و ۲٪ را مسیحیان^(۱۰)، کلیمیان و دیگر ادیان تشکیل می‌دهند.

مسلمانان ترکیه اکثراً تابع مذهب «تسنن» می‌باشند که از آن میان «حنفیان» گروه بزرگی هستند که عمدتاً در مرکز و غرب ترکیه بسر می‌برند. «شافعیان» نیز با جمعیتی کمتر از حنفیان در مناطق شرقی ترکیه مستقر بوده و اکثراً کُرد می‌باشند. شمار پیروان دیگر مذاهب اهل سنت در ترکیه بسیار اندک است. معتقدان مذهب شیعه نیز در ترکیه اقلیتی در حدود یک میلیون نفر را تشکیل می‌دهند که غالب آنها در نوار مرزی ایران و ترکیه و در شهرهای استانبول، ازمیر و آنکارا زندگی می‌کنند. «علویها» نیز گروه دیگری از مسلمانان ترکیه می‌باشند با اعتقاداتی نزدیک به مذهب شیعه و با جمعیتی در حدود ۱/۳ جمعیت کل جامعه. از میان طریقه‌های موجود در ترکیه میتوان به علوی، بکتاشی، نقشبندی، قدریه، سلیمانجی، نورجی، رفاهی، مولویه، ایشیکچی و در سالهای اخیر حزب‌الله جی، خمینی جی،... اشاره نمود.

سرپرستی و انجام امور دینی و آموزش در زمینه مذهب و اخلاقیات بطور سیستماتیک تحت نظر سازمانی به نام «ریاست عالی امور دینی» (سازمان امور دیانت)^(۱۱) قرار دارد که در سطح وزارت و دارای تشکیلات و پرسنل بسیار گسترده‌ای است و از نظر اهمیت پس از وزارت کشور و وزارت دفاع ملی در مقام سوم جای می‌گیرد. نماز جمعه و جماعت در مساجد ترکیه بوسیله ائمه جمعه و جماعات که در استخدام وزارت دیانت بوده و غالباً از فارغ‌التحصیلان مدارس «امام خطیب» می‌باشند، در قالبی صرفاً عبادی اقامه شده و از هرگونه سخنرانی و موعظه سیاسی و اجتماعی خودداری می‌گردد. متن خطبه‌های نماز جمعه نیز از سوی همین وزارت تهیه و بطور یکسان در تمامی مساجد خوانده می‌شود.

آموزش دینی هم که پس از استقرار نظام جمهوری تا مدتها ممنوع اعلام شده و بطور غیرقانونی انجام می‌گرفت، تدریجاً در قالب مدارس «امام خطیب» و هیات و آموزشگاههای قرآن مشروعیت نسبی یافتند. در مدارس دولتی نیز در برنامه درسی دانش‌آموزان در هفته ساعتی به تدریس قرآن اختصاص دارد.

در ترکیه دو عید مذهبی «قربان» و «فطر» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند و با اعلام تعطیل رسمی به این دو مناسبت در جامعه جشن گرفته و مساجد چراغانی میشوند و مردم برای یکدیگر کارت تبریک ارسال می‌دارند.

از دیدگاهی کلی، علیرغم تحولات بسیاری که پس از برقراری نظام جمهوری در ترکیه، در سطح جامعه و در جهت نزدیکی به باورهای غربی صورت گرفته است، بنظر میرسد که اسلام هنوز در بطن جامعه و در میان آحاد مردم دارای پایگاه و حضور قابل توجهی باشد، به نحوی که نموده‌های بارز آن از لابلای مظاهر ارزشهای غربی قابل مشاهده است.

۱-۴-۳- آشنایی با برخی ادیان، مذاهب و طریقه‌های موجود در ترکیه

۱-۴-۳-۱- شیعیان

همانگونه که ذکر شد شیعیان ترکیه جمعیتی در حدود یک میلیون نفر را تشکیل می‌دهند و غالباً در نزدیکی مرز ایران سکنی دارند و اکثراً افرادی هستند که از ایران و شوروی سابق به این کشور مهاجر نموده‌اند. استان «قارص» یکی از عمده‌ترین محلهای تمرکز این افراد است. مردم این استان به زبانی نزدیک به زبان آذربایجان ایران سخن گفته و شیعه مذهب می‌باشند. در ترکیه میان شیعه و سنی نزاعی وجود ندارد، اما شیعیان همواره از سوی حکومت‌ها بویژه در دوران عثمانی - تحت فشار بوده‌اند. بطورکلی، تشیع از نظر ظاهری تقریباً در ترکیه حضور بارزی ندارد و به عنوان اقلیت نیز فاقد رسمیت لازم است. مساجد شیعیان در اغلب شهرها اکثراً غیرقانونی تلقی میشود. در آنکارا تنها یک مسجد جهت بیست‌هزار شیعه ساکن آن وجود دارد و از آنجا که این مسجد در خارج شهر واقع شده است شیعیان این شهر برای اقامه نماز جمعه ناگزیر از پیمودن مسافت طولانی می‌باشند. ذکر عبارت «اشهدان علی ولی الله» نیز در اذان شیعیان از سوی وزارت دیانت ممنوع اعلام شده و عقیده مسئولین بر این است که ذکر این عبارت موجب تفرقه در جامعه می‌گردد. در استانبول نیز شیعیان دارای سه مسجد هستند که کاملاً تحت نظارت دولت قرار دارد.

۲-۱-۳-۴-علویان

پیدایی زمینه اعتقادی علویان در ترکیه را در ابتدای قرن سیزدهم دانسته‌اند، به زمان مهاجرت مهاجرینی از خراسان، آذربایجان و ترکستان به آناتولی که با خود مجموعه‌ای از معتقدات مبتنی بر تشیع و تصوف و همچنین شامانیزم - دین قدیمی ترکها - را به‌مراه داشتند. در مدارک و شواهد مکتوب موجود در ارتباط با علویان ترکیه آمده است که، اجداد شاه اسماعیل صفوی به آناتولی سفر کرده و علاوه بر تماس با برخی علویان، مردم این منطقه را به طرفداری از اهل بیت حضرت رسول(ص) دعوت نمودند. حاکمیت دولت صفوی در ایران و نفوذ آن - بویژه در زمینه اعتقادات مذهبی - در آناتولی باعث تحریک حس عداوت «سلطان سلیم» پادشاه عثمانی شده، وی را به نابودی دولت صفوی برانگیخت. سلطان سلیم با همکاری و مساعدت مردم سنی مذهب و بخصوص فتوای علمای اهل تسنن مبنی بر کفر علویان و شیعیان، به ایران حمله و عده زیادی از شیعیان و علویان را قتل عام نمود. پس از این واقعه، علویان ترکیه بویژه کردهای علوی به جنگلها و مناطق کوهستانی پناه بردند. گروهی از آنها نیز بعدها به کشور آلمان مهاجرت نمودند. از این زمان علویان اعتقادات مذهبی خود را پنهان و ناگزیر از «تقیه» گردیدند. مراسم مذهبی خود را نیز مخفیانه انجام می‌دادند. زندگی در انزوا سبب فقر شدید علمی و بیسوادی آنان گردید بطوریکه میراث آنها نه بصورت مدون بلکه سینه به سینه نقل شده است.

بطورکلی در سراسر دوره عثمانی علویان تحت فشار و درگیر با مشکلات بسیار، در قالبهای اجتماعی - اقتصادی بسته و بسیار محدودی بسر می‌بردند. در این دوره لفظ علوی با مفاهیمی چون کفر و الحاد و بی‌دینی مترادف بود. پس از استقرار جمهوری در ترکیه این گروه تدریجاً احساس امنیت بیشتری نموده و از حدود سال ۱۹۶۰ میلادی به بعد شروع به خروج از کوهستانها و ورود به قصبات و شهرها کردند. از این زمان بود که بافت اجتماعی و فرهنگی این گروه نیز متحول گردید. «دده»ها (Dede) - روحانیون علوی - در غالب موارد اعتبار و نفوذ قابل توجه گذشته را از دست داده و آئین و رسوم علوی نیز تدریجاً کم‌رنگ‌تر از گذشته برگزار گردید - بویژه در میان علویان شهرنشین - امروز جمعیت علویان را بین ۱۸ تا ۲۰ میلیون نفر برآورد کرده‌اند که غالباً در شهرهای ولی اورمان، سیواس، آنکارا، تونجلی، ارزروم، آماسیا، الازیق، قهرمان ماراش، مالاتیا و توکات ساکن می‌باشند. این بخش از مردم ترکیه، که طی سالها در درگیر با تنگناهای اجتماعی و مذهبی، همچون شهروندانی درجه

دوم محسوب شده و باورها و اعتقاداتشان مورد تهمتهای ناروا قرار داشت، در سالهای اخیر وجودشان مورد توجه و حقوقشان مورد شناسایی نسبی قرار گرفته است. در حال حاضر در زمینه علوی‌گری در ترکیه در حدود دو هزار کتاب و نشریه وجود دارد و اخیراً منظومه ترکی قرآن مجید نیز از سوی پیروان این مذهب به چاپ رسیده است.^(۱۲) «مجله جم» نیز که توسط جمعی از علویان به انتشار میرسد یکی از پرتیراژترین مجلات ترکیه بشمار میرود.

تحولات جدید فرهنگی و سیاسی در برخورد با علویان ترکیه

اخیراً شناسایی هویت علویان و ورود آنان به صحنه اداره امور دیانت جامعه از سوی مقامات دولتی مورد توجه قرار گرفته و تلاش می‌شود تفاهمهای لازم در این زمینه فراهم گردد. در این ارتباط «سلیمان دمیرل» اظهار می‌دارد: «اشتباهی که در طول تاریخ صورت پذیرفته پس از این به زباله‌دان تاریخ انداخته خواهد شد».^(۱۳) همچنین «اردال اینونو» معاون «دمیرل» در زمان نخست وزیری وی دیدگاه تازه‌ای را می‌گشاید: «دولت و قوانین باید به اعتقادات مردم کمک نموده و بین متبوعین خود بخاطر تفاوت در مذهبشان تبعیض قائل نشوند. نباید تفاوت مذهبی به هیچوجه تولید نابرابری سیاسی نماید»^(۱۴) و «محمدیامان» یکی از دده‌های علوی ضمن استقبال از نگرش جدید نسبت به علویان می‌گوید: «همواره مذهب علوی به اشتباه شناسانده شده، ما را قزلباش و منحرفان نامیده‌اند. علت آن نیز نقصان اطلاعات و آگاهی کافی بوده. علویان در نتیجه این تهمتهای ناحق نمی‌توانستند وارد مسجد شوند، من دبیر دینی هستم، ما نمی‌توانیم در جلسه‌های درسی به تشریح مذهب علوی بپردازیم. ما نمی‌توانیم بیش از این دعوایی را که ریشه هزار و چهارصدساله دارد، ادامه دهیم. اهل سنت و علویان هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. ما به همان خدا و کتاب و پیغمبر اکرم ایمان داریم. من اطمینان دارم که این اقدام تاریخی ریاست امور دینی نتیجه مطلوبی به دنبال خواهد داشت»^(۱۵)

با حرکت از چنین دیدگاه نوینی، ملاقاتهایی میان مسئولین دولتی با پیربکتاشیهها^(۱۶) و نمایندگان انجمنهای علوی - بکتاشی صورت پذیرفته است که به عنوان «گامی تاریخی» از آن نامبرده میشود. در همین ارتباط، دده‌های علوی خواسته‌هایی از قبیل موارد ذیل را به

ریاست امور دینی اعلام داشته‌اند:

- «شرح علوی‌گری در خطبه و سخنرانیهای مذهبی

- شناساندن این مذهب از رادیو و تلویزیون

- دادن پُستهای مؤثر و فعال به علویان در ریاست امور دینی

- برگزاری مراسم در ماه محرم (همچون ماه رمضان)

- درج مطالب در کتابهای درسی در مورد علوی‌گری»^(۱۷)

نمایندگان انجمنهای علوی و بکتاشی همچنین خواستار ایجاد درگاههای جم از سوی دولت بوده و اظهار می‌دارند:

«در حالیکه در کشورمان بیش از ۹۰ هزار مسجد، بیش از ۱۰۰ هزار کارمند امور دینی، متجاوز از ۷۵۰ مدرسه امام خطیب و قریب به هزار کلاس قرآن توسط دولت مورد کمک مالی قرار می‌گیرد، حتی یک درگاه جم نیز توسط دولت برای علویان ساخته نشده و یک روحانی علوی که حقوق بگیر دولت باشد وجود ندارد.»^(۱۸)

در مجموع اقدام دولت ترکیه در گشودن درهای ریاست امور دینی به روی علویان، موجبات بحث و جدلهای بسیاری را در میان صاحب‌نظران و نمایندگان احزاب و علویان فراهم آورده و از دیدگاههای گوناگون مورد تجزیه و تحلیل و اظهار نظر قرار گرفته است. در این میان استقبال محتاطانه مردم علوی در نخستین برخورد با قضیه و حمایت غالب احزاب دست چپی قابل ذکر است.

اعتقادات علویان

علوی در لغت به مفهوم وابسته به حضرت علی(ع) یا نسل وی می‌باشد. علویان خواستار خلافت حضرت علی(ع) و خاندان وی بوده و برای ایشان برجستگی و پایگاه اعتقادی ویژه‌ای قائلند. در حقیقت فرقه علوی از نظر اصول اعتقادی اساساً بر تشیع متکی است، تنها از نظر عرف و عادات است که از آن متمایز می‌گردد. بطور مثال، علویان حج، روزه،... و یا احکام فقهی دیگر را یا قبول نکرده و یا به شیوه خود انجام می‌دهند. این گروه اعتقاد دارند که حضرت آدم از ۴ عنصر خاک، آب، آتش و باد خلق شده است و به تبعیت از آن به ترتیب به چهارگونه صاحبان درگاه معتقد می‌باشند: مریدان، زاهدان و عابدان. و در این ارتباط یکی از مهمترین اصول اعتقادی آنان، اصل حاکمیت فرد است بر زبان و

دست و کمر خویش و معتقدند با رعایت این اصل فرد از انحراف و گناه مصون مانده و سلامت فردی و اجتماعی تأمین می‌گردد. «احترام به بزرگتر» و «پیمان اخوت» نیز از دیگر معتقدات آنها می‌باشند. پیمان اخوت با تکیه بر پیمان برادری که پیامبر اکرم (ص) میان مهاجرین و انصار برپا نمود، بوسیله «دده» و با خواندن صیغه برادری میان افراد برقرار می‌گردد. علویان ائمه اطهار را بزرگ می‌شمارند و در ماه محرم به عزاداری می‌پردازند. در میان اعتقادات این جماعت، عقاید خرافی نیز به چشم می‌خورد، برای مثال، بدلیل آنکه حضرت علی (ع) در مسجد به شهادت رسیده است، برخی از علویان به مسجد نمی‌روند و آنان با برپایی مراسم ویژه‌ای بنام «آئین جم»، ضمن گردآمدن به دور یکدیگر بطور دسته جمعی به دعا و عبادت و طلب مغفرت می‌پردازند. مهمترین کتاب موجود در میان علویان کتاب «حسینی» است که حاوی فرمایشات امام صادق (ع) است.

علیرغم آنکه مبانی اعتقادی علوی از تشیع برگرفته شده است، لیکن از منابع گوناگونی نیز تأثیر پذیرفته و با اعتقادات و آداب و رسوم موجود در آناتولی نیز مخلوط گردیده است و در این ارتباط فرقه‌های گوناگونی نیز در مناطق مختلف بوجود آمده است. از جمله مهمترین این فرق «بکتاشی» است.

۳- ۱- ۴- ۳- بکتاشیها

در قرن سیزدهم آسیای صغیر جایگاهی بود که افکار و عقاید مختلف در آن اختلاط یافته بود. در این زمان بود که افرادی چون «مولانا»، «حاجی بکتاش ولی» و «بابا اسحق»، که بعدها مؤسسين فرقه‌های بزرگی گردیدند، از مشرق به آناتولی مهاجرت کردند و به همراه خود عقاید و احساسات مردم مشرق زمین را به این سرزمین وارد نمودند و این در شرایطی بود که زمینه پذیرش افکار جدید در آناتولی مهیا بود. مردم به دلیل جنگها و راهزنیهای پیاپی، مأمن و تکیه‌گاهی را جستجو می‌کردند و لذا افکار جدید به سرعت در میان جامعه پیروانی یافت.

«حاجی بکتاش ولی نیشابوری» - از رهبران با نفوذ علویان و مؤسس فرقه بکتاشیه - در زمان حمله مغول از خراسان مهاجرت کرده و به نشر و ترویج افکار خویش پرداخت. علوی و بکتاشی از نظر فلسفه و اصول عقاید مشابه هستند و از نظر زمانی نیز اختلاف زیادی میان آنها نیست، لیکن بدلیل برخی تفاوتها در عرف و عادات، بکتاشی به عنوان شاخه‌ای از

علوی از آن جدا گردید. فرقه بکتاشی، که در ابتدا در قالب یک طریقت راهنما و عامل اتحاد مطرح شده بود، در دورانه‌های بعدی به مرور زمان در اثر نفوذ نوآرپهای فراوان در آن با عقاید و خرافات بسیار آمیخته گردید. با اینحال بنظر میرسد که تا به امروز هیچ فرقه‌ای در آناطولی وجود نداشته است که مانند «بکتاشی» به گستردگی در جامعه نفوذ نموده باشد. یکی از منابع خوب جهت شناخت اعتقادات و اخلاقیات بکتاشیهها، اشعار برجای مانده از شعرای علوی است. در این اشعار «حاج بکتاش ولی» فردی با خصوصیات متافیزیکی معرفی شده است.

اعتقادات بکتاشیهها

وابستگی و اعتقاد شدید به حضرت علی(ع) و ائمه اطهار و تولی و تبری نسبت به دوستان و دشمنان آنان و ایمان به «حاج بکتاش ولی» اساس اعتقادات بکتاشیه را تشکیل می‌دهد.^(۱۹) بکتاشیهها مانند علویان، تولد حضرت علی(ع) را در نوروز می‌دانند و زیارت قبر آن حضرت را در موسم حج، جزء شرایط قبول مناسک حج برمی‌شمارند. بکتاشیهها شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا و مشهد حاج بکتاش ولی را مقدس دانسته و به زیارت آنها می‌روند. از نظر بکتاشیهها و علویان رفتن به اماکن مقدس و خانقاهها و مقابر بکتاشی^(۲۰) به اندازه رفتن به حج از تقدس و اهمیت برخوردار است.

طریقت بکتاشی بر ۴ اصل متکی است که ۴ درگاه نامیده می‌شود و عامل تمایز بکتاشی از دیگر طریقتهاست. این ۴ اصل عبارتند از: ۱- شریعت، ۲- طریقت، ۳- معرفت، ۴- حقیقت که به عبادت، حاجت، نذر و وصلت متکی است. با گذر از این چهار درگاه فرد ابتدا دستورات و فرامین الهی را می‌آموزد و سپس از طریق یک پیر راهنما به خدمت بندگان و طی طریق حقیقت می‌پردازد و با نائل گردیدن به معرفت جهان در واپسین مرحله به وصل حقیقت مطلق دست یافته و در این زمان هر روزش نوروز و هر شبش با شب قدر برابری می‌یابد. ورود و تعالی در این فرقه مستلزم فهم این اصول و عبور از مراحل آن می‌باشد. در بکتاشیگری، انسان و محبت به وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، انسان شایسته احترام و محبت است. یکی از مهمترین اهداف این طریقت تعلیم و پرورش انسان و پاک نمودن وی از ناپاکیها و آلودگیهاست.

از جمله مهمترین رسوم بکتاشیهها «آئین جم» است که در حقیقت بازتاب بارزی از

اعتقادات این جماعت بوده و ریشه در معتقدات آنان دارد. این آئین از ۴ بخش تشکیل شده و اجرای آن معمولاً با قربانی و ذبح همراه است:

- آئین اقرار - که به هنگامیکه فرد قصد ورود به این طریقت را دارد انجام می‌گیرد.

- آئین اخلاق - که نوعی تزکیه اخلاقی و اجتماعی جهت رفع عداوتها و اصلاح اشتباهات است و هر فرد در هر سال یکبار بایستی آنرا انجام دهد.

- آئین مصاحب - که جهت برادری دو فرد در آخرت و یا پیوند خانوادگی انجام می‌گیرد.

- آئین ابدال - که در آن به مناسبت‌های مختلف - رفع مشکلات، آمدن میهمان... - قربانی ذبح می‌شود.

شاخه‌های بکتاشی

پیروان فرقه بکتاشی از نظر اجرای مراسم و آئین به ۲ گروه بزرگ تقسیم می‌شوند:

یکم: بکتاشیهای چلبی و دوم: بکتاشیهای باباغان. هر دو گروه علوی بوده و معتقد به دوازده امام می‌باشند و دلیل اصلی جدایی این دو، اعتقاد شاخه چلبی و عدم اعتقاد شاخه باباغانها به ازدواج حاج بکتاش ولی است. پیروان شاخه چلبی معتقدند که حاجی بکتاش ولی با شخصی بنام «کارین جیک آنا» ازدواج کرده و تیمورتاش پسر او بوده است. در حالیکه باباغانها اعتقاد دارند که حاجی بکتاش ولی هرگز ازدواج نکرده و خود نیز در تبعیت از وی ازدواج نکرده و در خانقاه زندگی می‌کنند و غیر از خدمت به خانقاه به کار دیگر نمی‌پردازند. باباغانها بیشتر در استانبول نفوذ دارند.

۴-۱-۳-۴- قزلباش (۲۱)

قزلباش یکی از طریقتهای علوی است، با اینحال در ترکیه به علویان و بکتاشیهها بطور عام قزلباش گفته می‌شود و در حقیقت کلمه قزلباش همانند سمبلی برای علویان و بکتاشیهها بکار می‌رود. این لفظ در گذشته از نظر اجتماعی با بارارزشی منفی همراه بوده است و غالباً به منظور تحقیر و تضعیف مورد استفاده قرار می‌گرفته است. لیکن در حال حاضر استفاده از این لفظ به دلیل نوعی رسم و عادت تاریخی است. (علت استفاده از این لفظ ظاهراً بدنبال نفوذ تبلیغات سیاسی - مذهبی دولت صفوی در آناتولی و طرفداری برخی از علوی یا بکتاشیهها - قزلباشها - این منطقه از این دولت می‌باشد).

«قزلباش معتقد به دوازده امام بوده و بیش از اندازه نسبت به حضرت علی (ع) عشق می‌ورزند، و با بکتاشیها دارای نقاط اشتراک و برخی نقاط اختلاف می‌باشند، هر دو به دوازده امام و در رأس آنها حضرت علی (ع) معتقدند، به ماه محرم و واقعه کربلا توجه و احترام خاص دارند، به وحدانیت خدا، پیامبری حضرت محمد (ص) و امامت حضرت علی (ع) و نخستین خلیفه بودن وی پس از پیامبر معتقدند و تولی و تبرئ نسبت به دوستان و دشمنان حضرت علی (ع) را چون قانونی مهم و با ارزش می‌دارند...»^(۲۲) تفاوتها و اختلافات کوچکی هم میان این دو طریقت وجود دارد که ناشی از تأثیر محیطهای محلی است و نه زمینه‌های اعتقادی بنیادین، که مهمترین آنها چگونگی ورود به اجتماعات آنهاست. اجتماعات قزلباشها صرفاً به قزلباشها تعلق دارد و افراد غیر حق شرکت در آن را ندارند، و اصولاً کسی که از نسل قزلباشها نباشد اجازه ورود به این طریقت را ندارد، در حالیکه در بکتاشیه این وضعیت وجود نداشته و ممنوعیت ویژه‌ای اعمال نمی‌گردد و هرکس می‌تواند پس از گذراندن امتحان و کسب لیاقت لازم طی مراسم خاصی به طریقت بکتاشی درآید.

قزلباشهای آناتولی غالباً در ارزنجان، ارزروم، سیواس، اسکی شهر، بالکسیر، از میر، مالاتیا، تونچلی، آتالیا و چروم ساکن می‌باشند و گروهی از آنان نیز در یونان بسر می‌برند.

۵-۱-۴-۳- قدریه

در ابتدای قرن دوازدهم، طریقت قدریه بوسیله یک صوفی ایرانی به نام عبدالقادر گیلانی (۱۱۶۶ - ۱۰۷۷) پایه‌گذاری گردید و بوسیله «اشرف اوغلو» - مؤسس طریقت اشرفیه - به سرزمین آناتولی راه یافت و بعدها توسط یکی از بنیانگزاران فرقه اسماعیلیه به نام «اسماعیل روسی» در قلمرو عثمانی اشاعه یافت و تکیه‌های بسیاری در استانبول و دیگر نقاط این سرزمین بنا گردید.

بنابر معتقدات این طریقت علوی، نعمات این دنیایی حجابی هستند میان انسان و خدا و لذا مرید این طریقت لازم است با طی دوره ریاضت، زندگی زاهدانه و به دور از تمتعات مادی و دنیوی را پیشه خود سازد. تنها بنده خدا باشد و در زندگی روزانه تنها رضایت او را بطلبد و به «قدر» معتقد و راضی باشد. واجبات را انجام دهد، به سنت عمل نماید و به عبادت و بویژه نافله بپردازد. «طریقت قدریه از لحاظ شجره به حضرت علی (ع) رسیده و مانند دیگر طریقت‌های علوی ذکر خدا را بسیار مهم می‌دانند. ایشان معمولاً بصورت دسته

جمعی ذکر می خوانند و با چشمان بسته «یاهو» می کشند و سر را به نمونه حرکت توحید به راست و چپ تکان می دهند.^(۲۳) پیروان طریقت قدریه، با انجام مراسمی با نام «نمایش یوهان» به بدن خود سیخ فرد نموده و یا از روی آتش عبور می کنند. این طریقت دارای شاخه های مختلفی چون: اشرفیه، اسدیه، رومیه، اکبریه، هلالیه، غریبه، خالصه... می باشد. امروز این طریقت نفوذ و گسترش سابق خود در ترکیه را از دست داده و تکیه های آن در قالب مراکز توریستی مورد استفاده می باشند و شیوخ محلی آنها معمولاً به تنهایی و بدون تبلیغات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در سطح کشور، به انجام سنتهای قدیم ادامه می دهند. طریقت قدریه دارای اعتقادات ضد کمونیستی بوده و دیدگاههای آن با حزب «مام میهن» نزدیکی دارد.

۶-۱-۴-۳- دیگر طریقتهای علوی

پیرامون محور اعتقادی فرقه علوی، طریقتهای دیگری با برخی تشابهات و تمایزات نسبت به آن، در آناتولی قابل ذکر می باشند، از آن جمله اند «علی اللهیان» که به حضرت علی (ع) صفات خدایی اطلاق کرده و معتقدند که خداوند در حضرت علی (ع) حلول کرده و با وی متحد گردیده است. «فرقه حیدری»، طریقت علوی دیگری است که مهمترین ویژگی آن دوری کردن از زندگی مادی و فقط عبادت کردن با تمام عشق و علاقه می باشد. «قلندری» نیز فرقه اعتقادی دیگری است که به حضرت علی (ع) وابستگی داشته و در ابتدا در عراق، سوریه، مصر، هندوستان، ایران و آسیای مرکزی و سپس در آناتولی رواج یافت. «بنا به اعتقاد آنان صورت انسان اصل و ذات خدایی دارد و خطوط صورت نشان دهنده صفات خداوند است. باید از تمام صفات پاک شد و فقط بصورت ذات درآمد.»^(۲۴) این طریقت عمدتاً به وسیله درویشان بی توجه به قوانین زندگی مادی و اجتماعی گسترش یافت. طریقت دیگر «فرقه حروفی» است که متکی به حروف و اعداد است و ریشه در عقاید کهن آناتولی دارد مبنی بر اعتقاد به حروف و اعداد و مقدس شمردن آنان. در این طریقت پیدایش تمامی موجودات عالم با تکیه بر یک حرف است. «زمانی که یک حرف از معنی به صدا در می آید انواع خلقت را بوجود می آورد. هستی و گفتن هستی، شکل دادن به حروف است. خداوند هم یک حرف است. کمال تمام حرفها. به این دلیل است که در انسان در سطح قابل رؤیت تجلی می کند... انسان یک قرآن جاندار است.»^(۲۵) «مسلک یسوی» نیز طریقت دیگری

است که از طریق قبول اعتقادات تصوف و تعبیر و تفسیر نمودن آنها، ابتدا در ترکستان بوجود آمد و سپس به ترکیه راه یافت. این طریقت به ۴ قانون زمان، مکان، اخوان و سلطان متکی است و پیروان آن به شیخ طریقت بسیار وابستگی و اعتقاد دارند. «فرقه آهی» - با قدمتی بیش از بکتاشی‌گری - از دیگر طرق علوی است که عمدتاً یک طریقت صنفی می‌باشد و اساس اعتقادات آن را مسائل زراعی تشکیل می‌دهد. در این طریقت آنچه مهم است رفتار خوب و درست و عشق به حضرت علی (ع) است.

۷-۱-۴-۳- نقشبندیه

طریقت نقشبندیه که توسط «محمد بهاء‌الدین نقشبندی» تأسیس گردید از جمله مهمترین نمایندگان صوفی‌های سنی وابسته به شریعت محسوب می‌گردد که در میان جوامع حنفی مذهب دارای تأثیر قابل توجهی است.

بنابر اعتقادات نقشبندی مهمترین راه تقرب به خداوند انجام واجبات دین و عبادات نافله می‌باشد. ذکر خدا بویژه بصورت دسته جمعی - که به نام ختم خواجگان خوانده می‌شود - در این طریقت از اهمیت خاصی بهره‌مند است. «روش رابطه» مهمترین وجه تمایز این طریقت با طریقه‌های دیگر بشمار می‌رود. «مرید خود را مرده کفن شده‌ای که بر جنازه‌اش نماز خوانده‌اند، فرض می‌کند و سپس به میان دو ابروی مرشد نگریسته و سعی به فیض بردن از روحانیت او می‌نماید.»^(۲۶)

این طریقت دارای امکانات انتشاراتی قابل توجهی است و ماهنامه «اسلام» از جمله نشریات آنها می‌باشد که بویژه در محافل مذهبی از اعتبار خاصی برخوردار است. محور مطالب این نشریه را موضوعات اسلامی و رویدادهای جهان اسلام تشکیل می‌دهد. ماهنامه «کادین و عایله» (زن و خانواده Kadin ve Aile)، فصلنامه «علم و هنر» (Ilm ve Sanati) و نشریه «کودک گل» (Gul cocuk) از دیگر نشریاتی هستند که از سوی این طریقت به انتشار می‌رسند. خیریه‌ای به نام «راه حق» (Hak Yolu) نیز وابسته به طریقت نقشبندی بوده و از طریق آن کمکهای مالی از سراسر جهان جمع‌آوری می‌گردد. این خیریه دارای بنیه مالی قوی است و در کنار فعالیتهای خود دارای مراکز تجاری گوناگونی نیز می‌باشد.

۸-۱-۴-۳- نورجی‌ها

«نورجی» با پیروانی در حدود یک میلیون نفر، از طریقه‌های معروف در ترکیه بشمار

می آید. نورجی ها، پیرو یکی از علمای مشهور ترکیه بنام «شیخ سعید نورسی» معروف به «بدیع الزمان سعید نورسی» می باشند که با آتاتورک هم عصر بوده و آثار بسیاری را در اصول عقاید و معارف قرآنی به رشته تحریر درآورده است، از جمله کتاب «کلیات رساله نور» که مبین اصول اساسی این طریقت می باشد. نورجی ها معتقدند در حال حاضر بایستی صرفاً به تعلیم و تعلم پرداخته شود و در این ارتباط مکتوبات شیخ سعید نورسی را مرجع مطالعه و آموزش پیروان و تربیت طلاب جوان قرار می دهند. عدم شرکت مستقیم در فعالیتهای سیاسی نیز یکی از اصول اولیه این طریقت بشمار می رود.

پیروان این طریقت در بین خود دارای درجاتی چون دوست، برادر، طلبه... می باشند. پس از مرگ شیخ سعید نورسی رهبر خاصی تعیین نگردیده و معمولاً مسائل تحت نظر جمعی از طلاب مورد بررسی قرار می گیرد. نورجیها که علاوه بر ترکیه در اروپا نیز بسر می برند، خود به گروههای کوچکتری چون آسیاجی ها جدید و فتح الله جی ها تقسیم شده اند. نظرات گروه اخیر اکثراً در روزنامه «زمان» (zaman) انعکاس می یابد.

در این طریقت انتشارات از اهمیت زیادی برخوردار است. روزنامه «ینی آسیا» (Yeni Asya) مهمترین ارگان این طریقت در سال ۱۹۷۰ منتشر گردید لیکن پس از کودتای ۱۹۸۰ با توقیف این روزنامه، روزنامه ای با نام «ینی نسیل» (Yeni Nesil) به جای آن به چاپ رسید. پس از مدتی این روزنامه نیز توقیف و نشریه «تصویر» جایگزین آن گردید.

در سال ۱۹۸۳ با رفع توقیف از مطبوعات، روزنامه «ینی نسیل» مجدداً منتشر گردید و ماهنامه های دیگری چون «پل» (Kopru)، خانواده ما (Bizim Aile)، برادر عزیز (Can Kardes) نیز انتشار یافتند. این طریقت همواره خود را مبلغ دموکراسی خوانده و پیروان آن غالباً به حزب «راه راست» متمایل می باشند. «رادیکالترین آنها معتقدند برای تبلیغ نظریات و اعتقادات سعید نورسی مناسب ترین جای ممکن ارتش، سازمانهای امنیتی و کادرهای آموزشی آموزش و پرورش می باشد.»^(۲۷)

۹-۱-۴-۳- سلیمانجی ها

«سلیمانجی» از دیگر فرق موجود در ترکیه است که در حدود ۱/۵ میلیون نفر پیرو دارد. به عقیده سلیمانجی ها «حلیمی توناخان» مؤسس این فرقه، تنها جانشین حقیقی حضرت پیامبر اکرم (ص) است. شدت ایمان آنان به وی به حدی است که او را یک شخصیت فوق

بشری تلقی می‌نمایند. پایه این طریقت بر پنهان کاری و حفظ اسرار مبتنی است. تعالیم همه اسراری هستند غیر قابل افشاء و هر گونه تخطی در این ارتباط مستوجب کیفر است. با تأسیس مدارس امام خطیب از سوی دولت - در سال ۱۹۶۴ - جهت پرورش امام جمعه و جماعت برای مساجد ترکیه، مؤسس این طریقت برای مقابله با این حرکت و جلوگیری از دخالت دولت در امور اعتقادی مردم، شروع به تأسیس کلاسهای قرآن در اقصی نقاط ترکیه نمود.

پس از «توناخان»، «کمال قاجار» - داماد وی - بر مسند رهبری قرار گرفته و با تأسیس انجمنهای متعدد به سازماندهی طریقت پرداخت. «در سال ۱۹۸۰، تعداد این انجمنها که زیر پوشش فدراسیونی متشکل گردیده بودند به ۹۰۰ عدد ترقی نمود و تعداد کلاسهای قرآن به ۲۰۰۰ عدد بالغ گردید. در حال حاضر نام فدراسیون ایشان «فدراسیون انجمنهای کمک به مدارس و کلاسهای طلبه‌ها» می‌باشد.^(۲۸) امروزه تعداد انجمنهای فعال این طریقت در ترکیه به ۵ انجمن تقلیل یافته و طریقت به جای انجمن خوابگاههایی برای محصلین و دانشجویان بی‌بضاعت فراهم نموده است. این طریقت از توان مالی و انتشاراتی و تبلیغی گسترده‌ای برخوردار می‌باشد و توانسته است تعداد زیادی از جوانان را به خود جلب نماید. طریقت سلیمانجی به دو شاخه «روشنفکران» و «رادیکالهای جوان» تقسیم گردیده و فعالیت مذهبی و فرهنگی آن بویژه در آلمان قابل توجه است. پیروان این طریقت در آلمان بیش از ۱۵۰ مسجد در اختیار دارند که در آنها به امر آموزش قرآن و برگزاری نماز جماعت و ایراد سخنرانی می‌پردازند.

۱۰ - ۱ - ۳ - مسیحیان

بنابر آمار سال ۱۹۸۰، در حدود ۳/۰٪ از جمعیت ترکیه را مسیحیان تشکیل می‌دهند که عمدتاً جزء شاخه ارتودوکس می‌باشند.

تجزیه امپراطوری روم به دو بخش شرقی و غربی - در قرن پنجم میلادی - در زمینه اعتقادی نیز تفرقه‌هایی را بهمراه داشت. در این زمان در حالیکه کاتولیکها به رهبری «پاپ» حاکمیت مذهبی روم غربی را در دست گرفتند، حکومت بیزانس - امپراطوری روم شرقی - کلیسای ارتودوکس را تقویت نموده و قدرت مذهبی را در شهر کنستانتینوپولیس (Konstantion Polis استانبول فعلی) متمرکز نمود. با فتح استانبول بدست سپاهیان عثمانی در

طی جنگهای صلیبی در سال ۱۴۵۳ میلادی، «سلطان محمد دوم در جهت تضعیف دنیای مسیحیت سعی نمود که ضمن حمایت از کلیسای ارتودوکس اختلافات آنها را با پروتستانها تشدید کند، در همین رابطه نیز دستور داد که کلیسای ارتودوکس از نو سامان داده شده و «پاتریک» جدیدی را نیز معین نمود. این پاتریک (اسقف و رهبر مذهبی) دارای اختیارات گسترده‌ای بوده و رهبر تمام پاتریکخانه‌های شبه جزیره بالکان و مشرق محسوب می‌گردید.»^(۲۹)

با شروع گرایش به غرب در اوایل قرن نوزدهم، قدرت کلیساها افزون‌تر شده و کلیساها مورد توجه ممالک اروپایی قلمرو عثمانی قرار گرفتند. لیکن در اواخر این قرن با رشد روحیه ملی‌گرایی در سرزمین عثمانی و بویژه با به استقلال رسیدن رومانی، بلغارستان و صربستان، پاتریکخانه روبه ضعف نهاد. در جنگ جهانی اول، پاتریکخانه استانبول پس از امضاء معاهده لوزان، بدلیل حمایتش از اشغالگران آلمانی، با از دست دادن اختیارات و امتیازات عهد عثمانی در قالب یک سازمان مذهبی باقی ماند و در طی جنگهای استقلال، با مهاجرت تعداد زیادی از مسیحیان ارتودوکس به یونان، تعداد افراد وابسته به پاتریکخانه‌ها بشدت نقصان یافت. امروز «پاتریکخانه فنر» در استانبول از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و سراسقف آن دارای قدرت قابل ملاحظه‌ای است. این پاتریکخانه در حقیقت مرکزی برای مجموعه کلیساهای مستقل خاورمیانه، شبه جزیره بالکان و اتحاد جماهیر شوروی سابق محسوب می‌گردد. لازم به ذکر است «طبق قوانین ترکیه» پاتریک باید دارای تابعیت ترک بوده و مورد تأیید دولت ترکیه باشد. «معمولاً از طرف شورای کلیساهای ارتودوکس چند نفر به دولت ترکیه به عنوان نامزد اسقفی معرفی شده و دولت ترکیه یکی از ایشان را انتخاب می‌کند.»^(۳۰)

۱۱-۱-۴-۳- یهودیان

در حدود سال ۱۴۹۲ میلادی، در حدود یکصد هزار یهودی از اسپانیا به سرزمین عثمانی - به استانبول، ادیرنه و سلانیک (Selanik) - وارد گردیدند. این گروه که «موسوی‌های سفاراد» خطاب می‌شدند - بواسطه اینکه در زبان عبری به اسپانیا، سفاراد Sefarad گفته میشد - اکثراً متمول و در اموری چون صنعت چاپ، طبابت، نساجی، ساخت سلاحهای آتشین،... متخصص بودند و لذا در این زمینه‌ها رونقی را برای سرزمین عثمانی باعث گردیدند.

بعدها به دلایل مختلف از جمله مهاجرت به اسرائیل تعداد یهودیان روی به کاهش نهاد و امروز جمعیت آنان در ترکیه را در حدود ۲۵ هزار نفر برآورد می نمایند که غالباً در شهرهای استانبول، ازمیر، آدانا، چاناک قلعه و بورساکن می باشند و با اشتغال به امور تجاری و تولیدی توانسته اند در زمینه های اقتصادی موفقیت های بسیاری کسب نمایند. یهودیان ترکیه، همواره رژیمهای نظامی را محکوم و از احزاب دموکرات حمایت نموده اند. «بواسطه اینکه سال ۱۹۹۲ مقارن با پانصدمین سالگرد کوچ یهودیان به ترکیه است. سازمانی بنام «وقف پانصدساله» از طرف یهودیان ترکیه تشکیل گردیده که تعدادی از سرشناس ترین چهره های سیاسی، هنری و اقتصادی جهان عضو آن می باشند. هدف این وقف برگزاری برنامه های مختلفی در سطح جهان، جهت شناسایی ترکیه و قدردانی از مهمان نوازی مردم و دولت این سرزمین می باشد.»^(۳۱)

۲-۴-۳- فعالیت گروههای اسلامی ترک در اروپا

فعالیت های سازمان های اسلامی ترک های ترکیه در خارج از کشور، در اروپا از نمود و گستردگی بیشتری برخوردار است. این فعالیتها که عمدتاً بازتابی از فعالیت های گروه های داخل ترکیه محسوب می شوند، در کشور آلمان تمرکز و شدت ویژه ای یافته اند. از سوی دیگر در کنار اینگونه گروهها، دولت ترکیه نیز انجمنها و اتحادیه هایی تحت عنوان «اتحادیه اسلامی ترکها» در آلمان تأسیس نموده است که وابسته به کنسولگری ترکیه بوده و تحت نظارت اداره امور مذهبی دولت ترکیه فعالیت می نماید.

گروه ملی گوروش، فدراسیون ترک، اتحادیه جماعات اسلامی، سلیمانچی ها و نورجی ها از جمله گروهها و دسته جاتی هستند که در قالب اسلام فعالیت کرده و در اروپا دارای پیروانی می باشند. در اینجا معرفی کوتاهی خواهیم داشت از گروه ملی گوروش، فدراسیون ترک و اتحادیه جماعات اسلامی.^(۳۲)

الف- گروه ملی گوروش - به معنی بینش ملی - از جمله گروه های نسبتاً بزرگی است که در اروپا فعالیت دارد. اعضاء این گروه پیروان «نجم الدین اربکان» یکی از رهبران حزب رفاه می باشند. این گروه که گروهها و انجمنهای کوچک و بزرگ دیگری را تحت نفوذ خود دارد - از جمله: جمعیت کارگران ترک، اتحادیه جوانان مسلمان در اروپا، مرکز اسلامی، اتحاد ترکهای اروپا، ... - در آلمان و بخصوص در هامبورگ دارای مساجد بسیاری است. پیروان این گروه

اعتقاد دارند در محیطی که جوانان ترک باخلاء دینی و فقر فرهنگی روبرو هستند بایستی با انجام فعالیتهای گسترده آنان را بسوی اسلام جذب و هدایت نمود و لذا فعالیتهای خود را بویژه در این جهت سازماندهی می نمایند.

ب - فدراسیون ترک -^(۳۳) از دیگر سازمانهای فعال در اروپا می باشد، که مرکز آن در فرانکفورت قرار دارد و دارای شعباتی در دیگر کشورهای اروپایی است. اعضاء این فدراسیون را طرفداران حزب «حرکت ملی» سابق تشکیل می دهند. آنان خود را گرگ خاکستری^(۳۴) می نامند و معتقدند قوم ترک، قوم برتر است و خواستار اتحاد تمامی ترکهای جهان و تشکیل یک دولت بزرگ واحد می باشند. این فدراسیون در اروپا دارای مراکزی با نام «مرکز فرهنگی ترک» است.

ج - اتحادیه جماعات اسلامی - تشکل دیگری است که در سال ۱۹۸۵، گروه دیگری از ترکهای آلمان را به خود جذب نمود. این اتحادیه را انشعابی از گروه ملی گوروش دانسته اند که بدنبال اختلاف نظر بویژه درباره انقلاب اسلامی ایران، در این گروه فراهم آمد. در رأس این اتحادیه «جمال الدین کاپلان» از روحانیون معروف ترکیه قرار دارد که ضمن حمایت از انقلاب اسلامی ایران، معتقد است فعالیت اسلامی صحیح، فعالیتی است که اسلام را در تمامیت آن تبلیغ نماید و در این راه از کلیه ابزارهای مدرن و پیشرفته بایستی بهره گرفت.^(۳۵)

زیرنویسهای فصل سوم:

۱ - برخلاف عهد عثمانی که اکثریت افراد جامعه از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی فاصله زیادی با یکدیگر نداشتند.

۲ - آمارهای این بحث به نقل از منبع شماره ۲۶ می باشد.

۳ - اگرچه شدت پایبندی به ارزشهای متکی بر مردسالاری در خانواده ترک، با دور شدن از جوامع روستایی و نزدیکی به جوامع شهری بزرگ و همراه با افزایش سطح تحصیلات و حضور زنان در صحنه اجتماع، و به موازات افزایش تأثیرپذیری از فرهنگ غرب، رو به

نقصان می‌گذارد، لیکن هنوز در کل جامعه ترکیه حضوری در خور توجه دارد.

۴- مطالب این بحث برداشتی است از منبع شماره ۲۰

۵- به نقل از مجله پانوراما، آرلیک، ۱۹۸۸

۶- به نقل از مجله گنگ، مارت، ۱۹۸۹

۷- آمار وزارت بهداشت ترکیه در سال ۱۹۸۸، به نقل از روزنامه جمهوریت مورخ

۱۹۸۹/۴/۲۱.

۸- در زمینه طلاق، آمارهای منابع رسمی و غیررسمی، ارقام کاملاً متفاوتی را نشان

می‌دهند، باینحال، روند فزاینده طلاق در جامعه ترکیه قابل مشاهده است. برای اطلاع از

ارقام آمار رسمی در این ارتباط، همچنین در زمینه خودکشی و یا بزهکاری در جامعه

ترکیه. ر. ک. منبع شماره ۱۰. - منبع اخیر مآخذ آمارهای بحث آسیب‌شناسی اجتماعی نیز

می‌باشد - مگر در مواردی که تصریح شده است.

۹- این در حالی است که پس از استقرار نظام جمهوری در ترکیه فعالیت فرقه‌های

گونگون ممنوع اعلام شد.

۱۰- لازم به ذکر است که براساس شواهد و مدارک تاریخی در سال ۱۹۱۹ در حدود

۱/۵ تا ۲/۵ میلیون نفر از مسیحیان ارامنه ترکیه توسط دولت عثمانی قتل عام گردیدند، به

همین مناسبت ۲۴ آوریل روز ارامنه نام‌گذاری شده است.

۱۱- در عهد عثمانی، «مشيخیت الاسلامیه»، نهادی بود که بر محور توجیه منافع دولت و

سلاطین عثمانی، نظارت بر امور دینی و اوقاف و همچنین آموزش و پرورش و قضاوت را در

جامعه ترکیه برعهده داشت. با اعلام فرمان تنظیمات دامنه اختیارات این نهاد فقط به اداره

امور دینی محدود گردید. بعدها در سال ۱۹۲۰ و با روی کار آمدن «کمال آتاتورک»،

وزارتخانه‌ای با عنوان «شرعیه و اوقاف» با وظیفه قضاء، افتاء و ارشاد و آموزش به جای

مؤسسه مشيخیت الاسلامیه شروع به فعالیت نمود. با اعلام جمهوریت، این وزارتخانه

منحل و «سازمان امور دیانت» اداره امور عقیدتی، عبادتی و همچنین نظارت و کنترل

مؤسسات دینی را عهده‌دار گردید.

۱۲- بنا به اظهارات «بکتاش آی یلدیز»، ناشر علوی الاصل و صاحب انتشارات آی

یلدیز به نقل از منبع شماره ۲۳ ص ۲۳

۱۳- همان مآخذ: ص ۸

۱۴- همان مآخذ: ص ۸

- ۱۵- همان مأخذ: ص ۵
- ۱۶- در ادامه بحث، طریقت بکتاشی مورد معرفی قرار خواهد گرفت.
- ۱۷- اعلام نقطه نظرات دده‌های علوی به ریاست امرو دینی. به نقل از منبع شماره ۲۳ ص ۱۴
- ۱۸- همان مأخذ: ص ص ۲۰ و ۲۱
- ۱۹- تاکید بر اصل امامت و علاقمندی به حضرت علی (ع) و خاندان وی نقطه اشتراک عقیدتی تشیع، علوی و بکتاشی است.
- ۲۰- در اروپا، در رومانی، بلغارستان، یونان، یوگسلاوی و مجارستان نیز خانقاهها و زاویه‌های بکتاشی وجود دارد.
- ۲۱- به مفهوم «دارای کلاه سرخ رنگ»، که ریشه آن به کلاه سرخ رنگی باز میگردد که سربازان شیخ حیدر از فرزندان شیخ صفی‌الدین مؤسس خانقاه اردبیل بر سر می‌گذارند و دارای دوازده ردیف بود. بدلیل تقدس عدد ۱۲ در تبعیت از دوازده امام و تقدس رنگ سرخ. به نقل از منبع شماره ۴۷ ص ۲۶
- ۲۲- همان مأخذ: ص ۳۰
- ۲۳- به نقل از منبع شماره ۳۹ ص ص ۶ و ۷
- ۲۴- به نقل از منبع شماره ۴۷ ص ۵۳
- ۲۵- همان مأخذ: ص ۵۹
- ۲۶- به نقل از منبع شماره ۳۹ ص ۳
- ۲۷- به نقل از منبع شماره ۲۲ ص ۳۶
- ۲۸- به نقل از منبع شماره ۳۹ ص ۱۲
- ۲۹- همان مأخذ: ص ص ۱۵ و ۱۶
- ۳۰- همان مأخذ: ص ۱۶
- ۳۱- همان مأخذ: ص ۱۵
- ۳۲- سلیمانچی‌ها و نوروجی‌ها، از دیگر گروههای فعال در اروپا هستند که قبلاً مختصراً معرفی گردیدند.
- ۳۳- نام اصلی آن «فدراسیون انجمنهای ترک اولکوجه دموکراتیک در اروپا» می‌باشد.
- ۳۴- در اسطوره‌های ترک آمده‌است که در ابتدا قوم ترک بوسیله یک گرگ خاکستری رهبری میشده است.

۳۵ - در تهیه مطالب مربوط به بحث وضعیت دین در جامعه ترکیه، منبع شماره ۳۹ از جمله منابع اصلی بوده است که برای آشنایی بیشتر می‌تواند مورد مراجعه قرار گیرد.

منابع فصل سوم

۱ - مقدمه‌ای بر شناخت ساختار اجتماعی جامعه در ترکیه

منابع لاتین

- Guclu, Meral. World Bibliographical Series V. 27: Turkey. Great Britain: The Camelet press, 1981.
- Khoshzamid, Firous Development and Administration of Vocational and Technical Education in Iran: Program Implications for Human Resource Development.- wisconsin: University of Wisconsin, 1971.

۲ - ازدواج و خانواده در جامعه ترکیه

منابع فارسی

- بالامان، علیرضا. نحوه تشکیل خانواده و انحلال آن در روستاهای ترکیه. - ترجمه: بخش تحقیقات خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران - آنکارا: ۱۳۴۰
- روند توسعه و ساختار خانواده در ترکیه، آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱

۳ - آسیب‌شناسی اجتماعی

منابع فارسی

- فحشاء در ترکیه. - استانبول: سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸
- کریملو، داود.

محمدی، ناصر. بژوهش پیرامون مسئله فساد و فحشا در ترکیه. - آنکارا
رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸

منابع لاتین

Statistical yearbook of Turkey. - Turkey: State Institute of Statistical Prime minister, 1989.

۴- وضعیت دین در جامعه ترکیه

منابع فارسی

ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور بین الملل، گزارش هیئت بازرسی
خانه‌های فرهنگ و تبلیغات خارج از کشور درباره ترکیه،
۱۳۶۲.

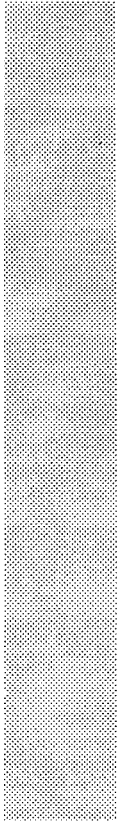
بررسی مسایل فرهنگی و امکانات تبلیغی در ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری
اسلامی ایران، ۱۳۶۸
تال، کریم. شناسنامه فرهنگی کشور ترکیه. - تهران: وزارت فرهنگ
و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

تحولات جدید فرهنگی و سیاسی در برخورد با علویان ترکیه (قسمت اول). - استانبول:
سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰
مذهب در ترکیه، نگاهی به نحله‌ها و طریقت‌های مذهبی در ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰
وهاج، کاظم.

خلاصه‌ای از سوابق روابط فرهنگی ایران و ترکیه و
نمونه‌هایی از فعالیت خانه فرهنگ جمهوری اسلامی
ایران. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،
۱۳۶۲.

منبع لاتین

THE Middle East and North Africa. London: Europa Publications Limited, 1990.



فصل چهارم

اوضاع فرهنگی

۱-۴- تاثیرات فرهنگی

ترکیه کشوری است که جایگاه جغرافیایی آن نقش بسزایی در تحول فرهنگی آن ایفا نموده است. موقعیت جغرافیایی این سرزمین همواره آنرا در مسیر ارتباط تمدنهای مختلف قرار داده است. اقوام گوناگونی در طی تاریخ پرتلاطم این سرزمین به آن مهاجرت کرده، آنرا مورد تهاجم قرار داده، از آن گذر کرده و یا در آن استقرار یافته‌اند و در این رهگذر نقشی از فرهنگ و تمدن خود بر جای نهاده‌اند که هنوز نیز در لابلای مظاهر فرهنگی ترکیه - در میان قصه‌ها، آوازاها، رسوم... - می‌توان نشانی از آنان یافت. در این ارتباط علاوه بر یادآوری مباحثی که در بخش تاریخ و سیر تحولات سیاسی اجتماعی ترکیه مطرح گردید، اشاره می‌کنیم به قرار گرفتن ترکیه بر سر راه جاده بازرگانی و پر اهمیت ابریشم - جاده ادویه - که همراه با نقش تجاری خود، چون محملی فرهنگ و تمدن ممالک مسیر خود و بویژه چین، هند، ایران، ترکیه و اروپا را به یکدیگر پیوند می‌داد. همجواری با ممالک اروپایی، ویژگی جغرافیایی دیگری است که نقش آنرا در فرهنگ ترکیه باید همواره در نظر داشت، رنسانس اروپا و انقلاب کبیر فرانسه، و قبل از آن سرایت و تسلط تمدن یونان، روم و سپس بیزانس، و در سالهای اخیر، گسترش روند غرب‌گرایی در فرهنگ ترکیه را بایستی تا حد زیادی ناشی از چنین همجواری دانست.

ترکها در روند تطور فرهنگی اجتماعی خود در دوره‌ای به دلیل مهاجرت یا تهاجم قبائل، با تمدن^(۱) خاور دور ارتباط یافتند و از آن متأثر شدند، و در زمانی دیگر تمدن یونان و روم و سپس بیزانس را پذیرا گشتند، تمدن عثمانی نیز، که آمیزه‌ای بود از نهادهای فرهنگی ایرانی، عربی، ترکی، اسلامی و بیزانسی، در حدود ۶ قرن، فرهنگ این سرزمین را تحت سیطره خود داشت. پایان دوران سلاطین عثمانی، آغاز نفوذ و سیطره روزافزون تمدن غرب را برای ترکیه به همراه داشت که تا امروز ادامه یافته است.

در ارتباط با سیر تحولات فرهنگی ترکیه، آنچه در این مختصر قابل ذکر است، تحول فرهنگی قابل توجهی است که در اواخر عهد عثمانی با گرایش به غرب آغاز گردید و سپس

در دوره جمهوری با شدت هر چه تمامتر و با هدف محو کامل تمدن عثمانی دنبال گردید. در اینجا، نظر به اهمیت این تحول فرهنگی، چگونگی آنرا مختصراً مرور خواهیم نمود.

همانطور که قبلاً اشاره شد، در اواخر عهد عثمانی، در حالیکه جوامع غربی به پیشرفتهای بسیاری دست یافته و در اروپا انقلابات علمی، دینی و اخلاقی به زندگی قرون وسطایی پایان بخشیده بود، ترکیه بدلیل سیاستهای سلاطین عثمانی در قالب جامعه‌های بسته و دور از تحولات محیط پیرامون خود باقی مانده بود و این تضاد سرانجام موجی از اصلاح طلبی به سبک غربی را در جامعه فراهم آورد. مشخص‌ترین نمود این حرکت را بایستی در صدور فرمان تنظیمات از سوی سلطان «عبدالمجید اول» در سال ۱۸۳۹ دانست که در حقیقت اعلام موجودیت فرهنگ هواخواه غرب در ترکیه بود و زمینه را جهت تحولات اجتماعی و فرهنگی و نفوذ دولتهای غربی، بویژه انگلیس، فرانسه، آلمان و آمریکا، مهیا ساخت. دنبال این فرمان روند غربگرایی در امور اداری، آموزشی و سیاسی و فرهنگی آغاز گردید و در طی دوران مشروطیت ادامه یافت، تغییر قوانین مدنی، تجاری و قضایی در تبعیت از قوانین غربی و ایجاد ارتش جدید با لباسهایی به سبک غربی از یکسو، و آموزش زبانهای بیگانه، ترجمه آثار نویسندگان اروپایی^(۲) تصفیه زبان ترکی و فکر تغییر خط... از جمله تحولاتی بودند که هویت فرهنگی گذشته جامعه عثمانی را تحت تاثیر قرار دادند. این دوره را می‌توان دوره خیرگی و تقلید از مظاهر فرهنگی غرب نامید. در این زمان دو فرهنگ در ترکیه وجود داشت. یکی فرهنگ «امت» که ریشه در تمدن شرق داشت و دیگری فرهنگ طرفدار غرب. این دو فرهنگ علیرغم مغایرتشان با یکدیگر تا پایان امپراطوری عثمانی در کنار یکدیگر حفظ شده و دوام یافتند. با برقراری رژیم جمهوری به رهبری «آتاتورک» روند تحولات فرهنگی در جهت تمدن غربی و قطع کامل با گذشته عثمانی با سرعت و شدت دنبال گردید و در کلیه شئون اجتماعی و فرهنگی تغییرات بنیادین به عمل آمد.

«ترکیست»^(۳) های این زمان با هدف رهاکردن تمدن شرق و پذیرش کامل تمدن غرب در صحنه فرهنگی ترکیه وارد گردیدند. «ضیاء گوکالپ» یکی از رهبران فکری این دوره بر این اعتقاد بود که ترکیست‌ها باید مسلمان و ترک باقی بمانند اما غرب را در افق دید خود داشته باشند: «ما در مقابل نظام عثمانی انقلاب‌گرا و در مقابل فرهنگ ترک محافظه‌کار می‌باشیم، ترکیه انقلابی امروز تنها سنن عثمانی را تغییر میدهد. تمدن عثمانی تمدن شرقی است، تمدن شرقی تمدن اسلامی نیست، ادامه تمدن روم شرقی است»^(۴)، «ما تمدن اروپایی را

بدون قید و شرط می‌پذیریم اما فرهنگ ملی مان را حفظ می‌کنیم... ضمن قبول آنکه فرهنگ ملی در جریان غربی شدن دستخوش تغییراتی خواهد شد... تغییرات مدنی، سیاسی و اقتصادی خواه‌ناخواه بر ساختمان اجتماعی اثر می‌گذراند و غیر مستقیم منتهی به تغییرات فرهنگی میشوند»^(۵) حرکت از چنین دیدگاه‌های فکری، منجر به اقداماتی مانند: جدا نمودن دین از سیاست، تغییر الفبای زبان ترکی، تصفیه شدید لغات زبان ترکی از واژه‌های بیگانه، تغییر در اسامی و پوشش مردم، تغییر آداب و اخلاق اجتماعی، وارد نمودن زنان به صحنه اجتماع، تغییر در نظام آموزشی... گردید^(۶). پیامدهای این تحولات عمیق فرهنگی اجتماعی را امروز پس از گذشت بیش از ۶۰ سال، در نسل حاضر ترکیه بایستی جستجو نمود. بنظر میرسد که نسل نوین ترکیه، با پدیده بحران هویت فرهنگی روبرو می‌باشد. از یکسو بدلیل شدت و سرعت تحولات فرهنگی، علیرغم خواست و تلاش ناسیونالیست‌های ترک، امروز، باز یافت فرهنگ ملی به دشواری میسر می‌باشد، زیرا نسل امروز چه به لحاظ گفتاری و چه به لحاظ نوشتاری - به سبب تحول عمیق زبان و خط - قادر نیست با افراد و آثار مکتوب نسل گذشته ارتباط لازم را برقرار نماید (این ارتباط که عمدتاً از طریق ترجمه آثار پیشینیان انجام می‌گیرد با توجه به تعدد آثار ضمن آنکه کافی بنظر نمی‌رسد، اصالت آن نیز بدلیل دخالت سلیقه افراد در انتخاب و ترجمه متون، خدشه‌دار گردیده‌است.)، از سوی دیگر توسعه موج تبلیغات غربی در جامعه، این نسل بدون تکیه‌گاه به فرهنگی ملی را هر روز بیشتر بسوی خود خوانده و سهلتر جلب می‌نماید. فعالیت مؤسسات فرهنگی متعدد، گسترش انتشارات و تشویق فرهنگ روزنامه‌خوانی، بهادادن به برگزاری سمینارها، نمایشگاه‌های علمی و فرهنگی، احترام به نویسندگان و هنرمندان... از آنجا که حول محور فرهنگ جوامع غربی انجام می‌گیرد، بازتابی در رشد و باروری زمینه‌های فرهنگ خودی به‌مراه نداشته‌است. نمود بارز آنرا بویژه در حیطه هنر و ادبیات می‌توان یافت، در این زمینه‌ها، حجم آثار تقلیدی و غربی به مراتب بیش از آثار اصیل و با ارزش فرهنگی است. در حقیقت برخلاف آنچه مصلحان جامعه در ابتدا در نظر داشتند، همسویی با تمدن غرب، در زمینه فرهنگی موجب نوعی بیگانه‌مداری و تصور برتری فرهنگی جوامع غربی بر فرهنگ ملی ترک و تقلید صرف از ارزشها و هنجارهای اجتماعی غربی، بدون توجه به خاستگاه آنها و تفاوتشان با جامعه ترکیه، گردیده که حاصل آن گم شدن هویت فرهنگی ترک در لابلای مظاهر تمدن غرب می‌باشد. البته در اینجا لازم به تذکر است که علیرغم آنچه بصورت جو غالب فرهنگی

- و بویژه در شهرهای بزرگ ترکیه - بچشم می خورد، هنوز ترکیب فرهنگی ترکیه از ویژگیهای سنتی و فولکلوریک - بخصوص در روستاها و شهرهای کوچکتر- خالی نشده و اینگونه عناصر به موازات عناصر مدرن، تا امروز به حیات خود ادامه داده اند. وجود چنین دوگانگی را میتوان به عنوان یکی از مشخصه های فرهنگی ترکیه برشمرد.

۲-۴- سیاستهای فرهنگی

۱-۲-۴- فرهنگ ملی

ظهور و رواج افکار ناسیونالیستی، در شروع قرن بیستم، حرکتی بود که از یکسوریشه در سیاستهای استعماری دول استعمارگر داشت که با هدف تجزیه سرزمینهای اسلامی افکار ناسیونالیستی را تبلیغ و ترویج می نمودند، و از سوی دیگر از متن امپراطوری عثمانی برخاست. همانطور که قبلاً اشاره شد، امپراطوری عثمانی از آنجا که اقوام مختلفی را در بر می گرفت به منظور اداره قلمرو حکومت خود و دریافت مالیاتهای لازم، این اقوام را در حفظ ارزشهای ملی و مذهبی خود آزاد گذارده بود. در زمان ضعف سلاطین عثمانی، افکار و معتقدات ناسیونالیستی در سراسر قلمرو این امپراطوری نضج گرفته و چنانکه گفتیم، موجی از جریانات استقلال طلبی را به دنبال آورد. روحیه ناسیونالیستی در میان مردم ترک ساکن آناتولی نیز، تبلور خود را در افکار و آراء «آتاتورک» یافت و پس از استقرار جمهوری در این سرزمین، تلاش شد در قالب خط مشی های فرهنگی به آنها عینیت بخشیده شود. جدایی دین از سیاست (لایسم)، غرب گرایی، نژادگرایی، تزکیه زبان ملی، اصلاح خط... اقداماتی بودند که در جهت تحقق ناسیونالیسم ترک، انجام گردیدند، که در اینجا مختصراً به آنها اشاره می گردد.

لایسم یا جدا نمودن دین از سیاست یکی از عمده ترین محورهای سیاستهای مبتنی بر ناسیونالیسم بود. آتاتورک در این باره می گوید: «پیوندی که افراد ملت ما را بهم ربط میدهد اینک کاملاً دگرگون شده است و به جای علائق دینی و مذهبی، اینک اندیشه ای از یک ملت بودن ما را بهم پیوند میدهد»^(۷) عدم مداخله مذهب و خارج نمودن ترکیه از تسلط مذهب از نظر آتاتورک امری ضروری بود. زیرا کلیه تلاشهای قبلی که جهت غربی نمودن جامعه در طی قرن نوزدهم و به دنبال فرمان تنظیمات انجام گرفته بود بدلیل تداوم موقعیت مذهب و تلاش برای آشتی دادن باورهای مذهبی با مظاهر تمدن غرب اساساً با شکست روبرو

شده بود. با چنین دیدگاهی، قوانینی به تصویب مجلس ملی کبیر رسید که به موجب آنها خلافت منسوخ و وزارت شریعت و اوقاف^(۸) نیز برچیده شد. کلیه مدارس و مراکز آموزشی نیز در وزارت آموزش ملی ادغام گردیدند. همچنین کلیه دستورات و فرامین مذهبی لغو شده و اشاعه معتقدات مذهبی منع گردید. آموزش مذهبی مردود و تکایا و زوایا که محل تبلیغ و آموزش مذهبی بودند تعطیل گردیدند. در ادامه این روند بعدها در قانون اساسی تصریح شد که جمهوری ترکیه، دولتی لائیک می باشد و بدنبال آن قانون اساسی بر مبنای اصول لائیسیم مجدداً تنظیم گردید، عبارت «دین رسمی جمهوری ترکیه اسلام است» از آن حذف گردید و در مراسم تحلیف نیز بجای سوگند به مقدسات دینی، سوگند به شرف مقرر گشت. مجلس نیز موظف به برقراری مقررات شرعی و اسلامی و تنفیذ احکام شرعی نبود. البته لغو خلافت و قوانین اسلامی با مقاومتهای اجتماعی نیز همراه بود. بویژه از سوی اقوام کرد - اما با سرکوب مخالفین، حرکت دین زدایی به راه خود ادامه داد.

با حذف اسلام از صحنه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، مجال بیشتری جهت نفوذ مظاهر فرهنگ اروپایی فراهم آمد. آتاتورک در این باره میگوید: «هم میهنان تصدیق بفرمائید که جمهوری ترکیه کشور شیوخ، در اویش و مجذوبین نمی تواند باشد، طریقت راستین، تمدن معاصر است»^(۹) «کدام کشور است که بتواند در قرن بیستم سربلند زندگی کند ولی همگام غرب نشود»^(۱۰) و این نقطه شروع تحولات بنیادی متعددی در صحنه ارزشهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ترکیه بود، از جمله:

تقویم گرگوری^(۱۱) جایگزین تقویم اسلامی بر پایه سال هجری - قمری گردید. تعطیلات هفتگی در همسویی با غرب از جمعه‌ها به شنبه تا دوشنبه، تغییر نمود. پوشیدن فینه^(۱۲) - که یکی از مشخصه‌های فرهنگ مردم ترک بود - همچنین عمامه و دستار و هرگونه پوشش مشابه دیگر ممنوع و استفاده از کلاهها غربی مقرر گردید. (این در حالی بود که در بین مفاهیم فرهنگی رایج آن زمان در آناتولی کلاه بر سرگذاردن، به معنی لامذهب شدن بود.) پوشش به سبک غربی تبلیغ و تشویق شد و روحانیون نیز از پوشیدن لباس روحانی در خارج از اماکن مذهبی منع گردیدند. آتاتورک همچنین زنان را به ترک حجاب دعوت نمود اما این تحول برخلاف دیگر تغییرات، بدلیل تعصبات شدید حاکم بر جامعه، با فشار کمتری همراه بود و در طی زمان بیشتری تحقق یافت. در ادامه این تحولات قوانینی نیز به تصویب رسید در ارتباط با منع چند همسری مردان، و تغییر موقعیت اجتماعی زن ترک. به زنان فرصت

مساوی با مردان در آموزش و انتخاب شغل و تخصص و برخورداری از حقوق اجتماعی داده شد و زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات پارلمانی را یافتند. تحولات فرهنگی - اجتماعی یکی پس از دیگری انجام میگرفت و بعضاً در برخورد با مخالفان تغییر به خشونت کشیده میشد، گاه نیز مردم در مقابل برخی اصلاحات دچار تردید میگردیدند، مثل پوشیدن کلاه، و گاه حتی روشنفکران عملی بودن این اقدامات را باور نمی‌کردند، مثلاً در مورد تغییر الفبای ترکی و اصلاح زبان. ترکها پس از قبول دین اسلام، خط خود را با الفبای عربی تطبیق داده بودند، لیکن به هنگام اصلاحات، حروف عربی برای نگارش ترکی مناسب تشخیص داده نشد و با تصویب قانونی در مجلس وقت، استفاده از الفبای لاتین و ممنوعیت الفبای عربی اعلام گردید و پس از یک دوره مهلت زمانی جهت آموزش و فراگیری حروف جدید، کلیه انتشارات در سطح کشور با این حروف معمول گشت. طی سالهای توسعه امپراطوری عثمانی، قواعد دستوری و لغات فارسی و عربی بسیاری به زبان ترکی اضافه شده بود و لذا اقدام اصلاحی دیگر، تصفیه زبان ترکی از لغات بیگانه و استفاده از کلمات ترکی خالص بود. هزاران لغت جدید براساس ریشه‌های لغات ترکی اصیل تولید شد. بنحوی که امروز بسیاری از افراد جامعه، بدون استفاده پیاپی از کتاب لغت، بدشواری قادر به درک کامل برخی نوشته‌های ۴۰، ۵۰ سال گذشته می‌باشند. در ارتباط با اینگونه تحولات، در سال ۱۹۲۸، «انجمن زبان ترکی» به منظور تعویض خط و ادامه روند اصلاح و توسعه زبان در زمینه‌های علمی و آموزشی، تاسیس گردید. در سال ۱۹۳۴ نیز قانون «داشتن نام خانوادگی» اصلاح فرهنگی دیگری را باعث گردید. در گذشته مردم ترکیه صرفاً به وسیله نام کوچک خود شناخته شده و معمولاً با نامیدن نام پدر معرفی میشدند. قانون جدید افراد را ملزم به داشتن نام خانوادگی می‌نمود و به عنوان اولین قدم مجلس ملی کبیر نام خانوادگی آتاتورک - به مفهوم پدر ترکها - را برای مصطفی کمال برگزید. اقدام ناسیونالیستی دیگر، در آن سالها، تاسیس «انجمن تاریخ ترکیه» بود که تحقیق در زمینه تاریخ و تمدن ترکیه - از جمله تاریخ ترکهای ما قبل عثمانی - را برعهده داشت. آتاتورک ضمن جملاتی سیاست ملی‌گرایی خود را چنین توضیح داده است: «کتاب مقدس ما ملی‌گرایی است که از علم حمایت می‌کند، خوشبختی می‌آورد. ترک‌گرایی را ارتقاء میدهد و سعی میکند کلیه ترکها را با هم متحد سازد. در اینصورت در ایدئولوژی و فلسفه ما کلمه دین مترادف با ملی‌گرایی است»^(۱۳) در ارتباط با بازشناسی هویت تاریخی، علمی و فرهنگی جامعه ترک، برخی انتسابات مجعول و

ناروا نیز انجام گرفت. از جمله تعدادی از نویسندگان ترک، برخی از دانشمندان و متفکران ایرانی را منتسب به خود دانسته‌اند. مانند خواجه نصیرالدین طوسی^(۱۴)، ابوعلی سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، مولانا و در سال اخیر افرادی چون صمد بهرنگی و شهریار. دائرة المعارف جدیدترک در جلد چهارم، شعر و هنر ایرانی را با منشاء ترکی معرفی نموده‌است.^(۱۵)

در مجموع اینگونه خط مشی‌های فرهنگی که در قالب ناسیونالیسم ارائه گردید و در حقیقت فرهنگ‌های غربی را در افق دید خود داشت، با وجودیکه در سالهای پس از آتاتورک، از شدتش کاسته شد، لیکن تداوم آن آثار قابل توجهی بر جای گذارد. مذهب از متن زندگی به حاشیه رانده و امری فردی تلقی شد. نگرش موزه‌ای به ارزشهای سنتی و ملی و قومی، آنان را در موقعیت انفعالی قرار داده و پایبندی به آنان ارتجاع قلمداد گردید. در مقابل، هنجارهای فرهنگ غربی بصورتی زنده و پویا در سطح جامعه هر روز بیش از پیش تشویق و ترغیب گردید و هماهنگی با غرب در محور سیاستهای فرهنگی جامعه جای گرفت.

۲-۲-۴- مؤسسات فرهنگی^(۱۶)

در ترکیه، خدمات فرهنگی از طریق مؤسسات رسمی دولتی ذیربط، مؤسسات فرهنگی خصوصی (غیروابسته) و مؤسسات فرهنگی خارجی، ارائه میگردد. در اینجا این مؤسسات اجمالاً معرفی میگرددند و سپس از هر یک از اینگونه مؤسسات، یک مرکز مورد معرفی بیشتری قرار می‌گیرد:

۱-۲-۲-۴- مؤسسات رسمی دولتی: که بخشی از آن شامل مراکز زیر می‌باشد:

۱- مؤسسه عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک - که ۴ مؤسسه بزرگ تحقیقی را در بر می‌گیرد: مؤسسه تاریخ، فرهنگ، زبان، و مؤسسه ترک شناسی. این مؤسسات که در زمان کمال آتاتورک تاسیس شده‌اند به کار تدوین تاریخ، باز یافت فرهنگ ملی، تنقیح زبان از واژه‌های بیگانه و ابداع واژه‌های جدید و بررسی ماهیت نژاد ترک می‌پردازند.

۲- سازمان آموزش عالی «یوک» - در حقیقت به منزله شورای عالی فرهنگی کشور عمل میکند و بر کلیه دانشگاهها نظارت تام دارد. مرکز کامپیوتری جدید التاسیس این سازمان امکان استفاده محققین ترک از منابع کتابخانه دانشگاه «هاروارد» آمریکا را، از طریق ارتباط

مستقیم کامپیوتری فراهم آورده است.

۳- وزارت آموزش ملی و جوانان - برنامه ریزی آموزشی مدارس، تدوین کتب درسی
تامین کادر آموزشی و برنامه ریزی جهت ورزش جوانان را به عهده دارد.

۴- وزارت فرهنگ و توریسم - محور فعالیت این وزارتخانه را معرفی فرهنگ و تمدن
ترک و جلب توریست، در داخل و خارج، تشکیل میدهد و در این ارتباط به فعالیتهایی مانند
برگزاری هفته فیلم در کشورهای مختلف، برپایی نمایشگاهها و سمینارهای علمی و
تحقیقی و هنری، همچنین چاپ و نشر بروشورها و کتابهایی در زمینه معرفی کشور ترکیه - به
میزانی قابل ملاحظه - می توان اشاره نمود.

۵- تشکیلات دیانت - علیرغم لائیک بودن حکومت، تشکیلات دینی در ترکیه تحت
نظارت دولت قرار دارد. تعیین ائمه جماعات مساجد، تشکیل کلاسهای قرآن، برنامه ریزی
آموزشی برای اداره مدارس دینی امام خطیب و توجیه مسائل فرهنگی برای مردم به عهده
این تشکیلات می باشد.

۶- تشکیلات عظیم فرهنگی وقف ترکیه - که فعالیت های فرهنگی اجتماعی متنوعی را
ارائه میدهند و در بحثهای آتی مورد بررسی بیشتر قرار خواهند گرفت.

۷- سازمانهای فرهنگی کوچکتر و وابسته به نهادهای دولتی مانند: مرکز تحقیقات فولکلور
(فرهنگ عامه)، بخش تحقیقاتی فرهنگی T.R.T رادیو تلویزیون ترکیه، مرکز تحقیقات
فرهنگی ترک - اسلام، سازمان تاترهای دولتی و...

۲-۲-۲-۴- مؤسسات فرهنگی خصوصی (غیروابسته): شامل مراکزی چون:

۱- انجمن روشنفکران کمالیست - که متشکل از روشنفکران و اساتید دانشگاه و برخی
مسئولان مملکتی است. این انجمن دارای مجله ای بنام Yeni Forum است. اکثر مقالات
فرهنگی و تحقیقی این نشریه توسط اعضاء این انجمن نوشته شده و مجله مذکور ارگان
رسمی انجمن محسوب می شود.

۲- اتحادیه نویسندگان ترکیه - که دفاع از حقوق قانونی نویسندگان و برقراری زمینه های
تفاهم میان آنها را برعهده دارد. تشکیل سمینارها، نمایشگاهها، انتشار سالنامه، انتخاب
نویسنده سال... از جمله فعالیتهای این اتحادیه است.

۳- تعاونی انتشاراتی نویسندگان و مترجمان - که با هدف تجلیل از آثار نویسندگان و

مترجمان در سال ۱۹۸۰ تشکیل شد. این تعاونی به کار بزرگزاری کنفرانسها، نمایشگاهها، ترتیب مسابقات ادبی، انتشار کتاب، ... می‌پردازد.

۴- انجمن فارغ التحصیلان دانشکده حقوق- این انجمن همپای تاسیس دانشکده حقوق در ترکیه، آغاز به فعالیت نمود. درصد بالایی از مسئولان وزارت خارجه و وزارت کشور عضو این انجمن می‌باشند. مجله ملکیه (Molkielilar) ارگان این انجمن است.

۵- احزاب نیز هر یک دارای بخش‌های فرهنگی و ارگان انتشاراتی می‌باشد.

۶- موسسات اقتصادی نظیر بانکها، صنایع و وقف‌های خصوصی نیز در ترکیه دارای بخشی جهت فعالیتهای فرهنگی می‌باشند، که در ادامه به معرفی بیشتر آنها خواهیم پرداخت.

۳-۲-۲-۴- موسسات فرهنگی خارجی: شامل مؤسساتی چون:

۱- Forum، تشکیلات آموزشی وابسته به رایزنی فرهنگی آمریکا- از جمله مؤسسات دارای فعالیت فرهنگی گسترده است که از جمله آنها اهداء بورس تحصیلی دانشگاههای آمریکا می‌باشد.

۲- موسسه رابطه العالم الاسلامی- از دیگر مؤسسات فعال فرهنگی بشمار می‌آید که تحت حمایت مالی کشور عربستان قرار دارد، این موسسه نشریه‌ای به نام «رابطه» منتشر می‌سازد.

۳- مؤسسات آموزشی زبان خارجی که با ارائه کتب و نوارهای آموزشی در پیشرفت آموزش زبان خارجی در این کشور نقش موثری دارند.

۴- تشکیلات فراماسونری- که فعالیت گسترده غیرعلنی دارد. مؤسسات وابسته به این تشکیلات مانند کلوب «لاینز» در ترکیه حضوری فعال دارند.

۵- انجمن آذربایجان- که «پان ترکیسم» را محور فعالیتهای خود قرار داده است. فعالیت این انجمن عمدتاً روی آذربایجان شوروی و ایران متمرکز است و در جهت ناسیونالیسم ترک و از جمله تثبیت خط ترکی موجود در ترکیه به عنوان خط رسمی همه ترکها فعالیت می‌کند.

۶- مراکز فرهنگی وابسته به کشورهای خارجی- که با عنوان «رایزنی فرهنگی» در این کشور مشغول فعالیت می‌باشند. از جمله می‌توان از رایزنی فرهنگی آلمان، انگلستان، ایتالیا،

ایران، عربستان، عراق، فرانسه، لیبی و ... نام برد.
۷- بخش تحقیقات فرهنگی سازمان کنفرانس اسلامی مستقر در استانبول.

* * *

در ادامه بحث مؤسسات فرهنگی، در اینجا نحوه فعالیت برخی از مؤسسات فرهنگی مذکور معرفی می شوند، و به لحاظ اختصار از میان مؤسسات رسمی دولتی، نحوه عملکرد فرهنگی تشکیلات اوقاف؛ از میان مؤسسات فرهنگی خصوصی، فعالیت فرهنگی بانکها؛ و از میان مؤسسات فرهنگی خارجی، نحوه فعالیت مراکز فرهنگی کشورهای خارجی - و مشخصاً خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران - اجمالاً معرفی خواهند شد:

الف: فعالیت فرهنگی تشکیلات اوقاف در ترکیه

«وقف» از جمله احکامی است که در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای را بخود اختصاص داده است. در دوران سلاطین عثمانی، که داعیه خلافت اسلامی داشتند، این نهاد رشد قابل توجهی یافت و بخش عمده‌ای از خدمات فرهنگی و اجتماعی از طریق «وقف» جاری می‌گشت - اموری نظیر کتابت قران مجید، گردآوری کتب و تشکیل کتابخانه، چاپ و نشر کتب و نشریات و... - پس از استقرار حکومت جمهوری، بسیاری از خدمات فرهنگی و اجتماعی از حیطه مدیریت اوقاف جدا شد و به وزارت آموزش ملی واگذار گردید. مدتی بعد، وزارت فرهنگ نیز بخش دیگری، از جمله کتابخانه‌ها و موزه‌ها را تحت کنترل خود درآورد و لذا دامنه فعالیت اوقاف در حد قابل توجهی کاهش یافت و بصورت یک سازمان خیریه درآمد. نظام نوین لائیک ترکیه تعریف جدیدی از وقف ارائه نمود و به موجب این تعریف خطبه شرعی وقف نیز موضوعیت نداشت و اقدام به وقف تنها با تنظیم يك سند تحقق می‌یافت.

در دوره جمهوری در حدود ۴۹۴ باب مؤسسات وقفی در ترکیه تاسیس گردیده است. در حال حاضر ۲۶۷۹۸ سند وقف در آرشیو اوقاف ترکیه نگهداری میشود که از این تعداد ۲۴۸۵۳ سند به زبان عثمانی ۱۹۴۵ نسخه به زبان عربی است، که خود از آثار ارزشمند و در شمار بهترین نمونه‌های هنر و خط و تذهیب محسوب میگردند.

فعالتهای فرهنگی اوقاف در ترکیه موارد ذیل را شامل میگردد:

- در حال حاضر، ۳ کتابخانه تاریخی و پراهمیت ترکیه باگنجینه‌ای از کتب ارزنده خطی و

چاپی تحت مدیریت اوقاف می‌باشند و عبارتند از: کتابخانه‌های «سلیمانیه» و «ابراهیم حقی» در استانبول و کتابخانه «نجیب پاشا» در تیره. بنابر ادعای نشریه مدیریت وقف در حدود ۹۰٪ از آثار خطی مخازن کتابخانه‌های امروز ترکیه در دوره‌ای تهیه و گردآوری شده‌اند که امور فرهنگی جامعه تحت مدیریت اوقاف قرار داشت.

- موزه‌های آثار خطی تمدن ترک، هنرهای اسلامی فاتح، موزه قالی سلطان احمد در استانبول، و موزه آثار عرفانی مولانا در قونیه نیز تحت مدیریت اوقاف اداره می‌گردند.

- مجموعه عظیم فرهنگی مولانا در قونیه - شامل مسجد، موزه، کتابخانه - و همچنین کتابخانه ابراهیم پاشای قونیه نیز تحت سرپرستی اوقاف می‌باشند.

- حفظ و مرمت آثار باستانی و هنری دوره‌های مختلف تاریخ به عنوان یادگار اجدادی ملت ترک نیز از جمله وظایف اوقاف می‌باشد که بودجه‌ای در حدود ۲۲۰ میلیون لیر ترک را بخود اختصاص داده‌است.

- نشریات وقف در قالب ۳۸ عنوان طبع و منتشر می‌شود.

- از دیگر فعالیت‌های اوقاف کمک به ساخت مساجد (از سال ۱۹۷۵ به بعد ۱۷۵۷۰ مسجد در روستاها و ۲۲۹۱، باب مسجد در شهرها به کمک اوقاف بنا گردیده‌است) و ساخت خوابگاه‌های دانش آموزی و دانشجویی است.

- ارائه کمک به نیازمندان و مستمندان و ایتم نیز در برنامه کار اوقاف قرار دارد. بطور مثال روزانه ۳ وعده غذا به دانشجویان و دانش‌آموزان مستمند داده میشود و تا زمان فارغ‌التحصیلی مورد حمایت قرار می‌گیرند.

- از دیگر فعالیت‌های گسترده و متنوع سازمان‌های تحت پوشش اوقاف، فعالیت‌های فرهنگی ۲ بانک متعلق به اوقاف می‌باشد: بانک اوقاف (Vakıflar Bankası) و بانک املاک^(۱۷) (Emlak Bankası) از جمله فعالیت‌های مشخص بانک اوقاف، همکاری گسترده آن در برگزاری مراسم سالگرد مولانا در قونیه است که همه ساله به مدت ۱۰ روز، با اجرای برنامه‌هایی چون رقص سماع، کنسرت و موسیقی عرفانی... اجرا میگردد، همچنین برگزاری مسابقه سالانه انتخاب معلم نمونه سال و اهدا جوایز به آنها. این بانک مجله‌ای به صورت ماهانه و با نام «اوقاف» منتشر می‌نماید که حاوی فعالیت‌های فرهنگی این بانک است. بانک اوقاف در زمینه ساخت فیلم نیز سرمایه‌گذاری‌های عظیمی می‌نماید. از فعالیت‌های قابل ذکر بانک املاک نیز می‌توان حفاظت فعال از میراث فرهنگی، حمایت از رشته‌های هنری و برگزاری مسابقات هنری،

چاپ نشریه‌ای مجانی بنام «کودکان املاک»، همچنین انتشار جزواتی در زمینه احیاء فرهنگ عامه (فولکلور) نام برد. این بانک در استانبول دارای کتابخانه‌ای است مشتمل بر هزاران نسخه کتاب که بخش قابل توجهی از آن را نسخ خطی و چاپ سنگی به خط عثمانی تشکیل می‌دهد. بانک املاک به کمک تلویزیون فیلمهایی تهیه می‌کند که جنبه تاریخی داشته و به معرفی آثار باستانی ترکیه می‌پردازد.

در حقیقت علیرغم محدودیتها و تغییر اهداف، فعالیتهای فرهنگی اجتماعی اوقاف در ترکیه هنوز نیز قابل توجه است.

ب: فعالیتهای فرهنگی موسسات اقتصادی - بانکها - در ترکیه

غالب موسسات اقتصادی عمده در ترکیه، در جوار فعالیتهای اقتصادی خود بخشی را نیز به فعالیتهای تبلیغات فرهنگی اختصاص داده‌اند. گستردگی و تنوع خدمات فرهنگی که توسط اینگونه مراکز ارائه میگردد، سهم قابل توجهی در جهت گیریهای فرهنگی جامعه ایفا می‌نماید. بخصوص با توجه به اینکه عمدتاً اقبال تأثیرپذیر جامعه، از جمله جوانان، مخاطبین اصلی تبلیغات فرهنگی مستقیم و غیرمستقیم این موسسات بشمار می‌روند.

مؤسسات مزبور با شرکت در فعالیتهای و تبلیغات فرهنگی و با صرف هزینه‌های کلان و ابداعات تبلیغی گوناگون، ضمن تحقق اهداف و سیاستهای فرهنگی اجتماعی نظام جامعه، منافع اقتصادی خود را نیز بطور غیر مستقیم - از طریق جلب افراد از یکسو و تغییر الگوهای رفتاری و مصرفی آنان از سوی دیگر - تامین می‌نمایند.

از دیدگاهی کلی، محتوی و راستای فعالیتهای فرهنگی که توسط موسسات اقتصادی - بویژه بانکها - و یا تشکیلات اوقاف به جامعه ترکیه ارائه میشود (و غالباً هم مجانی است) موارد زیر را در بر می‌گیرد، (بالویتی براساس گستردگی و اهمیت هر یک):

- انتشار مجلات، جزوات علمی و تربیتی، کاتالوگهای هنری، نقشه‌ها و بروشورهای حاوی اطلاعات عمومی (بخصوص در ارتباط با ترکیه)

- برگزاری نمایشگاههای هنری، مد، صنایع دستی، آثار قدیمی، همچنین آموزش هنری و تجلیل از هنرمندان و حمایت از هنرهای بومی.

- برگزاری مسابقات علمی، سرگرمی، ورزشی در سطحی گسترده و با جوایزی ارزنده.

- انتشار کتاب در کلیه زمینه‌ها، همچنین تاسیس کتابفروشی، تشکیل کتابخانه و گردآوری

نسخ خطی و ارزشمند.

- بهره‌گیری از تلویزیون.
- ساخت فیلم، تشکیل گروه‌های تئاتر و توسعه فعالیت‌های نمایشی.
- برگزاری باشکوه مراسم انتخاب معلم نمونه، نویسنده نمونه... در رشته‌های مختلف و اهداء جوایز ارزنده.
- شرکت فعال در فستیوالها و جشنواره‌های بین‌المللی.
- برگزاری سمینارهای علمی و فرهنگی در داخل و خارج از کشور.
- ترمیم آثار باستانی، تشکیل موزه، نگهداری اشیاء قدیمی، گردآوری کلکسیونهای متنوع سکه، تمبر، مجسمه...
- ارائه کمک به دانش‌آموزان و دانشجویان نیازمند: ارائه خوابگاه، لباس، غذا، جزوه...
- فعالیت در زمینه جلب توریست، ساخت تاسیسات تفریحی، پارک...
- فعالیتهای پژوهشی فرهنگی - تبلیغی.
- گروه‌های مخاطب اینگونه موسسات را عمدتاً کودکان و جوانان و زنان جامعه تشکیل میدهند که خودبخش قابل توجهی از دانش‌آموزان و دانشجویان را در برمی‌گیرد. محتوی فعالیتهای تبلیغی - فرهنگی نیز در نهایت، ترک گذشته اسلامی - عثمانی و حرکت بسوی هم‌رنگی با ارزشهای غربی را مدنظر دارد.
- برنامه‌های فرهنگی به نحوی است که گروه‌های مخاطب، زندگی به سبک غربی را ایده‌آل و مظهر تمدن و پیشرفت تلقی نموده و سعی در همانندسازی و تطبیق فرهنگ خودی با آن را می‌نمایند، و حفظ آثار گذشته تنها به منظور زنده نگهداشتن خاطرات دوران گذشته تبلیغ میگردد. الگوسازی بر مبنای هنجارهای غربی تدریجاً ویژگیهای فرهنگ ملی و سنتی جامعه را کاملاً آسیب‌پذیر نموده است، به عنوان نمونه بکارگیری واژه‌های انگلیسی در محاورات روزمره و در نگارش جلوه کوچکی است که گوشه‌ای از تسلط بزرگ و قابل توجه ارزشهای غربی از طریق سیاست‌گذارهای فرهنگی را نمایان می‌سازد.

ج: فعالیتهای فرهنگی موسسات فرهنگی خارجی^(۱۸)

- همانطور که قبلاً اشاره شد، کشورهای دیگر نیز در ترکیه دارای مراکز فرهنگی می‌باشند که از آن میان کشورهای غربی بیشترین این مراکز را در اختیار دارند.
- مهمترین مراکز فرهنگی وابسته به کشورها در ترکیه عبارتند از:

مرکز فرهنگی فرانسه، ایتالیا، آلمان، آمریکا، انجمن فرهنگی انگلیس، خانه فرهنگ لیبی، انجمن دوستی عربستان و ترکیه، بخش فرهنگی سفارت ژاپن، اطریش، پاکستان... مؤسسات وابسته به کنفرانس اسلامی (شامل مرکز تحقیقات فرهنگ و تاریخ و هنر اسلامی، مرکز آمارگیری اقتصاد و تحقیقات اجتماعی کشورهای اسلامی و کمیسیون میراث اسلامی) و همچنین خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در آنکارا نیز از دیگر مراکز فعالیتهای فرهنگی به شمار می‌روند. اغلب این مراکز در شهرهای استانبول و از میر مستقر می‌باشند. آموزش (زبان، هنر، برخی از رشته‌های علوم...)، اعطای بورس تحصیلی، امکانات استفاده از کتابخانه، نمایش فیلم، برگزاری کنفرانسها و سمینارها، کنسرت‌های موسیقی، برپایی نمایشگاهها، چاپ بروشور و مجله از جمله فعالیتهای اینگونه مراکز به شمار می‌روند. در ادامه با فعالیت خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در آنکارا آشنا خواهیم شد.

خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در آنکارا

این مرکز فرهنگی که در محله شمالی و ثروتمندترین شهر آنکارا قرار دارد در رژیم گذشته خریداری شده و بدلیل موقعیت دور از مرکز خود نتوانسته همانند دیگر مراکز فرهنگی به جذب شهروندان ترک پردازد. این مرکز که تا مدتها پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط دانشجویان و تحت نظر سفارت جمهوری اسلامی ایران اداره شده و فعالیت قابل توجهی نداشت، در سال ۱۳۶۴ رسماً فعالیتهای فرهنگی خود را آغاز نمود. در حال حاضر از اهم فعالیتهای خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- تشکیل بخش خواهران خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران جهت شناسایی وظایف زن در اسلام و بیان نقش و رسالت خواهران مسلمان در استمرار و تداوم جمهوری اسلامی ایران برای زنان آزاده و مسلمان دیگر کشورها.
- برقراری کلاسهای زبان فارسی، عربی و تجوید.
- ارتباط با بخش فارسی دانشگاههای ترکیه.
- تحقیق در زمینه نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های ترکیه و همچنین بررسی مشترکات زبان فارس و ترکی.
- ترجمه و چاپ کتب ویژه کودکان و بزرگسالان.

- پخش کتب و نشریات و بروشور.
- برگزاری مسابقات قرائت قرآن.
- برپایی نمایشگاه عکس.
- چاپ کارتهای تبلیغی و کارتهای تبریک.
- نمایش فیلم و تئاتر.
- برپایی سمینارهای فرهنگی در معرفی شعرا و نویسندگان ایرانی
- برپایی جلسات و مراسم خاص به مناسبتهای مختلف مانند، هفته وحدت، دهه فجر، ایام ماه مبارک رمضان، روز قدس، روز زن، ...
- تشکیل جلسات با ایرانیان مقیم ترکیه.
- افتتاح کلوپ ایرانیان که خود دارای فعالیتهای مهم فرهنگی و هنری است. از جمله جلسات فرهنگی، شورا، برگزاری مسابقات ورزشی و اعطای جوایز به برندگان، برگزاری تور مسافرتی به قونیه آرامگاه شمس و مولانا به مناسبت سالگرد درگذشت مولوی در هر سال، پرداخت وام قرض الحسنه به دانشجویان ایرانی مقیم ترکیه.
- اینگونه فعالیتهای در قالب بخشهایی چون انتشارات و تحقیقات، آموزش و کتابخانه و بخش سمعی و بصری و روابط عمومی انجام می‌گیرد.

۳-۴ - جوانان در جامعه ترکیه - آشنایی با دشواریها^(۱۹)

جوانان بیش از نیمی از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند. ویژگیهای شخصیتی و جایگاه مهم جوانان در هر جامعه از یکسو، و برجستگی دشواریهای خاص این بخش از جامعه ترکیه از سوی دیگر، انگیزه اصلی طرح این بحث در نوشته حاضر است، که منظور از آن دستیابی به شناخت نسبی در این زمینه می‌باشد.

مطالعات انجام شده در طی سالهای اخیر نشان داده‌اند که در حدود نیمی از جوانان ترکیه با مشکلات روحی مانند احساس ناکامی، عدم موفقیت، عدم خوشبختی، ناامنی، ناسازگاری، ... درگیر می‌باشند.^(۲۰) در بُعد اجتماعی نیز قمار، شرابخواری، استعمال دخانیات، فحشا، ... در میان آنان رواج بسیار یافته و پایبندی به ارزشهای معنوی و اخلاقی رو به ضعف و زوال نهاده است. گسترده‌گی اینگونه دشواریها به حدی است که ضرورت توجه خاص به مسائل جوانان را بر مسئولان ترکیه معلوم داشته است.

آنچه در این مختصر قابل ذکر است، تنها اشاره به پاره‌ای مصادیق بارز معضلات مبتلا به جامعه جوان در ترکیه است. رواج قابل توجه فحشا در میان جوانان این کشور، بویژه زنان و دختران^(۲۱)، از جمله مسائل مشهودی است که بنظر می‌رسد در جستجوی جایگاهی قابل تعریف و مقبول در جامعه است. این در حالی است که همه روزه خبرهای زیادی در زمینه شیوع بیماریهای خطرناک مقاربتی در این جامعه، در روزنامه‌ها و مجلات آن به چاپ می‌رسند.

مصرف مشروبات الکلی و الکلیسم، دشواری دیگری است که در میان جوانان ترکیه رایج شده و سلامت فردی و اجتماعی را در این جامعه به مخاطره افکنده است. - براساس یک مطالعه آماری در سال ۱۹۸۴، میانگین نسبت افراد الکلی در میان دختران جوان ۱۸٪ و در بین پسران جوان ۲۱٪ برآورد گردید.^(۲۲) - در این ارتباط، و اساساً در ابعادی فراگیرتر، باید به برخی سیاستهای حاکم در سطح جامعه، و بخصوص خط‌مشی‌های جاری در رسانه‌های گروهی اشاره کرد، که در بروز و تشدید این مشکل و دیگر مشکلات جوانان نقش مؤثری ایفا می‌کنند. بطور مثال، در حالیکه دولت ترکیه، به دلیل منع نوشیدن مشروبات الکلی در دین اسلام و همچنین به جهت ممانعت از توسعه روزافزون مصرف آن در کشور، تبلیغ اینگونه مشروبات را در تلویزیون دولتی ممنوع اعلام نموده است، از آنجا که اکثر برنامه‌های تلویزیون ترکیه محصولات وارداتی از جوامع غربی است و برنامه‌های داخلی آن نیز غالباً از نسخه‌های خارجی - غربی - کپی برداری می‌شوند، نوشیدن مشروبات الکلی در لابلای برنامه‌ها بطرزی غیرمستقیم و به میزان قابل توجهی توصیه و ترویج می‌گردد. از سوی دیگر در جراید ترکیه عدم پابندی به حریمهای اخلاقی و اجتماعی، و تمایل به ارزشها و باورهای غربی از جمله سیاستهایی است که به منظور جذب خریداران بکار گرفته می‌شود و بخصوص در جلب جوانان بسیار موفق بوده است - در این کشور چندین نشریه ویژه در زمینه مسائل جنسی منتشر می‌شود، ضمن آنکه مجلات خارجی مخصوص اینگونه موضوعات مانند «پلی‌بوی» (Play Boy) نیز به وفور در اختیار همگان قرار دارد.

بیکاری از دیگر مشکلات جوانان ترکیه در طی سالهای اخیر بوده است. در این زمینه، بخصوص حضور افراد تحصیلکرده و فارغ‌التحصیل دانشگاه در جمع بیکاران جامعه شایان توجه است. افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشگاهها، بگونه‌ای مستقل از توان جذب بازار کار، باعث شده است که بخشی از فارغ‌التحصیلان جایگاه حرفه‌ای مناسب با

تحصیلات خود را در جامعه نیابند. از طرف دیگر، افزایش ظرفیت کلاسها و فقدان امکانات آموزشی متناسب با آن، افت کیفیت تحصیل را به دنبال داشته و موجب عدم کسب دانش و مهارت لازم و کافی در بسیاری از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی گردیده، که این امر خود به شکلی دیگر بر بحران بیکاری در جامعه دامن زده است.

مشکلات دانشجویان به عنوان قشری از جامعه جوانان نیز قابل ملاحظه است. جمعیت این قشر اگرچه با در نظر گرفتن جوانی جمعیت ترکیه و در مقایسه با کل تعداد جوانان بسیار نیست، لیکن همواره در بررسی مسائل جوانان در این جامعه از اولویت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. مشکلاتی از قبیل تأمین مسکن و دیگر امکانات رفاهی و بهداشتی و آموزشی از جمله دشواریهای دانشجویان است که با افزایش حجم پذیرش مؤسسات آموزش عالی بر شدت آن افزوده شده است. از سوی دیگر نحوه آموزش در دانشگاهها به شیوه‌ای است که دانشجویان - و بعدها طبقه تحصیلکرده جامعه - تدریجاً از توده مردم فاصله گرفته و تا اندازه زیادی با ارزشهای فرهنگی و اجتماعی جامعه خودی بیگانه می‌گردند، و این امر زمینه‌ساز بروز دشواریهای دیگری است که غالباً در برقراری ارتباط این افراد با جامعه اختلال ایجاد می‌کند.

در تحلیل دشواریهای جوانان ترکیه، دیدگاههای مختلفی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران ریشه‌های مشکلات جوانان را در ابعاد اقتصادی جستجو می‌کنند، و گروهی دیگر بحران هویتی و از دست دادن تکیه‌گاه اصالت‌های فرهنگی - به موازات گرایش جامعه به سوی فرهنگ غربی - را عامل اساسی می‌پندارند. بحث در این زمینه مطالعه‌ای مستقل را طلب می‌کند که مستلزم مجالی مقتضی و دیگر است.

۴-۴ - آشنایی با وضعیت زنان در جامعه ترکیه

در جریان گذر جامعه از عهد امپراطوری عثمانی به عصر جمهوری، و تحولات پر دامنه متعاقب آن، موقعیت و پایگاه اجتماعی و فرهنگی زنان در ترکیه دستخوش دگرگونیهای اساسی گردید که در اینجا آنرا اجمالاً مرور خواهیم کرد.

۱-۴-۴ - وضعیت زنان در عهد عثمانی

دوران عثمانی را باید عصری تاریک در زندگی زن ترک دانست. در این زمان، زنان بدون

برخورداری از هرگونه هویت اجتماعی و درگیر با انواع محدودیتهایی که جامعه بر آنان روا می‌داشت، روزگار سخت و دشواری را سپری می‌کردند. آنان حق حضور در جامعه، بهره‌مندی از سواد، امکان تحصیل یا اشتغال، ... را نداشتند، و در چهار دیوارخانه‌ها نیز توسط مردها - پدر، برادر، شوهر، و حتی پسر - به انحاء مختلف به خدمت گرفته می‌شدند. در حقیقت در این دوران آنچه بهایی نداشت موجودیت انسانی زنان بود.

چنین نگاهی به زن، چه در قصر سلاطین عثمانی و چه در متن توده جامعه و خانه‌های گلین روستائیان ترک، باوری عام بود که به شکلهای مختلف تظاهر می‌یافت و از آنجا که تعدی به حقوق زنان به نام اسلام انجام می‌گرفت، زنان به دلیل گرایشات مذهبی، خود را ناگزیر از گردن نهادن بر آن می‌پنداشتند. - به عنوان مثال، تمسک به اصل «تعدد زوجات» در اسلام، بدون توجه به شرایط و ویژگیهای خاص اجرای آن، وسیله‌ای جهت انواع مظلومی بود که مردان عثمانی در حق زنان جایز می‌شمردند. پادشاهان عثمانی خود به دور از هرگونه تحدیدی، زنان بسیاری را تا به آخر عمر در محبسی بنام «حرمسرا» نگه می‌داشتند و از تماس آنان با محیط بیرون بشدت ممانعت می‌کردند.

اواخر عهد عثمانی، آغاز زمان رهایی زنان از سلطه جامعه مرد سالار این دوران است. به‌مراه آشنایی مردم با دنیای خارج از مرزهای عثمانی، زنان نیز به آزادیهای نسبی دست یافتند که با توجه به مدت طولانی اسارتشان در زندان اجتماع، بشدت از آن استقبال نمودند. تا شروع عصر جمهوری، برخی اقدامات جهت خروج زنان از خانه‌ها، و حضورشان در متن جامعه انجام گرفت: در سال ۱۸۵۹ میلادی اولین مدرسه دخترانه به سبک مدارس اروپایی در استانبول تأسیس گردید و در پی آن مدارس ابتدایی و هنرستانهای دخترانه متعددی در مناطق دیگر کار آموزش به دختران را آغاز کردند. یازده سال بعد، در سال ۱۸۷۰، نخستین دانشسرای تربیت معلم ویژه بانوان، امکان ادامه تحصیل زنان را فراهم آورد. روند ایجاد مراکز آموزشی برای زنان، با همکاری دولتهای فرانسه و انگلیس همچنان ادامه یافت، به نحوی که تا سال ۱۹۱۴ تعداد اینگونه مؤسسات به هزار عدد بالغ گردید و علاوه بر آن سیصد مدرسه نیز با هزینه و حمایت کشورهای غربی در ترکیه به فعالیت پرداختند. اولین دانشکده خاص بانوان نیز در سال ۱۹۱۵ در استانبول احداث شد.

در طی این سالها تعدادی از زنان نیز با بهره‌گیری از آزادیهای اعطا شده به آنها، به تألیف آثار ادبی پرداختند و اولین مؤسسه انتشاراتی مخصوص بانوان در سال ۱۸۹۳ تأسیس

گردید. این مؤسسه روزنامه‌ای برای زنان به انتشار می‌رساند که در آن آداب و سنن اسلامی - عثمانی مورد نکوهش قرار گرفته و پذیرش محتوی فرهنگ غربی تشویق و ترغیب می‌شد. در ادامه این جریان بعدها نشریات و مجلات متعددی با مدیریت زنان غربگرا منتشر شد که «دنیای زن»، «زن»، «زندگی زن»، «خانه‌داری» و «احساس زن» از آن جمله‌اند.

این اقدامات که بوسیله رسانه‌های گروهی غربی نیز حمایت می‌شد حرکتی را در جامعه موجب گردید که با القاء مشخصه‌های زنان غربی به جامعه زن ترک، آنها را از هویت‌های ملی و مذهبی خود هر روز دورتر و دورتر می‌نمود. با روی کار آمدن مصطفی کمال آتاتورک، در عصر جمهوری این روند با شتاب بیشتری دنبال گردید.

۲-۴-۴- وضعیت زنان در دوره جمهوری

در شروع دوره جمهوری، چهره مظلوم و محدود زن عهد عثمانی هنوز از ذهنیت جامعه زدوده نشده بود و زنان ترک با توجه به ستم دیرپایی که بر آنها رفته بود، حرکت‌های تجددطلبانه صریح‌تر و شدیدتری را طلب می‌کردند. از سوی دیگر، به زعم آتاتورک و جانشینان وی، زنان نیروهای بالقوه و قابل ملاحظه‌ای بودند که می‌توانستند به نیت اصلاح‌طلبانه و غربگرایانه جامعه در وضعیت جدید پاسخی درخور داده و در تحقق آنها نقش مؤثری ایفا نمایند. در این زمان استقلال مالی زن، برابری میان زن و مرد، و آزادی روابط میان آن دو، سه محوری بودند که با تکیه بر آنها اقدامات اصلاحی متعددی یکی پس از دیگری انجام گرفتند. مانند: تصویب قانون لباس در سال ۱۹۲۵ - مبتنی بر استفاده مردان از کت و شلوار به سبک غربی و کشف حجاب از زنان و تشویق آنان به شرکت در صحنه اجتماع بدون پوشش اسلامی - اجباری شدن تحصیلات برای همه کودکان - اعم از دختر و پسر - ممنوعیت ورود دختران محجبه به دبستانها، اعطای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به زنان در انتخابات پارلمانی^(۲۳)، تغییر قوانین اسلامی در زمینه مسائل ازدواج و طلاق وارث و جایگزینی مفاد قانون اساسی سوئیس به جای آن...

متفاوت از اینگونه اصلاحات که مشخصاً از سوی دستگاه حاکمه برای جامعه وضع می‌گردید و ارائه چهره‌ای نو از زن ترک - که با زن غربی همخوانی داشته باشد - را دنبال می‌کرد، در سوی دیگر جامعه شرکت فعال زنان در «جنگ‌های استقلال» صورتی حقیقی از قابلیت‌های زن ترک را به جامعه معرفی نموده بود. مبارزه همدوش زنان با مردان جهت احیاء

استقلال و آزادی ترکیه و اخراج نیروهای اشغالگر بیگانه (متفقین در جنگ جهانی اول) - که بارزترین نمود آن در نبرد شهر «اسکی شهر» به منصفه ظهور رسید و منجر به کسب مدال افتخار برای زنان شهر شد - در تغییر باورهای جامعه از توانائیهای زن نقش مؤثری ایفا نمود.

* * *

در حال حاضر مطالعه وضعیت امروز زنان در ترکیه مستلزم این پیش آگاهی است که تحولاتی که تحت عنوان آزادی زنان و برابری آنان با مردان در جامعه انجام گرفت، زنان شهری و روستایی را به یک نسبت شامل نگردید و آنچه در این زمینه در قالب اصلاحات به نفع زنان از آن نام برده می شود، غالباً در ارتباط با زنان ساکن در شهر مصداق می یابد. لذا در بررسی وضعیت فعلی زنان این جامعه، لازم است آنها در دو مقوله مجزا: «زنان روستایی» و «زنان شهری» تعریف گردند.

الف - زنان روستایی - این گروه از زنان غالباً بیسواد، بشدت سنتی و فاقد درک و بینش لازم و کافی از علم و مذهب و سیاست هستند. در روستاهای ترکیه هنوز هم زنان تحت سیطره کامل مردان بسر می برند و دامنه آگاهیهای آنان آمیزه ای از خرافات و تعالیم نادرست از اسلام را دربرمی گیرد. - از جمله آنها معتقدند، براساس قوانین اسلامی زن در درجه ای پست تر از مرد قرار دارد و باید همواره خدمتگزار او باشد. - زنان روستایی ترکیه افرادی زحمتکش اند که غالباً به خانه داری، دامپروری و کشاورزی اشتغال دارند و در شیوه زندگی آنها در مقایسه با زنان شهری تفاوتهای بارزی به چشم می خورد.

ب - زنان شهری - در شهرها زنان از آزادی بیشتری بهره مند هستند و می توانند فارغ از پایبندیهای عرف و سنت در جامعه حاضر شوند. اجرای مقررات کشف حجاب، اجازه ادامه تحصیل و اشتغال از جمله تمهیداتی بودند که در ایجاد تحولاتی عمیق در وضعیت اجتماعی زنان شهری نقش قابل ملاحظه ای ایفا نمودند و تدریجاً فاصله این بخش از زنان با زنان روستایی را افزون تر ساختند.

دگرگونی در موقعیت زنان ترکیه در عصر جمهوری، از آنجا که در بسیاری از موارد با سرعت زیاد انجام گرفت و با تعمق و پذیرشی آگاهانه از سوی زنان همراه نبود، با گذشت زمان شکلی صوری و تقلیدی از هنجارهای غربی را به خود گرفت و بعضاً از سوی جامعه با مخالفتهایی روبه رو گردید. - برای مثال در سال ۱۹۶۶، مبارزات اسلامی ترکیه با موضعگیریهای صریحی بروز کرد و بویژه مسئله «لزوم بی حجابی زنان در محافل اجتماعی»

توسط جمعی از نویسندگان در مطبوعات ترکیه مورد انتقاد قرار گرفت و در پی آن گروهی از زنان با پوشش اسلامی در دانشگاهها و مجامع عمومی ظاهر شدند. این حرکت پس از کودتای ۱۹۸۰ بوسیله سران کودتا سرکوب گردید و در طی سالهای بعد همواره با افت و خیزهایی همراه شد.

در آشنایی با زنان شهری ترکیه باید توجه داشت که برخلاف همگونی نسبتاً زیاد میان زنان ساکن در روستاها، زنان شهرنشین دارای ویژگیهای کم و بیش متفاوتی هستند و در میان آنها، زنان کاملاً غربگرا، زنان با ظاهر غربی، و زنان مذهبی (اسلامگرا) سه چهره قابل تمیز می‌باشند.

بخش قابل توجهی از زنان ساکن در شهرها - مشخصاً شهرهای بزرگ - را زنانی تشکیل می‌دهند که پایندی به مذهب و سنن اجتماعی را با ارتجاع برابر دانسته و در مقابل آن پذیرش بدون قید و شرط ارزشهای جوامع غربی را ارج می‌نهند. این قشر از زنان از نظر باورهای مسلط بر جامعه از مقبولیت اجتماعی بیشتری برخوردار می‌باشند و این تأیید اجتماعی خود بگونه‌ای دیگر هم‌رنگی زنان با هنجارهای غربی را تشویق کرده و بر آن صحنه می‌گذارد.

گروه دیگری از زنان شهری، ضمن حفظ اعتقادات مذهبی، بر تبعیت ظاهری از ارزشهای فرهنگ تبلیغی غربی در جامعه، مانند بی‌حجابی، گردن نهاده و خود را با شرایط حاکم بر اجتماع انطباق داده‌اند. - حضور زنان بی‌حجاب در مساجد و زیارتگاههای ترکیه را می‌توان نشانی از وجود چنین دوگانگی در میان جمعی از زنان این جامعه دانست. -

عده‌ای دیگر که درصد کمی از جمعیت زنان ترکیه را تشکیل می‌دهند نیز آنهایی هستند که مصرانه خواهان فرهنگ خودی و حفظ هویت اصیل اسلامی خود می‌باشند، و از آنجاکه چنین باوری برخلاف مسیر حرکت اعتقادی جامعه است، غالباً با فشارهای اجتماعی روبرو می‌گردد. مسئله رعایت حجاب و ادامه تحصیل و حضور در صحنه‌های فعالیت‌های اجتماعی از جمله دشواریهای این گروه از زنان است که توسط هنجارهای جاری جامعه - بخصوص ممنوعیت حجاب - مورد تحدید قرار دارد.

* * *

در مجموع باید گفت در روند تغییرات جامعه ترکیه در طی دهه‌های اخیر زنان در مقایسه با وضعیت گذشته خود، در عصر عثمانی، از امتیازات و آزادیهای بالنسبه بیشتری برخوردار

گردیدند. اما این دگرگونی اولاً، همانطور که اشاره شد، همه جامعه زنان را به یک میزان دربر نگرفت، و ثانیاً در مسیر این تحولات تدریجاً اهداف اصیل آزادی زنان رنگ باخت و آنان نهایتاً به نوعی از خود بیگانگی و غربگرایی و گریز از هویتها و اصالتهای فرهنگ خودی متمایل گردیدند.

۵-۴ جهانگردی

۱-۵-۴- مروری بر تاریخچه جهانگردی در ترکیه^(۲۴)

سابقه توجه به جهانگردی در کشور ترکیه به حدود صد سال پیش باز می‌گردد. تا قبل از آن، علیرغم پتانسیل و جذابیت‌های قابل توجه این سرزمین در ارتباط با جهانگردی، فعالیت موثر و مشخصی در این زمینه انجام نگرفته و راهبان، مبلغان مذهبی، قاچاقچیان عتیقه و برخی ماجراجویان از جمله افراد معدودی بودند که به ترکیه رفت و آمد میکردند. در سال ۱۸۹۰ میلادی، جهانگردی نزد سلاطین عثمانی موضوعیتی قابل توجه یافت و اقدامات قانونی در این زمینه از سوی دولت عثمانی برای نخستین بار انجام گرفت. بعدها در ادامه این دیدگاه نوین، در سال ۱۹۲۳ جمعیتی با نام «جمعیت جهانگردان ترکیه» در استانبول تاسیس شد و بدنبال آن انجمن «اتومبیل و تورینگ ترکیه» از سوی عده‌ای از ناسیونالیستهای ترکیه، در مخالفت با برخی مترجمین غیرترک که به هنگام ترجمه برای جهانگردان خارجی به تبلیغات سوء علیه ترکیه نیز مبادرت می‌نمودند، برپا گردید که خدمات بسیاری در زمینه جهانگردی عرضه می‌داشت. در همین دوران «جمعیت جهانگردی اژه» نیز، تشکل دیگری بود که در ارتباط با امور جهانگردی فعالیت می‌کرد. در طی این سالها و تا جنگ جهانی دوم، توسعه امکانات سفر و وسایل حمل و نقل از یکسو و نفوذ فرهنگ و تمدن غرب و همچنین ورود جهانگردان غربی، از سوی دیگر موجب رشد سرمایه‌گزاریهای خارجی و داخلی در امر تاسیس هتل و امکانات توریستی در ترکیه گردیده و بهمراه خود توریسم را در قالبی محدود توسعه بخشید.

در سال ۱۹۳۴ با تصویب قانونی تحت عنوان «نشریات، تبلیغات و امور جهانگردی»، جهانگردی جزء خدمات عمومی و همگانی اعلام، و در حقیقت برای نخستین بار موجودیتی مشخص و رسمی یافت و تحت نظر «دفتر بازرگانی خارجی ترکیه» به فعالیت پرداخت. بعدها، به سال ۱۹۳۹- با تاسیس وزارت بازرگانی - «اداره جهانگردی» چهارچوب

دیگری برای فعالیت در زمینه جهانگردی بود که وظایفی چون، ایجاد زمینه لازم جهت رشد و پیشرفت جهانگردی و جلب و تشویق جهانگردان را بر عهده داشت. یکسال بعد این اداره تحت نظارت نخست وزیری قرار گرفت. وظایف اداره جهانگردی به موجب قانون مطبوعات و انتشارات - در سال ۱۹۴۳ موارد ذیل را در برمی گرفت:

۱- انجام مطالعات برای پیشرفت جهانگردی داخلی و خارجی در رابطه با پیشبرد منافع ملی.

۲- مطالعه و بررسی جهت ایجاد همکاریهای لازم میان تشکیلات رسمی با جهانگردی.

۳- انتشار نشریات برای نشان دادن اهمیت جهانگردی.

۴- هماهنگی اداره جهانگردی با حرکات بین‌المللی جهانگردی.

۵- ارتباط بیشتر اداره جهانگردی با مسائل جهانی جهانگردی.^(۲۵)

با اینحال جهانگردی در ترکیه تا اوائل سال ۱۹۸۰ مانند بسیاری کشورهای دیگر، از جمله آلمان، وابسته به دستگاههای مطبوعاتی و انتشاراتی باقی ماند. این وابستگی سبب تبلیغات موثری در زمینه جهانگردی توسط موسسات مطبوعاتی گردید. بطور کلی، جهانگردی در ترکیه بعد از سال ۱۹۵۰ به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای دست یافت و قوانین و تسهیلات و بودجه مشخصی بدان تخصیص یافت، و وزارت جهانگردی و چاپ و نشر، تاسیس گردید و بعدها ضمن ادغام با وزارت فرهنگ، در سال ۱۹۶۰، وزارت «فرهنگ و جهانگردی» نام گرفت. در اینجا لازم است از انجمن جهانگردی قونیه نیز نامی ببریم. این انجمن با ترتیب جلسات کنفرانس، نشر کتاب، برگزاری عید گل و عید عاشقان، مسابقات و مجالس رقص سماع و رقصهای محلی، ... به عنوان یکی از فعالترین انجمنهای جهانگردی ترکیه شهرت دارد.^(۲۶)

۲- ۵- ۴- موقعیت توریستی ترکیه

موقعیت جغرافیایی ترکیه امکانات بالقوه فراوانی را از نقطه نظر جذابیتهای توریستی برای این سرزمین فراهم آورده است. ترکیه از سه جهت بوسیله دریا احاطه گردیده و سواحل زیبای این دریاها و همچنین کوهها و دره‌های منتهی به آنها، خلیج‌ها، بنادر و جزایر... همه ساله جهانگردان بسیاری را به ویژه از اروپا و آمریکا، بسوی خود جلب می‌نمایند. در گذشته بدلیل بی‌توجهی و آلودگی سواحل، جهانگردی در این ارتباط، پیشرفت

لازم را نداشته و دریای مرمره یکی از آلوده‌ترین دریاهاى دنیا بشمار میرفت. با به عضویت درآمدن ترکیه در بازار مشترک اروپا و تاکید اعضاء بازار مشترک بر لزوم نگهداری و حفاظت سواحل و محیطهای دریایی، ترکیه توجه بیشتری به سواحل و بهداشت آبهای خود مبذول داشته و در خصوص دریاها و محیط پلاژها و فعالیتهای ورزشی - آبی و تشکیل کمیتهای توریستی اقداماتی را بعمل آورد. وابستگی توریسم ترکیه به فصول مختلف سال یکی از ویژگیهای مهم توریسم ترکیه محسوب میگردد. در حالیکه در فصول بهار و تابستان امکانات توریستی ترکیه - شامل هتلها، پانسیونها، دهکده توریستی، کمپینگ، حمام آبگرم معدنی... - جوابگوی جهانگردان نمی‌باشد،^(۲۷) در طی ماههای زمستان، اغلب هتلها با کمبود شدید مسافر روبرو می‌باشند و لذا مسئولین جهانگردی ترکیه تلاش می‌کنند طول دوره فصل جهانگردی را افزایش بخشند.

بناهای تاریخی و آثار باستانی باقیمانده از دورانهای گذشته - مساجد، موزه‌ها، شهرها قدیمی چون استانبول، ویرانه‌های شهرهای کهن؛... - از دیگر عواملی هستند که همواره توریستها را در ترکیه بسوی خود جلب می‌نمایند.



نقشه شماره ۹: نواحی مهم جلب توریست ترکیه

مآخذ منبع شماره ۱

۳-۵-۴- درآمدهای توریسم ترکیه

سهم عایدات حاصل از توریسم در جمع درآمدهای دولت همواره مورد توجه مقامات ترکیه بوده و این صنعت به عنوان یکی از منابع تامین مالی در جهت صنعتی کردن کشور محسوب گردیده است. در سال ۱۹۵۰، درآمد جهانگردی در ترکیه ۲ میلیون دلار بوده است

که در سال ۱۹۸۸ به رقم ۲۳۵۵ میلیون دلار بالغ می‌گردد. (باید توجه داشت که نخستین درآمد خالص از طریق جهانگردی در سال ۱۹۷۰ برای کشور ترکیه حاصل گردید، تا قبل از این تاریخ فعالیت در زمینه جهانگردی درآمد خالص قابل توجهی برای این کشور به همراه نداشت).

جدول زیر درآمدها و هزینه‌های توریسم ترکیه را در سه مقطع زمانی نشان می‌دهد، (هزینه‌ها با ارقام منفی نشان داده شده است):

سال	۱۹۸۱	۱۹۸۵	۱۹۸۸
درآمد	۳۸۰	۱۰۹۴	۲۳۵۵
هزینه	-۱۳۰	-۳۲۴	-۳۵۸
تراز	۲۵۰	۷۷۰	۱۹۹۷

جدول شماره ۱۳: درآمدها و هزینه‌های توریسم در ترکیه در سه مقطع زمانی - ارقام به میلیون دلار
 مأخذ: منبع شماره ۱۰

در طی سال ۱۹۸۹ نیز، بنابر آمارهای اعلام شده از سوی وزارت جهانگردی ترکیه، درآمد ناشی از توریسم ۱۳/۸٪ و آمار جهانگردان در فاصله ماههای ژانویه تا اگوست، ۱۸/۶٪ رشد یافته است.^(۲۸) با اینحال در سال ۱۹۹۰ جهانگردی ترکیه توانست این آهنگ رشد را حفظ نماید - هرچند که درآمد ناشی از این صنعت در این سال نیز رقم بالای ۲/۳ میلیارد دلار را تشکیل می‌داد - در حال حاضر تغییراتی جهت جبران آهنگ رشد توریسم، در دست اجراست، از جمله اولویت دادن به «بازاریابی» در زمینه جهانگردی و همچنین طولانی‌تر کردن فصل جهانگردی. (در گذشته فصل جهانگردی از اردیبهشت آغاز و تا شهریور ماه ادامه می‌یافت. اکنون این فصل از فروردین تا آذرماه افزایش یافته و بخشی از زمستان را نیز در برمی‌گیرد).

۴ - ۵ - ۴ - سفر افراد خارجی به ترکیه

بنابر ارقام و آمار، تعداد جهانگردانی که از ترکیه دیدن نموده‌اند، از رقم ۱۷ هزار نفر در سال ۱۹۱۴، به رقم بیش از ۴ میلیون نفر در سال ۱۹۸۸ بالغ گردیده است. لیکن در طی این دوره زمانی، بدلیل تاثیر شرایط و عوامل مختلف، روند یکنواختی را طی ننموده و با افت و

خیزهایی همراه بوده است. کودتای نظامی در سال ۱۹۶۰، ۳۵٪ و جنگ قبرس در سال ۱۹۷۳، ۱۷/۳٪ میزان توریستهای ترکیه را کاهش دادند. همچنین در فاصله سالهای ۱۹۷۶، تا ۱۹۸۰ بدلیل بروز ناآرامیها در کشور و اعمال برخی سیاستها در زمینه صنعت جهانگردی از سوی دولت - مانند اعتقاد به آثار سوء اخلاقی جهانگردان در سطح جامعه، کشور ترکیه شاهد کم رونق ترین دوره توریسم خود بود. بعدها و بویژه با اجرای سیاستهای غرب‌گرایانه دولتهای بعدی، توریسم یکی از محورهای مورد توجه قرار گرفت و هزینه‌های بسیاری صرف تاسیسات و تجهیزات توریستی و جلب سیاحان گردید و آمار جهانگردان نیز فزونی یافت. جدول زیر سهم تعداد جهانگردان را در مقایسه با کل افراد بیگانه‌ای که به کشور ترکیه وارد شده‌اند، در کل و به تفکیک مقصد سفر آنان، در سه مقطع زمانی نشان میدهد:

ردیف	هدف از سفر / سال	۱۹۸۱	۱۹۸۵	۱۹۸۷
۱	توریسم	۹۳۴۹۹۰	۱۶۴۶۹۲۱	۲۳۵۳۹۸۹
۲	تحصیلات	۵۵۴۸	۹۵۶۱	۱۱۶۵۳
۳	کار	۲۴۷۰	۴۱۹۳	۱۴۱۵۲
۴	بازرگانی	۲۷۶۸۱	۶۳۶۱۰	۲۶۶۲۷
۵	ماموریت‌های دولتی	۱۰۴۶۳	۳۲۸۹۴	۳۰۴۲۸
۶	مقاصد ورزشی	۲۵۸۷	۱۹۱۳۲	۱۰۶۰۹
۷	شرکت در کنفرانس	*	۶۰۵۲	۱۸۰۴۰
۸	همراهی با شخص دیگر	۵۶۸۹۷	۱۰۸۵۲۹	۲۰۲۶۹۹
۹	سایر	۱۱۷۴۸۹	۲۹۹۳۲۵	۱۳۷۸۶۸
۱۰	کل	۱۱۵۸۱۲۵	۲۱۹۰۲۱۷	۲۹۰۶۰۶۵

* در ارقام دیگر ملحوظ شده است.

جدول شماره ۱۴: آمار افراد خارجی که در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۷ میلادی، به ترکیه وارد شده‌اند بر اساس هدف سفرشان.

مآخذ: منبع شماره ۱۰

براساس ارقام جدول شماره ۱۴، در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۷، به ترتیب ۸۰٪، ۷۵٪ و ۸۱٪ از افراد خارجی، با اهداف توریستی به کشور ترکیه سفر نموده‌اند.

شایان ذکر است، بنابر آمارها، حدود $\frac{۳}{۴}$ افراد خارجی، و اکثراً توریست، ماههای می تا سپتامبر را برای سفر خود برمی‌گزینند. (ر.ک. جدول شماره ۱۵) و حدود $\frac{۱}{۳}$ از آنها تنها یک روز در ترکیه اقامت می‌نمایند. اینگونه ویژگیها مشکلاتی را در زمینه ارائه خدمات از یکطرف و نقصان درآمد حاصله از سوی دیگر، برای صنعت ترکیه به‌مراه داشته است. از دیگر مشخصه‌های توریسم ترکیه می‌توان به جایگاه ویژه «استانبول» اشاره نمود. (۲۹) بخش قابل توجهی از جهانگردان ترکیه از طریق این شهر به کشور وارد می‌شوند. پس از استانبول، ادیرنه (Edirne) مهم‌ترین شهری است که افراد خارجی آنرا جهت ورود خود به کشور ترکیه برمی‌گزینند.

ماه / سال	۱۹۸۸
ژانویه	۱۱۴۹۰۶
فوریه	۱۲۹۳۰۶
مارس	۲۰۴۵۹۰
آوریل	۳۰۳۸۱۳
می	۴۵۶۷۱۷
ژوئن	۴۳۷۸۰۳
جولای	۶۰۱۵۳۶
آگوست	۶۲۳۵۷۲
سپتامبر	۵۵۱۵۷۶
اکتبر	۴۵۱۶۷۲
نوامبر	۲۰۷۹۴۱
دسامبر	۱۶۶۲۲۹
کل	۴۲۴۹۶۴۱

جدول شماره ۱۵: آمار افراد خارجی که در سال ۱۹۸۸ میلادی به ترکیه وارد شده‌اند بر اساس ماه. مأخذ: منبع شماره ۱۰

۵-۵-۴- سفر شهروندان ترک از ترکیه

در زمینه شهروندان ترکی که از کشور خود خارج می‌گردند، ارقام دقت لازم را دارا نمی‌باشند. ضمن توجه به این نکته، آمارها نشان می‌دهند که در سال ۱۹۵۳ میلادی، ۸۰۱۳۴ نفر از اتباع ترکیه به خارج سفر نموده‌اند و این رقم در سال ۱۹۸۸ به بیش از ۲ میلیون نفر

افزایش یافته است. در فاصله این سالها، آمار این مسافران کاستیها و فزونیهای را بیان می نماید که یکی از دلایل عمده آنرا، سیاستهای دولتهای مختلف دانسته اند - مانند محدود نمودن تعداد دفعات خروج شهروندان ترک بصورت هر دو سال یکبار، محدودیتهای ارزی، و یا حذف اینگونه محدودیتها... -

در ارتباط با سفرهای خارجی در ترکیه باید توجه داشت که مهمترین اهداف سفر در نزد اتباع این کشور را، یافتن کار، جهانگردی و انجام مناسک حج و اهداف دینی و مذهبی و امور بازرگانی تشکیل میدهد. جدول شماره ۱۶ تعداد شهروندان ترکیه را که از این کشور خارج گردیده اند در سه مقطع زمانی، براساس اهداف سفرشان مورد مقایسه قرار میدهد:

ردیف	هدف از سفر / سال	۱۹۸۱	۱۹۸۵	۱۹۸۷
۱	توریسم	۱۲۹۱۰۳	۲۸۹۱۱۹	۳۹۸۰۰۹
۲	تحصیلات	۵۳۰۰۲	۵۰۷۲۶	۴۲۶۹۵
۳	کار	۷۴۴۶۱۲	۸۱۶۱۶۷	۹۱۰۷۴۶
۴	بازرگانی	۴۷۹۷۶	۱۱۸۲۰۳	۱۲۸۶۷۰
۵	ماموریتهای دولتی	۲۰۹۲۸	۲۴۰۳۱	۱۷۱۷۸
۶	مقاصد ورزشی	۱۵۵۷	۲۱۶۶	۹۳۵۵
۷	شرکت در کنفرانس	*	۵۶۱۶	۱۴۱۵۴
۸	سفر حج	۹۳۹	۱۶۵۰	۱۰۸۴۸۴
۹	همراهی با شخص دیگر	۳۰۸۵۲۰	۲۵۳۱۷۵	۲۸۱۰۶۰
۱۰	سایر	۴۸۷۲۶۴	۲۸۷۸۴۸	۱۷۴۲۷۴
۱۱	کل	۱۷۹۳۹۰۱	۱۸۴۸۷۰۲	۲۰۸۴۶۲۵

* در ارقام دیگر ملحوظ شده است.

جدول شماره ۱۶: آمار شهروندان ترک که در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۷ میلادی از ترکیه خارج شده اند بر اساس هدف سفرشان.

مأخذ: منبع شماره ۱۰

در سال ۱۹۸۷ از مجموع ۲۰۸۴۶۲۵ نفر ترکهایی که به خارج سفر کرده اند، ۱۰۸۴۸۴ نفر برای انجام مناسک حج به عربستان سعودی رفته، ۱۱۹۵۳۳۷ نفر به کشور آلمان و ۱۵۰۷۴۱ نفر به قبرس مسافرت نموده اند.

تا قبل از سال ۱۹۷۴ در ازای هر ۲ یا ۳ نفر خارجی که به ترکیه آمده‌اند یک نفر ترک از ترکیه خارج گردیده است. در این سال این رقم به ۲ برابر افزایش یافت بنحوی که در ازای هر خارجی که به ترکیه وارد شده یک ترک نیز به خارج از کشور مسافرت نمود. در سال ۱۹۸۸، در مقابل هر دو توریست خارجی که به ترکیه وارد شده است یک نفر از ترکیه خارج گردیده است. (اکثراً به منظور اشتغال یا جهانگردی) - در این سال حدود ۴ میلیون خارجی به ترکیه وارد و حدود ۲ میلیون از شهروندان ترک از ترکیه خارج گردیده‌اند که این امر در روند غربگرایی جامعه ترک و رواج عادات و رفتارهای غربی بویژه در میان جوانان تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. - نکته قابل ذکر دیگر این است که اکثر شهروندان ترکیه، ماههای جولای، آگوست و سپتامبر را برای - سفر خود به خارج انتخاب نموده‌اند. (ر.ک. جدول شماره ۱۷)

ماه / سال	۱۹۸۸
ژانویه	۱۷۶۳۲۴
فوریه	۱۰۴۸۸۸
مارس	۱۰۳۳۰۸
آوریل	۱۰۹۸۷۲
می	۱۰۳۸۹۷
ژوئن	۱۲۹۴۶۴
جولای	۲۴۸۲۷۳
آگوست	۶۴۳۰۸۸
سپتامبر	۲۳۸۳۸۵
اکتبر	۱۴۱۷۴۴
نوامبر	۱۰۷۴۰۰
دسامبر	۱۲۲۱۲۸
کل	۲۲۶۴۷۷۱

جدول شماره ۱۷: آمار تعداد شهروندان ترکیه که در سال ۱۹۸۸ میلادی از کشور خارج گردیده‌اند، بر اساس ماه.

مأخذ: منبع شماره ۱۰

زیرنویسهای فصل چهارم

- ۱- صرفنظر از بحث پردامنه‌ای که پیرامون دو واژه فرهنگ و تمدن در میان صاحب‌نظران جاری است، در اینجا مقصود از فرهنگ، مجموعه ایست از تجارب علمی، اخلاقی، اعتقادی، هنری... و دیگر یافته‌های اجتماعی انسان که در چهارچوب جامعه معینی معنا می‌یابند و منظور از تمدن، روشها، فنون علوم و کلیه یافته‌های مادی و معنوی اجتماعات بیرون از جامعه مورد نظر می‌باشد که وارد آن جامعه شده و یا از آن طرد گردیده است.
- ۲- در این ارتباط، «جمعیت علمیه عثمانیه»، جهت ترجمه آثار نویسندگان اروپایی تاسیس گردیده بود.
- ۳- طرفداران بازیافت فرهنگ ملی ترکیه در زمان استقرار جمهوری در ترکیه.
- ۴- به نقل از منبع شماره ۱۱: ص ۱۰۶
- ۵- همان مأخذ: ص ص. ۹۹-۹۸
- ۶- این اصلاحات در بخشهای بعدی مورد بررسی بیشتری قرار می‌گیرند.
- ۷- به نقل از منبع شماره ۴؛ ص. ۴۷
- ۸- بعدها وزارت دینیات تشکیل گردید.
- ۹- منبع پیشین، ص. ۱۷۴
- ۱۰- همان مأخذ: ص. ۳۵
- ۱۱- گاهنامه‌ای که گرگوری سیزدهم تدوین نمود و امروز مورد استفاده است.
- ۱۲- کلاه بدون لبه مورد استفاده مردم ترکیه در عهد عثمانی.
- ۱۳- به نقل از منبع شماره ۳۶: ص. ۳۵
- ۱۴- دکتر توتن اوزکایا، در نشریه «اردم» نشریه مرکز فرهنگ آتاتورک شماره ۳۵، طی مقاله‌ای تحت عنوان «اخلاق ناصری نصیرالدین طوسی در روسیه شوروی»، این دانشمند ایرانی را اقلیدس ترک خوانده است.
- ۱۵- برای اطلاع بیشتر ر.ک. مقاله: نقش ترکها در فرهنگ فلسفی، تالیف دکتر محمد

- آیدین، مندرج در نشریه «اردم» شماره ۳۵، ۱۹۸۵، همچنین منبع شماره ۳۶.
- ۱۶- این بحث عمدتاً تلخیصی است از گزارش رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - آنکارا، مندرج در منبع شماره ۳۸.
- ۱۷- نام قبلی بانک املاک، بانک املاک و ایتم بوده و سابقه آن به دوره عثمانی باز می‌گردد.
- ۱۸- براساس اطلاعات مندرج در منبع شماره ۴۱.
- ۱۹- این بحث براساس مطالب منبع شماره ۳۱ تدوین شده است.
- ۲۰- ر.ک. همان مأخذ.
- ۲۱- تعداد زنانی که در سال ۱۹۸۰ به این امر اشتغال داشته‌اند بالغ بر یک میلیون نفر برآورد شده است. ر.ک همان مأخذ.
- ۲۲- مأخذ آمار: روزنامه «گون آیدین»، مورخ ۱۹۸۴/۵/۲۵
- ۲۳- ترکیه از این نظر دهمین کشور جهان بشمار می‌رود.
- ۲۴- آمارهای این بخش، جز در مواردی که تصریح گردیده است با استفاده به منابع شماره ۱۰ و ۳۲ می‌باشد.
- ۲۵- به نقل از منبع شماره ۳۲ ص ۵.
- ۲۶- ر.ک منبع شماره ۲۸، ص ۵۳.
- ۲۷- لازم به تذکر است که در فاصله سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۳ میلادی، تعداد تختهای مسافری موجود در ترکیه حدوداً ۷ برابر شده و از ۹ هزار به ۶۵ هزار رسیده است در حالی که در همین فاصله زمانی تعداد توریستهای خارجی که به ترکیه آمده‌اند ۱۰ برابر بوده است.
- ۲۸- به نقل از منبع شماره ۵۳ ص ۱۲۳.
- ۲۹- از حدود ۴ میلیون افراد خارجی که در سال ۱۹۸۸ میلادی به ترکیه وارد شده‌اند، بیش از یک میلیون نفر از طریق استانبول به این کشور وارد گردیده‌اند.

منابع فصل چهارم

۱- تاثیرات فرهنگی

منابع فارسی

- اسپنسر، ویلیام. سرزمین و مردم ترکیه، ترجمه علی اصغر بهرام بیگی. - تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مجموعه ملل، ۱۳۴۵
- گوکالپ، ضیاء. ناسیونالیسم ترک و تمدن باختر، ترجمه فریدون بازرگان. - تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۱
- محمدی، ناصر. تأملی در شیوه‌های عملکرد فرهنگی موسسات اقتصادی. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹

۲- سیاستهای فرهنگی

منابع فارسی

- ایگدمیر، اولوغ؛ و دیگران. آتاتورک، ترجمه حمید نطقی. - تهران، موسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸
- سازمانهای علمی، فرهنگی و هنری ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲
- گنجی، اکبر. نگاهی به مسئله آذربایجان، جلد اول. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹

محمدی، ناصر.

تأملی در شیوه‌های عملکرد فرهنگی مؤسسات

اقتصادی.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۶۹.

مؤسسات فرهنگی خارجی در ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،

۱۳۶۴.

منبع لاتین

Guclu, Meral.

World Bibliographical Series, V. 27: Turkey.-Great

Britain: The Camelet Press, 1981.

۳- جوانان در جامعه ترکیه

منابع فارسی

طبقه جوان ترکیه به کجا می‌رود؟.. آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ویژه‌نامه

شماره ۲۹، ۱۳۶۶.

۴- وضعیت زنان در جامعه ترکیه

منابع فارسی

گزارش سفر هیات اعزامی خواهران به ترکیه به مناسبت

اسماعیلی فر، زهرا.

روز زن. - آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران،

۱۳۶۶.

مسخ شخصیت زنان در ترکیه. - آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ویژه‌نامه

شماره ۱۶، ۱۳۶۶.

طرح تبلیغات اسلامی در رابطه با زنان. - آنکارا: رایزنی

ناظرزاده کرمانی، فرناز.

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲.

۵- جهانگردی

منابع فارسی

سازمانهای علمی، فرهنگی و هنری ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری

اسلامی ایران، ۱۳۷۲

مجله صنعت حمل و نقل، شماره ۹۷، اردیبهشت ۱۳۷۰ - مقاله: جهانگردی ترکیه در خدمت

صنعتی کردن کشور.

فلاحی، کیومرث. «گزارش توریسم»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

معاونت سیاحتی و زیارتی، براساس اطلاعات


دائرة المعارف ترکیه و گزارش وزارت توریسم ترکیه،

نوشته صلاح الدین چوروج، ۱۳۷۰.

منابع لاتین

The Middle East and North Africa - London: Europa polications Limited, 1990.

Statistical Yearbook of Turkey . - Turkey: State Institute of prime minister, 1989.



فصل پنجم

نهادهای فرهنگی

۱-۵- آموزش و پرورش

۱-۱-۵- سیر تحول سیستم آموزشی در ترکیه

سیستم آموزشی ترکیه، ضمن انتقال حکومت از عثمانی به جمهوری، تحولات بنیادینی را تجربه نمود. در طی این روند، یک سیستم آموزشی سنت‌گرا و مبتنی بر مدارس اسلامی - و عمدتاً خصوصی - به سیستمی غیردینی و دولتی و با تأکید بر موضوعات «مدرن» و تمایل بسوی غرب استحاله یافت. بدنبال چنین تحولی بود که مدارس، هم به عنوان بازتابی از تحولات اجتماعی و هم به عنوان نماینده‌های فعال چنین فرایند تحولی، در متن جامعه جایگاهی ویژه یافتند. در حقیقت، یکی از شیوه‌های بررسی تاریخ تحول و غربگرایی در ترکیه را باید مطالعه تحول سیستم آموزشی آن دانست. اگرچه تجددگرایی به عنوان حرکتی آرمانی برای ملت ترکیه در خلال قرن بیستم - بدنبال حرکت‌های رفرمیستی کمالیسم - تجلی یافت لیکن این حرکت از قرن نوزدهم - بویژه نیمه دوم این قرن - آغاز گردیده بود. از آنجا که لازمه درک وضعیت امروز نظام آموزشی ترکیه، آگاهی از چگونگی آن در دوران گذشته است، در ابتدا مروری خواهیم داشت بر سیر تحول سیستم آموزشی در ترکیه.

وضعیت نظام آموزشی ترکیه در دو مقطع قابل بررسی است: الف، دوره عثمانی که خود دو دوره قبل و پس از اعلام مشروطیت را شامل می‌گردد. ب: دوره جمهوری تا امروز.

۱-۱-۱-۵- نظام آموزشی در دوره عثمانی

اصولاً تا قبل از شروع قرن نوزدهم، حکومت عثمانی در قبال آموزش همگانی مردم مسئولیتی را قبول نمی‌کرد و لذا هیچ سیستم آموزشی متشکل و متمرکزی وجود نداشت. آموزش بصورتی بسیار محدود در قالب سه نوع مدرسه ارائه میشد:

۱ - مدارس ابتدایی خصوصی، که معمولاً پسران در سنین ۵ یا ۶ سالگی در آن قرآن و تعالیم اسلامی را فرا می‌گرفتند - بصورت مکتب‌خانه‌ای - این مدارس ابتدا در مساجد برپا

میگردیدند و بعدها تدریجاً استقلال یافتند. معلمین آنها نیز، «خوجا» (Hodja) نام داشتند که از میان کسانی که مدرسه را تمام کرده بودند، یا کسانی که سوادخواندن و نوشتن داشتند، یا افراد پیر و مذهبی که قرآن میدانستند، تعیین میگردیدند. این مدارس بعضاً از طریق درآمد‌های وقفی اداره میشدند و دولت دخالتی در این امر نداشت و حمایتی از آنها نمی نمود.

۲- مدارس مذهبی، که با نام «مدرسه» خوانده میشدند، آموزشی فراتر از مدارس ابتدایی را ارائه می نمودند و جنبه علمی و دینی داشتند، علاوه بر تعلیم علوم معقول و منقول، علم طب، فن، صنعت و زبانهای ترکی، عربی و فارسی در آنها تدریس میشد. فارغ‌التحصیلان این مدارس پس از طی مراحل می توانستند به مقام استادی (مدرس) رسیده و یا در امر قضاوت وارد شده و قاضی (مفتی یا کادی) بشوند. در دوره عثمانی، افرادی که تحت آموزش این مدارس قرار می گرفتند، طبقه ممتاز «علماء را در جامعه تشکیل میدادند. این مدارس تا اواسط قرن هفدهم میلادی، از استقلال عمل و نفوذ ویژه‌ای بهره‌مند بودند اما پس از این تاریخ، تدریجاً پایگاه و نفوذ اجتماعی خود را از دست دادند.

۳- مدارس حکومتی (سلطنتی)، که به تربیت دولتمردان و نظامیان می پرداختند و از سطح آموزشی نسبتاً بهتری بهره‌مند بودند. با اعلام حکومت مشروطه اول، این مدارس تعطیل گردیدند.

افراد ثروتمند نیز معلمین سرخانه استخدام می نمودند. در این دوره برای آموزش عمومی تقاضای زیادی وجود نداشت و حکومت عثمانی نیز ضرورتی بر این امر احساس نمی نمود، آموزش تنها خاص پسران بود و به دختران اجازه تحصیل داده نمیشد. با گذشت زمان در شرایطی که امپراطوری عثمانی در وضعیت قرون وسطایی بسر می برد، دنیای خارج به تحولات و پیشرفتهای علمی و فنی و اجتماعی بسیاری دست یافت. رنسانس در اروپا، انقلاب صنعتی، کشف قاره آمریکا، انقلاب کبیر فرانسه... موج تجددطلبی را در سراسر جهان بوجود آورده بود که سرانجام امپراطوری عثمانی نیز خود را ناگزیر از مواجهه با آن یافت.

در طی قرن نوزدهم مدارس سنتی تحت حمایت موسسات مذهبی، از آنجا که نتوانستند به تناسب تحولات هم عصر خود، تعالیم لازم را ارائه نمایند، تدریجاً رو به ضعف و زوال نهادند، و به موازات آن سیستم آموزشی غیردینی (Secular)، با رویکردی بسوی غرب در

داخل ساخت جامعه عثمانی - و در ابتدا در حوزه نظامی - روبه رشد و توسعه نهاد. دانشکده پزشکی (۱۸۲۷)، دانشکده افسری (۱۸۳۴)، مدرسه صنایع (۱۸۵۸)، تأسیس گردیدند. در سال ۱۸۶۹ میلادی نیز قانونی وضع شد که مفاد آن اهمیت بسیار داشت:

- اجباری شدن آموزش ابتدایی

- ایجاد سازماندهی جدید اداری در آموزش ولایات

- تنظیم و سازماندهی مجدد روشهای تدریس قدیمی

- برقراری معیارهای دقیقتر جهت ترفیع و رتبه معلمین

- افزایش تعداد مراکز علمی - علوم طبیعی و ادبی

- رتبه‌بندی مراکز آموزشی:

- مدارس ابتدایی، در کلیه روستاها و شهرها

- مدارس «رشدیه» سیکل اول، در تمام شهرهایی که بیش از ۵۰۰ خانوار جمعیت دارند

- مدارس «رشدیه» خصوصی برای دختران در محلهای مناسب

- مدرسه متوسطه در تمام شهرهایی که جمعیتی بیش از هزارخانوار را شامل میشدند بنام

(Idadies)

- دبیرستانهای لیسه (lycee) در همه ولایات

- کالج تربیت معلم مرد و زن در استانبول

- دانشگاه استانبول^(۱)

بدین ترتیب، در غالب محلات مدارس ابتدایی (مکتب) و در نقاط مختلف، سیکل اول تحصیلات متوسطه (رشدیه) و همچنین دبیرستان، هنرستان (معروف به مکتب صنایع) دایر گردید. در این دوره وزارت فرهنگ نیز تأسیس شد و علاوه بر آن سازمانهایی نیز جهت پیشرفت فرهنگ برپا گردیده بود مانند، جمعیت علمیه، مجلس کبیر معارف، انجمن دانش، جمعیت تدرسیه اسلامیة.....

بدین ترتیب اولین دور اصلاحات آموزشی، بخصوص در اواسط قرن نوزدهم، تحولی را در نظام کهن باعث گردید. دوره دوم این اصلاحات در طی دوران مشروطه دوم، به خصوص در فاصله زمانی بین ۱۹۰۸ و سالهای جنگهای استقلال در ترکیه، بطرز متفاوت از دور اول اتفاق افتاد. در این دوره بجای توجه به مسائل کمی، تلاش گردید که کیفیت آموزشی نیز

مورد تجدیدنظر قرار گیرد. ایده‌ها و روشهای جدیدی مطرح گردید. یکی از رهبران فکری این دوره «ضیاء گوکالپ» (Ziya Gokalp) (۱۹۲۴ - ۱۸۷۴) نام داشت. ایده‌های وی، در آن مقطع زمانی، تاثیر بسزایی در تحول آموزشی ترکیه برجای گذارد. وی معتقد بود، هدف آموزش، سازگار نمودن افراد با محیط فرهنگی و اجتماعی آنهاست، این تفکر در قبال شیوه سنتی حکومت عثمانی، ایده‌ای انقلابی بشمار میرفت. در ارتباط با اینگونه ایده‌ها بود که تحولات نسبی در محتوای تدریس مراکز آموزشی فراهم آمد و به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر از مذهب توجه شد و مدارس فنی و حرفه‌ای متعددی به پیروی از ارزشها، نیازها و خواسته‌های جامعه تأسیس گردیدند. در همین زمان تصفیه زبان ترکی از واژه‌های غیرترکی و توجه به احساسات ملی نیز آغاز شد که بعدها در حکومت جمهوری دنبال گردید. چنین نحوه برخورد با آموزش و پرورش پایه‌های فکری لازم را برای آموزش مدرن ترکیه در خلال سالهای آتی و به هنگام برقراری جمهوری فراهم آورد.

در دوره عثمانی در سراسر قلمرو آن ۳۰۵۷ دبستان با ۲۲۰ هزار دانش‌آموز وجود داشت و از کل بودجه مملکتی که ۱۹ میلیون لیره طلای عثمانی بود، ۱۰۷ هزار لیره طلا در اختیار وزارت فرهنگ قرار داشت، تا اعلان جمهوریت مقاطع تحصیلی نیز به قرار زیر بود: دوره ابتدائی ۶ سال، سیکل اول و دوم متوسطه هریک ۳ سال. در این دوره علاوه بر ترکی زبانهای خارجی فرانسه، فارسی، عربی نیز تدریس می‌شد.

در دوره حکومت عثمانی کلیه مدارس از طرف مقامات زیر اداره می‌شدند:

● مدارس سلطنتی، از طریق مقامات قصر سلطنتی

● وزارت فرهنگ

● اداره ریاست کل روحانیت اهل تسنن - معروف به باب مشیخت

● تشکیلات خصوصی جامعه ترک

● تشکیلات جماعت اقلیت

● تشکیلات کشیشهای خارجی

۲-۱-۱-۵- نظام آموزشی در دوره جمهوری تا امروز

حکومت عثمانی در اواخر دوران خود، در صدد برآمد که نهادها و تعالیم لازم جهت تجهیز به سیاستهای مدرن - غربی - را فراهم آورد، آنچه که در قالب یک سیستم آموزشی

ملی و غیردینی ارائه گردید، و این چیزی بود که آتاتورک و رهبران بعدی ترکیه جهت ایجاد حکومت جمهوری بدان تکیه نمودند. در حقیقت می توان گفت، تحول در نظام آموزشی که از دهه های آخر قرن نوزدهم آشکار شد، به آرمانهای خود نرسید مگر بعد از انقلاب ۱۹۲۳، زمانیکه مجلس ملی کبیر بر تمام کشور ترکیه تسلط یافت و آموزش عمومی و غیردینی به عنوان یکی از وظایف دولت تضمین گردید.

در طی سالهای انقلاب، ۲۳-۱۹۱۹ میلادی، نظام آموزشی ترکیه یک دوره بی نظمی را پشت سر نهاد، در این دوره مدارس عملکرد مشخص نداشتند و انتظام و کنترل واحدی بر آنها اعمال نمی شد. دو نوع مدرسه و دو سیستم مدیریت وجود داشت - دولتی و مذهبی. به موجب نخستین قانون اساسی جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴، کلیه مراکز و موسسات آموزشی تحت کنترل و نظارت متمرکز وزارت آموزش قرار گرفتند، و آموزش مقدماتی نیز برای کلیه مردم رسماً اجباری و رایگان اعلام شد، مدارس مذهبی نیز تعطیل و جایگزین شده و از حیطه مدیریت مذهبی خارج گردیدند. قوانین بعدی، امکان تاسیس مدارس تخصصی از سوی برخی وزارتخانه ها را مسیر داشت که در موارد لزوم وزارتخانه متقاضی باید جهت تهیه و تدوین واحدهای دولتی با وزارت آموزش هماهنگی های لازم را به عمل می آورد. مدارس خصوصی نیز، به تعداد محدود، و تحت نظارت کامل وزارت آموزش دائر گردیدند.

در همان سال، سازماندهی مراحل آموزشی تغییر یافت و سیستم ۵-۳-۳ مقرر شد. دوره مدرسه ابتدایی از ۶ سال به ۵ سال تقلیل یافت و «لیسه» فرانسه رسماً بصورت مدلی برای آموزش متوسطه در نظر گرفته شد که به دو دوره سه ساله تقسیم میشد. تصفیه زبان ترکی نیز با قاطعیت بیشتری دنبال گردید. از دیگر اقدامات این دوره موارد ذیل را می توان برشمرد:

- متد فرانسوی - معروف به متد لاتین - و همچنین تدریس زبان فرانسه که در اواخر دوره عثمانی در مدارس معمول بود، ملغی شد و اصول و سیستم تعلیم و تربیت آنگلساکسون - عمدتاً در دبستانها - جای آن را گرفت. در دبیرستانها نیز به تدریس زبان انگلیسی اهمیت داده شد.

- کلیه مدارس از دبستان تا دانشگاه مختلط گردید - با اینحال دبیرستانهای دخترانه و پسرانه جداگانه هم وجود داشت.

– تعداد مراکز آموزشی نسبت به قبل افزایش یافت.

– در دانشگاهها استادان خارجی بیشتری استخدام شدند.

– تدریس دروس نظری و عملی توأمأ مورد توجه قرار گرفت.

– دانشگاههای دیگری در استانبول، ازمیر، آنکارا و برخی ولایات دیگر تاسیس گردید.

– بخشی از آثار شرق و غرب از سوی وزارت آموزش ترجمه گردید.

– در سراسر ترکیه کلاسهای اکابر شبانه و عصرانه جهت آموزش حروف جدید ترکی، یا حرف صنعتی یا آموزش زبانهای خارجی دایر گردید.

– به پیشاهنگی، ورزش، هنر،... اهمیت داده شد.

– جهت تامین ارتباط لازم میان اولیاء دانش آموزان با مدارس، اتحادیه‌هایی تشکیل شد.

بعلاوه در سال ۱۹۳۱، حزب جمهوریخواه خلق، تنها حزب حاکم وقت، در غالب شهرها، مراکزی را به نام «خانه مردم»، جهت آموزش اصول کمالیسم تاسیس نمود.

فعالیت این خانه‌ها در زمینه‌های زیر بود: زبان و ادبیات، هنرهای زیبا، هنرهای نمایشی، ورزش، تعاون اجتماعی، تشکیل کلاسها و دوره‌های آموزشی، کتابخانه و انتشارات...، هرکس اعم از اعضاء حزب یا غیر از اعضاء میتواندست از تسهیلات این خانه‌ها بهره‌مند گردد. بعدها مراکزی نیز با عنوان «اتاقهای مردم» در شهرها و روستاهای کوچکتر سازماندهی شد. در سال ۱۹۵۰، ۴۷۸ خانه مردم و حدود ۴۳۲۵ اتاق مردم در سراسر ترکیه وجود داشت که به عنوان مراکز اجتماعی، عمدتاً در زمینه توسعه فرهنگی، آموزشی و تفریحی، فعالیت میکردند.

اصول سیاستهایی که در زمینه آموزش در زمان استقرار جمهوری و بخصوص براساس ایده‌های آتاتورک در ترکیه مقرر گردید، در طی سالهای پس از آن نیز کم و بیش دنبال شد. بطور کلی، در راستای مدرنیزه شدن آموزش جامعه و تحول شیوه‌های فکری و رفتاری مردم، چه سلاطین دوره پایانی امپراطوری عثمانی و چه رهبران جمهوری ترکیه مشخصاً به کشورهای غربی نظر داشتند و در مسیر تحول نظام آموزشی، عمدتاً از اندیشه‌ها، روشها و نظامهای کشورهای فرانسه، انگلیس، آلمان و آمریکا الگوبرداری می‌نمودند و این مدرنیزه کردن آموزش در حقیقت، بیش از هر چیز نوعی غربی نمودن آموزش، باورها و عملکردها بود و همچون بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه، الگوی سیستم آموزشی بیش از آنکه بر مبنای نیازهای اصیل و واقعی جامعه طراحی شده باشد، نسخه‌ای

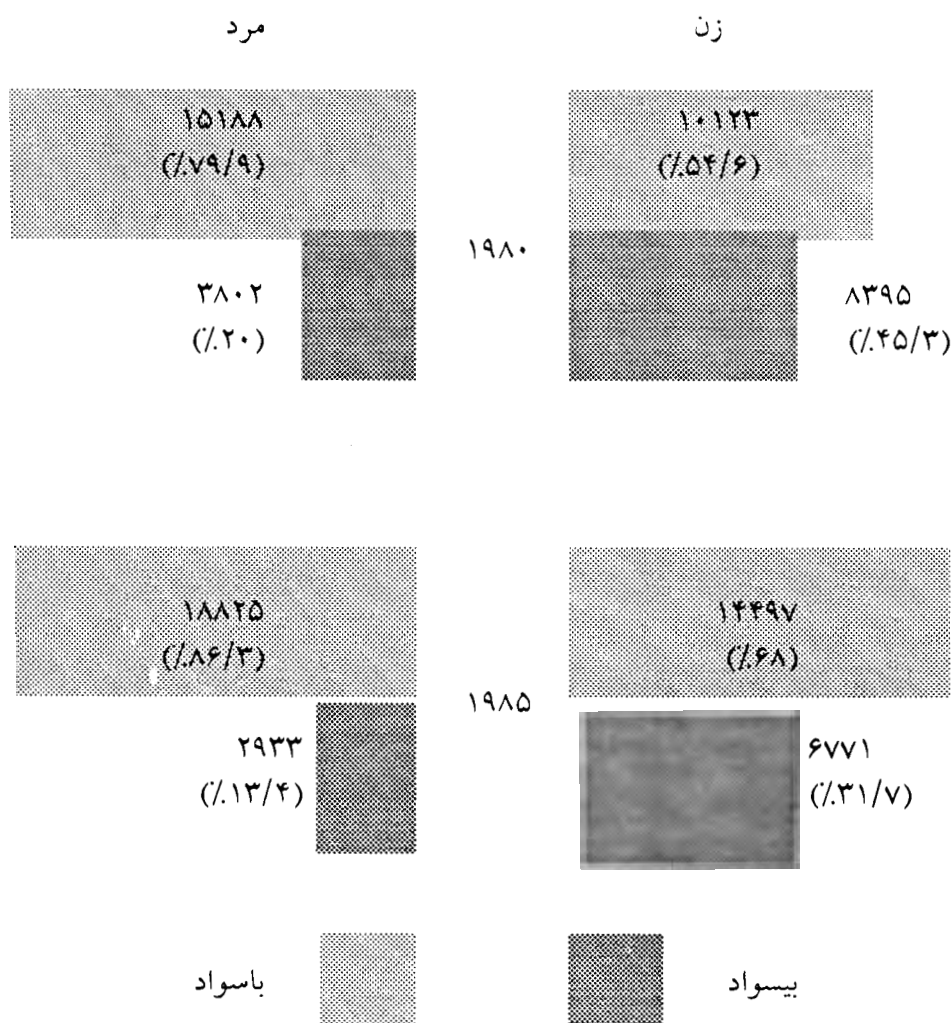
المثنی از مدل‌های غربی بود که به حیطة ارزشها و نهادهای اجتماعی و آموزشی ترکیه منتقل شده بود.

۲-۱-۵- وضعیت سواد در ترکیه

در شروع دوره جمهوریت، اغلب مردم ترکیه بیسواد بودند. در سال ۱۹۲۷، آمار نشان می‌دهد که، ۸۹/۴٪ از کل جمعیت کشور قادر به خواندن و نوشتن نبودند. بیسوادی، بخصوص در میان زنان بیش از مردان بچشم می‌خورد و ۹۶٪ از آنان را شامل میشد. در این زمان یکی از موانع در امر باسوادی مردم، الفبای عربی تشخیص داده شد. بدنبال تغییر الفبای زبان ترکی از عربی به لاتین، دولت جمهوری ترکیه تلاش وسیعی را جهت آموزش این حروف جدید و همچنین بالا بردن سطح آموزش عمومی مردم آغاز نمود. در این راه، روشهای تشویقی و تنبیهی نیز اعمال گردید، مانند: تقلیل خدمت نظام وظیفه پسران باسواد، پرداخت ۲۰۰ لیره انعام به دختران باسواد به هنگام ازدواج، اعزام آموزگاران سیار به روستاهای فاقد مدرسه، تعقیب قانونی اولیایی که فرزندان خود را به مدرسه نمی‌فرستادند،... اعتقاد بر این بود که بنای ملت نوین ترکیه و توسعه یک شعور ملی جدید، مستلزم جمعیتی باسواد ترکی است، و لذا بالا بردن سطح آموزش عمومی یکی از عمده‌ترین زمینه‌های فعالیت دولت جمهوری را به رهبری آتاتورک تشکیل می‌داد.

در پی این تلاشها، در سالهای ۳۶- ۱۹۳۵، نرخ باسوادی نسبت به سال ۱۹۲۷ تقریباً دو برابر گردید و به ۲۰/۴٪ بالغ گردید. اما این رشد در دهه‌های بعدی سرعت کمتری یافت. در ۴۶- ۱۹۴۵ جمعیت باسواد به ۳۰٪، و در سال ۵۶- ۱۹۵۵ به ۴۰٪ افزایش یافت. در سال ۱۹۸۰، ۷۰٪ از جمعیت کشور باسواد بودند ولی هنوز ۱۳ میلیون بیسواد در جامعه ترکیه وجود داشت. - البته در این ارتباط رشد سریع جمعیت نیز فاکتور بازدارنده‌ای محسوب میشود. - دولت دوره‌هایی برای آموزش خواندن و نوشتن ایجاد نمود که در فاصله سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ میلادی نزدیک به ۴ میلیون نفر از این مراکز مدرک پایان دوره دریافت نمودند. در سال ۱۹۸۵، ۷۷/۲۹٪ از جمعیت ترکیه باسواد بوده‌اند، با اینحال اگر میزان سواد را در ارتباط با سن و جنس و نیز در مناطق مختلف بررسی نمائیم، تفاوت‌های آشکاری بچشم می‌خورد. از نظر سنی، گروه‌های سنی ۶ تا ۹ سال و بالای ۶۵ سال بیشترین تعداد افراد بیسواد را در خود جای داده‌اند. از سوی دیگر، با وجودیکه فاصله میان تعداد

مردان و زنان باسواد، در طی سالها همواره کاهش یافته است لیکن هنوز نیز تفاوت قابل توجهی از این لحاظ میان مردان و زنان ترک بچشم می خورد. - میزان سواد در میان مردان و زنان ترکیه در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ در نمودار شماره ۴ آمده است.



نمودار شماره ۴: تعداد و درصد افراد باسواد و بیسواد در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ میلادی - به هزار نفر - مأخذ: منبع شماره ۱۰

این ارقام زمانی مفهوم بهتری خواهند یافت که بخاطر بیاوریم حدود نیمی از جمعیت ترکیه در روستاها بسر میبرند، که از نظر نسبت باسوادى عقب‌تر از شهرها می‌باشند. چنین تفاوتی را میان نسبت افراد باسواد دارای مشاغل روستایی (کشاورزان، دامداران، جنگلداران) در مقایسه با مشاغل شهری نیز می‌توان یافت.

نسبت باسوادى در استانهای مختلف ترکیه نیز متفاوت است. در طی سالهای ۸۷-۱۹۸۶، در حالیکه در استان استانبول ۷۳/۴٪ از جمعیت بالاتر از ۶ سال قادر به خواندن و نوشتن بوده‌اند، در استان حکاری، تنها ۱۱/۵٪ از همین گروه سنی چنین توانایی را دارا بوده‌اند. جدول زیر درصد باسوادى در برخی استانهای ترکیه را در دو فاصله زمانی نشان میدهد:

باسوادى (درصد)						
استان	اوزاک	وان	طرابوزان	آنتالیا	قونیه	گزیانتیب
سال	غرب	شرق	شمال	جنوب	مرکز	جنوب‌شرقی
۱۹۵۹-۶۰	۱۲/۸	۳/۸	۶/۹	۱۰/۲	۱۰/۲	۶/۳
۱۹۸۶-۸۷	۱۱/۶	۱۳/۱	۱۲/۷	۱۱/۹	۱۲/۹	۱۷/۱

جدول شماره ۱۸: درصد باسوادى استانهای منتخب

مآخذ: منبع شماره ۱۶

۳-۱-۵- معرفی نهادهای آموزشی در سیستم آموزشی امروز ترکیه

۱-۳-۵- آموزش ابتدایی

با وجود آنکه، قانون آموزش اجباری در سال ۱۸۶۹ اعلام شد، لیکن پس از برقراری نظام جمهوری رعایت آن رسماً الزامی گردید. در حال حاضر آموزش ابتدایی رایگان بوده و دختر و پسر را در سنین ۱۲-۷ سالگی شامل می‌گردد. در دوره ابتدایی مهارتهایی چون خواندن و نوشتن، حساب، دانستیهای اجتماعی و فرهنگی و مبانی علوم پایه تدریس می‌گردد. تعداد مدارس ابتدایی از رقم ۱۲۵۱۱ واحد در سال ۱۹۵۰ به ۵۰۴۵۵ واحد در سال ۱۹۸۷ افزایش یافته است. (در همین مقطع زمانی تعداد آموزگاران نیز از رقم ۲۷۱۴۴ نفر به ۲۲۰۹۴۳ نفر بالغ گردیده است. در طی سال ۱۹۸۷ در حدود ۶۸۸۰۰۰۰ نفر دانش‌آموز در مقطع تحصیلات ابتدایی به تحصیل اشتغال داشته‌اند.)

۲-۳-۱-۵- آموزش دبیرستانی

در اوایل سالهای دهه ۱۹۲۰، تحول در سیستم آموزش دبیرستانی مورد توجه قرار گرفت. هدف از این دوره ارائه آموزش به آن دسته از فارغ التحصیلان دوره ابتدایی است که تمایل به یادگیری در سطح بالاتری را دارند و یا در آینده مایل به ادامه تحصیل در سطوح عالی می باشند. این دوره در حال حاضر رایگان بوده و ۶ سال بطول می انجامد. دوره تحصیلات دبیرستانی در ترکیه دارای دو مرحله و مدت هر مرحله ۳ سال است.

الف - مدارس متوسطه (Middle schools یا Juniuor schools) ب - لیسسه‌ها (Lycee یا Sinior Schools)

الف - مدارس متوسطه - برای دانش آموزان ۱۳ تا ۱۵ ساله - این مدارس اگرچه لازمه ورود به لیسسه‌ها می باشند لیکن واحدهای مستقلی بشمار می روند و جهت ارائه آموزشهای معین به آن گروه از دانش آموزانی که قصد دارند پس از اتمام تحصیل مستقیماً وارد بازارکار شوند، طراحی شده است. این مدارس مهارتهای متنوعی را از سطوح پایه آموزش می دهند بطور مثال در زمینه‌های، تجارت، هنر، بهداشت، کشاورزی و... در پایان این دوره ۳ ساله آزمونی دولتی از دانش آموزان به عمل می آید. فارغ التحصیلان مدارس متوسطه می توانند شغلی که نیازمند مهارت بالایی نیست را برگزینند و یا وارد دوره حرفه‌ای در یکی از مدارس آموزشی حرفه‌ای بالاتر شوند.

ب - لیسسه‌ها - برای دانش آموزان ۱۶ تا ۱۸ ساله - فارغ التحصیلانی که پس از طی کردن مدارس متوسطه قصد ادامه تحصیل دارند وارد این مراکز آموزشی می شوند تا برای شغل یا آموزش بالاتر آماده شوند. هر دانش آموز فارغ التحصیل مدارس متوسطه این حق را دارد که لیسسه‌ای حرفه‌ای، فنی یا عمومی را برگزیند. لیسسه‌ها در چهارچوبهای زیر قابل دسته‌بندی هستند:

- لیسسه‌های عمومی (دولتی یا خصوصی)

- لیسسه‌های فنی و حرفه‌ای

- لیسسه‌های فنی - صنعتی

- لیسسه‌های فنی: برای پسران یا برای دختران

- لیسسه‌های بازرگانی، توریسم، هتلداری و منشیگری

- لیسسه‌های تربیت معلم

– لیسه‌های امام خطیب (مدارس الهیات اسلامی)

– مدارس بهداشت

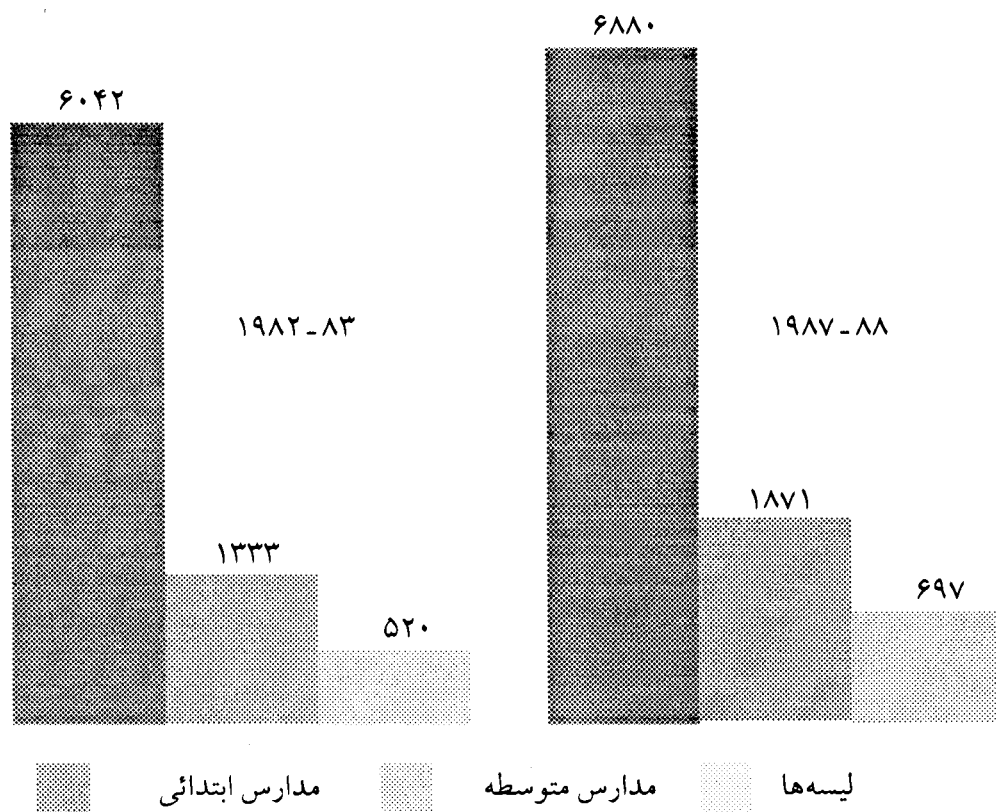
علاوه بر لیسه‌های فوق‌الذکر، تعدادی لیسه با دامنه فعالیت محدود، دولتی یا خصوصی در سیستم آموزشی ترکیه وجود دارد شامل، لیسه‌های علمی (دولتی)، لیسه‌های خصوصی زبان ترکی، لیسه‌های خصوصی برای خارجیها و لیسه‌های خصوصی برای اقلیت‌ها. فارغ‌التحصیلان لیسه‌ها می‌توانند وارد بازارکار شده و یا جهت ادامه تحصیل در سطوح عالی، در امتحان ورودی دانشگاهها شرکت نمایند.

آموزش زبان انگلیسی یا فرانسه یا آلمانی در مدارس متوسطه و لیسه‌ها اجباری است. به علاوه از سال ۱۹۴۰، در برخی از لیسه‌ها لاتین و یونانی نیز تدریس می‌شود. تعداد مراکز آموزش دبیرستانی در ترکیه^(۲) در سال‌های ۸۸-۱۹۸۷، حدود ۶۴۳۷ واحد بوده است، با مجموع ۱۰۰۳۸۵ نفر آموزگار و حدود ۲۵۷۰۰۰۰ دانش‌آموز. (نمودار شماره ۵ تعداد دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان را طی دو فاصله زمانی مورد مقایسه قرار می‌دهد).

۳-۳-۱-۵- مدارس دینی امام خطیب

همانطور که قبلاً اشاره شد پس از استقرار نظام آموزش متمرکز در ترکیه در سال ۱۹۲۴، آموزش دینی در مدارس مذهبی مستقل ممنوع اعلام گردید. از این زمان آموزش قرآن و تربیت مبلغین مذهبی به دشواری و بطور پراکنده انجام می‌گرفت، سرانجام در سال ۱۹۴۹ آموزش و پرورش دوره‌های ۱۰ ماهه «امام خطیب» را تشکیل داد و دو سال بعد مدارس بنام مدارس «امام خطیب» در شهرهایی چون آنکارا، آدانا، استانبول، قونیه، اسپارت.... تاسیس شدند.

این مدارس ضمن حفظ اصل لائیک، به آموزش مذهبی پرداخته و در رشته‌هایی مانند امامت، خطابت و مدرسی قرآن مجید به تربیت افراد می‌پردازند. در این مدارس دروسی چون قرآن، عربی، فقه، کلام، تفسیر، اخلاق، حدیث، خطابه، فلسفه، عقاید، زبان، ادبیات ترکی، زبان خارجی، تاریخ انقلاب، امنیت ملی، ورزش..... تدریس می‌شود. از جمله شرایط پذیرش در این مدارس، دارا بودن مدرک تحصیلی سیکل اول دبیرستان، اعتقاد به اصول مبانی دینی و اجرای عملی آنها و وطن‌دوستی است. فارغ‌التحصیلان این مدارس با دریافت مدرک دیپلم می‌توانند در انستیتوی عالی اسلامی ادامه تحصیل دهند و یا به اموری چون امامت، خطابت و تدریس قرآن اشتغال ورزند.



نمودار شماره ۵: تعداد دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان در طی سالهای ۸۳ - ۱۹۸۲ و ۸۸ -

۱۹۸۷ میلادی (به هزار نفر)

مأخذ: منبع شماره ۱۰

۴-۳-۱-۵- آموزش فنی

آموزش فنی در سال ۱۹۲۶ میلادی برای نخستین بار مورد توجه خاص قرار گرفت. به همین جهت، متخصصینی از اروپا و آمریکا دعوت شدند و طرحی جهت توسعه مدارس حرفه‌ای موجود و تاسیس مراکز جدید مطابق با نیازهای اقتصادی هر منطقه طرح گردید. در سال ۸۸-۱۹۸۷، ۲۰۲۴ لیسه فنی و حرفه‌ای در ترکیه وجود داشت که به حدود ۶۱۷۰۰۰ دانش‌آموز تعلیم می‌داد، همچنین طرحهایی برای تعلیم هنرمندان و صنعتگران در مدارس

شبانۀ تهیه شد، طرحهایی نیز جهت کالجهای ارائه‌تعلیمات فنی به معلمین تهیه گردید. در حال حاضر ۲ واحد از اینگونه کالجها، یکی برای مردان و دیگری برای زنان، در آنکارا فعالیت می‌کنند.

۵-۳-۱-۵- آموزش عالی

در ترکیه، آموزش عالی، دانشگاهها و موسسات و مدارس حرفه‌ای عالی^(۳) را در برمی‌گیرد و تحت نظارت دولت قرار دارد. این مراکز غالباً در مراکز شهری بزرگ مستقر می‌باشند، از آن میان، دانشگاه استانبول یکی از قدیمترین دانشگاههای ترکیه محسوب میشود که به سال ۱۴۵۳ پس از تسخیر استانبول بوسیله ترکان عثمانی، تاسیس شده است. همانطور که اشاره شد، علاوه بر دانشگاهها تعداد زیادی موسسات عالی نیز در ترکیه فعالیت می‌نمایند، از آن جمله، آکادمی هنرهای زیبا، کار تربیت هنرمند را به عهده دارد. کنسرواتوار دولتی، معلمین و متخصصینی در زمینه موزیک تعلیم می‌دهد. موسسه اسلامی عالی، مرکز آموزشهای مذهبی است. مدارس فنی عالی (مدارس مهندسی) افرادی را در سطوح عالی، در زمینه صنعت، تعلیم می‌دهند (در مواردی که نیاز به تحصیلات دانشگاهی نباشد). آکادمیهای اقتصادی، بازرگانی نیز وجود دارند که افراد را برای خدمات بازرگانی، مالی تعلیم می‌دهند. برخی از مؤسسات عالی هم به امر تربیت معلم می‌پردازند.

ورود به مراکز آموزش عالی مستلزم گذراندن امتحان ورودی است که از طرف دولت برگزار می‌گردد و تنها فارغ‌التحصیلان لیسه‌ها می‌توانند در آنها شرکت کنند. همچنین، یک امتحان مجزا نیز جهت اتباع خارجی که مایل به ادامه تحصیل در ترکیه هستند هر سال در ماه ژوئن بوسیله «مرکز سنجش و گزینش دانشجویان خارجی» در آنکارا برگزار میگردد. این امتحان بطور همزمان در شهرهای بغداد، اسلام‌آباد، خارطوم، دمشق، عمان و کوالالامپور نیز از داوطلبین بعمل می‌آید. سئوالات به زبان ترکی و انگلیسی است و از هر کشور حداکثر ۱۰٪ میتوانند پذیرفته شوند. افرادی که در این امتحان پذیرفته شوند، اما آشنایی کافی با زبان ترکی نداشته باشند، این امکان را دارند که در طی یکسال پس از ثبت نام در دانشگاه، این زبان را بیاموزند. برای این منظور، دوره‌های آموزش زبان ترکی جهت اتباع خارجی، بوسیله مرکز آموزش زبان ترکی، در دانشگاه آنکارا ارائه میگردد.

در سالهای ۸۸-۱۹۸۷، در مجموع ۳۲۲ مرکز آموزش عالی،^(۴) شامل ۲۸ دانشگاه،

کارآموزش ۵۰۳۶۲۳ دانشجوی را توسط ۲۷۱۹۶ استاد بر عهده داشته‌اند. دانشگاه‌های آنکارا، استانبول، مرمره، آتاتورک، از جمله قدیمترین و مهمترین دانشگاه‌های ترکیه محسوب می‌شوند. (دانشگاه‌های ترکیه در بخش ضمیمه‌ها معرفی شده‌اند).

۶-۳-۱-۵- تربیت معلم

در ترکیه کالج‌های تربیت معلم، به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: برخی موسسات تربیت معلم طی يك دوره ۲ ساله معلمین را جهت تدریس در مدارس ابتدایی تعلیم می‌دهند. موسسات تربیت معلم ۳ ساله آموزگاران را برای مدارس متوسطه آموزش میدهد و موسسات تربیت معلم ۴ ساله، کار تربیت معلمین برای تدریس در لیسه‌ها را به عهده دارند. دانشجویان کالج‌های تربیت معلم، در سطوح بالاتر دروس تخصصی را در مراکز دانشگاهی مقتضی و واحدهای روش تدریس را در مراکز تربیت معلم عالی می‌گذرانند.

۷-۳-۱-۵- آموزش بزرگسالان

از سال ۱۹۳۲، مراکزی با عنوان «اتاق مردم» یا «قرائتخانه» (reading room) در شهرها و برخی روستاها تاسیس گردید که مراکز زندگی اجتماعی فرهنگی و محل تشکیل کلاسهای شبانه می‌باشند. کتابخانه‌ها، سالنهای ملاقات و تسهیلات تفریحی و سرگرم کننده این مراکز برای استفاده همه مردم آزاد است. در شهرها همچنین، مدارس آموزشی شبانه‌ای وجود دارند که آموزشهای فنی را برای بزرگسالان ارائه می‌نمایند. علاوه براین، دوره‌های آموزشی مکاتبه‌ای یا سیار نیز برای نقاط دور دست وجود دارد.

۸-۳-۱-۵- مدارس مردم

بدنبال تحولاتی که، پس از استقرار جمهوری، در رسم الخط زبان ترکی بوجود آمد،^(۵) نیاز به مدارس جدیدی که بتوانند خواندن و نوشتن به سبک جدید را به بزرگسالان آموزش دهند احساس شد. لذا موسساتی تحت عنوان «مدارس مردم» یا «مدارس ملی» در سراسر ترکیه تأسیس گردید. در طول ماههای زمستان، این مدارس خواندن و نوشتن و برخی آموختنیهای عمومی دیگر را به مردان و زنان - بالای سنین مدرسه - تعلیم میدهند.

۹-۳-۱-۵- مدارس خارجی

در ترکیه در برخی شهرهای بزرگ مدارس نیز جهت اتباع خارجی وجود دارند. بطور مثال در آنکارا، مدرسه پاکستانیها (تا کلاس دهم) مدرسه آمریکاییها (تا سطح دیپلم) و مدرسه ایرانیان قابل ذکرند. در مدرسه ایرانیان، فرزندان اتباع ایرانی، پسران از ابتدایی تا دبیرستان و دختران از ابتدایی تا سطح راهنمایی آموزش می‌بینند.

۴-۱-۵- نظام آموزشی - سیستم اجرایی

از جهت اجرایی ترکیه به ۷۰ استان (ولایت) تقسیم شده است، در اداره هر استان بخشی نیز به آموزش اختصاص دارد. در هر استان، وزارت آموزش از طریق مقام آموزشی استان، یا یک نماینده دولتی، بر امور آموزشی نظارت دارد. هر استان خود از بخشهای کوچکتری تشکیل شده است (بنام Kazaz) که در هر یک از آنها، از سوی وزارت آموزش، یک اداره آموزش استقرار یافته و از سوی تشکیلات مرکزی آموزش، نظارت میشود. این مراکز دولتی، بخصوص در اداره امور مدارس ابتدایی، در قبال روسای هر بخش و همچنین مدیریت آموزشی استان مسئول می‌باشند. در هر استان، نمایندگان و اولیاء دولتی مسئول آموزش، در امر کنترل و نظارت بر دبیرستانهایی که در حوزه مسئولیت آنها قرار دارد، دارای قدرت انحصاری می‌باشند. ضمن آنکه کلیه دبیرستانها مستقیماً بوسیله بازرسی کل نیز مورد نظارت و بازرسی قرار می‌گیرند. دبیرستانها هر یک دارای یک مدیر و تعدادی معاون می‌باشند. (لازم به ذکر است که سیاست آموزشی کشور، در حالت کلی - بوسیله شورای آموزش، وابسته به وزارت آموزش ملی، تعیین می‌گردد.)

در زمینه آموزش عالی، در حال حاضر، کلیه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی وابسته به «شورای آموزش عالی» می‌باشند که در نوامبر سال ۱۹۸۱ تاسیس گردید. این شورا، با استقلال و اختیار عمل کافی، مسئولیت اداره فعالیتهای کلیه موسسات آموزش عالی را در کشور، برعهده دارد. شورای آموزش عالی تشکیل شده است از: هیات مدیره آموزش عالی، مرکز سنجش و گزینش دانشجوی، و دیگر واحدهای مربوط به هماهنگی، برنامه‌ریزی، پژوهش، توسعه، ارزیابی، بودجه و سرمایه‌گذاری در امر آموزش عالی. هدف این سازمان تربیت نیروی انسانی لازم به تناسب نیازمندیهای جامعه و براساس شیوه‌های آموزش و تعلیم و تربیت معاصر در جهان می‌باشد. در جدول زیر، سهم بودجه آموزش نسبت به بودجه ملی کشور ترکیه در چند مقطع زمانی مورد مقایسه قرار گرفته است.

ردیف	سال	بودجه عمومی (هزارلیره ترك)	بودجه آموزشی (هزارلیره ترك)	درصد
۱	۱۹۲۳	۱۰۹,۱۷۸	۳,۵۷۳	۳/۲
۲	۱۹۴۵	۲,۹۴۰,۷۲۷	۳۷۲,۳۵۸	۱۲/۶
۳	۱۹۶۵	۱۴,۴۲۱,۴۱۹	۲,۴۰۲,۶۶۴	۱۶/۶
۴	۱۹۸۵	۵,۴۱۲,۰۸۲,۰۴۹	۴۶۵,۹۸۲,۲۱۰	۸/۶
۵	۱۹۸۸	۲۰,۷۰۶,۹۰۳,۰۰۰	۱,۷۹۷,۳۷۲,۰۰۰	۸/۷

جدول شماره ۱۹: مقایسه سهم بودجه آموزشی از کل بودجه عمومی کشور ترکیه، طی سالهای منتخب. مأخذ: منبع شماره ۱۶

۵-۱-۵- آشنایی با محافل علمی و فرهنگی ترکیه

در این بخش، مهمترین کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سازمانهای علمی - فرهنگی ترکیه، اجمالاً، معرفی خواهند شد.^(۶)

۵-۱-۵-۱- معرفی کتابخانه‌های ترکیه

سابقه تأسیس کتابخانه در ترکیه به دوران امپراطوری «سلطان محمد فاتح» باز می‌گردد. در زمان این پادشاه عثمانی، برای نخستین بار در زمینه گردآوری کتب و تأسیس کتابخانه اقدامات مؤثری بعمل آمد. این حرکت فرهنگی بعدها توسط دیگر سلاطین عثمانی - مانند «سلطان بایزید دوم»، و «سلطان سلیم اول» - دنبال شد و در دوره جمهوری و بویژه در طی سالهای اخیر توسعه‌ای قابل ملاحظه یافت.

مهمترین کتابخانه‌های ترکیه، به ترتیب تعداد مجموعه کتب آنها، عبارتند از:

۱- کتابخانه ملی - آنکارا - با مجموعه‌ای مشتمل بر ۷۳۲۸۰۶ جلد کتاب و ۹۶۲۴ میکروفیلم تسهیلاتی را جهت تحقیقات علمی و هنری فراهم آورده است. این کتابخانه نشریات زیر را بصورت ماهنامه منتشر می‌کند: کتابخانه ملی ترکیه، فهرست مقالات جراید ترکیه، فهرست انتشارات دولتی ترکیه و تعدادی فهرست‌های دیگر در ارتباط با افراد مشهور، کاتالوگها و....

- ۲- کتابخانه دولتی بایزید- بایزید، استانبول- با ۵۰۰ هزار جلد کتاب به زبانهای مختلف. کتابخانه بایزید از جمله کتابخانه‌های پراهمیت ترکیه است که از ۱۱۱۱۹ نسخه خطی به زبانهای عربی، ترکی و فارسی محافظت می‌کند. نسخه‌ای از کلیه کتابهای داخل کشور نیز در این کتابخانه جای می‌گیرند. تعداد نشریات ادواری این مرکز قابل توجه است.
- ۳- کتابخانه دانشگاه فنی خاورمیانه - آنکارا- دارای ۳۴۲۹۳۷ جلد کتاب، این کتابخانه خلاصه‌ای از پایان نامه‌های تحصیلی را نیز منتشر می‌نماید.
- ۴- کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول- استانبول- با ۲۷۵ هزار جلد کتاب. انتشار کتابنامه «انتشارات دانشگاه استانبول» از جمله فعالیتهای کتابخانه مرکزی بشمار میرود. در دانشگاه استانبول هر دانشکده نیز کتابخانه‌ای تخصصی دارد.
- ۵- کتابخانه ملی از میر- از میر- با مجموعه کتبی در حدود ۲۶۰ هزار جلد کتاب: شامل: حدود ۲۱۹ هزار جلد به زبان ترکی، ۳۸ هزار جلد به زبانهای اروپایی و ۱۲ هزار سند عمدتاً به زبان ترکی.
- ۶- کتابخانه و مرکز اسناد مجلس ملی کبیر- آنکارا- با ۲۰۵ هزار جلد کتاب. مشتمل بر ۷۸۵۰۰ جلد به زبان ترکی، ۹۳۰۰۰ جلد به زبانهای اروپایی، هزار جلد به زبان عربی و فارسی، این کتابخانه فصلنامه‌ای نیز منتشر می‌نماید.
- ۷- کتابخانه دانشگاه بغاز (Bogazic)- با ۱۸۰ هزار جلد کتاب به زبان انگلیسی و دیگر زبانها و با مجموعه ویژه‌ای مشتمل بر ۲۷ هزار جلد کتاب در زمینه خاور نزدیک.
- ۸- مجموعه کتابخانه‌ها و موزه‌های شهرداری استانبول شامل ۳ کتابخانه و ۵ موزه. کتابخانه شهرداری- بایزید، استانبول، مشتمل بر ۱۵۵۴۱۲ جلد کتاب به زبانهای ترکی، عربی، فارسی و دیگر زبانها، با مجموعه‌ای ارزنده از جراید ترکیه از قرن نوزدهم (حاوی ۲۱۲۰۰ شماره).
- کتابخانه Gokay و F.k- استانبول، با ۷۵۰۰ جلد کتاب به زبانهای مختلف. کتابخانه آتاتورک- استانبول، این کتابخانه در حال شکل‌گیری است.
- ۹- کتابخانه انستیتو تحقیقات و اکتشافات معدنی- آنکارا- با ۱۲۴۳۸۱ جلد کتاب به زبانهای گوناگون و با فعالیت انتشاراتی، شامل: بولتن، مونوگرافی، گزارشات سالانه، نقشه‌ها (به زبان ترکی و انگلیسی).
- ۱۰- کتابخانه سلیمانیه (Suleymaniye) استانبول- با ۱۱۰۰۴۷ جلد کتاب به زبانهای ترکی،

- فارسی و عربی و ایغور (Uyghur). در این کتابخانه ۶۵۸۲۴ نسخه خطی وجود دارد.
- ۱۱ - کتابخانه دانشگاه آنکارا - کتابخانه مرکزی این دانشگاه حاوی ۵۰ هزار جلد کتاب می باشد. هریک از دانشکده ها و انستیتوهای این دانشگاه نیز دارای کتابخانه ای مجزا می باشند که در مجموع دارای ۷۵۰ هزار جلد کتاب است.
- ۱۲ - کتابخانه موسسه ترك شناسی - دانشگاه استانبول - با بیش از ۵۰ هزار جلد کتاب در ارتباط با زبان، ادبیات، تاریخ و فرهنگ ترکیه.
- ۱۳ - کتابخانه سلیمیه (Selimiye) - ادرنه - حاوی ۳۶۱۱۳ جلد کتاب به زبانهای مختلف.
- ۱۴ - کتابخانه عمومی - استانبول - با مجموعه ای ۳۳۹۸۰ جلدی.
- ۱۵ - کتابخانه عمومی استان بالکسیر - با ۲۹۹۷۰ جلد کتاب به زبانهای ترکی، عربی و انگلیسی و ۲۱۰۱ جلد به دیگر زبانها.
- ۱۶ - کتابخانه عمومی - آنکارا - با حدود ۳۰ هزار جلد کتاب: ۲۱ هزار جلد به زبان ترکی ۱۰۲۰۰ جلد به زبانهای اروپایی.
- ۱۷ - کتابخانه احمدپاشا - افیون - با ۳۰ هزار جلد کتاب.
- ۱۸ - کتابخانه دانشگاه فنی استانبول - کتابخانه مرکزی این دانشگاه ۲۸ هزار جلد کتاب را در اختیار دارد، مجموعه کتب کتابخانه های دانشکده های مختلف این دانشگاه نیز در حدود ۲۶ هزار جلد می شود.
- ۱۹ - کتابخانه مولوی - قونیه - حاوی ۲۰ هزار جلد کتاب و آثار خطی بسیار نفیس، مانند: قرآن کریم و مثنوی مولانا متعلق به عهد سلجوقی، دیوان شمس تبریزی (دیوان کبیر)، خمسه نظامی مکتوب عصر عثمانی، ... نسخه ای از این آثار نیز بصورت میکروفیلم در کتابخانه موجود است که در صورت نیاز ارائه میگردد.
- ۲۰ - کتابخانه های انجمن بریتانیا در استانبول با ۲۲۱۹۲ جلد کتاب و در آنکارا با ۱۷۱۴۴ جلد کتاب.
- ۲۱ - کتابخانه خلیل حمید پاشا (Halil Hamit Pasa) - اسپارتا (Isparta) - مشتمل بر ۲۰۲۰۰ جلد کتاب.
- ۲۲ - کتابخانه یوسف پاشا (Yusuf Pasa) - قونیه - با قدمتی هفتصد ساله و با حدود ۱۷ هزار جلد کتاب، که حدود ۵ هزار جلد آن خطی به زبانهای فارسی، ترکی و عربی است، قدیمترین نسخه های خطی مربوط است به ۳۵۰ تا ۵۸۰ ه.ق. از جمله: کتاب خطی مثنوی

مولانا مربوط به دوره سلجوقی، قرآن کریم به خط کوفی، قانون مسعودی از ابوریحان بیرونی....

۲۳ - کتابخانه موزه قصر توپکاپی - استانبول - از جمله کتابخانه‌های غنی ترکیه محسوب می‌شود که مشتمل بر ۱۸ هزار نسخه خطی است. در مجموعه این کتابخانه نمونه‌های با ارزشی از هنر خطاطی، تذهیب و مینیاتور وجود دارد که در نوع خود کم‌نظیر هستند. در این کتابخانه از نسخه‌های قدیمی و ارزنده‌ای از دیوان حافظ، شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، بوستان و گلستان سعدی نیز محافظت می‌شود.

از دیگر کتابخانه‌های ترکیه که مجموعه‌ای کمتر از ده هزار جلد کتاب را دارا می‌باشند، می‌توان کتابخانه‌های زیر را نام برد:

کتابخانه (Koprulu) - استانبول - (با حدود ۳ هزار جلد کتاب، ۱۹۳ جلد از این کتب چاپ دوره عثمانی و ۴۲ جلد آن کتابهای خطی و با قدمت هزار ساله می‌باشند)، کتابخانه دفاع ملی - آنکارا - کتابخانه محمدپاشا، کتابخانه نورعثمانی - استانبول - کتابخانه Tekeligli - آنتالیا - کتابخانه موسسه آموزش - آنکارا.....

تعداد کتابخانه‌های ترکیه^(۷) در فاصله سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ از ۶۳۲ واحد به ۸۵۲ واحد افزایش یافته است.^(۸) در حال حاضر در حدود ۱۷۰ کتابخانه عمومی در ترکیه موجود می‌باشد. نمودار شماره ۶ تعداد کتب و جمعیت تحت پوشش خدماتی کتابخانه‌های ترکیه در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ را نشان می‌دهد.

نکته دیگری که در زمینه کتابخانه‌های ترکیه قابل ذکر است، کاهش تعداد کتابخانه‌های کودکان در طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ است که از ۲۴۲ واحد به ۱۰۲ واحد تقلیل یافته است. (به همین ترتیب تعداد کتب و افراد مراجع آنها نیز کاهشی در حدود ۵۰٪ را نشان می‌دهد.)

۲-۵-۱-۵- آشنایی با موزه‌های ترکیه

۱- موزه آدانا، سال تأسیس ۱۹۲۶، شامل دپارتمانهای باستانشناسی، قوم‌شناسی، کتابخانه، آزمایشگاه. در این موزه بیش از ۱۰۷۰۰۰ فقره اشیاء باستانی از دوره نوسنگی تا عهد روم و بیزانس نگهداری میشود. همچنین موزه دارای مجسمه منحصر بفردی از یک خدای ساخته شده از کریستال طبیعی است که متعلق به تمدن امپراطوری هیتیان می‌باشد.



نمودار شماره ۶: مقایسه تعداد کتب و جمعیت تحت پوشش خدماتی کتابخانه‌های ترکیه در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ میلادی.

مآخذ منبع شماره ۱۰

۲- موزه آماسیا. سال تأسیس ۱۹۲۶، شامل یافته‌های باستانشناسی از اوایل دوره برنز تا عهد عثمانی. این موزه در سال ۱۹۶۱، به مسجد/مدرسه Gok Meduse انتقال یافت.

۳- موزه‌های شهر آنکارا:

الف - موزه تمدنهای آناتولی، سال تأسیس ۱۹۲۱، در این موزه آثاری از عصر حجر، نوسنگی، دوره برنز، تمدن هیتیان و برخی تمدنهای کهن دیگر گردآوری شده‌است. بخش

ویژه‌ای نیز به نمایش سکه‌ها و آثاری به خط میخی اختصاص یافته است. موزه دارای کتابخانه‌ای با ۶۴۳۰ جلد کتاب بوده و نشریه‌ای بنام "نشریه موزه تمدنهای آناتولی" را بطور نامنظم منتشر می‌نماید.

ب - موزه جنگهای استقلال ترکیه و جمهوری ترکیه، سال تأسیس ۱۹۶۱، با عنوان موزه مجلس ملی کبیر. اولین اجلاس پارلمانی در سال ۱۹۲۰ در ساختمان این موزه برگزار شد، اعلام حکومت جمهوری نیز در این محل صورت گرفت. با انتقال مجلس به محل جدید، این مکان به صورت موزه افتتاح گردید. در این موزه، اسناد و مدارک جنگ استقلال، عکسها و اسناد و دیگر اشیاء و مدارک مربوط به توسعه اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی جمهوری ترکیه جمع‌آوری شده و به نمایش درآمده است. موزه دارای کتابخانه‌ای مشتمل بر ۶ هزار جلد کتاب و ۲۰ هزار سند می‌باشد.

ج - موزه و آرامگاه آتاتورک، سال تأسیس ۱۹۵۳، در این موزه دارائیهای نظامی، اسناد و مدارک، مدالها، آلبومها... مصطفی کمال (آتاتورک) گردآوری شده است. این موزه کتابخانه‌ای مشتمل بر ۳۱۱۳ جلد کتاب را دارا است.

د - موزه قوم‌شناسی، سال تأسیس ۱۹۳۰، حاوی نمونه‌هایی از هنر اسلامی و ترک، سکه‌شناسی اسلامی... با کتابخانه‌ای شامل ۶۲۴۵ جلد کتاب.

ه - موزه گوردیون (Gordion) سال تأسیس ۱۹۶۵، شامل یافته‌های باستانشناسی در طی فعالیتهای اکتشافی در منطقه گوردیون می‌باشد (این محل در حال حاضر Yassihoyuk خوانده میشود).

و - موزه تاریخ طبیعی ترکیه، سال تأسیس ۱۹۶۸، موزه ایست در کنار انستیتو تحقیقات و مطالعات معدنی.

۴ - موزه آنتالیا، سال تأسیس ۱۹۲۰، این موزه شامل بخشهای قبل از تاریخ، باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، نژادشناسی، بخش کودکان و کتابخانه‌ای با ۶۵۰۰ جلد کتاب می‌باشد.

۵ - موزه آیدین (Aydin museum) سال تأسیس ۱۹۵۹، آثار باستان‌شناسی قوم‌شناسی و سکه‌های تاریخی در این موزه به نمایش گذارده شده‌اند.

۶ - موزه‌های شهر استانبول:

الف - موزه ایاصوفیه، سال تأسیس ۱۹۳۴، این موزه در زمان امپراطوری بیزانس در سال

۵۳۷ بعد از میلاد بنا گردید و تا سال ۱۴۵۳ میلادی کلیسای «ساتتاصوفیا» (St. Sophia) نام داشت و پس از فتح شهر قسطنطنیه (استانبول) به دست عثمانها، به مسجد ایاصوفیه، تبدیل گردید، و در سال ۱۹۳۵ بصورت موزه‌ای دولتی در آمد، که آثار باستانی دوره بیزانس را به نمایش میگذارد. این موزه دارای نشریه‌ای سالانه بنام «ساتتاصوفیا» می باشد.

ب - موزه قصر توپکاپی، این قصر در زمان سلطان محمد دوم پادشاه عثمانی بنا گردید و در حال حاضر، مجموعه‌ای از جواهرات، پارچه‌ها، لباسها، ظروف شیشه‌ای و چینی و مسی، اشیاء نقره‌ای و نفیس، نقاشی‌ها، مینیاتورها، تذهیب‌ها، کالسکه‌های سلطنتی، مجسمه‌ها، ساعتها، خیمه‌ها و ... متعلق به سلاطین عثمانی در آن گردآوری شده است. موزه‌دارای آرشیوی با حدود ۲۳ هزار سند می باشد.

ج - موزه نیروی دریایی استانبول، سال تاسیس ۱۸۹۷، این موزه نمایشی از زرادخانه استانبول در زمان امپراطوری عثمانی است با مجموعه مهمی از طرحها و نقشه‌ها، قایقهای تاریخی، اژدها و زیردریائیها، لباسها، مدالها، رولورها، کارهای چوبی تزئینی... موزه نیروی دریایی استانبول دارای کتابخانه‌ای با ۱۳ هزار جلد کتاب می باشد.

د - موزه نظامی ترکیه، تاسیس ۱۷۲۶ میلادی، مشتمل بر یونیفورمهای نظامی، سلاحها و غنائم جنگی از دورترین زمانها، و کتابخانه‌ای با ۱۲ هزار جلد کتاب.

ه - موزه هنرهای اسلامی و ترکی، تاسیس ۱۹۱۴، شامل: نمایشگاهها، دپارتمانهای آموزشی و تحقیقاتی، مجموعه با ارزشی از قالیهای ترکی و اسلامی، تذهیب، مجسمه‌های سنگی و گچی، حجاریهای چوبی، اشیاء فلزی و سفالی، صنایع دستی سنتی و قومی، مجسمه‌های گردآوری شده از معابد و مساجد ترکیه، این موزه دارای کتابخانه‌ای با ۳۲۷۹ جلد کتاب است.

و - موزه پیکرتراشی و نقاشی، تاسیس ۱۹۳۷، شامل نقاشیها و پیکرتراشیهای ترکیه در قرون نوزدهم و بیستم.

ز - موزه باستانشناسی استانبول، تاسیس ۱۸۹۱، مشتمل بر، موزه‌های باستانشناسی سفالهای ترکیه و موزه‌های آسیای باستان، با آثار هنری سومری، اکدی، هیتیان، رومی، بیزانسی، و بر رویهم حدود یک میلیون اثر دیدنی، با کتابخانه‌ای شامل ۸۰ هزار جلد کتاب و نشریه سالانه.

ح - موزه تنظیمات، موزه‌ای در ارتباط با تحولات فرهنگی - اجتماعی دوره تنظیمات که

از سال ۱۸۳۹ در ترکیه رخ داد.

ط - موزه آذین (Asiyan museum)، در کنار دانشگاه بسفر، محل شعراء و هنرمندان ترک.

۷ - موزه باستانشناسی از میر، سال تاسیس ۱۹۲۷، شامل آثار دوره‌های باستانی

کلاسیک و هلنی....

۸ - موزه باستانشناسی اسکی شهر (Eskishehir)، سال تاسیس ۱۹۳۵، در این موزه آثاری

از ماقبل تاریخ (اشیاء سنگی، استخوانی، سفالینه‌ها، بتها...) گردآوری شده است. دیوارهای

این موزه بوسیله موزائیکهای رومی قدیمی که طی اکتشاف از ناحیه Doryleum بدست آمده

پوشیده گردیده است.

۹ - موزه افسوس (Ephesus)، از میر، سال تاسیس ۱۹۲۹، این موزه مجموعه‌ای از آثار

هنری - غالباً مجسمه و هنرهای تجسمی - کشف شده از منطقه «افسوس» را به نمایش

گذارده است. موزه دارای کتابخانه‌ای مشتمل بر ۲۱۰۰ جلد کتاب می‌باشد و نشریه‌ای

سالانه بنام «Epes muzesi yillgi» را منتشر می‌نماید.

۱۰ - موزه باستانشناسی بوسا، سال تاسیس ۱۹۰۴، شامل اکتشافات و یافته‌های

باستانشناسی در اطراف شهرهای بوسا، بالکسیر (Balikesir) و بیلک (Bilecik) (شامل

سکه‌ها، اشیا دوران ماقبل تاریخ، سنگها، سفالها، شیشه‌ها، آثار فلزی و هنری) می‌باشد.

این موزه دارای کتابخانه‌ای است مشتمل بر ۴۴۱۹ جلد کتاب.

۱۱ - موزه هنرهای اسلامی و ترکی بوسا، سال تاسیس ۱۹۷۵، در این موزه اشیا و

اطلاعات قرن دوازدهم تا اواخر دوره عثمانی جمع‌آوری شده و نمونه‌هایی از دستخطها،

لباسها، سنگ قبرها، آثار چوبی و فلزی و سفالینه‌های این دوره به تماشاگذارده شده است.

۱۲ - موزه بودرم (Bodrum museum) سال تاسیس ۱۹۶۴، این موزه که در محل قصر

«بودرم» - ساخته شده در قرن پانزدهم - واقع است، عمدتاً اشیا باستانی یافته شده در

اعماق دریاها را به نمایش می‌گذارد. در این موزه ۸ کشتی باستانی نیز نگهداری میشود.

۱۳ - موزه پرگامون (Pergamon museum)، برگاما، حاوی آثار تاریخی بدست آمده از

فعالتهای اکتشافی در پرگامون.

۱۴ - موزه تروا، واقع در مدخل ویرانه‌های شهر باستانی تروا در کاناکاله (Canakkale)

موزه کوچکی است با مجموعه‌ای از شعر، مجسمه، پیکرهای کوچک سفالی و اشیا

شیشه‌ای.

- ۱۵ - موزه حتای (Hatay) سال تاسیس ۱۹۳۴، با مجموعه‌ای از موزائیکهای رومی و همچنین یافته‌های باستانی اطراف حتای.
- ۱۶ - موزه Side، آنتالیا، سال تاسیس ۱۹۶۲، موزه در محل يك حمام قدیمی رومی مستقر می‌باشد و شامل پیکره‌ها و مجسمه‌های نیم تنه خدایان رومی و الهه‌ها و امپراطوران است. این موزه کتابخانه‌ای با ۱۹۸۵ جلد کتاب را نیز دارا است.
- ۱۷ - موزه‌های قونیه (Konya)
- الف - موزه مولانا، درکنار آرامگاه مولانا، حاوی مجموعه‌ای از برخی وسایل شخصی مولانا، شمس تبریزی و پیروان آنان، خوشنویسیها و قرآنهای قدیمی، همچنین مجموعه‌ای از لباسها، فرشها، اشیاء و سکه‌های دوره حاکمیت ترکان سلجوقی و عثمانی.
- ب - موزه کلاسیک، شامل مجموعه‌هایی از یادواره‌های دوران نوسنگی، اوائل عصر برنز، تمدن هیتیان، یونان، روم و بیزانس.
- ج - موزه سفالینه‌های ترکیه، یافته شده در مدرسه Karatay، شامل سفالهای قرون ۱۳ تا ۱۸ میلادی.
- د - موزه سلجوق - شامل اشیاء چوبی و سنگی دوره سلجوقی که در Ince minare یافت شده است.
- ه - مدرسه سیرکالی (Sircali)، سنگ قبرها، کتیبه‌ها و مجموعه‌ای از آثار دوران سلجوقی و عثمانی را در خود گردآورده است.
- و - موزه آتاتورک، با مجموعه‌ای از اسناد و اشیاء مربوط به آتاتورک. همچنین نمایی از لباسهای مردم قونیه و برخی اشیاء مربوط به قوم‌شناسی.
- ۱۸ - موزه وان (Van) سال تاسیس ۱۹۴۷، یافته‌های باستانشناختی بدست آمده از تمدن اورارتا (Urarta) در این موزه به نمایش درآمده است.

۳-۵-۱-۵- آشنایی با سازمانهای علمی و فرهنگی (۹)

به هنگام آشنایی با اوضاع فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، آگاهی از چگونگیهای حضور و فعالیت مراکز فرهنگی و علمی، چه به لحاظ کمی و چه کیفی، از شاخصهای حائز اهمیت بشمار می‌روند. بر این اساس به کنکاشی دیگر در جامعه ترکیه پرداخته و با بخشی از مراکز مزبور آشنا می‌شویم.

الف - مؤسسات تحقیقات فرهنگی و اجتماعی

از میان مجموعه اینگونه مراکز، سازمانهای زیر قابل ذکرند:

۱ - مرکز تحقیقات فرهنگی، هنری و تاریخی اسلامی - استانبول، سال تأسیس ۱۹۸۱ - این مرکز وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی است و در فعالیتهای خود تحقق سه هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست، تحکیم پیوندهای فرهنگی و تاریخی میان ملت‌های مسلمان؛ دوم، مطالعه و تفحص در زمینه تاریخ و فرهنگ و هنر اسلامی؛ و سوم، حمایت از دانشمندان اسلامی جهت تبیین نقش و تأثیر تمدن اسلامی در تکوین تمدن جهانی. دعوت از صاحب‌نظران و تشکیل سمینارها و نمایشگاه‌های بین‌المللی از جمله اقدامات قابل ملاحظه این مرکز محسوب می‌شود. این مؤسسه مطالعاتی دارای کتابخانه مجهزی با حدود ۲۲ هزار جلد کتاب است، و حاصل بررسیهای خود را بصورت کتاب یا سند منتشر می‌کند. یک بولتن خبری به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی و عربی نیز از سوی این مرکز به چاپ می‌رسد.

۲ - مؤسسه عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک - آنکارا، ۱۹۸۳ - این مؤسسه در حقیقت از بهم پیوستن «مرکز فرهنگی آتاتورک»، «مؤسسه زبان ترک»، «مؤسسه تاریخ ترک» و «مرکز تحقیقات آتاتورک» بوجود آمد. مطالعه و تحقیق در زمینه آتاتورکیسم - عقاید و عملکردهای آتاتورک - و بررسی در فرهنگ، زبان و تاریخ ترک از اهداف اصلی این مرکز می‌باشند. «مرکز فرهنگی آتاتورک» که مقر آن در شهر استانبول قرار دارد، در زمینه هنرهای تجسمی، موسیقی و امور نمایشگاهها فعالیت داشته و دارای تشکیلات گسترده‌ای است.

«مؤسسه زبان ترک»، به بررسی زبان ترکی - اصلاح لغات، دستور زبان، ... - و مطالعه ارتباط زبان ترکی با سایر زبانها می‌پردازد. این مؤسسه در سال ۱۹۳۴ در آنکارا تأسیس شد و در حال حاضر دارای کتابخانه‌ای با امکانات بالای اطلاع‌رسانی است که در اختیار پژوهشگران قرار دارد. ماهنامه «زبان ترک» و بولتن «بررسیهای زبان ترکی» از انتشارات ادواری این مرکز هستند. چاپ و نشر کتاب در زمینه زبان و ادبیات ترک نیز از دیگر فعالیتهای این مؤسسه است.

«مؤسسه تاریخ ترک»، با هدف بررسی تاریخ ترکیه و تعیین نقش ترکها در تمدن جهانی در سال ۱۹۲۵، با نام «انجمن تاریخ ترک» تأسیس گردید، و در حال حاضر با پی‌گیری این هدف، سالانه سمینارهای داخلی و خارجی متعددی را سازماندهی می‌کند. این مؤسسه

دارای کتابخانه‌ای مجهز است و دو نشریه ادواری به نامهای «بولتن» (هر سه ماه یکبار) و «اسناد» (هر شش ماه یکبار) منتشر می‌نماید. مؤسسه تاریخ ترک در آنکارا واقع است.

۳- اداره بررسیهای فولکلور ملی - آنکارا، ۱۹۶۶ - هدف اصلی در مجموعه فعالیتهای این اداره، از یکسو بررسی در زمینه هنر و ادبیات، عرف و عادات و اعتقادات ملی مردم ترکیه، و از سوی دیگر برقراری یک آرشیو ملی هنری است. (این آرشیو در حال حاضر در مرکز فرهنگی آتاتورک مستقر می‌باشد.) این اداره بررسیهای فولکلوریک خود را تاکنون در ۵۵ شهر کشور ترکیه به انجام رسانده و مطالعه در سراسر کشور را در برنامه آتی خود دارد. تا پایان سال ۱۹۸۹، حاصل بررسیهای این مرکز در ۱۱۰ جلد کتاب به انتشار رسیده است و ۴۳۹۵۴ سند نیز برای آرشیو ملی هنر آماده شده است. اداره بررسیهای فولکلور ملی، وابسته به وزارت آموزش ملی است و دارای کتابخانه‌ای اختصاصی و نشریه‌ای ادواری می‌باشد.

۴- مؤسسه بررسیهای فرهنگ ترک - آنکارا، ۱۹۶۱ - این مرکز بررسی در زمینه ویژگیهای نژادی ترکها، فرهنگ عامه ترک، لهجه‌های زبان ترک،... همچنین وضعیت سیاسی، اقتصادی، دینی، تاریخی، قومی، پراکندگی جغرافیایی... ترکها در گذشته و حال را در حوزه مطالعاتی خود جای داده است. این مؤسسه دارای کتابخانه نسبتاً مجهزی است و نتایج تحقیقات خود را در قالب انتشارات متنوعی در اختیار مردم قرار می‌دهد: از جمله مجله ماهانه «فرهنگ ترک» و نشریه «بررسیهای فرهنگ ترک»

۵- مرکز تحقیقات مولوی - قونیه - این مرکز در زمینه مولوی‌شناسی - شناخت آثار و احوال مولانا و پیروان وی مطالعه و تحقیق می‌نماید و دارای کتابخانه‌ای تخصصی است.

۶- مؤسسه تحقیقات شرق‌شناسی - استانبول، ۱۹۳۸ - این مؤسسه وابسته به دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول است و هدف از تأسیس آن، بررسی در عرصه فرهنگ و ادب مشرق زمین است. نشریه‌ای بنام «شرقیات» یافته‌های حاصل از مطالعات این مرکز را در اختیار عموم قرار می‌دهد.

۷- مؤسسه ترکیات (Turkiyat Institute) - این مؤسسه که امروز به نام «مرکز بررسیهای ترک‌شناسی» معروف است، در سال ۱۹۲۴ تأسیس گردید و مهمترین هدف آن بررسی زبان و ادب و فولکلور ترکی است. ترتیب اجتماعات متعدد از ترک‌شناسان در سطح ملی و بین‌المللی از جمله فعالیتهای قابل توجه این مؤسسه است. مؤسسه ترکیات دارای کتابخانه

مجهزی است و نشریه ادواری منتشره از سوی آن، مرجع مطالعاتی پراهمیتی بشمار می آید.
 ۸- مؤسسه دولتی آمار - آنکارا، ۱۹۱۸ - این سازمان اولین مؤسسه آماری ترکیه است که در عصر عثمانی تأسیس شده و امروز در قالب یکی از مراکز تحقیقاتی این کشور فعالیت می کند. تهیه آمار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ تحلیل و انتشار نهایی آنها بر عهده این مرکز است. کتابخانه مجهز این مؤسسه اطلاعات آماری مورد نیاز را در اختیار پژوهشگران قرار می دهد.

۹ - مدیریت کل آرشیوهای دولتی - ۱۹۸۴ - این اداره کل که به نخست وزیری وابسته است دارای سه بخش متمایز می باشد: بخش آرشیو عثمانی (در استانبول)، بخش آرشیو جمهوری (در آنکارا)، و مرکز اسناد (در آنکارا) این اداره کل کلیه فعالیتهای مربوط به آرشیو اسناد و مدارک دولتی پرارزش را - مانند تهیه و تنظیم، حفظ و نگهداری، ارائه، ... - بر عهده دارد.

۱۰ - سازمان طرح و برنامه ریزی دولت - آنکارا، ۱۹۶۱ - بررسی و تعیین خط مشی دولت در ارتباط با سرمایه گزاریهای داخلی و خارجی و فراهم کردن زمینه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - کوتاه مدت و بلندمدت - از جمله اهداف مهم فعالیتهای این سازمان است.

* * *

علاوه بر مراکز یاد شده، سازمانهای زیر نیز بررسی در عرصه های فرهنگی و اجتماعی را در کانون فعالیتهای خود دارند: مؤسسه هنر آنکارا (سال تأسیس ۱۹۶۳)، تأثر هنر آنکارا (۱۹۶۳)، صحنه معاصر (آنکارا)، خانه هنر (آنکارا، ۱۹۸۲)، جشنواره فیلم پرتقال طلایی (آنتالیا، ۱۹۶۴)، مؤسسه بررسیهای فولکلور (آنکارا، ۱۹۵۵)، کنسرواتوارهای دولتی (آنکارا، استانبول، از میر)، کنسرواتوار شهرداری (استانبول، ۱۹۱۷)، ارکستر سمفونیک ریاست جمهوری (آنکارا، ۱۸۲۶)، گروه تحقیق و معرفی موسیقی ترک (استانبول)، شاخه آسیای صغیر بازیهای کودک (استانبول، ۱۹۷۳)، شورای آموزش (آنکارا، ۱۹۲۰)، اداره کل مطبوعات و انتشارات و اطلاعات (آنکارا)، مؤسسه باستانشناسی ترک (استانبول، ۱۹۳۴ - همچنین مؤسسه باستانشناسی و تاریخ هلند در استانبول، مؤسسه باستانشناسی آلمانی در استانبول، و مؤسسه بریتانیایی باستانشناسی آنکارا)، مؤسسه یحیی کمال (استانبول).
 بعلاوه موقوفه های: ادبیات ترک، انصار (۱۹۷۹)، تمدن اسلامی (۱۹۷۴)، بررسی دنیای

ترک، آموزش ترک (۱۹۶۷) در استانبول و موقوفه‌های فرهنگ ملی ترکیه (۱۹۶۹)، و امور دینی ترکیه، در آنکارا.

ب - مؤسسات تحقیقات علمی (علوم محض و کاربردی)

بخشی از اینگونه سازمانها عبارتند از:

مرکز آموزش و تحقیقات هسته‌ای (آنکارا، سال تأسیس ۱۹۶۳)، سازمان انرژی اتمی (آنکارا، ۱۹۵۶)، مؤسسه بررسیهای علمی و فنی ترکیه (آنکارا، ۱۹۶۳)، مرکز بازدهی ملی (آنکارا، ۱۹۵۳)، مرکز بررسیهای شرکت نفت ترکیه (آنکارا، ۱۹۷۴)، مؤسسه استاندارد ترک (آنکارا، ۱۹۵۴)، مدیریت تحقیق پتروشیمی (آنکارا، ۱۹۶۹)، ایستگاه تحقیقاتی کنترل زیست منطقه (آنتالیا، ۱۹۶۸)، مؤسسه بهداشت و سلامت کودکان (آنکارا)، سازمان تحقیق و مبارزه با سرطان (آنکارا)، مؤسسه بررسی چای (رایز، ۱۹۲۴)، مؤسسه تحقیقاتی جنگلداری (آنکارا، ۱۹۵۲)، اداره تحقیقات سازمان برق ترکیه (آنکارا، ۱۹۷۴)، مؤسسه جغرافیای ترک (آنکارا، ۱۹۴۲)، مؤسسه تحقیقات زلزله (آنکارا، ۱۹۶۹)، مؤسسه اقتصاد ترکیه (آنکارا، ۱۹۲۰)، مؤسسه تحقیقات و آموزش چرمسازی (استانبول، ۱۹۷۴)، اداره کل بررسیهای معدن (آنکارا، ۱۹۳۵)، رصدخانه دانشگاه استانبول (۱۹۳۵)، مؤسسه مطالعات جمعیتی (آنکارا، ۱۹۶۷)، مؤسسه روابط بین‌الملل (آنکارا، ۱۹۵۲)، مؤسسه تحقیقات اجتماعی و اقتصادی ترکیه (استانبول، ۱۹۷۷)،...

۴-۵-۱-۵- معرفی مجامع علمی و فرهنگی

از مجموعه مجامع مذکور که عمدتاً در استانبول و آنکارا مستقر می‌باشند، موارد زیر را

می‌توان برشمرد:

استانبول:

انجمن قلم ترکیه،	جامعه جراحی ترکیه،	انجمن شیمی ترکیه،
انجمن بریتانیا،	میکروبیولوژی شناسی ترکیه،	جامعه الکترو رادیوگرافی ترکیه
جامعه فلسفه نوین،	ارتوپدی و آسیب‌شناسی ترکیه،	جامعه پزشکی ترکیه،
مرکز آموزش ایتالیایی در ترکیه،	ریاضیات محض و کاربردی در ترکیه،	انجمن تاریخ پزشکی ترکیه،
انجمن عکاسان و سینماگران،	انجمن ترک،	انجمن کاریکاتوررستها،...

آنکارا:

انستیتو زبان ترکی، انجمن زمین‌شناسی ترکیه، انجمن فولکلور ترکی، انجمن آموزش ترک
 جامعه کتابداران ترکیه، جامعه حقوقی ترکیه، انجمن فرهنگی زنان ترک، اتحادیه نویسندگان ترک
 انجمن تاریخ ترکیه، شورای آموزش عالی،... انجمن فرهنگ عامه، انجمن هنر،...

۲-۵- وسایل ارتباط جمعی

۱-۲-۵- نشریات و مطبوعات

۱-۱-۲-۵- تاریخیچه / معرفی روزنامه‌های پرتیراژ

نخستین روزنامه ترکیه در سال ۱۷۹۵ میلادی با نام «Bulletin des Nouvelles» به زبان فرانسه منتشر شد که انتشار آن چندان دوام نیافت. در همین زمان روزنامه دیگری با نام «اورینتال» (Oriental) که آنهم به زبان فرانسه بود، در از میر چاپ می‌شد که می‌توان آنرا نخستین روزنامه غیررسمی ترکیه محسوب نمود.

اولین روزنامه‌ای که به زبان ترکی در این کشور منتشر شد «تقویم وقایع» (Takvim - i Vakai) نام داشت که در سال ۱۸۳۱ مقارن با حکومت سلطان محمود دوم در استانبول انتشار یافت. «تقویم وقایع» تا مدت‌ها روزنامه رسمی کشور بود و بعد از انحلال امپراطوری عثمانی و تشکیل دولت جمهوری، مجلس بزرگ ترکیه مسئولیت چاپ و نشر این روزنامه را که به روزنامه رسمی (Resmi Gazete) تغییر نام داده بود بر عهده گرفت.

صدور فرمان تنظیمات در سال ۱۸۳۹ منجر به چاپ نخستین روزنامه غیررسمی به زبان ترکی به نام «جریده حوادث» (Ceride - i - Havadis) گردید. این روزنامه توسط یک بازرگان انگلیسی مقیم ترکیه به نام ویلیام چرچیل (William Chrchil) دایر شده و به پایگاهی برای جذب روزنامه‌نگاران آگاه و باذوق، که بعدها پست‌های مهم و حساس دولتی را اشغال کردند، تبدیل گردید. در فاصله زمانی ما بین سالهای ۱۸۳۹ تا ۱۹۲۳ (تاریخ اعلام جمهوری) روزنامه‌ها و مجلات فراوانی در ترکیه منتشر می‌شد که از نظر محتوی و خط‌مشی می‌توان آنها را به دو گروه طبقه‌بندی کرد:

یکم - روزنامه‌ها و مجلاتی که به توسعه و ترویج افکار و آراء اسلامی و ملی‌گرایانه می‌پرداختند. از مهمترین این گروه نشریات می‌توان از دو نشریه «صراط مستقیم» و «سبیل الرشاد» نام برد که مروج افکار و آراء اسلامی بودند. این گروه از نشریات علیرغم لغو

سانسور مطبوعات در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸ (که به عنوان روز مطبوعات جشن گرفته می شود)، گاه گاهی دچار تعطیل و توقیف و سانسور می شدند.

دوم - روزنامه ها و مجلاتی که طرفدار ایجاد اصلاحات اساسی در نظام و روشها و سنتهای امپراطوری عثمانی و خواستار توسعه جریان غربگرایی در ترکیه بودند. به عنوان نمونه میتوان به نشریه «میزان» و «مرادبی» (یا مرادبک) اشاره کرد.

پس از خاتمه جنگ جهانی اول و اعلام جمهوری در ترکیه، بدستور آتاتورک روزنامه های «اراده ملت» (ارگان نهضت مقاومت ملی) و «حاکمیت ملی» منتشر گردیدند. در همین زمان تغییر القباء و خط از عربی به لاتین، انتشار روزنامه را با مشکلاتی مواجه کرده و تا مدتها روزنامه ها با هر دو القباء به چاپ می رسیدند تا مردم بتدریج با القبای جدید آشنا شدند. در سال ۱۹۴۳ به کوشش «نجیب فاضل» شاعر برجسته ترک و با همکاری گروهی دیگر از مسلمانان روشنفکر «نشریه شرق بزرگ» (Buyur Dogu) منتشر شد که با استقبال مسلمانان ترکیه مواجه گردید. از جمله عوامل موفقیت این نشریه، تاثیر و نقش دیگر روزنامه اسلامی با نام «امروز» (Bugun) بر توده مسلمانان ترکیه بود. (صاحب امتیاز این روزنامه «محمد شوکت ایگ» فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی و صاحب چاپخانه «بدر» بود که فقط در زمینه انتشار متون کهن اسلامی فعالیت می کرد. روزنامه «امروز» در میان مسلمانان ترکیه با استقبال فراوان مواجه گردیده و تیراژ آن روزانه به ۱۰۰۰۰۰ نسخه می رسید.)

در دهه ۶۰ مهمترین حادثه در تاریخ مطبوعات ترکیه تاسیس و انتشار ماهنامه «رستاخیز» (Dirilis) توسط شاعر معروف «سزایی قاقوچ» بود. در دهه ۷۰ نیز دو روزنامه اسلامی «عصر جدید» (Yeni Devri) و «روزنامه ملی» شروع به فعالیت نمودند. باید توجه داشت که علیرغم موفقیت نسبی روزنامه ها و مجلات اسلامی در ترکیه، این روزنامه ها در مقایسه با روزنامه های غربگرا از تیراژ پائین تری برخوردارند به طوریکه بر اساس آمار سال ۱۹۸۵ از کل تیراژ روزانه ۲/۷۹۰/۰۰۰ روزنامه منتشره، تیراژ روزنامه های اسلامی یک میلیون نسخه بوده است. در حال حاضر در میان موسسات مطبوعاتی این کشور رقابت شدیدی جریان دارد، بسیاری از روزنامه ها برای جذب هر چه بیشتر خوانندگان از روشهای گوناگونی مانند برگزاری مسابقات، براه انداختن لاتاری و بخت آزمایی و تقسیم جوایز میان خوانندگان استفاده می کنند. علاوه بر این تمامی روزنامه های مهم دارای تعدادی صفحات رنگی هستند که در روزنامه های غیراسلامی عمدتاً به چاپ تصاویر غیراخلاقی اختصاص

می‌یابد. در این میان انتشارات اسلامی بدلیل عدم استفاده از اینگونه روشها و نامشروع دانستن آنها نتوانسته‌اند در جذب خوانندگان همپای دیگر روزنامه‌ها پیش روند. از دیگر دلایل عدم موفقیت نشریات اسلامی عدم هماهنگی با تکنولوژی مدرن و بهره جستن از تکنیکهای قدیمی چاپ و نشر است.

در حال حاضر تعداد زیادی روزنامه و مجله در ترکیه بصورت روزانه، هفتگی و ماهانه منتشر میشود که رقم آنها به حدود ۱۱۰۰ عنوان میرسد. این نشریات غالباً از تکنیک‌های جدید و پیشرفته چاپ استفاده می‌کنند.

قدیمترین روزنامه ترکیه «جمهوریت» با ۶۰ سال سابقه انتشاراتی است و پس از آن «حریت» و «ملیت» بیشترین سابقه را دارا می‌باشند. در ترکیه اختلاف قابل توجهی میان روزنامه‌های پرتیراژ و کم‌تیراژ به چشم می‌خورد.

ردیف	نام روزنامه	تیراژ	زمان انتشار	سابقه انتشار
۱	حریت	۶۲۰۵۷۹	صبح	۳۶ سال
۲	گون آیدین	۴۱۶۱۰۱	صبح	۱۶ سال
۳	ترجمان	۳۳۳۰۱۸	عصر	۲۳ سال
۴	گونش	۲۶۹۰۳۹	صبح	۱۷ سال
۵	بلوار	۲۵۵۹۳۵	عصر	۳ سال
۶	ملیت	۲۴۷۵۷۹	عصر	۳۴ سال
۷	جمهوریت	۸۵۱۶۱	صبح	۶۰ سال
۸	ینی‌عصیر	۸۳۱۶۷	صبح	—
۹	ملی‌گازته	۳۸۰۸۷	صبح	۱۲ سال

جدول شماره ۲۰: روزنامه‌های پرسابقه و پرتیراژ ترکیه. ۱۹۸۶ میلادی

مأخذ: منبع شماره ۲۷

براساس مطالعه کلوپ کتاب جمهوریت در ترکیه در سال ۱۹۸۶ تقریباً تمامی روزنامه‌های چاپ استانبول در همان روز در آنکارا و ازمیر هم توزیع می‌شوند. بعضی از این روزنامه‌ها در آدانا هم توزیع می‌شوند. با نفوذترین و تواناترین روزنامه‌ها «ملیت» و «جمهوریت» می‌باشند و پرخواننده‌ترین روزنامه‌ها،

روزنامه‌هایی هستند که در استانبول توزیع می‌گردند. (حریت، ملیت، ترجمان، سون حوادث، گونایدین، گونش). روزنامه ینی عصیر (Yeni asir) که در ازمیر منتشر می‌شود پرفروشترین روزنامه در ناحیه اژه است.

لازم به ذکر است که روزنامه «صبح» نیز از جمله روزنامه‌هایی است که در طی سالهای اخیر به انتشار رسیده و خوانندگان بسیاری را به خود جذب کرده است.

۲-۱-۲-۵- نشریات ادواری

در ترکیه نشریات ادواری متعددی در زمینه موضوعات مختلف به چاپ می‌رسد. جدول شماره ۲۱ نشان دهنده تعدادی از این نشریات طی سالهای ۱۹۸۸، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، براساس موضوع است.

تعداد در سالهای:			موضوعات	ردیف
۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۸		
۳۰۳۳	۲۶۱۴	۲۸۷۳	کل نشریات ادواری	
۱۸۰۵	۱۷۹۴	۱۵۴۳	نشریات عمومی	۱
۸۷	۱۰۷	۱۵۰	ادبیات	۲
۶۶۸	۴۱۸	۷۳۹	دانش اجتماعی	۳
۱۷۷	۱۳۱	۲۲۹	علوم کاربردی و تکنولوژی	۴
۳۷	۲۰	۱۵	علوم پایه	۵
۱۶۹	۱۰۱	۱۴۴	هنرهای زیبا، توریسم ورزشی	۶
۲۸	۱۳	۲۵	تاریخ، جغرافیا، بیوگرافی	۷
۳۳	۲۱	۱۷	مذهب، الهیات	۸
۱۰	۶	۷	فلسفه	۹
۱۹	۳	۴	زبان	۱۰

جدول شماره ۲۱: بررسی تعداد نشریات ادواری ترکیه براساس موضوع، در سه مقطع زمانی.

مآخذ: منابع شماره ۱۰، ۵۰

همانگونه که در این جدول مشاهده می‌شود چاپ و انتشار نشریات ادواری در سال ۱۹۹۱

در مقایسه با سال ۱۹۸۸ در غالب زمینه‌ها و موضوعات سیر صعودی داشته‌است. براساس این جدول بیشترین عنوان نشریات ادواری بعد از نشریات عمومی متعلق به نشریات اجتماعی است و پس از آن نشریاتی که در زمینه مسایل علمی، هنری و ورزشی چاپ می‌شوند بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

روزنامه و مجلات بین‌المللی نیز در ترکیه فراوان است و بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات آمریکایی و اروپایی را میتوان از روزنامه فروشیها تهیه نمود. نکته قابل توجه در مورد نشریات ادواری ترکیه این است که پرتیراژترین آنها با سرمایه‌گذاری روزنامه‌های مهم و اصلی ترکیه چاپ و توزیع می‌شود.

ردیف	نام مجله	موضوع
۱	ملیت چوجوک	مجله بچه‌ها از انتشارات روزنامه ملیت
۲	فیرت	مجله هفتگی کارتون از انتشارات روزنامه گون آیدین
۳	الاله	ماهنامه زنان از انتشارات روزنامه حریت
۴	سس (ses)	مجله هفتگی فیلم از انتشارات روزنامه حیات
۵	جارصاف	مجله هفتگی کارتون از انتشارات روزنامه حریت
۶	هی	مجله هفتگی نوجوانان از انتشارات روزنامه ملیت
۷	حیات	مجله هفتگی زندگی روزمره
۸	کاردینجا	ماهنامه زنان
۹	یانکی	مجله مستقل در زمینه مسایل نظامی

جدول شماره ۲۲: اسامی مجلات مهم و پرتیراژ ترکیه

مأخذ: منبع شماره ۲۵

لیست مجلات اسلامی موجود در ترکیه^(۱۰)

۱- مجله اسلام: در خط طریقت نقشبندی و طرفدار حزب رفاه

۲- مجله کتاب: طرفدار و پیرو طریقت نقشبندی

۳- مجله اسلام: طرفدار انقلاب اسلامی

- ۴- مجله رباط: در خط حزب رفاه و طرفدار و پیرو طریقت نقشبندی
- ۵- مجله ماهانه (آیلک): صاحب و مدیر نشریه «یاشارکاپلان» است که طرفدار انقلاب اسلامی است.
- ۶- مجله مکتب: صاحب امتیاز «صالح سردار» و طرفداران انقلاب
- ۷- مجله «اندیشه و هنر»
- ۸- مجله یاری شاخه اسلامی حزب قبلی حرکت ملی (ناسیونالیست)
- ۹- مجله ماوراء: در خط حزب رفاه
- ۱۰- مجله کلیه: در خط طرفداران انقلاب اسلامی ایران
- ۱۱- مجله میزان: در خط مسلمانان لیبرال
- ۱۲- مجله اقلیم سبعة: طرفدار انقلاب اسلامی
- ۱۳- مجله سیزنیستی: از سوی شاخه‌ای از گروه «موز جیوا» در شهر طرابوزن ترکیه چاپ و منتشر میشود.
- ۱۴- مجله اقتباس: طرفدار انقلاب اسلامی
- ۱۵- مجله آلتین اولوک: در خط طریقت نقشبندی
- ۱۶- مجله صور: در خط بوزجیها
- ۱۷- مجله لوت: در خط طریقت قادری
- ۱۸- مجله کوپرو: در خط نورجیها
- ۱۹- مجله انسان: طرفدار انقلاب اسلامی ایران بوده و بوسیله گروهی از جوانان انقلابی در شهر از میر تهیه میشود.
- ۲۰- مجله اجمال: در خط طریقت قادری
- ۲۱- مجله گیریشیم: طرفدار انقلاب اسلامی است و توسط گروهی از جوانان انقلابی، و مستقل از حزب و طریقت منتشر می‌شود.
- ۲۲- مجله ظفر: در خط نورجیها
- ۲۳- مجله مکتب: طرفداران انقلاب اسلامی و در خط طریقت نقشبندی.

- ۲۴- مجله علم و هنر: وابسته به حزب رفاه در خط طریقت نقشبندی
 ۲۵- مجله زن و خانواده: وابسته به حزب رفاه و در خط طریقت نقشبندی
 ۲۶- مجله علمدار
 ۲۷- مجله عاشورا

۳-۱-۲-۵- کتاب

الف - تاریخچه انتشار کتاب

سابقه انتشار کتاب در ترکیه بسیار طولانی است و اولین چاپخانه توسط اقلیتهای یهودی و ارمنی در سال ۱۴۹۴ میلادی در این کشور تاسیس شد در همین سال دو برادر یهودی به نامهای «ساموئل و دیویدناهمز» ۵ جلد کتاب با عنوان «موسی پیامبر» را در استانبول چاپ کردند. بعدها چاپخانه‌های متعددی توسط اقلیتهای دینی در ترکیه تاسیس شد که فقط کتابهایی را که به زبان غیرترکی بود به چاپ می‌رساندند. در قرن ۱۸ «ابراهیم متفرقه» و «سعید افندی» (پسر سفیر وقت ترکیه در پاریس) تصمیم گرفتند تا از سلطان عثمانی مجوز تاسیس چاپخانه جهت چاپ کتاب بزبان ترکی را بگیرند. این چاپخانه تحت نظارت سلطان احمد دوم در سال ۱۷۲۷ میلادی به وجود آمد و اولین کار خود را با نام (Vankulu dictionary) منتشر کرد. با صدور فرمان اصلاحات در سال ۱۸۵۶ تعداد کتاب و چاپخانه در ترکیه رو به افزایش نهاد و پس از اعلام جمهوریت در سال ۱۹۲۳ وزارت معارف ترکیه ۲۵۰ عنوان کتاب جدید را چاپ و منتشر نموده بود. جنگ جهانی دوم موجب رکود فعالیتهای انتشاراتی شد؛ لیکن پس از جنگ بار دیگر چاپ و انتشار کتاب رونق گرفت.

با تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۶۱ و ایجاد محیط آزاد، افزایش قابل توجهی در تعداد خوانندگان و کتابهای منتشره بوجود آمد. در دهه ۸۰- ۱۹۷۰ تعداد عناوین کتب منتشر شده در هر سال به ۵۰۰۰ تا ۷۸۰۰ عنوان رسید. پس از کودتای ۱۹۸۰ و تغییراتی که در قانون مطبوعات صورت گرفت مقررات و محدودیتهایی در ارتباط با انتشارات وضع گردید. علاوه براین تورم و افزایش بهای کتاب نیز قدرت خرید مردم را کاهش داده بود. در

نتیجه این شرایط تا اواخر دهه ۸۰ میلادی، میزان عناوین کتب منتشره کاهش نسبی یافت. بطور مثال در طی سال ۱۹۸۸، ۶۱۰۱ عنوان کتاب در ترکیه به چاپ رسید که در مقایسه با حداکثر میزان کتابهای منتشر شده در دهه ۷۰، تعداد آن تقلیل یافته است (این رقم در شروع دهه ۹۰، در سال ۱۹۹۱، به میزان ۶۵۲۲ عنوان بالغ گردید، لیکن هنوز با بالاترین حد نصاب دهه ۷۰ فاصله قابل توجهی دارد). بعد از سال ۱۹۸۹ در راستای توسعه سیاسی و رشد آزادیهای دموکراتیک، محدودیتهای چاپ کتاب به حداقل رسید و به دنبال آن از سال ۱۹۹۱، بالغو مواد قانونی ذریبط، آزادیهای وسیعی برای انتشار انواع کتاب اعطا شد.

براساس آمار سال ۱۹۹۰، تعداد کل چاپخانه‌های ترکیه ۴۱۹۷ واحد بوده است که در مقایسه با سال ۱۹۸۷، ۶۸۴ واحد بر آن افزوده شده است. - در سال ۱۹۹۰، استانبول با ۹۷۸ چاپخانه و تونجلی با ۲ چاپخانه به ترتیب بالاترین و پائین‌ترین تعداد چاپخانه را دارا بوده‌اند. در این سال ۶۸۸ چاپخانه نیز در آنکارا فعالیت می‌کرده‌اند. - چاپخانه‌های ترکیه طی سال ۱۹۹۰، ۹۲۰۰ عنوان آثار مطبوع - اعم از کتاب و نشریات ادواری - داشته‌اند.

در ارتباط با تیراژ کتاب، دهه ۶۰ میلادی سالهایی پررونق بودند و نرخ چاپ کتاب در این زمان به یکی از بالاترین رقمهای خود رسید. در پایان این دهه، در سال ۱۹۷۰، در حدود ۲۱ میلیون نسخه کتاب در ترکیه منتشر شد که تا سالها پس از آن کمتر موفق به دستیابی مجدد به این میزان گردید. (لازم به ذکر است که تیراژ کتاب در ترکیه در مقایسه با کشورهای غربی در سطح پائین‌تری قرار دارد).^(۱۱)

ب - مراکز مهم انتشاراتی

اسامی موسسات انتشاراتی مهم در ترکیه عبارتند از:

رساله، اقلیم، اشارت، انسان، حکمت، بیر، شانی، عقبه، اسلام اوغلو، نهر، پینار، انقلاب، نور، دنیا، دمیریلیش، امضار، صحا، چاغری، پرپوزو، فجر، تبلیغ، پتک، فکر، احیا، فطرت، درگاه، بیان.

گروهی از این انتشارات تاکنون اقدام به چاپ و توزیع کتابهای اسلامی در زمینه فقه،

سیره و... نموده‌اند. همچنین اخیراً کتب «امام خمینی» (ره) نیز به زبان ترکی توسط انتشارات اسلامی در ترکیه به چاپ رسیده‌است.

ج - نگرشی بر جامعه کتابخوان در ترکیه^(۱۲)

علیرغم تاریخچه طولانی در زمینه انتشارات، تاکنون کمتر پژوهش علمی از بازار کتاب و ویژگیهای فکری طبقه کتابخوان ترکیه به عمل آمده‌است.

در سالهای اخیر تعدادی از مراکز تهیه و توزیع کتاب، تحقیقات وسیعی را در این زمینه آغاز نموده‌اند. برخی نتایج بدست آمده شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱ - نویسندگان مذهبی مورد علاقه توده کتابخوان (به ترتیب محبوبیت در میان مردم) عبارتند از: عصمت اوزال، علی بولاچ، اوزون اورن، سید قطب، علی شریعتی، مودودی، مالک بن نبی، سید حسین نصر، استاد مطهری، عمادالدین خلیل و محمد قطب. از دیگر نویسندگان آثار اسلامی در ترکیه که آثارش مورد توجه خوانندگان قرار گرفته است می‌توان از بدیع الزمان سعید نصری نام برد.

۲ - علت انتخاب کتاب: بیش از نیمی از خوانندگان، کتاب را بخاطر مؤلف و نوع کتاب می‌خوانند، و نیم دیگر کتاب را بخاطر مؤسسه انتشاراتی و یا به دلیل مورد بحث قرار گرفتن کتاب می‌خرند.

۳ - کتابهای مورد پسند: کتابهایی که بیشتر از همه مورد پسند بوده و خوانده می‌شود کتابهای تجربی و تحقیقاتی و رمانهای ادبی است. در خصوص فرهنگ اسلامی سه تفسیر زیر مورد توجه است:

من ضلال القرآن

زبان قرآن دین حق، تالیف العالی

تفهیم القرآن

در میان ترجمه‌های مورد علاقه از قرآن نیز موارد زیر قابل ذکرند:

ترجمه سلیمان آتش

ترجمه بصری چانتای

ترجمه علی بولاچ

سیره‌های مورد توجه عبارتند از: سیره

تألیف عاصم کوکسال

تألیف مودودی

تألیف قصدالسیره

۴- مراکز انتشاراتی: مراکز انتشاراتی مورد توجه در درجه نخست عبارتند از مؤسسه رساله، انسان، بیان، بیر، عقبه، نهر، پینار، و انقلاب. در ردیفهای بعدی مراکز انتشاراتی: اقلیم، اشارت، حکمت، شانی، اسلام اوغلو، نور، دنیا، دمیریلیش، انصار، صحا، چاغری، پرپوزو، فجر، تبلیغ، پتک، ایم، فکر، احیا، قرار دارند.

تعداد (نسخه) در سالهای:			موضوع
۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۸	
۶۵۲۲	۶۵۸۶	۶۱۰۱	کل
۲۱۴۹	۱۹۹۵	—	علوم اجتماعی
۶۰۸	۵۶۶	۵۳۹	معلومات عمومی
۱۴۴	۲۶۷	۸۹	فلسفه
۴۴۶	۵۳۴	۴۷۳	مذهبی، الهیات، ...
۱۵۵	۱۵۴	۱۵۶	زیان
۱۵۴	۱۳۵	۱۳۶	علوم پایه
۹۴۵	۸۶۳	۷۶۴	علوم کاربردی
۲۰۲	۱۷۸	۲۲۰	هنرهای زیبا، ورزش، توریسم
۱۳۰۷	۱۴۶۸	۱۱۳۷	ادبیات
۴۱۲	۴۲۶	۶۲۲	تاریخ و جغرافیا، سرگذشتنامه

جدول شماره ۲۳: میزان چاپ کتاب براساس موضوع طی سالهای ۱۹۸۸، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ میلادی در ترکیه
 مأخذ: منابع شماره ۱۰، ۵۰

همانطور که ملاحظه می شود اکثر کتابهایی که در طی این سالها چاپ و منتشر شده است در زمینه دانش اجتماعی و موضوعات ادبی بوده و پس از آن کتابهایی در زمینه علوم

کاربردی، کتابهای عمومی و کتابهای مذهبی در رده‌های بعدی جای گرفته‌اند، کتب فلسفی کمترین میزان چاپ را داشته‌اند. قابل ذکر است که کتب پرفروش غالباً از آن نویسندگان و محققان با سابقه و پر تجربه و آگاه و مشهور بوده‌اند.

در ارتباط با کتاب و کتابخوانی در جامعه ترکیه، موارد زیر در خور توجه می‌باشند.

- مهمترین مسئله در مورد کتاب قیمت کتاب است.

- کتاب در سال ۱۹۸۸ در ردیف صد شصت و چهارمین احتیاجات عمومی جامعه ترکیه بوده است.

- توده کتابخوان جامعه را غالباً دانش‌آموزان، دانشجویان و آموزگاران تشکیل می‌دهند. اصولاً قشر تحصیلکرده و محقق جامعه تمایل بیشتری به کتابخوانی نشان می‌دهند. - بدلیل تورم قیمتها و ثابت بودن نسبی درآمدها قدرت خرید کتاب نیز بتدریج کاهش یافته است.

- میانگین سنی در میان طبقه کتابخوان حدود ۲۶ سال است (از مسن‌ترین ۳۶ ساله تا جوانترین ۱۶ سال)

- زنان جامعه مکان مهمی را در میان توده کتابخوان اشغال کرده‌اند.

- مشاهده و توزیع جغرافیایی طبقه کتابخوان نشان‌دهنده این موضوع است که اکثر کتابخوانان ساکن شهرها هستند و شهرها از این نظر در مرحله نخست قرار دارند. توده کتابخوان در درجه اول ساکن استانبول هستند و بعد از آن شهرهای آنکارا، قونیه، طرابوزان، ارزروم، سامسون، آلازیک، مالانیا، ماردین، چوروم در ده ردیفهای بعدی قرار دارند. - نقاطی که از نظر کتابخوانان مسلمان ضعیف هستند: تراکیا و برخی از نواحی دریای اژه، و از میرهم جزء این دسته محسوب می‌شوند. در مقابل مناطقی که نیروی بالقوه عظیمی دارند عبارتند از: مناطق ناحیه مرمره، آناتولی شرقی، دریای سیاه، آناتولی جنوب شرقی و آناتولی میانه.

- نکته قابل توجه در مورد جامعه کتابخوان ترکیه افزایش علاقه آنها به کتب اسلامی در طی سالهای اخیر است. برای مثال براساس آمار سال ۱۹۸۵، در این سال از کتب اسلامی «احیاء علوم دین» امام محمد غزالی ۲۰۰۰۰۰ نسخه و از کتاب «حیاه الصحابه» ۸۰۰۰۰ نسخه به فروش رفته است. همچنین براساس گزارش مرکز همکاری و برنامه‌ریزی تحقیقات امور دینی در فاصله سالهای ۱۹۸۰ - ۱۹۶۰، ۷۹۶۶ عنوان کتاب دینی به چاپ رسیده است.

اخیراً از دو متفکر و استاد بزرگ ایرانی - استاد مطهری و دکتر شریعتی - در زمینه مسایل اسلامی کتب متعددی به ترکی ترجمه و چاپ شده است که به اسامی تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- جامعه شناسی اسلامی ۲- شهادت ۳- حج ۴- مارکسیسم و دیگر تفکرات غرب (توسط انتشارات دنیا) ۵- چه باید کرد؟ ۶- مدرنیته و تمدن ۷- اگر پاپ و مارکس نبودند ۸- بازگشت به خویشتن ۹- کاپیتالیسم بیدار می‌شود ۱۰- فاطمه، فاطمه است ۱۱- یک، جلویش بینهایت صفر ۱۲- دعا ۱۳- فرهنگ و ایدئولوژی ۱۴- ما و اقبال ۱۵- عشق و توحید ۱۶- اسلام و انسان ۱۷- چهارزندان (توسط انتشارات انسان) ۱۸- نگرشی به تاریخ آیند، از میان کتابهای دکتر شریعتی به چاپ رسیده‌اند.

کتابهایی که از شهید مطهری تاکنون به چاپ رسیده است عبارتند از:

۱- مکتب انسانیت ۲- جهان بینی توحیدی ۳- جامعه و تاریخ ۴- معاد ۵- حجاب (توسط انتشارات دنیا) ۶- عدل الهی ۷- انسان در قرآن ۸- ده گفتار. (لازم به ذکر است که اکثر کتب استاد توسط انتشارات فطرت چاپ و توزیع گردیده است.)

از سید حسین نصر نیز کتب زیر در ترکیه چاپ و منتشر گردیده است:

۱- فلسفه غرب و اسلام ۲- بحران تمدن و اسلام ۳- مقدمه‌ای بر هستی شناسی اسلام ۴- سه مسلمان ۵- پایان يك فرعون ۶- تمدن در جهان اسلام.

۲- ۲- ۵- آژانسهای خبری

آژانسهای خبری متعددی در ترکیه فعالیت می‌نمایند که مهمترین آنها آژانس «آنادولی» است:

خبرگزاری «آنادولی» در سال ۱۹۲۰ بدستور آتاتورک تاسیس شده است. این خبرگزاری دارای ۲۰۰۰ سهم است که ۹۵۲ سهم آن به دولت تعلق دارد و به همین علت این آژانس حالت نیمه رسمی پیدا کرده است. دفتر مرکزی آن در آنکارا بوده و دارای شعبات نمایندگی در بعضی کشورهای خارجی است. موافقتنامه فرهنگی امضاء شده بین ایران و ترکیه مقرر داشته است شعبه‌ای از این آژانس در تهران دایر گردد.

از دیگر آژانسهای خبری مهم در ترکیه می‌توان به آژانس خبری Akajans - آژانس خبری

آنکا (ANKA)، آژانس خبری ابا (Ekonomik Basın Agansı: EBA)، آژانس خبری حریت، آژانس خبر (Habar)، آژانس خبری ایکا (IKA)، آژانس خبری طوبا (Tuba) و آژانس خبری Ulusal Basın اشاره کرد.^(۱۳)

۱-۲-۲-۵- دفاتر خبری خارجی در ترکیه

دفتر فرانس پرس، دفتر خبرگزاری ایتالیا، آسوشیتدپرس (آمریکا)، دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دفتر خبرگزاری بلغارستان، دفتر خبرگزاری آلمان غربی (DPO)، رویتر، و دفتر خبرگزاری تاس متعلق به شوروی سابق در ترکیه دارای نمایندگی می‌باشند.

۳-۲-۵- رادیو

در سال ۱۹۲۵ رادیو به همراه ایجاد بی سیم در ترکیه تاسیس شد و در سال ۱۹۲۶ با همکاری فرانسه بصورت شرکت سهامی ترک - فرانسه درآمد. این سازمان در سال ۱۹۳۶ تحت پوشش کامل دولت ترکیه قرار گرفت و از سال ۱۹۶۴ با تلویزیون ادغام شده و توسط شورای عالی رادیو و تلویزیون اداره می‌گردد. رادیو ترکیه تمام مناطق این کشور را تحت پوشش دارد و دارای ۴ شبکه فرستنده بین‌المللی و بیش از ۵۰ ایستگاه رادیویی محلی است. رادیو بخش خصوصی نیز در طی سالهای اخیر اجازه فعالیت یافته است و در مدت زمان کوتاهی تعداد آنها به طرز قابل توجهی رو به تزاید می‌باشد. - انجمن صاحبان رادیو و تلویزیون خصوصی تشکلی است که از حقوق شبکه‌های رادیو و تلویزیونی خصوصی حمایت می‌کند - در ترکیه یک رادیو ویژه برنامه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان مدارس و یک ایستگاه رادیویی دولتی پیش‌بینی وضع هوا نیز فعالیت دارند.

۱-۳-۲-۵- سرویس خارجی صدای ترکیه

برنامه‌های رادیو ترکیه روزانه از ۱۶ طول موج کوتاه به زبانهای آلبانیایی، عربی، ترکی آذربایجانی، بلغاری، چینی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، یونانی، مجاری، فارسی، رومانیایی، روسی، صربستانی، ترکی و اردو فرستاده می‌شود. نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه‌های آمریکا در خاک ترکیه نیز برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مخصوص به خود را دارند.

۴-۲-۵- تلویزیون^(۱۴)

دگرگونیهای فرهنگی - اجتماعی جامعه ترکیه در طی دهه‌های اخیر، و گرایش آن بسوی باورهای جوامع غربی را تا اندازه زیادی بایستی تحت تأثیر سیاستهای جاری در رسانه‌های گروهی دانست که از آن میان بویژه نقش تلویزیون بسیار قابل ملاحظه است.

تلویزیون دولتی ترکیه در سال ۱۹۶۵ کار خود را آغاز نمود. برنامه‌ها در ابتدا در زمانی محدود و تنها برای شهر آنکارا پخش می‌گردید، لیکن تدریجاً اکثر نقاط ترکیه تحت پوشش قرار گرفته و بر تعداد کانالها و دامنه زمانی برنامه‌ها افزوده گشت. از سال ۱۹۸۹ نیز بخش خصوصی اقدام به راه‌اندازی کانالهای تلویزیونی نمود که در فاصله زمانی اندکی مبدل به حرکتی پرشتاب گردید و فصل نوینی را در تاریخ این رسانه بوجود آورد.

در حال حاضر ۶ کانال تلویزیون دولتی و بیش از ۱۰ کانال تلویزیون خصوصی با اهداف و دامنه عملکرد کم و بیش متفاوت در ترکیه فعالیت دارند. در ارتباط با برنامه‌های تلویزیون ترکیه از دیدگاه کلی، چند ویژگی قابل ذکر است:

- ارائه ارزشهای جوامع غربی به جامعه، اصلی است که غالباً بر سیاستگزاری برنامه‌ها - اعم از کانالهای دولتی و خصوصی - حاکم می‌باشد. (البته در طی سالهای اخیر، پان توریسم و تبلیغ و ترویج ترک بودن از طرف برخی کانالهای دولتی؛ و تمایل به گرایشهای اخلاقی و مذهبی از سوی برخی کانالهای خصوصی بگونه‌ای بسیار محدود، دو جریانی هستند که به موازات القاء هویت غربی، در جامعه حضور یافته‌اند.)
- سهم بالایی از برنامه‌های کانالهای مختلف تلویزیونی ترکیه را فیلمها و سریالها تشکیل می‌دهند که بیش از ۵۰٪ از آنها از خارج (بخصوص کشورهای اروپایی و آمریکایی) خریداری می‌شوند. کودکان نیز غالباً تماشاگر کارتونهای خارجی هستند. تولیدات داخلی هم غالباً برداشتی از نسخه‌های خارجی می‌باشند.
- در مجموعه برنامه‌های تلویزیون ترکیه، موسیقی دارای زمان پخش بالایی است که درصد قابل توجهی از آنرا موسیقی غربی تشکیل می‌دهد. (برخی از کانالها مانند کانال ۴ دولتی تنها به پخش فیلم و موسیقی اختصاص دارند.)
- برنامه‌های ورزشی - که تا اندازه زیادی با ورزش فوتبال مترادف گردیده‌اند - نیز در میان برنامه‌ها دارای جایگاه پراهمیتی هستند و توانسته‌اند در میان اقشار مختلف جامعه نفوذ قابل ملاحظه‌ای یابند، و لذا شبکه‌های تلویزیونی در ارتباط با پخش اخبار و مسابقات

ورزشی با یکدیگر در رقابت می‌باشند.

● در ارتباط با دیگر برنامه‌های تلویزیونی ترکیه، لازم است به برنامه‌های خبری اشاره کنیم. این برنامه‌ها در کانالهای دولتی غالباً با استفاده از اخبار آژانسهای خبری غربی تهیه شده و در جهت سیاستهای دولت، بویژه سیاست لائیک، تنظیم و پخش می‌گردند. در مقابل کانالهای خصوصی با تبلیغ پخش برنامه‌های خبری آزاد و فارغ از جهتگیریهای دولتی توانسته‌اند بینندگان بیشتری را به خود جلب نمایند. یکی دیگر از وجوه تمایز کانالهای دولتی و خصوصی، پخش آگهیهای تجاری است. برخلاف شبکه‌های دولتی، کانالهای خصوصی تا اندازه زیادی به درآمد حاصل از پخش آگهیها وابسته‌اند و این برنامه‌ها را به میزانی زیاد و بدون توجه به محتوای آن پخش می‌کنند، و این در حالی است که تلویزیون دولتی در چهارچوب محدودتری اقدام به پخش آگهی‌های تبلیغاتی کرده و جنبه‌هایی چون حفظ حقوق مردم و ملاحظات اخلاقی و اعتقادی را تا اندازه‌ای مراعات می‌نماید. - این نگرش کلی را در ارتباط با دیگر برنامه‌های کانالهای دولتی در مقایسه با کانالهای خصوصی نیز می‌توان بطور نسبی مشاهده نمود.

۱-۴-۲-۵- آشنایی با کانالهای تلویزیونی ترکیه

الف- کانالهای تلویزیونی دولتی

همانطور که اشاره شد، در حال حاضر ۶ شبکه تلویزیونی دولتی در ترکیه فعالیت دارند. به غیر از کانالهای اول، دوم، و سوم که تقریباً تمامی خاک ترکیه را تحت پوشش برنامه‌های خود دارند، حوزه تحت پوشش دیگر کانالهای دولتی محدود می‌باشد. کانالهای دولتی عبارتند از:

۱. کانال اول - این کانال که کار خود را در سال ۱۹۶۸ با پخش روزانه ۲ ساعت برنامه برای آنکارا آغاز نمود در حال حاضر تقریباً در سراسر خاک ترکیه قابل مشاهده است و همه روزه از ساعت ۷ صبح تا ۱ نیمه‌شب به کار پخش برنامه می‌پردازد. کانال اول قویترین کانال دولتی محسوب می‌شود که معمولاً دیدگاههای دولت را در برنامه‌های خود ملحوظ می‌دارد. این کانال که تا قبل از تأسیس دیگر کانالهای دولتی و کانالهای خصوصی بینندگان بسیاری را به خود جذب نموده بود، با راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی دیگر، تدریجاً از تعداد بینندگان آن کاسته گردید.

۲. کانال دوم - شبکه دوم تلویزیون ترکیه در اکتبر ۱۹۸۶ با هدف پخش برنامه‌های فرهنگی تأسیس گردید. این کانال بعد از کانال اول بزرگترین تلویزیون دولتی ترکیه محسوب می‌شود که در اداره آن سیاستهای دولت وقت مدنظر قرار دارد. کانال دوم از ساعت ۵ بعدازظهر هر روز تا نیمه‌شب پخش برنامه‌های خود را - که بخش اعظم آنرا فیلمهای سینمایی، سریال، و فیلمهای مستند تشکیل می‌دهد - ادامه می‌دهد، لیکن علیرغم حوزه پوشش وسیع برنامه‌های آن (در حدود ۸۷٪ خاک ترکیه) از رقابت با دیگر کانالها ناتوان بوده و کمتر مورد توجه مردم قرار دارد.

۳. کانال سوم - در سال ۱۹۸۹ سومین کانال تلویزیون دولتی در ترکیه تأسیس گردید که در حال حاضر روزانه ۶ ساعت برنامه (از ۶ بعدازظهر تا ۱۲ شب) پخش می‌کند. این کانال در حدود ۸۵٪ از کشور ترکیه را تحت پوشش دارد. برنامه‌های کانال سوم عمدتاً متشکل از فیلمهای مستند خارجی و موسیقی بوده و فاقد برنامه‌های اجتماعی، ورزشی و برنامه برای کودکان است.

۴. کانال چهارم - فرستنده کانال چهارم تلویزیون ترکیه در شهر ازمیر مستقر شده و از سال ۱۹۹۰ پخش برنامه‌های خود را آغاز نموده است. این کانال با هدف اولیه پخش برنامه‌های آموزشی تأسیس گردید و در حال حاضر به غیر از شنبه و یکشنبه، در بقیه روزهای هفته از ۸ تا ۱۱ شب برنامه پخش می‌کند، که از آن میان فیلم و موزیک دارای جایگاه قابل توجهی می‌باشند. کانال چهارم دارای برنامه‌های خبری، اجتماعی، ورزشی و کودکان نبوده و در طی سال تحصیلی جهت پخش برنامه‌های درسی دانشگاه آزاد ترکیه مورد استفاده قرار می‌گیرد و روزانه بطور متوسط ۷ ساعت برنامه درسی از این کانال پخش می‌گردد. این کانال ۳۰٪ از سراسر ترکیه را زیرپوشش برنامه‌های خود دارد.

۵. کانال پنجم - در سال ۱۹۹۰ کانال پنجم تلویزیون ترکیه جهت استفاده کارگران ترک ساکن در اروپا راه‌اندازی گردید. هدف اصلی از تأسیس این کانال - که به کانال بین‌المللی TRT INT شهرت دارد - تغذیه ترکهای خارج از کشور و اشاعه فرهنگ و سیاستهای کشور ترکیه است.

برنامه‌های این شبکه تلویزیونی از استانبول و آنکارا پخش شده و در اروپا و بخشهای ترک‌نشین آسیای مرکزی قابل رؤیت است. - لازم به ذکر است که پس از آنکه مناطق آسیایی نیز تحت پوشش این کانال درآمدند، نام آن نیز به «اوراسیا» (AURASYA) تغییر

کرد. - این کانال روزانه از ساعت ۳ بعد از ظهر تا ۲ نیمه شب برنامه پخش می‌کند و سعی بر این است که برنامه‌ها تماماً محصول تهیه‌کنندگان ترک باشد. در میان برنامه‌های این کانال فیلم و موسیقی دارای بالاترین زمان پخش می‌باشند.

۶. کانال گاپ (GAP) - کانال گاپ در سال ۱۹۸۹ تأسیس گردید. این کانال وابسته به کانال دوم تلویزیون دولتی ترکیه است و هدف از راه‌اندازی آن تبلیغ پروژه آناتولی جنوبی (Guncy Anadolu Projesi) است. - کلمه گاپ نیز مخفف نام این پروژه است. - این پروژه وسیع که از ۲۰ سال قبل با هدف توسعه بخشهای جنوبی آناتولی آغاز گردیده است، عملیات گسترده‌ای، از جمله سدسازی بر روی رودخانه‌های دجله و فرات و آبرسانی به دشتهای وسیع حوزه این دو رود، را در برمی‌گیرد. این کانال که در ابتدا سطح منطقه را پوشش می‌داد، از سال ۱۹۹۱ با بهره‌گیری از رله منطقه‌ای در سراسر ترکیه قابل مشاهده گردیده است. برنامه‌های کانال گاپ در درجه اول به موسیقی، سرگرمی و برنامه‌های اجتماعی و سپس به فیلم و سریال اختصاص دارد.

ب - کانالهای تلویزیونی خصوصی

با توجه به اینکه در ترکیه قانونی جهت منع فعالیتهای بخش خصوصی در زمینه تأسیس کانالهای تلویزیونی خصوصی وجود ندارد، از سال ۱۹۸۹ احداث شبکه‌های تلویزیونی خصوصی آغاز گردید و کانالهای متعددی بصورت سراسری یا منطقه‌ای توسط صاحبان سرمایه و یا با حمایت بانکها و مؤسسات اقتصادی بزرگ شروع به فعالیت نمودند. - تنها در طی سال ۱۹۹۲، ۹ کانال تلویزیونی خصوصی در ترکیه راه‌اندازی شد. - اینگونه کانالها با جذب بهترین متخصصان کانالهای تلویزیونی از یکسو، و جو آزادتر برنامه‌های خود نسبت به کانالهای دولتی از سوی دیگر، موفق شده‌اند تماشاگران بسیاری را به خود جلب نمایند و این امر موجبات تضعیف موقعیت کانالهای دولتی را فراهم آورده است. در حال حاضر بیش از ۱۰ کانال تلویزیون خصوصی در ترکیه فعالیت دارند که با اهداف و جهتگیریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مختلف برنامه‌های خود را به روی آنتن می‌فرستند:

۱. شبکه تلویزیونی استاربیر (Star - 1) - استاربیر اولین شبکه تلویزیونی خصوصی است که به شرکتی بنام مجیک باکس (Magic Box) وابسته بوده و از سال ۱۹۸۹ کار ارسال برنامه برای ترکیه را با استفاده از ماهواره و از طریق کشور آلمان آغاز نموده است. برنامه‌های

این کانال که در ابتدا تنها بوسیله آنتهای ماهواره‌ای قابل دریافت بود، بعدها بواسطه برقراری رله‌های منطقه‌ای، در سراسر ترکیه قابل مشاهده گردید. حمایت این کانال تلویزیونی از سیاستهای دولت وقت (دولت تورگوت اوزال و حزب مام میهن) از یکطرف و پخش برنامه‌های بدون سانسور و بی‌توجه به حرمت‌های اخلاقی و اعتقادی جامعه از سوی دیگر مخالفت‌هایی را بر علیه آن برانگیخت و این امر خود انگیزه‌ای جهت تأسیس دیگر کانالهای تلویزیونی از سوی مخالفان را فراهم آورد. از جمله کانالی بانام مگااون (Mega - 10) از سوی حزب سوسیالیست خلق (SHP) با نگرش سیاسی متفاوتی برنامه‌های خود را به روی آنتن برد. شبکه استاربیور بعدها به دنبال شکست حزب مام میهن و تغییر موضع برنامه‌ها، به «اینتراستار» تغییر نام داد.

شبکه اینتراستار کار خود را در سپتامبر ۱۹۹۰ رسماً آغاز نمود و یکسال بعد با پخش شبانه‌روزی برنامه‌ها فعالیت خود را توسعه داد. اکثر برنامه‌های این کانال را فیلمها و سریالهای اروپایی و آمریکایی و سپس موسیقی و سرگرمی تشکیل می‌دهند. این کانال با پخش برنامه‌های خبری بدون سانسور توانسته است در مقایسه با دیگر کانالها، بینندگان زیادی را به خود جذب نماید. شبکه اینتراستار، اگرچه تا قبل از تأسیس کانالهای خصوصی دیگر، پربیننده‌ترین کانال تلویزیونی ترکیه بود، امروز در حد یکی از پربیننده‌ترین کانالها قابل تعریف است.

۲. شبکه تلویزیونی تله‌اون (Tele - on) - این کانال در ماه مارس ۱۹۹۲ تأسیس گردید و از آغاز فعالیت برنامه‌های خود را بصورت شبانه‌روزی پخش نمود. هدف از ایجاد این کانال ارائه برنامه‌های تهیه شده در ترکیه و مبتنی بر اصول اخلاقی برای خانواده‌ها بود، لیکن عملاً و علیرغم نمایش برنامه‌ها و فیلمهای ترکی، سهم برنامه‌های وارداتی آن بیش از برنامه‌های تولید داخلی آن گردیده است. قسمت اعظم برنامه‌های شبکه تله‌اون به فیلمها و سریالهای تکراری و سپس موسیقی و سرگرمی اختصاص یافته است. این کانال در مقایسه با دیگر کانالهای تلویزیونی دارای طرفداران زیادی نیست.

۳. شبکه تلویزیونی شوتیوی (SHOW - T.V.) - کانال شوتیوی که در حال حاضر پربیننده‌ترین کانال تلویزیونی ترکیه بشمار می‌آید. در ماه مارس ۱۹۹۲ توسط دو روزنامه پرتیراژ ترکیه، «حریت» و «صبح» راه‌اندازی شد. برنامه‌های این شبکه که در ۸۰٪ از سرزمین ترکیه قابل دریافت است از استودیوهای فرانسه پخش می‌گردد.

بهره‌گیری از کادر خبری قوی دو روزنامه نامبرده و توانایی بالای خبررسانی، به اضافه پخش فیلمهای بدون سانسور - و عمدتاً خریداری شده از جوامع غربی - را می‌توان از جمله عوامل مؤثر در جلب بینندگان پرشمار این کانال دانست. - لازم به ذکر است که به تازگی پخش برنامه مذهبی و بحث پیرامون اخلاق اسلامی، بصورت نیمساعت در هفته، از این کانال آغاز شده است. - شبکه شوتیوی که کار خود را در ابتدا با ۸ ساعت برنامه روزانه آغاز کرده بود، در حال حاضر در شبانه روز ۱۸ ساعت (۷ صبح تا ۱ نیمه‌شب) برنامه پخش می‌نماید.

۴. کانال ۶ - در اکتبر ۱۹۹۲، کانال ۶ رسماً شروع به کار کرد. این کانال با استفاده از فرستنده‌های مستقر در لندن، روزانه ۱۹ ساعت (۷ صبح تا ۲ نیمه‌شب) برنامه پخش می‌نماید. در این کانال نیز فیلم و سریال بالاترین زمان پخش را داشته و غالباً مشتمل بر برنامه‌های خارجی - آمریکایی و اروپایی - می‌باشند. کانال ۶ در میان بینندگان جایگاه قابل توجهی ندارد.

۵. شبکه تلویزیونی بی.آر.تی (B.R.T) - این کانال با حمایت شهرداری استانبول در نوامبر ۱۹۹۲ بطور آزمایشی راه‌اندازی شده و روزانه از ساعت ۷ تا ۱۱/۵ شب به کار پخش برنامه می‌پردازد. پرداختن به مسائل و مشکلات شهر استانبول محور برنامه‌های این کانال است.

۶. شبکه تلویزیونی مارکت (Market) - کانال مارکت در نوامبر ۱۹۹۲ با هدف بازاریابی برای کالاهای تجاری در سطح جامعه ترکیه تأسیس گردید. از طریق این کانال تلویزیونی، همه روزه از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ شب اجناس مختلف به بینندگان معرفی شده و بوسیله تلفن سفارش خرید دریافت می‌شود. با توجه به پائین بودن نرخ کالاهای عرضه شده نسبت به نرخ معمول بازار و همچنین تحویل کالا به سفارش‌دهندگان در نقاط مختلف ترکیه در فاصله زمانی ۳ تا ۵ روز، این کانال توانسته است در طی مدت کوتاهی تماشاچیان زیادی را به خود جلب نماید.

۷. شبکه تلویزیونی فلاش - این کانال کار خود را در دسامبر ۱۹۹۲ آغاز نمود و در حال حاضر همه روزه از ساعت ۱۷/۳۰ تا ۲۲ در سه شهر استانبول، آنکارا، و آدانا بصورت منطقه‌ای برنامه‌های خود را پخش می‌کند. اخبار محلی، موزیک و ورزش از شاخص‌ترین برنامه‌های این کانال می‌باشند. شبکه تلویزیونی فلاش تلاش می‌کند

- تمامی خاک ترکیه را تحت پوشش برنامه‌های خود قرار دهد.
۸. شبکه تلویزیونی اچ، بی، بی (H.B.B.) - کانال اچ.بی.بی که متعلق به یکی از شرکتهای تجاری بزرگ ترکیه بنام هلدینگ خاص (HAS) است، در سپتامبر ۱۹۹۲ شروع به فعالیت نمود. برنامه‌های این کانال که توسط سیستم ماهواره‌ای از استودیوهای اروپایی بصورت استریو برای ترکیه پخش می‌گردد موفق شده است در ظرف مدت کوتاهی طرفداران بسیاری در جمع بینندگان تلویزیون بیابد.
۹. شبکه تلویزیونی بی.اچ.آ. (B.H.A.) - کانال بی.اچ.آ. - مخفف حروف عبارت «آژانس خبری مطبوعات» در نوامبر ۱۹۹۲ پخش آزمایشی برنامه‌های خود را آغاز کرده و در حال حاضر با روزانه ۲ ساعت برنامه، ۸ تا ۱۰ شب، در ۷۰٪ از ناحیه آنکارا قابل مشاهده است. هدف از راه‌اندازی این کانال ارائه برنامه‌ها و تحلیلهای صحیح اخلاقی و اعتقادی به مردم مسلمان است و سعی میشود حدود اسلامی در برنامه‌ها مراعات گردد. این کانال بوسیله صاحب ماهنامه خبری «اقتباس» تأسیس شده است.
۱۰. شبکه تلویزیونی مهر (MIHR) - تأسیس این کانال در نوامبر ۱۹۹۲ در حقیقت واکنشی بود در قبال برنامه‌های غیراخلاقی و غرب‌گرایانه دیگر کانالهای تلویزیونی. این کانال نیز مانند کانال بی.اچ.آ. در ارائه برنامه‌ها خود را مقید به رعایت اصول اخلاقی و مذهبی می‌داند و روزانه از ساعت ۱۹ تا ۲۳، شهرستان دنیزلی (Denizli) و پیرامون آنرا تحت پوشش برنامه‌های خود دارد. کانال مهر پخش برنامه‌ها را با سرودهای مذهبی آغاز کرده و خارج از ۴ ساعت برنامه عادی روزانه خود در دیگر اوقات به رله برنامه‌های کانال انگلیسی «سوپر کانال» که اکثر برنامه‌های آنرا فیلمهای مستند تشکیل می‌دهند، می‌پردازد. نیمی از سهام این شبکه تلویزیونی متعلق به مؤسسه وقف مهر است. (کلمه مهر در زبان ترکی مخفف کلمات تمدن، عرفان، خیر، و رفاه است.)

۳-۵- زبان و ادبیات

۱-۳-۵- زبان ترکی

ترکی زبان رسمی و مادری ساکنین ترکیه (آسیای صغیر و تراکیای شرقی) است و یکی از قدیمیترین زبانهای دنیا به شمار می‌رود. مردم سرزمینهای قبرس، بخشی از شوروی سابق و برخی از نقاط جنوب شرقی اروپا و بعضی مناطق خاورمیانه نیز به این زبان صحبت می‌کنند.

آذری (آذربایجانی)، قفقازی و ترکمنی نیز شاخه‌هایی از زبان ترکی محسوب می‌شوند، زبان ترکی از گروه زبانی اورال - آلتایی است و به گروه‌های کوچکتري به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

- گروه آسیای مرکزی، مانند گوگ تورک، ازبک و قرقیز

- گروه جنوب غربی: شامل تاتار و قزاق

- گروه سیبری جنوبی: اویرات، آبکان و تووا

- گروه شمالی در ناحیه ولگا

زبان ترکی جدید، که امروزه تحت عنوان «ترکی آناتولی» شناخته می‌شود از ریشه ترکی عثمانی است که بوسیله سلجوقیان در اواخر قرن یازدهم به آناتولی وارد شده است. بتدریج لغات و دستور زبان فارسی و عربی به میزان قابل توجهی به این زبان وارد شد و به وسیله الفبای عربی نگاشته شد. پس از اعلام جمهوری (در سال ۱۹۲۳)، الفبای لاتین جایگزین الفبای عربی گردید (در سال ۱۹۲۸)، و پس از تغییر الفبا، اصلاح دستور زبان نیز توسط دولت آغاز و پیگیری شد. علیرغم تمامی مخالفتها این حرکت به طرز گسترده‌ای در تزکیه مجموعه لغات مؤثر واقع شد، و باعث پیدایش زبان ادبی جدیدی گردید.

ویژگی زبان ترکی را هارمونی حروف صدا دار در آن میدانند (شامل حروف لبی و کامی). در زمینه شکل و ساختمان کلمات، ترکی بواسطه تمایزش به اضافه نمودن ملحقات به کلمات در این گروه دستور زبانی قلمداد می‌گردد. برای مثال کلمه Parasizliklerinden معنای (به خاطر فقرشان، بدلیل فقرشان) ترکیبی از para بمعنی پول، Siz به معنی کمتر، Lik پسوندی هم معنی ness در انگلیسی، Lar جمع، که حالت مضاف الیه می‌دهد و ndan که از آنجا که معنی می‌دهد.

در الفبای لاتین که از سال ۱۹۲۸ به بعد در ترکیه مورد استفاده قرار گرفته است بیشتر حروف و صداها کم و بیش مانند معادل انگلیسی شان تلفظ می‌شوند.

۱-۱-۳-۵- تاریخچه زبان و ادبیات ترکیه

همانطور که اشاره شد ترکی یکی از قدیمیترین زبانهای دنیا به شمار می‌رود. مکتوبات مردم ترک در طی دوره‌ای در حدود ۱۲ قرن به زبانهای مختلف نگاشته شده است با اینحال از نظر تاریخی زبان و ادبیات ترکیه را می‌توان به سه دوره اصلی تقسیم نمود: ۱- دوره ترکی

اصیل، قبل از پذیرش دین اسلام توسط ترکها (تقریباً از قرن ۸ تا قرن ۱۱ پس از میلاد) ۲ - دوره فرهنگ اسلامی (از قرن ۱۱ تا اواسط قرن ۱۹ میلادی) دوره‌ای که تأثیر عربها و ایرانیان قابل توجه است. ۳ - دوره مدرن، از زمان سلطنت سلطان عبدالمجید اول در سال ۱۸۳۹ میلادی، زمانیکه شیوه تفکر و ادبیات غربی تأثیر به‌سزایی یافت.

دوره اول: ترکی اصیل

مهمترین و کهن‌ترین میراث ادبی باقیمانده زبان ترکی در این دوره کتیبه ORKHON است که در دره‌ای به همین نام واقع در شمال مغولستان کشف گردیده است. نقوش این کتیبه ترکی الفبای Runic نامیده شد که در سال ۱۸۹۳، توسط زبان‌شناس دانمارکی ویلهلم تامسون (Vilhelm Thomsen) خوانده شد و نشان‌دهنده این مطلب است که علیرغم تأثیرات فرهنگی قوی چین، که بانگارش این کتیبه همزمان بوده است، این الفباء ناب و میرا از آثار فرهنگی بیگانه باقیمانده است. سبک متون حجاری شده این کتیبه همان سبکی است که در کتیبه‌های کشف شده در مغولستان، سیبری و غرب ترکستان بکار رفته است و تامسون آنها را «رموز ترکی» نامید. در قرن نهم تا یازدهم پادشاهان ترک اویغور تحت نفوذ فرهنگی همسایگان چینی خود که اکثراً بودایی بودند قرار گرفتند و الفبای «سغدی» را جانشین الفبای قبلی خود نمودند اما به دلیل آنکه در آن مناطق اقلیتهای پیرو مذهب مانی، برهمایی و نستوری نیز وجود داشتند از الفبای خاص این اقوام هم در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌شد.

در حفاریهای قرون اخیر (۲۰ و ۱۹ میلادی) در ترکستان چین، اشیا و نقوش مذهبی از ترکها اویغور کشف شده که با بررسیهای انجام شده توسط کارشناسان روی این میراث مهم و بزرگ، این نتیجه بدست آمده است که ترکهای آسیای مرکزی در دوره قبل از اسلام تلاشهای سازمان یافته‌ای را برای حفظ و نگهداری هویت و استقلال زبان ترکی انجام داده‌اند. اگر چه ترکهای اویغور در مقابل هجوم فرهنگ و زبان چینی، هندی و ایرانی بی‌پناه بوده‌اند، اما تلاش کرده‌اند اصطلاحات زبانهای خارجی را به زبان خود انتقال ندهند. صرفنظر از محدود اصطلاحاتی که از زبانهای دیگر اقتباس گردیده است و تاحدودی اجتناب ناپذیر بوده، آنها بدقت برای یافتن لغات معادل ترکی هر لغت چینی، هندی و ایرانی که به زبانشان وارد شده بود سعی فراوان کرده‌اند. هنگامیکه این کار (معادل سازی لغات)

غیرممکن می‌شد آنها لغات جدیدی از ریشه ترکی بوجود می‌آوردند و به مجموعه زبان خود می‌افزودند.

دوره دوم: فرهنگ اسلامی^(۱۵)

ترکهای آسیای مرکزی در اوایل قرن ۱۱ میلادی به دین اسلام گرویدند و تا پایان این قرن دین اسلام جایگزین کلیه مذاهب گذشته این سرزمین گردید. این قوم با پذیرش اسلام بار دیگر زبان و الفبای خاص خود را تغییر داده و تدریجاً خود را با زبان و ادبیات عربی و فارسی وفق دادند. در این دوره اسلام با کتاب مقدس خود، قرآن، در همه جا گسترش یافت. قرآن همیشه با زبان اصلی خود (عربی) مطالعه و قرائت می‌شد. در این زمان مدارس یا موسسات آموزشی اسلامی که آموزش در آنها به زبان عربی صورت می‌گرفت در تمامی نقاط این سرزمین احداث گردید. گسترش اسلام در ترکیه به محو و پاکسازی نسبتاً کامل زبان ملی منجر شد. عربی بعنوان زبان و خط اصلی توسط طلبه‌ها و دانشجویان علوم مورد استفاده قرار گرفت و زبان ترکی اصالت خود را با پذیرش تعداد زیادی از واژه‌ها و ساختارهای زبانهای عربی و فارسی از دست داد. براساس شواهد موجود از نظر زبانشناسی سه شیوه گفتاری و نوشتاری در این دوره بوجود آمده بود:

۱- اولین آنها زبان «جفتایی» بود. زبان ترکهای شرقی که عمدتاً در نواحی مرکزی آسیا توسط امپراطوری شاخ زرین در مصر و در دربار هند در عصر سلطه مغول مورد استفاده قرار می‌گرفت. فقدان يك مرکزیت قوی سیاسی و ادبی باعث شد که این زبان تحت تاثیر لهجه‌های محلی قرار بگیرد. «علیشرنوایی» از جمله بزرگترین نویسندگان کلاسیک این شیوه به شمار می‌رود.

۲- شیوه گفتاری محلی دیگر، «آذری» بود که زبان ادبی ترکهای ایغور شرقی ساکن در مناطق غربی ایران، عراق و شرق آناتولی قبل از فتح امپراطوری عثمانی بود. «سید عماءالدین نسیمی» نخستین و برجسته‌ترین نماینده این دوره است، شعرهای وی دارای مضامین احساسی و مذهبی است. در همین دوره، «شاه اسماعیل» موسس سلسله صفویه در ایران نیز تاثیری پر دوام بر ادبیات مذهبی عامه در آناتولی برجا گذاشت. شعرهای وی که آمیزه‌ای بود از مذهب و سیاست، مذهب شیعه را تبلیغ می‌نمود. همچنین باید از «محمدبن سلیمان فاضلی» نام برد که زبان آذری و اشعار دوره عثمانی را در نسلهای بعدی تحت تاثیر خود قرارداد.

۳- سومین و پربرترین شاخه ادبیات ترکی این دوره در آناتولی، زبان محاوره‌ای سلسله سلجوقی و امپراطوری عثمانی بعد از قرن ۱۳ بود. در ابتدا در دوره ما قبل کلاسیک و سراسر قرن ۱۴ و ۱۵، تاثیر ادبیات باستانی فارسی فزونی بود زیرا سلاطین سلجوقی خود تابع و دست‌نشانده سلاجقه بزرگ بودند و زبان رسمی دربار سلاجقه هم زبان فارسی بود و همه مکاتبات و تالیفات دربار آنها نیز بزبان فارسی صورت می‌گرفت و سلاجقه ترک هم که از خانواده سلاجقه بزرگ بودند به زبان فارسی آشنایی و علاقه بیشتری داشتند در نتیجه ادبیات ترکی به یک طبقه خاص تحصیلکرده منحصر و محدود گردید.

بدنبال تاخت و تاز مغولها امپراطوری سلجوقی تجزیه شد و تعداد زیادی قلمروهای کوچک تحت سرپرستی شاهزادگان این سلسله در نقاط مختلف فلات آناتولی بوجود آمد. در این زمان بسیاری از شاهزادگان و بعضی از اولین پادشاهان عثمانی استفاده از زبان ترکی را به جای زبان پارسی اجباری کردند و به این ترتیب عصر دیگری در ادبیات ترکی آغاز گردید. از جمله فعالیت‌های ادبی انجام شده در این دوره می‌توان از ترجمه کتاب «قابوس‌نامه» توسط «مراد دوم» نام برد، این ترجمه ساده و سلیس ترکی براحتی برای عموم قابل استفاده بود.

در میان اسناد موجود مربوط به این دوره قرآن خطی منحصر به فردی وجود دارد که مابین سطور آن ترجمه ترکی آیات نگاشته شده است و برای مطالعه توسعه و پیشرفت زبان ترکی از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که نشان می‌دهد مسلمانان ترک سعی فراوان داشتند از فرهنگ بومی و سنتی نیاکان خود پیروی کنند. به عبارت دیگر آنها راه آسان اقتباس هزاران لغت عربی را در زمینه‌های مذهبی انتخاب نکردند و سعی کردند معادل آنرا در ترکی بیابند. همچنین لغاتی که به طور نادرست از زبان عربی اقتباس شده بود به ترکی اصیل (خالص) باز گردانده می‌شد. باینحال هزاران لغت عربی (در زمینه مذهبی) مانند آیات، رب، رسول، ایمان، مومن، مشرک، کافر، خاک (Hakk) سجده (Secde) عذاب (Azab) و غیره بالهجه ترکی رواج یافت که قابل توجه بود.

در دوره اسلامی تدریجاً تأثیر و نفوذ زبانهای فارسی و عربی بر زبان ترکی به اوج رسید و باعث شد که در دوره مدرن نویسندگان در این کشور به فکر اصلاح و تصفیه زبان بیافتند.

- آثار بزرگ ادبی مسلمانان دوره فرهنگ اسلامی

اولین کار بزرگ ادبی مسلمانان ترک اولیه کتاب Kutadgu Bilig است که در سال ۱۰۶۹

توسط Yusuf Hashocib خزانه‌دار سلطان کاشغر نوشته شد و مشتمل بر بیش از ۶۰۰۰ بیت شعر تمثیلی، در مورد اداره کشور بوده است. در این کتاب کلیه اشکال و تکنیکهای شعری عربی و فارسی مورد استفاده قرار گرفته است. با اینحال زبان شعری آن عمدتاً خالی از لغات اقتباس شده خارجی است. در سال ۱۰۷۰ طی دوره استحاله فرهنگی و انتقال از فرهنگ ماقبل اسلامی به فرهنگ اسلامی کتاب دیگری با اهمیت فراوان و در زمینه‌ای متفاوت نگاشته شد. این کتاب دیوان لغت ترکی (فرهنگ لغت فشرده ترکی - عربی) نوشته «محمود کاشغر» است که مشتمل بر اشعار و ضرب‌المثل‌های ترکی است و سند گرانبهایی است که به وضوح چگونگیهای زبان ترکی را در طول دوره تغییرات فرهنگی نشان می‌دهد. آثار ادبی و فرهنگی این دوره علیرغم لغات و اصطلاحات فراوان عربی و فارسی نشانگر غلبه خصوصیات ترکی بر زبان است. از میان شعرای برجسته این دوره «فضولی» و «بیگی» را می‌توان نام برد. نثر این دوره متنوع است و شامل حکایت عامیانه، روایات مذهبی، قومی و ادبیات نگاشته شده با سبکهای نسبتاً سنگین با بهره‌گیری از صنایع ادبی می‌باشد.

دوره سوم: دوره مدرن

در دوره مدرن و در اواسط قرن ۱۹ میلادی ملت ترک با تحولات دنیای غرب آشنا شد و این آشنایی ادبیات ترکیه را تحت تاثیر خود قرار داد و دگرگون نمود. در این دوره بخصوص تاثیر ادبیات فرانسه بارز بود. همزمان با این اصلاحات در قالب «ادبیات تنظیمات»^(۱۶)، اولین روزنامه خصوصی در ترکیه منتشر شد و بسیاری از متون ادبی ساده و مقالات روزنامه‌ها و داستانهای کوتاه و بلند از زبان فرانسه به ترکی ترجمه گردید. بسیاری از نویسندگان شیوه‌های ادبی غربی را پذیرفتند و خود را با آن تطبیق دادند. در این زمان تمایل به شعر کلاسیک نیز تدریجاً از مد افتاده تلقی شد.

در قرن بیستم ادبیات ناسیونالیستی ترک شروع به رشد و نمو نمود. «شناسی»، نویسنده فعال و روزنامه‌نگار معروف ترک و پیشقدم در ادبیات تنظیمات، برای نجات زبان ترک از فروپاشی و اضمحلال شروع به اقدام نمود و زبان را قالب‌ریزی و تنظیم کرده، آنرا اصلاح نمود. سه شخصیت برجسته دیگر در میان اساتید فعال در اصلاح زبان «علی سوری» و «احمد رفیق» و «شمس‌الدین سامی» نیز از عقاید «شناسی» در مورد تنقیح زبان طرفداری نمودند.

اولین کوشش سازمان یافته برای اصلاح زبان در سال ۱۹۱۱ توسط گروهی از نویسندگان، همانند «عمر سیف‌الدین» آغاز گردید. در مقابل گروه دیگری از نویسندگان از جمله «سلیمان نازیف» و «علی اکرم» از نگارش به شیوه قدیمی حمایت کرده و تلاش نمودند این حرکت نوین را از میان بردارند.

با حمایت و جانبداری «ضیاء گوکالپ» بعنوان رهبر ناسیونالیسم فرهنگی اصلاحات و حرکت جدید، ادامه یافت و از توقف آن ممانعت به عمل آمد. این جنبش که توسط، گروهی از همکاران پرشور «گوکالپ» در دانشگاهها نیز دنبال می شد تأثیرات قوی در جامعه بر جای گذارد. اصول عمده اصلاحگران زبان که توسط «ضیاگوکالپ» نگاشته شده است عبارتند از:

- ۱- لغات عربی و فارسی متداول در زبان ترکی که دارای معادل و مترادف ترکی هستند نباید مورد استفاده قرار بگیرند.

- ۲- لغات اقتباس شده عربی و فارسی که در محاوره و گفت و گوهای عامیانه مردم مورد استفاده قرار می گیرد بایستی طبق هجاها و صداها ترکی نوشته شود.

- ۳- لغات کهنه ترکی باستان نباید مجدداً رواج پیدا کند.

- ۴- هیچ لغت یا لفظی نباید از دیگر لهجه‌های ترکی اقتباس شود.

در طی ده سال این حرکت در میان شعر او نویسندگان جوان با استقبال فراوان مواجه شد به طوری که بسیاری از آنها آثار خود را تصحیح کرده و با زبان جدید دوباره منتشر نمودند و آنرا «زبان جدید» نامیدند. بعد از اصلاحات آتاتورک ادبیاتی کاملاً متفاوت شروع به توسعه نهاد و بخصوص بعد از سال ۱۹۳۰ به یک تحول بنیادین منجر گردید: برای اولین بار یک ادبیات بومی و اصیل شروع به رشد نمود و بر خلاف مکاتب ادبی متقدم این ادبیات تنها به زندگی و مشکلات طبقات بالا و متوسط پایتخت قدیمی استانبول نمی پرداخت بلکه عمدتاً با مسایل و سرنوشت مردم همه بخشهای ترکیه ارتباط می یافت.

۲- ۳- ۵- آشنایی با جریانات ادبیات نوین ترکیه و شخصیت‌های مهم ادبی

بطور کلی، حرکتهای ادبی ترکیه جدا از جریانات سیاسی در متن این جامعه نبوده و حوادثی چون انقلاب ترکان جوان (به سال ۱۹۰۸ میلادی) جنگ جهانی اول (۱۸- ۱۹۱۴ میلادی)، جنگ استقلال (۲۲- ۱۹۱۹ میلادی) و اصلاحات کمال آتاتورک، هر یک در استحاله ادبیات ترکیه به قالب نوین آن، نقش قابل توجهی را ایفا نموده‌اند. از سال ۱۹۵۰

میلادی به بعد نیز جریانات جدیدی در نتیجه توسعه نهادهای دموکراسی و همچنین گسترش سواد، توسعه ادبیات نوین را باعث گردیدند.

رهبان ادبیات جدید - افرادی چون «شناسی»، «ضیاء پاشا» و «نامق کمال» ضمن القاء حس میهن پرستی جدید در میان جامعه ترکیه تلاش نمودند با کنار گذاردن ادبیات کلاسیک سنتی، از ترکی ساده و سلیس استفاده نمایند. مهمترین جریانات مؤثر در ادبیات ترکیه، که از اواخر عهد عثمانی آغاز گردید، ذیلاً مورد معرفی اجمالی قرار می گیرند:

۱- ۲- ۳- ۵- ادبیات تنظیمات

فعالتهای ادبی امپراطوری عثمانی به نام «ادبیات تنظیمات» یا «ادبیات جدید» معروف است. ادبیات تنظیمات خود به ادبیات متقدم و متاخر ادبی تقسیم میشود. از شخصیتهای مهم و بنیانگذاران ادبیات تنظیمات «ابراهیم شناسی» (۱۸۷۱ - ۱۸۲۴) است که به شدت تحت تاثیر انقلاب فرانسه و ملی گرایان قرن ۱۹ قرار داشت.

وی و همکارانش تلاش نمودند خود را از پیچیدگی های زبان ترکی سنتی و تاثیرات فارسی و عربی در آن برهانند. با این همه ادبیات کهن و باستانی ترکیه در دوره دوم تنظیمات بار دیگر احیاء گردید.

«ضیاء پاشا» (۱۸۸۰ - ۱۸۲۵)، از معاصرین «شناسی»، نیز علیرغم آنکه از چهره های برجسته ادبیات عثمانی بشمار می آمد لیکن با ترجمه هایی که از شاهکارهای ادبی فرانسوی انجام داد کمک موثری به نهضت جدید ادبی ترکیه نمود. ضیاء پاشا تحت تاثیر اومانیسیم و فلسفه ناتورالیسم بود. وی از جمله نخستین نویسندگانی است که به ترکان قبل از اسلام علاقه نشان داد و برای زبان و تمدن ترک بیش از عثمانیان ارجحیت قایل گردید. سبک نگارش او نیز بسیار ساده و سلیس بود.

موفقیت ادبیات تنظیمات مدیون شخصیت قوی و وطن دوستی شاعر بزرگ «نامق کمال» (۱۸۸۸ - ۱۸۴۰) است. او در مقایسه با «شناسی» و «ضیاء پاشا»، ادبیات کلاسیک باستانی ترکیه را هر چه بیشتر مورد انتقاد قرار داد با اینحال او و پیروانش ادبیات سنتی را تماماً رها نکردند. حس میهن پرستی او آمیخته با آرمانهای جهانی و بشری بود - مهمترین اثر او نمایشنامه Vatan yahut Silistre است که يك نمایشنامه میهن پرستانه و ضد روسی است. ادبیات تنظیمات در میان جوانان طرفداران زیادی داشت و «نامق کمال» خود یکی از این

جوانان بود. شکست و ناکامی پادشاه عثمانی در سرکوب جدایی طلبان، استبداد حاکم بر جامعه و افلاس مالی کشور باعث شد که جوانان و روشنفکران عثمانی به دنبال آرمان جدیدی باشند. با الهام از عقاید جدید ملی‌گرایی و لیبرالیسم غربی، زمینه مبارزه برای این آرمان ملی آغاز گردید و ادبیات از جمله نخستین عرصه‌های بروز آن بود. با اینحال ادبیات جدید در قدم نخست يك حرکت ادبی ویژه طبقات بالا و متوسط جامعه محسوب میشد و عده کمی را در برمی‌گرفت، که این امر را یکی از نقاط ضعف و ناکامی این حرکت دانسته‌اند، زیرا از ایجاد ارتباط با اکثریت مردم ناتوان بود. در همین دوره فعالیت‌های ادبی نظیر روزنامه نگاری، نقد سیاسی و ادبی و داستان‌نویسی توسعه یافت. مقالاتی با موضوعات اجتماعی و فلسفی برای نخستین بار نوشته شد و ترجمه‌هایی از آثار ادبی غرب در عرصه ادبیات ظاهر گردید. بارزترین رویداد ادبی در این قرن، تشکیل گروه نویسندگان ادبی، «ثروت فنون» بود که نشریه‌ای به همین نام را نیز منتشر می‌کردند. از مهمترین نویسندگان این نشریه میتوان از «احمد احسان»، «اکرم بیک»، «حالت ضیاء»، «احمد راسم» و شاعران بزرگی چون «توفیق فکرت» نام برد. این حرکت ادبی که از سال ۱۸۹۱ تا ۱۹۰۱ ادامه داشت دستخوش سانسور شدیدی گردید. نویسندگان نشریه «ثروت فنون» بالاجبار از درج مطالبی که باعث بحث و جدل می‌شد خودداری کردند و مطالب و مقالات و شعرهای خود را با نام مستعار به چاپ می‌رساندند.

گروهی از نویسندگان ادبیات تنظیمات در اوایل قرن بیستم به نهضت ادبیات ملی پیوستند. «محمد اکرم رجائی‌زاده» (۱۹۱۳ - ۱۸۴۶) از جمله این نویسندگان بود که همواره از مسائل مردم الهام می‌گرفت و اشعار عامیانه مردم را وارد ادبیات دوره عثمانی نمود. وی که یکی از بنیانگذاران «ثروت فنون» نیز بود، برای ابراز عقیده و اندیشه‌ها و همچنین نگارش آثار خود از روش‌های غربی بهره می‌جست و مشخصاً از سوی طبقات بالای جامعه حمایت می‌گردید. رهبری و تعالیم وی در عرصه ادبیات ترکیه با تاثیر قابل توجهی همراه بود.

«احمد مدحت» (۱۹۱۲ - ۱۸۴۴) روزنامه‌نگار، سردبیر و نویسنده، از دیگر افرادی است که نقش مهمی در حرکت‌های ادبیات ترکیه برعهده داشت. محور مقالات و داستان‌های وی را مسائل زندگی طبقه متوسط تشکیل می‌داد. «احمد مدحت» تلاش زیادی در امر سوادآموزی مردم انجام داد. وی با ترجمه برخی آثار فرانسوی و ژانرهای این زبان را وارد زبان ترکی نمود. وی شخصیت ادبی برجسته‌ای به شمار نمی‌آمد لیکن آثارش با استقبال مردم مواجه می‌شد.

یکی دیگر از شخصیت‌های مهم ادبی این دوره «توفیق فکرت» می‌باشد، اشعار وی بسیار شیوا و دارای مضامین انسانی است و عمدتاً برای طبقه روشنفکر سروده شده است. او نیز از جمله رهبران «ثروت فنون» بود. در میان شخصیت‌های مهم ادبی دیگر در این دوره - «حالت ضیاء اوشاقلی» «احمد هاشم»، «محمد عاکف»، «مدحت جمال»، «محمد علی توفیق» قابل ذکر می‌باشند که تأثیر به‌سزایی در ادبیات ترکیه از خود به جای گذاردند.

در این زمان مداحان و قصه‌گویان مردمی تنها افرادی بودند که قصه‌های روزمره مردم آناتولی را در طی سالیان دراز منتقل می‌کردند. این نوع قصه‌گویی تنها نثر واقعی ترکیه در دوره ادبیات تنظیمات به حساب می‌آمد. با اینحال روشنفکران و ادیبان دوره عثمانی این منبع ادبیات را نادیده می‌گرفتند. در این دوره، اشعار فارسی و عربی رواج فراوانی داشت و از اروپائیان نیز تقلید می‌شد. اشعار و داستان‌های این دوره به هیچ وجه توجهی به زندگی و مسایل و مشکلات روستائیان آناتولی نداشت. در آخرین دهه قرن نوزدهم میلادی تعدادی از پناهندگان ترک زبان که از دست ستم روسها گریخته بودند وارد ترکیه شدند. ورود پناهندگان در ایجاد فکر ملی و قومی ترکیه نقش بسزایی داشت. نویسندگان در این هنگام بر مفاهیم وسیع تاریخ قوم ترک زبان که در آن سوی مرزهای امپراطوری عثمانی می‌زیستند تأکید می‌کردند. از میان این افراد می‌توان از «اسماعیل گاسپیرالی»، «حسین زاده علی»، «اقچورا اوغلو یوسف» و «آقا اوغلو احمد» نام برد. جنگ ترکیه و یونان در سال ۱۸۹۷ باعث الهام گرفتن نویسندگان ترک در نگارش آثار میهن پرستانه و باعث شکوفایی ادبیات ملی در سال ۱۹۰۸ گردید.

در سال ۱۹۰۸ بالغو سانسور، فعالیت‌های ادبی افزایش یافت. آثار وطن پرستانه «نامق کمال» و «عبدالحق حامد»، بار دیگر وارد بازار گردید و تعداد زیادی از آثار اجتماعی، فلسفی و تاریخی به زبان ترکی ترجمه شد. در این زمان يك نهضت ادبی به نام «فجر آتی» بوجود آمد که معتقد بود ادبای جوان باید با یکدیگر همکاری کرده و نهضت جدیدی بوجود آورند. اکثر افراد این نهضت پس از متلاشی شدن این حرکت به ادبیات ملی پیوستند.

۲-۲-۳-۵- ادبیات ملی

قرن بیستم آغاز تحول دیگری در ادبیات ملی ترکیه بود. این تحول خصوصاً پس از سال ۱۹۰۸ میلادی هنگامیکه «ضیا گوکالپ» ترک‌گرایی را آرمان خود اعلام نمود، شکوفا

گردید. ضیا گوکالپ در زمان انقلاب کمال آتاتورک رهبر روشنفکران ترک و بانی ترک‌گرایی بود. تحولی که گوکالپ رهبری آن را برعهده داشت ایجاد یک ادبیات ملی و اصیل در ترکیه را دنبال می‌کرد. گوکالپ شاعری آرمانگرا بود که اصول اخلاقی و اجتماعی را تنظیم می‌نمود. تاثیر گوکالپ در ادبیات ترکیه به ویژه به جهت تلاشهایش برای توسعه تفکر ملی‌گرایی و تربیت جوانانی بود که بعدها نقش مهمی در توسعه ترکیه نوین ایفا نمودند. از میان مهمترین نوشته‌ها و آثار او می‌توان از کتاب «اصول ترک‌گرایی» نام برد. برخی روشنفکران جوانی که بین سالهای (۱۹۰۸ و ۱۹۱۸) به نهضت ادبیات ملی پیوستند در سالهای بعد رهبران فرهنگی و سیاسی جمهوری ترکیه شدند. یکی از این جوانان محقق و مورخ برجسته پروفیسور «فواد کوپرولو» سردبیر نشریه ملی «تبعلاز مجموعه سی» بود. وی بعدها سردبیر «تورکیه مجموعه سی» نشریه انستیتو ترک‌شناسی گردید. در میان آثار مهم او درباره ادبیات ترکیه باید از «ملی ادبیاتیش ایلکک مبشرلوی» نام برد.

از میان زنان روشنفکر و فعال این دوره نیز میتوان نام خانم «خالده ادیب» را ذکر نمود که با داستان نویسی و با بینشی روانکاوانه کمک زیادی به ادبیات ترکیه نمود. از نویسندگان دیگر این دوره رمان نویس معروف «رشاد نوری گوتتگین» بود. معروفترین کتاب وی «چالیکوم» (سوسک) است که در آن زندگی یک معلم زن را در روستاها به تصویر کشیده است.

دوره ادبیات ملی که در آغاز قرن بیستم شروع شده بود، در دوره جمهوری به بار نشست. تحولات معاصر ادبیات ترکیه نیز در حقیقت ادامه نهضت ادبیات ملی محسوب میشود. دوره اضمحلال امپراطوری عثمانی همزمان با تحولی در ادبیات بود که با احساسات میهن پرستانه همراه گردیده بود. مردم ترکیه با رهبری آتاتورک در سال ۱۹۲۳ در جنگ استقلال پیروز شده و نظام جمهوری را تأسیس کردند. این امر باعث شد که عصر جدیدی همراه با افقهای تازه در زمینه ادبیات گشوده شود. تشکیل مجمع زیانشناسی، مجمع تاریخی و مجمع معارف و ترجمه‌های بسیار از آثار معروف خارجی نیز در ایجاد این تحولات بسیار موثر واقع گردید.

۳-۲-۳-۵- جریانهای جدید

پس از پایان جنگ جهانی دوم تحولات وسیعی در ادبیات ترکیه روی داد. از سال ۱۹۵۰

امر سوادآموزی و همچنین تعداد افراد باسواد رو به افزایش نهاد. تیراژ نشریات ادواری و کتب افزایش قابل توجهی یافت و مطبوعات نیز وسیله‌ای برای اشاعه عقاید فرهنگی گردید. در این دوره شعر، نمایشنامه‌نویسی و داستان‌نویسی پیشرفتهای چشمگیری کرد. داستانهای جهانی و پیچیده‌ای در صحنه ادبیات ملت ترک پدید آمد که نویسندگان آنها روشنفکران شهری و نویسندگان روستایی بودند. بهترین نمونه این نویسندگان «محمود ماقال» از معلمین مدارس روستایی بود که مقالاتی در رابطه با زندگی روستایی را بصورتی بسیار ساده و سلیس به رشته تحریر درآورد. از میان بزرگترین داستان نویسان مهم این دوره باید از «سعید فائق عاباسه یانتی» نام برد. وی که شعر نیز می‌سرود واقع‌گرائی را محور آثار نظم و نثر خود قرار داد. از دیگر شخصیت‌های مهم ادبی ترکیه در این دوره «ضیاء عثمان صبا» (شاعر و داستان‌نویس) است وی با دیدی خوش بینانه زندگی مردم شهری را در قالب داستان و شعر بیان نموده است، و از مهمترین داستانهای او می‌توان «گچن زمان» (زمانهای گذشته) را نام برد، «عزیز نسین» نیز از جمله نویسندگان مطرح در دهه چهل و پس از آن است که آثارش با مضمون اجتماعی و در قالب طنز معروفیت یافت. «مختار قوروقچو» (داستان‌نویس و مقاله‌نویس) «اورخان مال» (داستان‌نویس) و «اوران نظیف تغییر» نیز از میان دیگر داستان‌نویسان مهم ادبیات ملی ترکیه قابل ذکر می‌باشند. سایر نویسندگان مهم ترکیه بین سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۵ عبارتند از: «صمیم قوجاگوز»، «فائق سال بای»، «صبح الدین قدرت آق سال»، «یاشار کمال» و «نزیه مریچ». در زمینه شعر، از شعرای معروف این دوره «جاهد صدقی ترابخی» است که یکی از محبوبترین شعرای ترکیه می‌باشد اشعار او مملو از روح زندگی و وحشت از مرگ است. «اورخان ولی فائق» نیز از دیگر شعرای ترکیه است که از سبک صمیمی مناظره‌ای استفاده می‌کرد.

«اکتای رفعت» نیز با انتشار ۵ مجموعه شعر از جمله معروفترین شعرای ترکیه بشمار میرود که سبکی ساده و اصیل را دنبال کرده است. «احمد محب دراتاس» شاعر ترک دیگری است که از شعرای فرانسه تأثیر پذیرفته و اشعارش حاوی وقایع روزمره زندگی مردم است. «ملیح جودت اندادی» نیز شاعر شناخته شده دیگری است که در اشعارش سعی نموده است مفاهیم را در قالبی ساده، زیبا و خالص و به دور از تصنع بیان نماید. برخی دیگر از مهمترین شعرای این دوره عبارتند از «بهزادلاو»، «آصف حالت چلبی» «آتیلا ایخان»، «ناهد ولی آق گون»، «سواد تاشه» و «جاهد کولبی».

در حیطه ادبیات ترکیه عمدتاً اعتقاد بر این است که در مقایسه با سایر جوامع نویسنده و ادیب برجسته‌ای در ترکیه وجود ندارد که در راس مقام نویسندگان قرار بگیرد و در صحنه ادبیات جهانی موفقیت چشمگیری بدست آورد. با اینحال در میان نویسندگان ترک، نویسندگان مجرب و توانایی وجود دارند که آثار آنها زندگی روزمره و مسایل ترکیه را با دیدی جامعه شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد. این نویسندگان موفق شده‌اند خوانندگانی از طبقات مختلف جامعه را جذب نمایند. منتقدان جامعه ترکیه معتقدند که اکثر نویسندگان این کشور پیرو غرب هستند، لیکن پذیرفته‌اند که گروهی از این نویسندگان کمک فراوانی به خلاقیت هنری و نویسندگی جامعه نموده‌اند. یکی از سیاستمداران ترکیه در مجله «ادبیات مدرن ترکیه» گفته است: «ادبیات ترکیه که امروزه از محتوی قبلی خود دور شده‌است، ادبیاتی «خود ناقد» است که در راه بیان آرمان و هویت ملی تلاش می‌کند و آئینه‌ای است که حیات جامعه ترک را منعکس می‌کند.»^(۱۷)

۳-۳-۵- تاثیر زبان و ادبیات بیگانه در جامعه

به طور کلی تاثیر زبان و ادبیات بیگانه را در جامعه ترکیه طی سه دوره می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱- از بدو تاسیس سلطنت عثمانی، تا اعلام مشروطیت (۱۲۹۹ تا ۱۹۰۸ میلادی)

۲- از اعلام مشروطیت تا اعلام رژیم جمهوری (۱۹۰۸ تا ۱۹۲۲ میلادی)

۳- از سال ۱۹۲۳ یعنی از تاریخ برقراری دولت جمهوری ترکیه به بعد.

در متن سه دوره نامبرده، مقاطع زمانی زیر دارای برجستگی قابل توجهی می‌باشند:

۱- از سال ۱۲۹۹ تا ۱۹۰۸ یعنی تقریباً در سراسر امپراطوری عثمانی و بخصوص در

دوره فتح قسطنطنیه از طرف سلطان محمد فاتح تأثیر زبان و ادبیات فارسی و عربی زیاد بود.

در همین دوره بسیاری از لغات و قواعد دستور زبان فارسی و عربی وارد زبان و ادبیات ترکی

گردید. (علاوه بر زبان و ادبیات، فرهنگ ایرانی و اسلامی بر معماری، موسیقی و نقاشی

جامعه عثمانی نیز تأثیر به سزایی داشته است به نحوی که آثار آن هنوز باقی است.)

۲- در فاصله سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۴ تاثیر زبان و ادبیات فرانسه بسیار چشمگیر بود،

بطوریکه بسیاری از آثار نویسندگان فرانسوی به زبان ترکی ترجمه شد. از سال ۱۹۱۴ تا

۱۹۱۸ به دلیل اتحاد و اتفاق ترکها با آلمانها در جنگ بین‌الملل اول زبان و ادبیات آلمانی بر ادبیات ترکیه تأثیر فراوان برجای گذاشت.

۳- دوران رکود ادبیات و جریانات ادبی از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ است. این دوره مصادف با دوره شکست امپراطوری عثمانی، متارکه جنگ و اشغال این سرزمین از سوی فاتحین جنگ اول جهانی و مقارن با ظهور مصطفی کمال (آتاتورک)، جنگ استقلال و پیروزی ملیون در ترکیه می‌باشد.

۴- از سال ۱۹۴۵ پس از پایان دوران حکومت ملی و انقلابی و پس از پایان جنگ جهانی دوم زبان و ادبیات انگلو امریکن بر ادبیات و زبان ترکیه تأثیری شگرف بر جای گذاشت.

۱-۳-۵- تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر زبان و ادبیات ترکیه

زبان فارسی در آناتولی، ترکیه فعلی، سابقه‌ای طولانی دارد و از زمان امپراطوری روم، فرمانروایی سلجوقیان و سپس دوران حاکمیت سلاطین عثمانی تا دوره فتح قسطنطنیه، تأثیری بسزا بر زبان و ادبیات ترکیه داشته‌است. در زمان سلجوقیان بر اثر غلبه ایرانیان بر روم، زبان فارسی عمومیت یافت و زبان علمی و ادبی گردید و تا مدتها موقعیت خود را به عنوان زبان ادبی و فرهنگی و بعنوان پایه و رکن اساسی زبان ترکی حفظ نمود و نفوذ عمیق خود را هم در زبان ترکی و هم در زبانهای ملل دیگری که به نحوی با امپراطوری روم ارتباط داشتند، به جا گذاشت.

از عوامل مهم و اصلی رواج و انتشار زبان فارسی در روم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- غلبه ایرانیان بر روم و تشکیل دولت سلاجقه یکی از عوامل اصلی رواج زبان فارسی در روم بود زیرا سلاطین سلجوقی خود تابع سلاجقه بزرگ بودند که زبان رسمی آنان زبان فارسی بود و کلیه مکاتبات و تألیفات آن دربار بزبان فارسی صورت می‌گرفت (مولانا جلال‌الدین رومی که مثنوی‌اش را به زبان فارسی به رشته تحریر درآورده‌است در آن ایام و در قونیه مرکز حکومت سلجوقیان می‌زیسته‌است). سلاجقه روم نیز از خانواده سلاجقه بزرگ بودند و به زبان فارسی آشنایی و علاقه داشتند و به پیروی از آنان مکاتبات و تألیفات خود را به زبان فارسی می‌نوشتند. زبان فارسی از اوایل قرن ششم تا قرن هفتم هجری در سرزمین روم رواج و اهمیت زیادی داشته‌است.

۲- حمله مغول عامل دیگری برای رواج زبان و ادبیات فارسی در روم بود زیرا عده

زیادی از سخنوران و نویسندگان پارسی زبان که در اثر حمله مغولان یارای ماندن در ایران را نداشتند به دربار سلاجقه روم پناهنده شدند. در آنزمان دربار روم به دلیل به رسمیت شناختن ایل مغول آسیای صغیر را از غارت و کشتار مغولان درامان نگهداشته و بصورت پناهگاهی برای علما و دانشمندان ایرانی درآمده بود. برای مدت طولانی شهرهای آسیای صغیر مأمن ادبا و نویسندگان پارسی زبان ایرانی بود که از حمله مغولان گریخته و خود را به این سرزمین رسانیده بودند. ورود شخصیت‌های برجسته زبان و ادبیات فارسی به فلات آناتولی و آسیای صغیر باعث شد که دربار روم بصورت مرکز فعال نشر و توسعه شعر و نثر پارسی درآید و آثار فارسی فراوانی هم در این سرزمین پدید آید که هنوز هم نسخ گرانبهایی از این آثار در این سرزمین به جا مانده است.

۳- عامل مهم دیگر، شهرت و آوازه مقامات و سلاطین روم بود که موجب جذب ادبا و دانشمندان فارسی زبان گردید. زیرا پادشاهان روم عموماً ادب دوست و ادیب پرور بودند و از بخشش مضایقه نداشتند. آنان به آثار فارسی ارج و اهمیت می‌نهادند و در راه بسط و توسعه آن سعی فراوان می‌کردند. بدین ترتیب مهاجران ایرانی که به دلایل مختلف به آسیای صغیر مهاجرت کرده بودند میزان زیادی آثار فارسی و کتب ارزنده و حتی آداب و رسوم ایرانی را به سرزمین روم انتقال دادند. شهر قونیه و شهرهای اطراف آن مرکز پارسی زبانان و دانشمندان و شعرای ایرانی از قرن ششم به بعد بود و کتابهای با ارزشی در این دوره نگاشته شد. باگذشت زمان زبان فارسی بر اثر تلاش و علاقه سلاطین در آن سرزمین جایگاه والایی یافت و زمینه گسترش آن فراهم شد. از جمله دانشمندانی که به روم مهاجرت کرده و یا در آنجا متولد شده‌اند عبارتند از:

- | | | |
|----------------------|---------------------------|------------------------|
| ۱- بهاء‌الدین ولد | ۲- مولانا جلال‌الدین رومی | ۳- صدرالدین ابوالمعالی |
| ۴- شمس‌الدین تبریزی | ۵- قطب‌الدین شیرازی | ۶- فخرالدین عراقی |
| ۷- نجم‌الدین رازی | ۸- بهاء‌الدین قانعی | ۹- سراج‌الدین ارموی |
| ۱۰- نصیرالدین سیواسی | | |

شواهدی بر تاثیر زبان و ادبیات فارسی^(۱۸)

زبان فارسی، زبان دربار و نیز زبان رسمی تشکیلات اداری در قلمرو دولت عثمانی بوده است. به عنوان مثال: نامه شاهزاده جم (ولیعهد و پسر سلطان فاتح) به برادر بزرگترش

سلطان با یزید خان غازی دوم را می آوریم:

«بعد از ادای مراسم خدمت بنده بی ریا در آستان معلایه جانب عالی شان اعلی الله شأنه ابداً که از غایت عزو ناز نیازمندان بی نیازی نماید و از نوازش غریبان دست همت از آستین فراغت امین دارد.

سلیمان را چه پروا از غم مور	فریدون را چه باک از ضعف زنبور
هرآنکه در لب دریا مقیم است	چه باک اریک غریبی میرد از دور
تفحص کن ز حال زبردستان	در این گنبد چه خاقان و چه فغفور
عرض بنده حقیر و افتاده بی دستگیر آن است که... الخ»	

نامه‌ها و نوشته‌های فراوانی نیز در میان اسناد دوران سلجوقیان موجود است، که بطور نمونه، می‌توان به نوشته‌های روی مهرها اشاره کرد، از جمله روی مهر «نصوح پاشا» صدراعظم «سلطان ابراهیم» آمده است:

ای بار خدا بحق هستی	شش چیز مرا مدد فرستی
علم و عمل و فراخ دستی	ایمان و امان و تندرستی
اسامی مردان و زنان ترک نیز بعضاً از واژه‌های فارسی است مانند: رستم، فریدون، فرهاد، سرمه، خجسته، شکوفه، ستوده، فرخنده...	

با سقوط امپراطوری سلجوقی و سپس عثمانی و بدنبال تأسیس نظام جمهوری و تلاشهای گسترده آتاتورک برای غربی کردن ترکیه، همانطور که قبلاً اشاره شد، الفبای زبان ترکی تغییر کرد و الفبای لاتین جایگزین الفبای عربی گردید. همچنین جنبش اصلاح زبان باعث گردید که بسیاری از لغات و اصطلاحات عربی و فارسی از این زبان حذف و لغات جدیدی بعضاً با ریشه‌های غربی وارد آن گردند. با اینحال علیرغم تمامی تلاشهایی که برای حذف لغات و اصطلاحات زبان فارسی صورت گرفته در حال حاضر در حدود ۲۰۰۰ لغت فارسی با مفهوم متداول در زبان فارسی و یا با مفهومی متفاوت در زبان ترکی مصطلح می‌باشد.

۴-۳-۵- نحوه تغییر خط از عربی به لاتین

ترکها قبل از پذیرش اسلام الفبای خاص خود را داشتند. با پذیرش اسلام خط عربی تدریجاً بوسیله کلیه مردم ترک بهنگام نوشتن زبان ترکی به کار گرفته شد. در زمان ادبیات

تنظیمات نارسایی این الفبا در نوشتن زبان و کلمات ترکی مطرح گردید و سعی شد تا اصلاحاتی بر روی آن صورت بگیرد. این اقدامات تا دوره جمهوری کم و بیش ادامه داشت تا آنکه سرانجام در سال ۱۹۲۸ الفبای عربی منسوخ، و الفبای لاتین جایگزین آن گردید. سیر تغییر الفبای ترکی در قالب دو دوره قابل بررسی است:

۱- دوره تنظیمات (۱۹۰۸ - ۱۸۳۹)

در ترکیه در میان اولین افرادی که در خصوص نارسایی الفبای عربی صحبت کرده‌اند از «منیف افندی» می‌توان نام برد. وی در سال ۱۸۶۲ طی کنفرانسی در مورد الفبای خاص زبان ترکی و اصلاح الفبای معمول سخن گفت و محاسن الفبای اروپائیان و سهولت یادگیری آنرا یادآور شد.

در خارج از ترکیه نیز اقداماتی جهت اصلاح الفبا صورت گرفت. از مهمترین افرادی که در خارج از ترکیه برای اصلاح الفبا کوشیده‌اند «میرزا فتحعلی آخوندزاده» نویسنده و شاعر معروف آذربایجان است که در سال ۱۸۵۷ رساله‌ای به زبان فارسی نوشته و در آن از اصلاح الفبا صحبت کرده. وی معتقد بود که نقطه باید از الفبا حذف شود و علامت دیگری بکار گرفته شود. از جمله اقدامات مهم او تقدیم رساله اصلاح حروف به صدراعظم وقت ترکیه و تشکیل نشستها و جلسات بحث و مذاکره درباره اصلاح حروف عربی و عدم کفایت این الفبا برای زبان ترکی است که سرانجام با اکثریت آرا مورد تأیید قرار گرفت و «میرزا فتحعلی آخوندزاده» به مدال سلطنتی و تقدیر نامه کتبی دست یافت. از جمله اشخاص دیگری که در این دوره در مورد اصلاح و تغییر الفبا اقداماتی کرده و پیشنهاداتی داشته‌اند «احمد جودت افندی» است که در کتاب خود نواقص الفبای عربی را در رساندن صداهای زبان ترکی بیان کرده بود. همچنین «نامیک کمال» شاعر بزرگ ترک و «ملکم خان» سفیر ایران در دربار عثمانی، «علی سعادی افندی» و «فرائض جی زاده» که هر یک در کتاب خود عقاید و نظرات خود را در خصوص اصلاح الفبای عربی بیان کرده‌اند.

۲- دوران مشروطیت دوم و پنج سال اول جمهوریت (۱۹۲۷ - ۱۹۰۸)

در سال ۱۹۰۸، پس از مشروطیت، اقدامات رسمی در مورد اصلاح و تنظیم الفبا صورت گرفت. در این زمان انجمنهای غیر رسمی و خصوصی و سازمانهای رسمی تشکیل گردید

(مانند انجمن املاء و...) که در خصوص اصلاح حروف و با استفاده از حروف منفصله مطالبی منتشر می‌کردند. این مطالب در جامعه آن زمان بسیار به دشواری درک می‌شد، زیرا مردم حروف عربی را بعنوان اینکه از جانب خدا آمده مقدس تلقی می‌کردند و خواندن و نوشتن با آن را يك وظیفه دینی می‌شمردند و از طرف دیگر معتقد بودند با قبول حروف لاتین فرهنگ و علم (قدیمی - اسلامی) از بین می‌رود و رابطه با زمان قدیم به کلی قطع می‌شود. «جلال نوری» متفکر مشهور در این دوره در کتاب خود می‌نویسد: «حروف عربی که روح سامی دارد و بازبان ما سازگار نیست باید رها شود و الفبای بین‌المللی پذیرفته شود. این حروف مخصوص زبانهای سامی چون عربی و عبرانی است و زبان ترکی که ماهیت تورانی خود را از دست داده بیشتر از عربی به زبانهای اروپایی شباهت دارد و ما به حروف منفصله احتیاج داریم».^(۱۹)

در دوره ۵ ساله مشروطیت این مباحثات شدت گرفت و «محمد اکرم رجایی زاده» طی بیانیه‌ای در کمیسیون املاء به حل مسئله الفبای علمی اشاره کرده و تاسیس انجمنی را پیشنهاد نمود. در سال ۱۹۲۲ نمایندگان روزنامه‌های استانبول در از میر طی ملاقاتی با آتاتورک تغییر الفبا را بار دیگر توصیه می‌نمایند که با موافقت وی همراه می‌گردد. یکی از موافقان مشهور تغییر الفبا در این زمان «قلیچ زاده» است که در روزنامه اجتهاد به مخالفان اعتراض کرده و در پاسخ باین سؤال که «عالم اسلام چه خواهد گفت» جواب می‌دهد که: «آیا ما فقط مسلمان هستیم یا علاوه بر مسلمانی ترک هم هستیم؟ اگر تنها مسلمان هستیم زبان و الفبای عربی برای ما لازم بوده است و قرآن هم به عنوان علم برای ما کافی است ولی اگر ترک هستیم، به یک فرهنگی ترکی نیازمندیم و این فرهنگ بیش از هر چیز دیگر با زبان آغاز می‌شود».^(۲۰) از دیگر دلایل مخالفان الفبای عربی و خواستاران تغییر حروف به لاتین این است که آنها معتقد بودند الفبای عربی باعث شده است که ترکیه در یک جهالت عمیق فرو برود آنها استدلال می‌کردند تعداد نسخه‌های روزنامه‌های منتشر شده در ترکیه به اندازه یک شهر اروپایی نیست و این نشان‌دهنده تعداد زیاد بیسوادان در این کشور است که علت بیسوادی اکثریت مردم هم مشکل بودن حروف و الفبای عربی است. در مقابل، مخالفان تغییر الفبا بر این اعتقاد بودند که تطبیق حروف لاتین با زبان ترکی امکان‌پذیر نیست و با این کار (تغییر الفبا) نمی‌توان به تمدن غرب رسید از طرفی تغییر الفبا باعث می‌شود که رابطه مردم با گنجینه فرهنگی سه هزار ساله ترکها و کتابخانه‌های قدیمی ترکیه از هم گسسته شود.

سرانجام در سال ۱۹۲۵ به جای تقویم رایج رومی تقویم میلادی مورد قبول قرار می‌گیرد و مقدمات قبول الفبای جدید همراه با جایگزینی ارقام لاتین آغاز می‌شود. در سال ۱۹۲۸ حکومت وقت ترکیه، قانون مربوط به ارقام بین‌المللی را در سه ماده به مجلس کبیر پیشنهاد می‌کند و مجلس این قانون را به تصویب می‌رساند. با اینحال مباحثات موافقین و مخالفین تغییر الفبا ادامه می‌یابد و روزنامه‌ها توجه زیادی به آن معطوف می‌دارند. در این زمان الفبای لاتین برای استفاده ترکها آماده می‌شود و در تاریخ ۱۹۲۸/۵/۲۰ میلادی طبق دستور نخست‌وزیر، وزارت معارف «انجمن زبان» را تشکیل می‌دهد و به تعویض الفبا می‌پردازد و زبانهای غربی (فرانسه - آلمانی، ایتالیایی و مجاری) را مورد تحقیق قرار می‌دهد.

در ۱۸ اگوست ۱۹۲۸ در مجلسی که حزب خلق جمهوریت در استانبول برگزار کرد آتاتورک آغاز «انقلاب حروف» را اعلام می‌کند. پس از این در تاریخ ۱۱ اگوست ۱۹۲۸ اولین کلاس در ارتباط با حروف جدید زبان ترکی افتتاح می‌شود، با افتتاح این کلاس یک بسیج همگانی نیز آغاز می‌گردد. مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) برای تعالی ملت ترک سه پیشنهاد ارائه می‌دهد:

۱- برای رهایی ملت ترک از جهالت، ترک نمودن الفبای عربی ضرورت دارد. الفبای عربی به هیچ وجه با زبان ترک سازگار نیست.

۲- الفبای پیشنهادی کمیسیون یک الفبای ترکی بوده و طبعاً احتیاجات ملت ترک را تأمین خواهد کرد.

۳- قواعد صرف و املاء متعاقباً با اصلاح زبان و با توجه به ذوق ملی تکامل خواهد یافت. پس ارائه این پیشنهادات، آتاتورک موافقت سایرین را نیز جلب می‌کند. بالاخره قانون مربوط به قبول الفبای لاتین در سال ۱۹۲۸ در ۱۱ ماده تصویب و به مورد اجراء گذاشته می‌شود و این اقدام دولت ترکیه مورد حمایت اروپا و مطبوعات غربی قرار می‌گیرد.

۴-۵- آشنایی با هنر ترکیه

اگر هنر را چون محملی جهت بیان احساسات و افکار و تجربیات در طی زمانها بدانیم که انعکاسی از تحولات تاریخی-اجتماعی و فرهنگی را در بطن خود متبلور نموده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌نماید، این تعریف در قالب هنر ترکیه مصداقی بارز و قابل بررسی می‌یابد. هر زمان که این جامعه «تحولی» را تجربه نموده‌است، هنر چون آینه‌ای آنرا باز

تابانده است و در جای جای زوایای گوناگون عرصه هنر ترکیه می‌توان نقشی از آنرا باز شناخت. مشخص‌ترین گواه این ویژگی را در تحول عهد سلاطین عثمانی به عصر جمهوری و آغاز گرایش‌های غربی میتوان مشاهده نمود. هنر عثمانی به هنر غربی استحاله یافت و این دگرگونی در تابلوهای نقاشی، صحنه‌های تاتر، بناهای معماری و... نمودی بارز یافت.

دامنه بحث در زمینه هنر ترکیه بسیار وسیع و مستلزم مطالعه‌ای ویژه است، آنچه در ادامه خواهد آمد، تلاشی است جهت آشنایی با گوشه‌ای از هنر این سرزمین و ایجاد «زمینه‌ای» جهت بحث‌های پردامنه‌تر آتی. در این ارتباط، گذری خواهیم داشت بر «پیشینه» هنرهایی چون، نقاشی و مجسمه‌سازی، خط، فلزکاری، شیشه‌گری، معماری و تزئینات ساختمانی، سفالگری، بافندگی، تئاتر و سینما، در این کشور.

۱- ۴- ۵- نقاشی و مجسمه سازی

«مینیاتور» بارزترین و یکی از قدیمی‌ترین فرم‌های نقاشی در ترکیه است. این سبک نقاشی که به شیوه‌ای دوعدی نقاشی می‌گردید، در عهد عثمانی و ثانیه قرن هیجدهم بسیار مورد توجه بود و بویژه در تصویرگری کتاب بسیار به کار گرفته میشد. مینیاتور ترکیه که به طرز قابل ملاحظه‌ای از هنر مینیاتور ایرانی تاثیر پذیرفته بود،^(۲۱) در نیمه دوم قرن هیجدهم و با شروع نفوذ گرایش‌های غربی به جامعه رو به زوال نهاد. در اواخر قرن هیجدهم بدنبال برقراری روابط فرهنگی با کشورهای اروپایی، سبک جدیدی مبتنی بر تصاویر سه بعدی در نقاشی ترکیه پدید آمد. در این زمان هنرمندانی چون لونی (Levni) و بخاری (Buhari) تلاش نمودند پیوندی میان سبک نقاشی غربی و نقاشی سنتی ترکیه ایجاد نمایند. در همین دوران نقاشی دیواری نیز تحت تاثیر هنر غربی در تزئینات معماری ترکیه وارد گردید، که نمودی از عناصر برگرفته از طبیعت و مناظر طبیعی را به نمایش می‌گذارد. این سبک نقاشی که فرم نقاشی اواخر عهد عثمانی است و نخستین گام‌های نزدیکی به نقاشی به شیوه غربی محسوب می‌گردد، معرف یک مرحله انتقالی قابل توجه در هنر نقاشی ترکی است.^(۲۲)

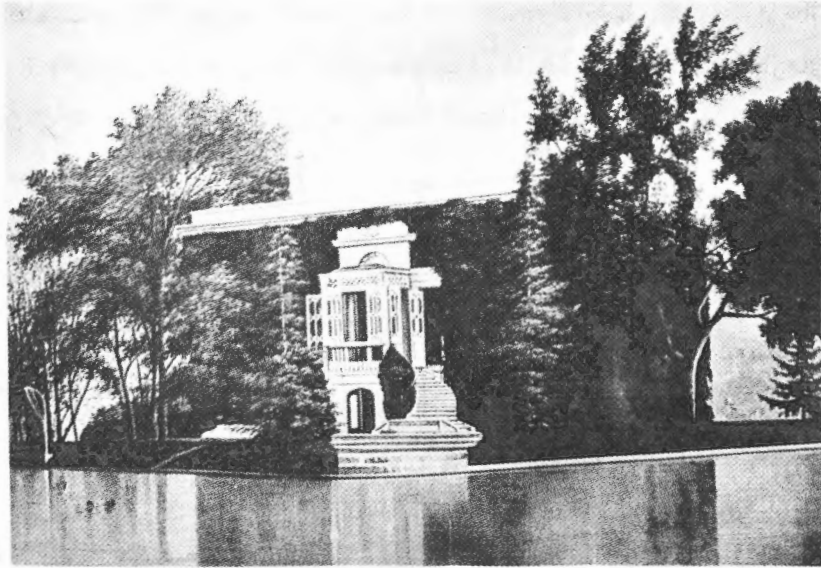
تجربه نقاشی به سبک غربی، مشخصاً، در نیمه اول قرن نوزدهم آغاز گردید. مدارس نظامی اولین موسساتی بودند که طی کلاسهای آزاد نقاشی این سبک را معرفی کرده و آموزش دادند و لذا نخستین نقاشان ترکیه در سبک غربی نیز از این مدارس برخاستند. در زمان سلطان محمد دوم، تعدادی از هنر جوانان این مدارس به اروپا اعزام شده و در بازگشت

به ترکیه آثاری عمدتاً در سبک «ناتورالیسم»، با نگاهی صادقانه به طبیعت و غالباً در قالب منظرسازی، به‌خصوص از باغهای قصرها، عمارات، بوجود آوردند. این هنرمندان در تاریخ هنر ترکیه «پیشگام» خوانده میشوند.^(۲۳) -اولین نمایشگاه نقاشی در ترکیه نیز در سال ۱۸۷۳ میلادی در آکادمی هنرهای زیبا ترتیب داده شد.



تصویر شماره ۱: «گل‌های ماگنولیا» اثر Ibrahim Calh

مأخذ: منبع شماره 13

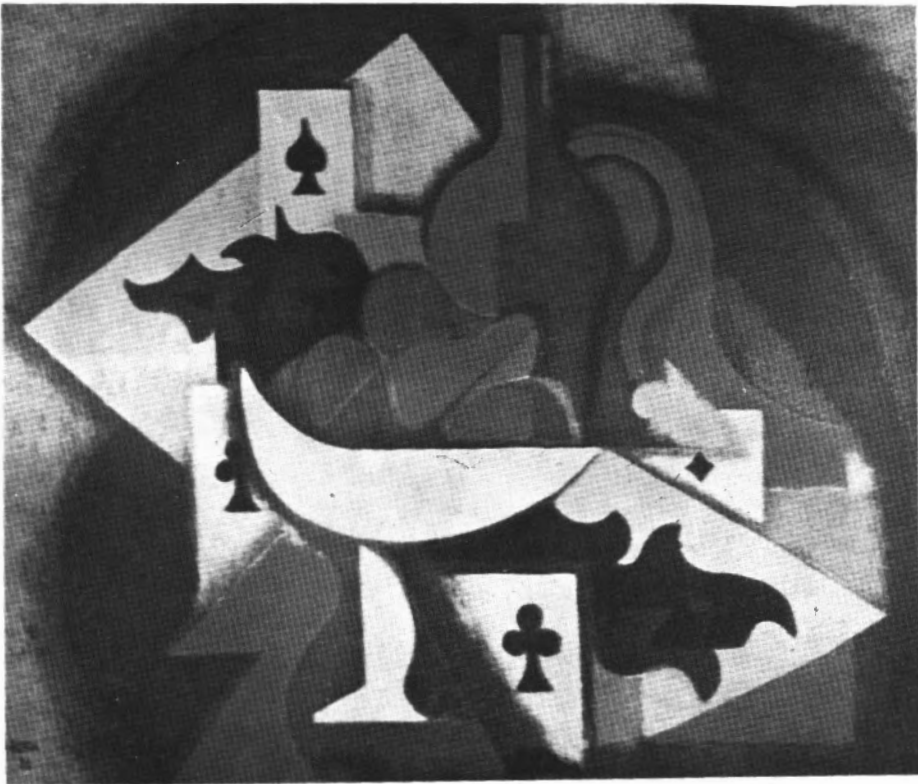


تصویر شماره ۲: نمایی از باغ قصر Yildiz اثر: Sevki از مجموعه موزه نقاشی و مجسمه استانبول.

مأخذ: منبع شماره 13

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی «امپرسیونیسم» سبک جدیدی بود که بوسیله نقاشانی چون رضاییک (Hodja Ali Rizabey) و خلیل پاشا (Halil Pasha)^(۲۴) و سپس بوسیله هنرجویان اعزامی به پاریس به عرصه هنر نقاشی ترکیه راه یافت. با تغییرات قابل توجه دیگری که هنرمندان سالهای ۱۹۲۰ فراهم نمودند دوره مهم دیگری در نقاشی ترکیه آغاز گردید. در طی سالهای ۳۸-۱۹۲۳ دست در دست تغییرات سریع و مدرن‌گرایی در زمینه‌های مختلف، هنرهای زیبا نیز شاهد تحولاتی بود مبین سیاست‌های دولت در زمینه فرهنگ و هنر و رهنمودهای مصطفی کمال آتاتورک. آتاتورک اعتقاد داشت «تنها نیرویی که انقلاب ترکیه را بازتاب می‌بخشد، هنرهای زیباست.»^(۲۵) وی هنر را عامل پیوند دهنده ترکیه و پیشرفتهای جهان میدانست. در این دوره گروهی از فارغ‌التحصیلان آکادمی هنرهای زیبا به خارج اعزام گردیدند و هنرمندان و معلمین غربی نیز در زمینه نقاشی و مجسمه‌سازی و معماری به ترکیه دعوت شدند. با بازگشت هنرجویان اعزامی، «انجمن نقاشان و مجسمه‌سازان مستقل»^(۲۶) تأسیس گردید. اعضاء این انجمن و

گروه دیگری از هنرمندان که بعدها به گروه «D» شهرت یافتند باب جدید دیگری در نقاشی گشودند و تلاش نمودند تا ضمن یادگیری و اشاعه گرایشهای هنر غربی، از آن در جهت ارتقاء فرهنگ جامعه بهره گرفته و سطح هنری مشخصی را براساس معیارهای معین بنا نهند. این هنرمندان در آثار خود به تسلط خط، فضا و حجم توجه کردند و از سبک «کوبیسم» غربی بسیار تاثیر پذیرفتند.



تصویر شماره ۳: اثر Nurullah Berk از مجموعه موزه نقاشی و مجسمه استانبول

مأخذ: منبع شماره: 12

وقوع جنگ جهانی دوم، همانگونه که مانعی را در روابط سیاسی ترکیه با غرب پدید آورد، قطع روابط فرهنگی این دو را نیز به همراه داشت. در این دوره زمانی، عدم امکان اعزام دانشجویان به کشورهای غربی یا دعوت از استادان غربی و عدم امکان دنبال نمودن

پیشرفتهای هنرهای زیبا در غرب، تا سال ۱۹۴۶، ترکیه را از غرب و زمینه‌های فرهنگی - هنری آن به دور نگاهداشت. در فاصله سالهای ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۳، نقاشان ترکیه طی برنامه‌ای موسوم به «سفر نقاشان در ترکیه» به گشت و گذار در ترکیه پرداخته و با شرایط زندگی مردم در متن جامعه آشناگردیدند. در پی این حرکت در سال ۱۹۴۱ گروهی از هنرمندان همسویی



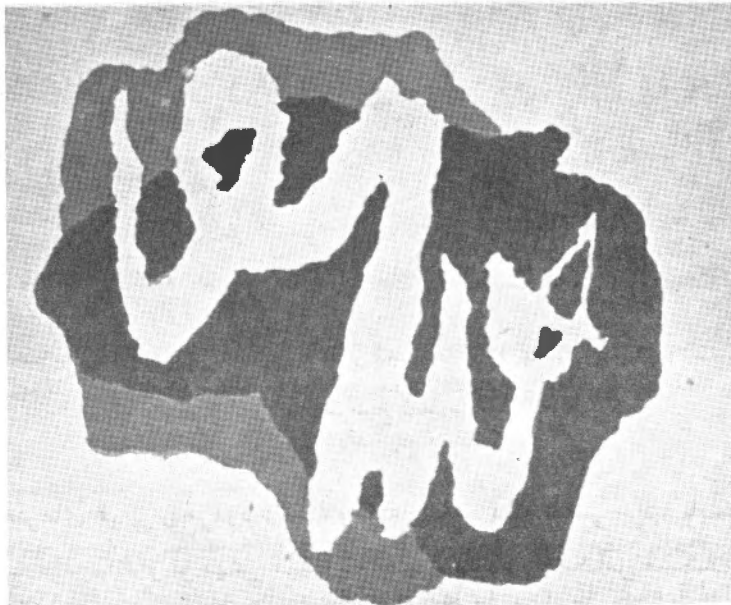
تصویر شماره ۴: اثر Turgut zaim از مجموعه موزه نقاشی و مجسمه استانبول

مأخذ: منبع شماره: 12

مطلق با هنرهای غربی را مردود دانسته و اعتقاد داشتند که نقاشی ترکیه بایستی خود را از تاثیر غرب آزاد نماید و توجهش عمدتاً به جهت مردم و انعکاس مشکلات اجتماعی معطوف گردد. با چنین دیدگاهی بود که زندگی روزانه مردم توسط گروهی از نقاشان بر پرده‌های نقاشی نقش بست.

گرایش جدید - به موازات رئالیسم اجتماعی در ادبیات ترکیه - بازگشت به ریشه‌های ملی در هنرهای زیبا را مطرح می‌نمود و با ذهنیتی متکی بر یک هنر اجتماعی شروع به حرکت نمود. لیکن نتوانست طی سالهای آتی تأثیرات نخستین خود را حفظ نماید و در سال ۱۹۶۰ به طرز قابل توجهی از تأثیرش کاسته گردیده بود. در همین سالها، از سوی دیگر، گروهی دیگر بر این باور بودند که با توجه به اینکه شرق در هنرهای تزئینی بی‌بدیل است و غرب در هنر نقاشی مرجعی قابل اعتنا بشمار می‌رود، لازم است هنر شرق و غرب در کنار یکدیگر مطرح باشند.

در مجموع، تشتت آرایی که در زمینه نقاشی از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰ میلادی مشاهده شد، راه هنرهای انتزاعی (آبستره) را باز نمود. با برقراری مجدد روابط فرهنگی با کشورهای اروپایی در سال ۱۹۴۶، نقاشان ترک به پاریس و مونیخ اعزام شدند و تحت تأثیر مفاهیم هنر انتزاعی در اروپا قرار گرفتند. هنر انتزاعی بعد از ۱۹۵۰ بوسیله بسیاری از نقاشان و مجسمه‌سازان ترک مورد استفاده وسیع قرار گرفت و تا سال ۱۹۶۵ همچنان با نفوذ باقی ماند.



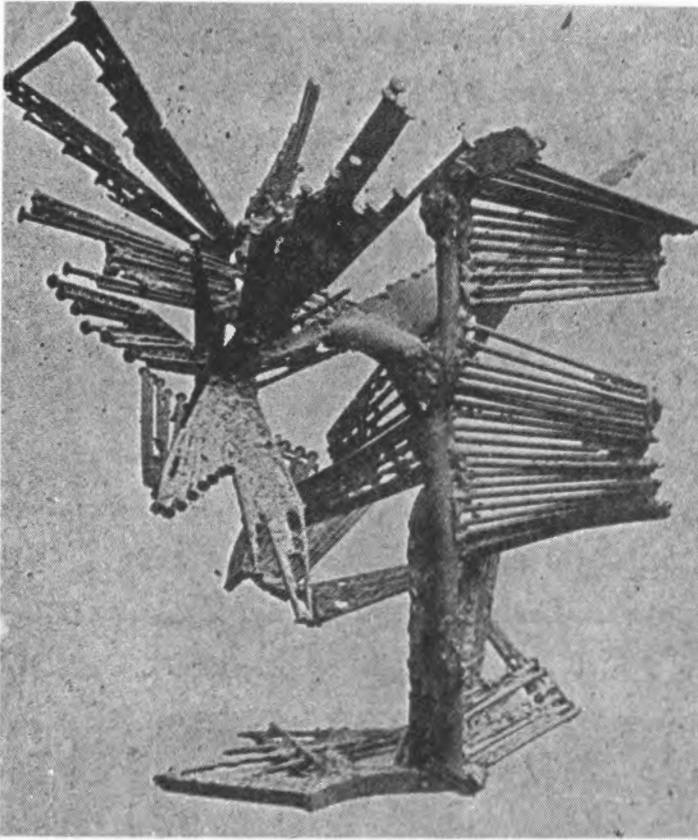
تصویر شماره ۵: اثر Sabri Berkel ۱۹۵۸، از مجموعه سفارت ترکیه در اطریش

مآخذ: منبع شماره ۱۴

پس از ۱۹۶۵، نقاشی تمثیلی در سبکهای مختلف رواج یافت. در دوره‌ای که در ۱۹۷۰ آغاز گردید، هنرمندان نسل جدید، عمدتاً از سبک اکسپرسیونیسم سورئالیستی یا سبک تمثیلی برپایه روانشناسی تبعیت می‌نمودند. بعدها پس از ۱۹۸۰، با به ظهور رسیدن سبک نئواکسپرسیونیسم در اروپا این سبک از سوی نقاشان ترک نیز دنبال شد. تاسی از سبکهای گوناگون نقاشی غربی بویژه پس از ۱۹۵۰، از مشخصه‌های هنر نقاشی ترکیه در این سالها محسوب میگردد.

در مقایسه با نقاشی، مجسمه‌سازی در ترکیه دیرتر توسعه یافت. در اواخر عهد عثمانی در پی تاسیس آکادمی هنرهای زیبای استانبول، آموزش مجسمه‌سازی توسط معلمینی که در رم و پاریس تعلیم دیده‌بودند، آغاز گردید. برخی از شاگردان این آکادمی نیز به غرب اعزام گردیدند. مجسمه‌سازان اولیه ترک نیز مانند نقاشان طبیعت‌گرای ترک، ایده‌های ناتورالیستی^(۲۷) هنرمندان اروپایی را تعقیب می‌نمودند. با اینحال تا سال ۱۹۲۳، مجسمه‌سازی توسعه و حضور مشخصی در عرصه هنر ترکیه نداشت. در دوره جمهوری با اعزام هنرجویان بیشتری به ممالک غربی این هنر نیز در قالب هنرهای غربی پویایی بیشتری یافت و در زمان نسبتاً کوتاهی مجسمه‌سازی نیز بسوی بیان انتزاعی سوق داده شد. ارتباط و نزدیکی بسیار با غرب و ایجاد تسهیلات در دسترسی به کتب و مراجع هنری غربی را از جمله عوامل موثر بر رشد هنر انتزاعی در زمینه نقاشی و مجسمه‌سازی ترکیه تا سالهای اخیر دانسته‌اند. بطورکلی مراحل که نقاشی و مجسمه‌سازی ترکیه طی نموده است را میتوان بصورت زیر دسته‌بندی نمود:

- ۱- قبل از دوره جمهوری
- ۲- دوره کمال آتاتورک (۳۸-۱۹۲۳)
- ۳- دوره تشتت آراء در زمینه نقاشی و مجسمه‌سازی (۵۰-۱۹۳۸)
- ۴- توسعه هنر انتزاعی - آستره - (۱۹۶۵-۱۹۵۰)
- ۵- گرایشهای تمثیلی نوین (از ۱۹۶۵)
- ۶- توسعه‌ها پس از ۱۹۷۰



تصویر شماره ۶: مجسمه انتزاعی، اثر Kuzgun Acar از مجموعه موزه دولتی

نقاشی و مجسمه استانبول

مأخذ: منبع شماره ۱۴

۲-۴-۵- خط

هنر خطاطی را یکی از عرصه‌های قابل توجه جلوه هنر ترکیه باید دانست. ابعاد مختلف این هنر در قالب حروف، کلمات، اشعار، نوشته‌های مذهبی و علمی به اشکال حیوان، گیاه، انسان یا در صوری مجرد، تبلوری از ذهن هنرمند را به تماشا می‌گذارند.

در عصر عثمانی هنر تذهیب و خوشنویسی - بویژه کتابت قرآن مجید - از جمله هنرهای برگزیده تلقی می‌گردیدند و بواسطه توجه سلاطین بر آنها بسیار رونق یافتند. در این دوره خطاطان بسیار ارجمند شمرده شده و حتی از دیگر کشورها نیز، به خدمت گرفته می‌شدند.

از جمله، «در سال ۱۵۱۵ میلادی، سلطان سلیم اول، هزاران هنرمند و صنعتگر را از تبریز در استانبول گرد آورد و اینان به کار تزئین کتب شعر، دعا و متون علمی گمارده شدند. به همین علت قرن شانزدهم میلادی در ترکیه را باید قرن طلایی و پر بار جهت تدوین کتب زیبا و نفیس دستنویس و نقاشیهای ظریف مینیاتور دانست.»^(۲۸)



تصویر شماره ۷: نقش «بسم» به شکل پرنده، قرن ۱۵

مأخذ: منبع شماره ۶



تصویر شماره ۸: عبارت محمد و عمر در قالب سر انسان

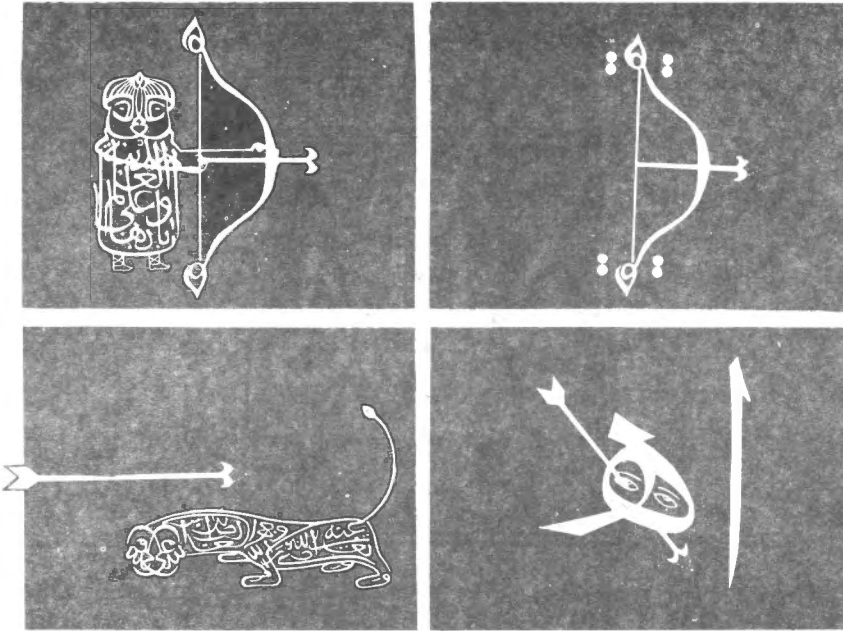
مأخذ: منبع شماره ۶



تصویر شماره ۹: خط ثلث حلی، اثر: مصطفی راقم
 مأخذ: منبع شماره ۶

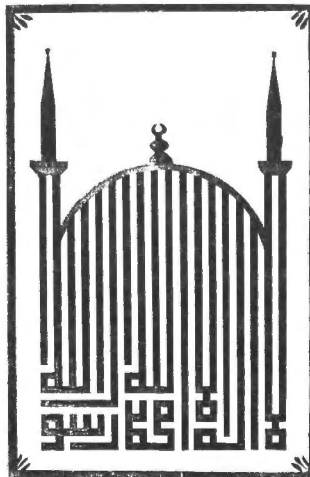
تا قرن هفدهم میلادی - بویژه در دو قرن ۱۵ و ۱۶ - خطاطی در ترکیه تحت تاثیر هنر ایرانی قرار داشته و غالباً به تقلید از آثار هنرمندان ایران انجام می‌گرفت. از قرن هفدهم به بعد نوعی التقاط به این زمینه هنری راه یافت و این هنر تحت تاثیر قدرت تخیل هنرمندان مختلف به اشکال مختلف درآمد. بطور مثال، حافظ عثمان (۱۶۹۸ - ۱۶۴۲) در شیوه خطاطی ثلث و نسخ تحریفاتی نمود. وی از جمله کسانی است که ابداع سبک هیلیا (Hilya) را - که عبارت از ایجاد تصویر به کمک کلمات است - به او نسبت میدهند. همچنین شیوه خطی «طغری»، که نوعی مهر و امضاء تزئینی مخصوص دربار و پادشاهان است، از ابداعات اوست. (۲۹)

بخشی از تالارهای موزه «توپکایی» که به هنر «کتابت» اختصاص یافته است، گوشه‌هایی از هنر خوشنویسی ترکیه در گذر زمان را به تماشا می‌گذارد، که نمونه‌های منتخبی از آن ارائه می‌گردد.



تصویر شماره ۱۰: ایجاد تصویر با کلمات - سکانسهایی از یک فیلم ترکی

مآخذ: منبع شماره ۶



تصویر شماره ۱۱: عبارت لا اله الا الله در قالب مسجد

مآخذ: منبع شماره ۶



تصویر شماره ۱۲: تابلو سرامیک با عبارت مضاعف یا هو. بورسا ترکیه. قرن شانزدهم
 مأخذ: منبع شماره ۶

۳-۴-۵- فلزکاری

هنر فلزکاری ترکیه دارای سابقه دیرینه‌ای است. در این ارتباط دو مقطع تاریخی مربوط به دوران ترکان سلجوقی و سپس ترکان عثمانی، با تولیدات و تکنیکهای کاملاً متفاوت از اهمیت بیشتری برخوردارند.

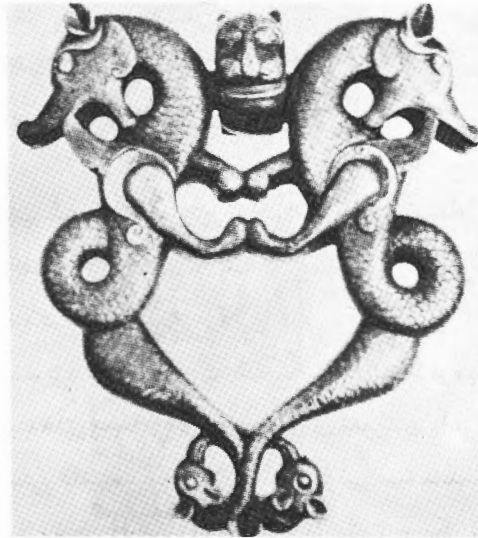
در عهد سلجوقی - عمدتاً قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی - دست ساخته‌های فلزی از نظر فرم و تکنیک ساخت کاملاً به دیگر مراکز حاکمیت سلجوقیان، بخصوص شرق ایران و بین‌النهرین وابسته بوده و تأثیراتی از روشهای بیزانسی نیز در آنها قابل مشاهده است. اشیاء فلزی این دوره، که غالباً از جنس «برنز و برنج» می‌باشد، اصولاً مجموعه گرانبهایی را عرضه نمی‌دارند. این اشیاء که معمولاً به سفارش اشراف و بزرگان جامعه برای آنان ساخته میشد با نشانه‌های خانوادگی یا سمبلهای نجومی - مانند ماه و خورشید و... - یا اشکال اساطیری یا مذهبی خاصی تزئین میگردد. جنبه سمبلیک تزئینات - که در اغلب موارد با پایگاه اجتماعی افراد ارتباط می‌یافت - در این دوره قابل توجه است. علاوه بر آن حک اسم صاحب یا سازنده کار بر روی شیئی فلزی نیز خود مبین اهمیت اجتماعی این افراد بود. در عهد سلجوقی، «قونیه»

- پس از خراسان و شمال بین‌النهرین - از مراکز مهم فلزکاری بشمار میرفت که فلزکاران عمدتاً مهاجر از خراسان، در آن فعالیت می‌نمودند.

در این دوره «در کوبه‌ها» یکی از بهترین اشیاء فلزی شناخته شده بودند که در غالب ساختمانها از مساجد تا خانه‌های معمولی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در کوبه‌ها، علاوه بر کارکرد اصلی و یا بیش از آنکه یک عنصر تزئینی باشند، عملکردشان محافظت از چشم زخم بوده است و لذا از نقوش اساطیری برای این منظور استفاده می‌شده است.

در این دوره ساخت آئینه و شمعدان از جنس برنز، برنج و نقره با تزئینات مرصع‌کاری و با نقوش مختلف، بویژه برای سلاطین، نیز معمول بوده است.

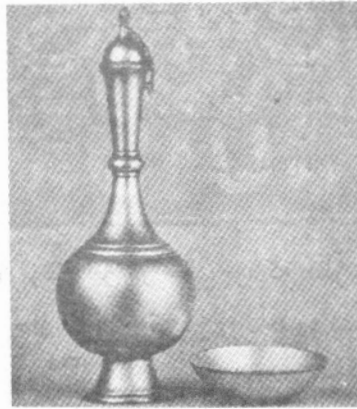
در عهد عثمانی، فلزکاری اگرچه از نظر کیفی نسبتاً تنزل یافت اما از نظر فرم از وابستگی خودکاست. در این دوره سلاطین عثمانی غالباً مجموعه‌ای از اشیاء نقره‌ای و طلایی گرانبها را در خزانه‌های شخصی خود محفوظ می‌داشتند و تعداد سازندگان اینگونه اشیاء در قصرهای عثمانی نیز قابل توجه بود. - این در حالی بود که بنظر میرسید سلاطین عثمانی با اعتقاد به تعالیم اسلامی استفاده از فلزهای قیمتی را محدود نموده و فلزهای کم بهاتر، شامل مس و برنج، را ترجیح دهند.^(۳۰)



تصویر شماره ۱۳: در کوبه برنزی - متعلق به اوایل قرن ۱۳ میلادی

مآخذ: منبع شماره 19

در این دوره، اشیاء طلایی و نقره‌ای و مرصع، به سفارش طبقه حاکمه برای استفاده‌های شخصی و همچنین برای جشنها و مراسم درباری تهیه میگردید. تدریجاً استفاده از اشیاء فلزی به زندگی روزمره مردم عادی نیز راه یافت و در این ارتباط کارهای هنری ساده و عاری از تزئینات، نیز ارائه گردید، که این سادگی مورد توجه اشراف و بزرگان نیز قرار گرفت. در عهد عثمانی، علیرغم استفاده از طلا و نقره، برنج و مس فلزاتی بودند که بیشتر بکار گرفته می شدند.



تصویر شماره ۱۴: ظروف نقره‌ای، متعلق به قرن ۱۶ میلادی
 مأخذ: منبع شماره ۱۹

در این عصر در اغلب شهرهای قدیمی تولید اشیاء فلزی متداول بود، لیکن اشیاء طلایی و نقره‌ای که برای سلاطین و اشراف تهیه میشد، عمدتاً در استانبول ساخته می شد. از میان اشیاء فلزی ساخته شده در این دوره موارد زیر قابل ذکرند:

چراغها و فانوسها - بویژه چراغهای مساجد، شمعدانها با فرمهای خاص عهد عثمانی و غالباً از جنس برنج، آئینه‌های عثمانی با خاصیت‌های تعویذی یا برای استفاده روزمره که در بیشتر موارد جنبه تجملی داشته و به طرز خاصی تزئین میشدند - بطور مثال، نواری در حواشی آئینه به بیان یک شعر فارسی اختصاص می یافت و یک زمینه تزئینی مرکزی در پشت آئینه کار میشد و از سنگهایی چون فیروزه و یاقوت و زمرد نیز استفاده میگردید، سلاح و کلاه خود و دیگر ادوات جنگی نیز در میان اشیاء فلزی دوره عثمانی جایگاه ویژه‌ای دارند.^(۳۱) در ساخت این ابزارها بخصوص آنها که برای سلاطین و یا برای مراسم خاصی

تهیه می‌گردیدند، از فلزات و سنگهای گرانها استفاده میشد. «منقل» نیز از دیگر اشیاء فلزی این دوره است که در قالبها و طرحهای متنوعی ساخته میشد.^(۳۲) منقلها جنبه تزئینی نیز داشتند و بخصوص آنها که برای قصرها ساخته میشدند از طرحها و ابداعات خاص بهره‌مند بودند. امروز نیز این وسیله، غالباً به عنوان یک شیئی تزئینی بفروش میرسد و برجسته‌ترین آنها در کارگاههای «سلیمانیه» در استانبول، تهیه می‌شوند و بنام همین کارگاه شهرت دارند، و در ساخت آنها مشخصاً از مدل‌های قدیمی استفاده میگردد.

قفلها و درکوبه‌ها در این دوره نیز از جمله اشیاء قابل توجه هستند و اصولاً در این دو شیئی انعکاسی از هنر و فرهنگ ترکیه قابل مشاهده و بررسی است. اگر چه از درکوبه‌ها و قفل‌های معمولی در دورانهای اولیه ساخت این اشیاء اطلاع زیادی در دست نیست اما حضور این اشیاء در بناهای مهم مانند مساجد و قصرها، اطلاعات ارزنده‌ای را عرضه میدارند. فرم قدیمی درکوبه‌ها، متشکل از صفحه‌ای فلزی است - غالباً آهنی - با حلقه‌ای که بر روی آن نصب گردیده است. لیکن این فرم تنوع بسیار داشته است، از ساده‌ترین تا استادانه‌ترین تزئینات، بطور مثال در استانبول - بویژه در ساختمان‌های سلاطین و اشراف روزگاران گذشته - میتوان در کوبه‌هایی یافت که طرحها و تزئینات دقیقی را به نمایش می‌گذارند و بعضاً دارای ادعیه اسلامی و مضامین مذهبی نیز می‌باشند.

هنر فلزکاری در معماری و در مواردی چون نرده سازی و شبکه‌های محافظ پنجره‌ها، در کنار چوب و مرمر مورد استفاده قرار گرفته و بخش دیگری از این هنر را ارائه می‌نمایند.



محل تصویر شماره ۱۵: نمونه‌ای از آئینه و ظروف فلزی متعلق به قرن ۱۹ میلادی

مآخذ: منبع شماره ۲



تصویر شماره ۱۶: گلابدان مسی متعلق به نیمه اول قرن ۱۸ میلادی
 مأخذ: منبع شماره 19

۴-۴-۵- شیشه‌گری

تاریخ هنر شیشه‌گری در ترکیه، هنوز چهارچوب مدونی نیافته است. اطلاعات در زمینه تولید شیشه در آناتولی با قرن شانزدهم میلادی آغاز میگردد.^(۳۳) بنظر میرسد که قبل از این تاریخ اشیاء شیشه‌ای کاربرد محدودی داشته و کالاهایی لوکس تلقی می‌شده‌اند و از مناطق دیگری به این سرزمین وارد می‌گردیده‌اند.



تصویر شماره ۱۷: ظروف شیشه‌ای متعلق به عهد عثمانی، قرن ۱۹ میلادی
 مأخذ: منبع شماره 2

بکارگیری شیشه‌های رنگی در محراب مسجد «اعظم سلطان» در استانبول^(۳۴) شروعی در زمینه تولید شیشه در ترکیه محسوب می‌شود، و قدمت آن به قرن ۱۶ میلادی باز می‌گردد. بنا بر شواهد، شیشه‌های رنگی مورد استفاده این مسجد در کارگاهی متعلق به همین مسجد تهیه شده‌اند. شواهد دیگری نشان می‌دهند که شمعدانهای شیشه‌ای، فنجانهای سبز و سفید، ظروف کوچک و بزرگ و دیگر اشیاء شیشه‌ای نیز از این مسجد خریداری می‌شده است. تا اواسط قرن شانزدهم تدریجاً کارگاههای شیشه‌گری دیگری هم در استانبول بوجود آمد. با اینحال شیشه‌گری در میان هنرهای عهد عثمانی، هنری است که نسبتاً مورد بی‌توجهی بوده است و اشیاء شیشه‌ای مورد نیاز برای مصرف دربار و اشراف در این دوره، از «ونیز» و دیگر مراکز ساخت در اروپای مرکزی وارد می‌شده است و احتمالاً برخی کارگاههای شیشه‌گری در اروپا، اختصاصاً اشیایی خاص چنین بازاری در ترکیه، تهیه می‌نمودند. در قرن هیجدهم، ظاهراً، همراه با هنرمندان و مهندسانی که از اروپا به ترکیه دعوت شدند، برخی هنرمندان ماهر در شیشه‌گری و کریستال‌سازی نیز به این کشور وارد گردیدند و کارگاههایی را بخصوص در استانبول - تاسیس نمودند. در همین دوران افراد معدودی نیز جهت آشنایی و آموزش این هنر به اروپا سفر کرده یا اعزام شدند، اینان نیز در بازگشت کارگاههای دیگری را بنا نمودند. برخی از این کارگاهها در قرن نوزدهم به کارخانه‌های شیشه‌گری تبدیل شدند و تا امروز نیز فعالیت تولیدی خود را ادامه داده‌اند.

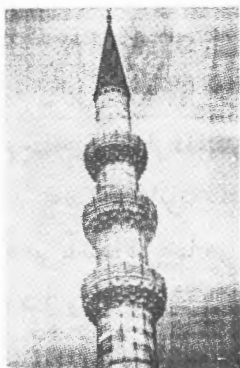
۵-۴-۵ - معماری و تزئینات ساختمان

با توجه به تسلط تاریخی طولانی سلاطین عثمانی بر کشور ترکیه، سبک معماری و آثار بازمانده از این دوره قابل توجه می‌باشند. معماری این دوره از یکسو تحت تاثیر معماری مرسوم سلجوقی قرار داشته و از سوی دیگر با رعایت ویژگیهای معماری روم و یونان همراه است. در عصر عثمانی، بنای عظیمی که منبع الهام بسیاری از بناهای بعدی گردید، «ایا صوفیا» می‌باشد. این بنا در اصل کلیسای روم شرقی بود که توسط امپراطور «جاستینیان»، ساخته شد و در عهد عثمانی به مسجد تبدیل گردید. در عهد عثمانی، سلاطین جهت ساخت بناهای مهم از معماران خارجی دعوت به عمل می‌آوردند و در این دوره مساجد بسیاری ساخته شد از جمله مسجد «فاتح» استانبول که بوسیله معمار یونانی «کریستودولوس» به سفارش سلطان محمد دوم - به پیروی از مسجد ایاصوفیه - بنا گردید. در

قرن شانزدهم میلادی، «سینان» از بزرگترین معماران خارجی بود که به خدمت سلاطین عثمانی درآمده بود. ابداعات و دیدگاههای وی - که تلفیقی از اصول زیبایی شناسی و هویت مذهبی را ارائه می نمود - در سراسر آن قرن همچون معیاری تلقی شده و تا قرن هفدهم میلادی الهام بخش و راهنمای بسیاری از معماران بود. مسجد «سلیمه» در «ادرنه» و مسجد «اعظم سلطان سلیمان»، نمونه‌هایی از آثار وی می‌باشند.^(۳۵) بنای اخیر که بر روی یکی از هفت تپه استانبول قرار دارد، دارای بخشهایی چون: حمام، نوانخانه، کاروانسرا، آرامگاه سلطنتی و سه مدرسه و مسجد در ساختمان اصلی است.



تصویر شماره ۱۸: نمای مسجد ایاصوفیه استانبول



تصاویر شماره ۱۹ و ۲۰ و ۲۱: تصاویری از چند «مناره» از مساجد بنا شده در

مآخذ: منبع شماره ۷

قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی

از قصرهای قدیمی این دوره آثار زیادی باقی نیست، مهمترین آنها مجموعه بناهای با عظمت «توپکاپی سرای» است که در اواسط قرن پانزدهم میلادی در استانبول بنا گردید و تدریجاً بخشهای مختلفی از سوی سلاطین عثمانی بر آن افزوده گشت. این بنا مجموعه عظیمی از باغها و ساختمانهای متفرقه را در برمی گیرد و بواسطه کاشیکاریهای داخلی و خارجی بناهای آن همواره مورد توجه بوده است.

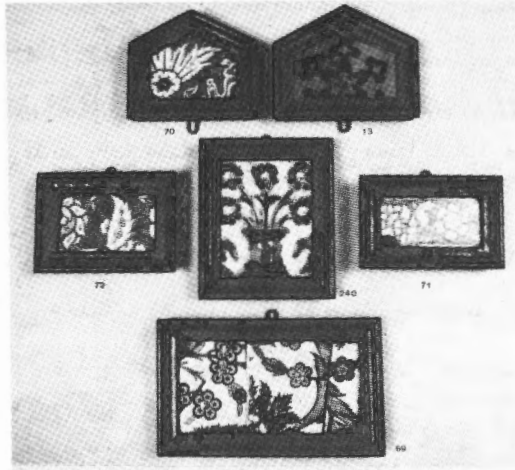
حمامهای ترکی نیز در گذشته از معروفیت خاصی برخوردار بوده و معماری ویژه‌ای داشته‌اند. طبق سنتی قدیمی این حمامها از سه بخش مجزا تشکیل می شده‌اند. بخش اول، محل تعویض لباس و بخش بعدی گرمخانه بوده است که بدن در این محل برای تغییر درجه گرما آمادگی پیدا می کرده است، و آخرین بخش نیز شستشو خانه نامیده می شده است. نقشه این گرمابه‌های عمومی عمدتاً به دو صورت بوده است: ساختمانی هشت گوش و یا بنایی صلیبی شکل با ۴ ایوان و گنبد. گرمابه «اسکی کاپلیکا» از قدیمی ترین گرمابه‌های عمومی ترکیه است که در قرن چهاردهم میلادی بنا گردیده است.

با شروع تمایلات غربگرایانه در میان حکام اواخر عهد عثمانی و تداوم آن با شدت بیشتر در دوره جمهوری، ارزشهای غربی بر معماری و شهر سازی ترکیه تسلط یافتند. از معماران غربی بسیاری برای ساخت بناها - عمدتاً بناهای دولتی - دعوت بعمل آمده و طرحهای جامع بسیاری از شهرها بزرگ - مانند آنکارا - بوسیله شهر سازان غربی تهیه گردید.

تزئینات ساختمانی

در عهد عثمانی کاشیکاری مهمترین وسیله تزئین بناها بود و کاشیکاریهای زیبا و ظریف از مشخصه‌های هنر این دوره محسوب می گردد، بویژه از اوایل قرن پانزدهم میلادی که میتوان شاهد اوج شکوفایی این هنر در این سرزمین بود. از جمله در «مسجد سبز»، ساخته شده به سال ۱۴۲۱ میلادی. این بنا در خارج با کاشیهای فیروزه‌ای تزئین شده است و محراب آن با بلندی ۱۰ متر تماماً با کاشیهای منقوش با گلهای پیچیده در هم ایرانی و چینی و نقوش اسلیمی و خطوط کوفی و نسخ پوشیده شده است. این تزئینات توسط استادان تبریزی که از ایران به ترکیه آورده شده بودند انجام گرفته است. نمونه دیگری از کار این استادان را در مسجد «سلطان مراد دوم» در «ادرنه» - ۱۴۳۳ میلادی - نیز می توان یافت. در

عهد عثمانی شهر ایزنیک از مهمترین مراکز تولید کاشی و سفال بشمار می‌رفت. نمونه‌ای از هنر کاشیکاری ترکیه در تصویر شماره ۲۲ ارائه گردیده است - استفاده از چوب و سنگ مرمر نیز در تزئینات بناهای این دوره بسیار معمول بوده است.



تصویر شماره ۲۲: نمونه‌هایی از هنر کاشیکاری دوره عثمانی، ایزنیک. قرن ۱۶ میلادی
مأخذ: منبع شماره ۲

۴-۵- سفالگری

سفالگری از جمله هنرهایی است که عصر شکوفایی آن را در زمان سلاطین عثمانی، و در شهرهای ایزنیک و استانبول، باید جستجو نمود. این هنر سه دوره پرونق را - به خصوص در شهر ایزنیک - پشت سر گذاشت که هر یک ویژگی و روش خاص خود را داشتند:

دوره اول - ۱۴۹۰ تا ۱۵۲۵ میلادی - در این دوره فرم اکثر ظروف، از روی ظروفي که با مواد دیگری ساخته میشد کپی میگردید و طرحها عبارت بودند از، شاخه‌های پیچک اسلیمی و نقوشی در زمینه‌های سفید و آبی. دوره دوم - ۱۵۲۵ تا ۱۵۵۵ میلادی - در محصولات این دوره، که به سفالهای دمشق معروف می‌باشند، گل‌ها اصلی‌ترین طرح را تشکیل میدهند که زمانی بصورت طبیعی و زمانی بصورت تمثیلی نقش شده‌اند و در

انتخاب رنگ زمینه، علاوه بر رنگهای سفید و آبی از رنگهای سبز باتونالیته سیاه استفاده شده است. در دوره سوم که از اواسط قرن شانزدهم تا قرن هیجدهم ادامه یافت، طرحهای جدیدی ملهم از گل‌های متنوع سرزمین ترکیه - مانند میخک، لاله، رز... - و همچنین نقوشی از درختانی چون سرو، و یا میوه‌هایی چون انگور، و گاه طرحهایی از انسان، در زمینه‌هایی با رنگهای سفید، فیروزه‌ای، قهوه‌ای و بنفش بکار گرفته شدند. در قرن ۱۸ شهر کوتاهیه، مرکز سفالگری گردید و دوران پررونق ایزنیک به انتها رسید. در قرن نوزدهم استانبول و «کاناکاله» از مراکز مهم سفالگری بودند که در تولید ظروف خانگی شهرتی بسزا داشتند.



تصویر شماره ۲۳: بشقابهای سفالی مربوط به قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی - شهر ایزنیک
 مأخذ: منبع شماره ۲

۷-۴-۵- بافندگی

بافندگی از دیگر هنرهای کهن ترکیه است که در عصر عثمانی، بدلیل توجه خاصی که بدان مبذول گردید، رونقی ویژه یافت. در این دوره «بورسا» از مراکز مهم پارچه‌بافی بود که در آن ابریشم بافی و زری بافی معمول بوده و انواع پارچه‌های پرده‌ای و لباسی تهیه می‌گردید. در بافت این پارچه‌ها رنگهای زرد و قرمز و آبی، رنگهای اصلی زمینه را تشکیل می‌دادند که بر آنها گل و گیاههایی با طرحهای مختلف - غالباً بر اساس طرحهای هنر سفالگری - و گاه با الهام از نقوش چینی نقش می‌گردیدند. این پارچه‌ها، در بازارهای اروپایی طرفداران فراوان داشتند. فرش‌بافی نیز در ترکیه سابقه‌ای دیرینه دارد و به دوران قبل از عثمانی - در زمان سلجوقی باز می‌گردد - لیکن از بافته‌های این دوره اثری باقی نیست و

وجود فرش در این زمان را از آثار نقاشیهای بجامانده حدس زده‌اند. در عهد عثمانی فرشهای «اوشاک» «گرد»، «کورا»، «لادیک» و «برکاما»، دارای شهرت بودند. قدیمترین فرش بدست آمده از زمان عثمانی از نوع «اوشاک» است که در سال ۱۵۸۴ میلادی بافته شده است. در قرن شانزدهم قالیهای شاخص با نام «عثمانی» یا «قاهره» نیز بافته میشد که در بازارهای اروپا به فروش میرسید و ترکیبی از نقوش عهد عثمانی و طرحهای مصری^(۳۶) را در خود داشت. بعدها، ترکها فرشهای مرغوبتری تولید نمودند و فرش اوشاک در دو نوع «ستاره‌ای» و «مدالی» تهیه شد که نوع مدالی دارای انواع مهم و متنوعی بود و طی دوران طولانی‌تری تا قرن ۱۸ میلادی بافته می‌شد و معمولاً متشکل از طرحهای فرورفته و برجسته در زمینه‌های آبی و قرمز بود. نوع ستاره‌ای، دارای نقوش ستاره‌ای شکل آبی رنگ است که با طرحهای لوزی و گل‌های ریز، زمینه قرمز رنگی را می‌پوشانند. بعدها انواع دیگری از فرش اوشاک مثل پرند‌های و... نیز بوجود آمد. علاوه بر موارد فوق الذکر، فرشهای سجاده‌ای هم از جمله فرشهایی است که با طرح محراب بافته میشد و نمازخوانان بایستی به هنگام نماز روی آن، محراب را بطرف قبله قرار میدادند.

۸-۴-۵- تثاتر

ریشه‌های تثاتر در سرزمینی که امروز ترکیه خوانده میشود به روزگاران باستان بازمیگردد. گفته‌اند که قوم «هیتیان» که در حدود هزاره دوم قبل از میلاد مسیح در آناتولی می‌زیسته‌اند این هنر را در مراسم مذهبی خود بکار می‌گرفته‌اند. همچنین هزاران سال قبل از میلاد آئینهای نمایشی درباره مرگ و تناسخ، با نام «آتیس» و نیز نمایشهایی با مضامینی مرتبط با جنگهای آسیای مرکزی آن زمان، در این سرزمین به اجرا درمی‌آمده است. در قرون وسطی نقالان و راویان داستان به طور انفرادی در قهوه‌خانه‌ها و مراسم جشن و عروسی برای سرگرمی مردم نمایش می‌داده‌اند، و علاوه بر آن «تعزیه خوانی» هنر نمایش دیگری بوده است که بطورسالانه از سوی شیعیان در قالبی مذهبی، در گوشه و کنار اجرا می‌شده است. در کنار نقالی و تعزیه خوانی در قرنهای ۱۵، ۱۶ و ۱۷ میلادی گروههای نمایشی از سوی اصناف بازرگانی و صنعتگران نیز شکل گرفت، بازی سنتی «سایه‌ها» به آناتولی راه یافت و نمایشهای خیمه شب‌بازی که از دورانهای قدیم شناخته شده بود در این زمان ادامه و رواج بیشتری پیدا نمود. در این دوره نمایشهای میدانی نیز توسعه یافتند. در قرن هیجدهم

در حالیکه در اروپا نمایشهای رمانتیک به اجرا درمی آمد، در کاخها و عمارات سلاطین عثمانی نمایشهای موزیکال و کمندی اجرا میشد، و یک قرن بعد در قرن نوزدهم بود که، «رمانتیسیم» عرصه تئاتر ترکیه را تحت تأثیر قرارداد.

در عصر «تنظیمات»، بدنبال آغاز روند غربگرایی، نفوذ عناصر فرهنگی غرب به زمینه تئاتر ترکیه، در قالب تأسیس سالنهای نمایش به سبک غربی عینیت بیشتری یافت و این سالنها برای نخستین بار در استانبول ساخته شدند و بدین ترتیب ترکیبی از اجرای نمایشهای میدانی در عرصه های اجرایی به فرم غربی پدید آمد. سالنهای تئاتر خصوصی نیز از این زمان تدریجاً ایجاد گردیدند.

در این زمان افرادی چون «شناسی»، «نامیک کمال» و «احمد مدحت» از جمله نمایشنامه نویسان ترک بودند که نوشته هایشان - که غالباً متأثر از «کلاسیسیسم» غربی و نویسندگانی چون ویکتور هوگو و مولیرو... بود - به روی صحنه نمایش میرفت. نمایشنامه های کلاسیک غربی نیز پس از ترجمه و انطباقهای لازم به اجرا درمی آمد. تأسیس «تئاتر بورسا» در شهر بورسا و همچنین سفرهای گروههای نمایشی به شهرهای مختلف کشور را دو عامل موثر در توسعه و شناخت تئاتر در ترکیه، در این عصر محسوب نموده اند.

با شروع قرن بیستم تحولاتی در زمینه تئاتر ترکیه بوجود آمد: اولین هنرستان تعلیم هنرپیشه و موزیسین با عنوان دارالبدایع (Darülbedayi) در سال ۱۹۱۴ تأسیس گردید که نقش مهمی در چگونگی تئاتر این کشور ایفا نمود، زنان ترک علیرغم منعه ها و محدودیتهای اجتماعی به صحنه تئاتر رفتند، نمایشنامه نویسی توسعه قابل توجهی یافت و نمایشهایی با مضامین اجتماعی، تاریخی و مستند در قالبهای نثر و نظم و موزیکال نوشته شد.

پس از استقرار «جمهوری»، «خانه های مردم» در سراسر کشور تأسیس گردیدند و شروع به ترویج و توسعه تئاتر و نمایشنامه نویسی نمودند. در سال ۱۹۳۶ هنرستان دولتی آنکارا و بعدها - در سال ۱۹۴۹، تئاتر و اپرای دولتی ترکیه تأسیس شدند. در این دوره سعی میشد که تئاتر ترکیه هرچه بیشتر به تئاتر غربی هم عصرش نزدیکی یابد. پاره ای از آثار نمایشی موزیکال تهیه شده در آن سالها هنوز هم در بین مردم شهرت دارند - «قهرمان سفید» کار Aka Gündüz و «دوشنبه و پنجشنبه» کار Musahipzade Celal دو نمونه از نمایشهای این دوره اند.

اگرچه ترکیه در جنگ جهانی دوم شرکت نمود لیکن کاملاً تحت تأثیر جنگ در پیرامون خود قرارگرفت و بازتابی از آن در نمایشهای سالهای ۱۹۴۰ قابل مشاهده است که مشکلات

حاصل از جنگ و تاثیر بحرانهای اقتصادی ناشی از آن بر مردم را مورد بحث قرار می‌دادند - از جمله میتوان به دو تئاتر «برگ ریزان» کار Resat Nuri Güntekin و «شهر کوچک» کار Orhan Asena اشاره نمود -

در طی دهه ۱۹۵۰، نمایشنامه‌نویسان ترک، تحت تاثیر تحولاتی که در ساختار اجتماعی جامعه - پس از حاکمیت جمهوری و روند سریع غربگرایی - ایجاد شده بود و بویژه بدنبال بروز آثار ناشی از آنها و همچنین رشد سریع شهرنشینی و مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ و پیامدها و مشکلات حاصل از آن، شروع به نوشتن آثار نمایشی با مضامینی مشخصاً اجتماعی نمودند - «بشت دیوارها» کار Turgut Ozakman و «خدایان و آدمیان» کار Orhan Asena نمونه‌هایی از اینگونه نمایشها هستند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، فعالتهای نمایشی شدت قابل ملاحظه‌ای یافت و گسترش مجامع تئاتر خصوصی - که غالباً از سوی افراد آماتور تاسیس میگردید - از مشخصه‌های این سالهاست. در این دوره زمانی، نمایشنامه‌های شاخص بسیاری با موضوعات اجتماعی، حماسی، سنتی، افسانه‌ای، روستایی، تمهای کلاسیک، ضد جنگ... به رشته تحریر درآمد - «قربانی»، کار Gungor Dilmen Kalyancu و «پوتین‌های خاک آلود» کار Ismet Kuntay دو مورد از نمایشهای دهه ۶۰ و «خدایان سفید» کار Orhan Asena و «راویان» کار Erol Toy از جمله نمایشهای دهه ۷۰ می‌باشند.

در دهه ۱۹۸۰، تئاترهای دولتی در ترکیه تاسیس گردیدند و تئاترهای خصوصی^(۳۷) نیز بعضاً مورد حمایت دولت قرار گرفتند. در این زمان ۱۷ تئاتر دولتی در ترکیه فعالیت داشتند، که از این تعداد، ۷ تئاتر در «آنکارا»، ۳ تئاتر در «استانبول»، ۲ تئاتر در «ازمیر»، ۲ تئاتر در «بورسا» بوده و در شهرهای «آدانا»، «دیاربکر» و «طرابوزان» نیز هر يك، یک تئاتر دولتی موجود بود. در این سالها، به موازات افزایش تعداد محلهای تئاتر، نمایشنامه‌نویسی نیز توسعه بیشتری یافت. در حالیکه در سال ۱۹۸۴، ۳۴ نمایشنامه در تئاترهای دولتی به اجرا درآمده بود، در سال ۱۹۸۶، این تعداد به ۳۶ عدد و در سال ۱۹۸۸ به ۴۳ عدد و در سالهای ۹۰ - ۱۹۸۹ به ۴۰ نمایشنامه افزایش یافت،^(۳۸) و علاوه بر نمایشنامه‌های ترکی، تعداد زیادی هم نمایشهای ترجمه شده - غالباً بر اساس متون غربی - و همچنین تعدادی از کارهای شاخص سه دهه گذشته تئاتر ترکیه نیز بر روی صحنه رفتند. مشکلات اجتماعی و بحرانهای اقتصادی، دستمایه غالب موضوعات نمایشی این دوره را تشکیل می‌دادند، از جمله

نمایشنامه «جنگ بزرگ استقلال»، کار Ergin Orbey و «دیوانه» کار Refik Erduran. از دیگر نمونه‌های نمایشنامه‌های سالهای دهه هشتاد موارد ذیل قابل ذکرند:

«خورشید و شیر» کار Tarik Bugra و «آه آن جوانها» کار Turgut Ozakman در ۱۹۸۵، «باد جنوبی» کار Bayazit Gulercan و «همسر و دختر من» کار Recep Bilginer در ۱۹۸۶، «مهمان» کار Bilgesu Eranus و «دانه و خاك» کار Orhan Asena در ۱۹۸۷، «میراث بزرگ» کار Editha Almecik و «گیاه آشتی» کار Ulker Koksal در سال ۱۹۸۸.

* * *

علاوه بر آنچه مورد بررسی قرار گرفت و جنبه‌هایی از تئاتر ترکیه را در قالب تئاترهای آکادمیک و رسمی در شهرها بیان می‌نمود، بایستی از نمایشهای عامیانه و تئاتر روستایی در فرهنگ و هنر ترکیه نیز نام برد. نمایشهایی با جلوه‌هایی مشخص و خاص خود که آنها را از تئاترهای جاری در سالنهای تئاتر شهری مجزا می‌نماید. اینگونه نمایشها که غالباً برگرفته از فولکلور و فرهنگ و زندگی عامه می‌باشند از یکسو برخی ارزشهای فرهنگی ادوار گذشته و از سوی دیگر تمایلات و خواستها و شرایط زندگی مردم - غالباً روستائینان - را منعکس می‌نمایند.

در نمایشهای بومی و روستایی، برخلاف تئاترهای رسمی شهری، مخاطبین معمولاً با فرم و محتوی نمایش بیگانه نیستند، و صحنه‌های نمایش غالباً جنبه‌های شادی آور و حزن‌انگیز زندگی سنتی روستا را به تماشا می‌گذارند. در این نمایشها که معمولاً به صورت نمایشهای میدانی عرضه میگردند، فاصله‌ای تماشاگران و بازیگران را از یکدیگر جدا نمی‌کند و تماشاگران بنا به اقتضای نمایش در آن شرکت کرده و بازیگران را همراهی می‌نمایند. رقص و آواز و بهره‌گیری از ماسک نیز از ملزومات معمول در چنین نمایشهایی است. در نمایشهای روستایی، عموماً مردان نقشهای زنان را نیز بازی می‌کنند.

از جمله نمایشهای روستایی میتوان به جشن «سایا» (Saya) اشاره نمود. این نمایش سنتی در اواسط فصل زمستان در آذربایجان ایران و برخی از نقاط ترکیه توسط شبانان اجرا میگردد و در ارتباط با چهار پایان و زادوولد آنهاست. جشن ویژگیهای خاص چوپانی و روستایی دارد و اجراکنندگان شبانان روستا هستند. در مواردی که شرکت مستقیم شبانان مشکل باشد، روستائیان جوان بالا جبار جای آنها را می‌گیرند. در هر حال موضوع و کیفیت برگزاری این جشن بازگوکننده یک سنت چوپانی است.^(۳۹)

«کوسه گردی» نیز از دیگر نمایشهای روستایی ترکیه است. این نمایش که در برخی از نقاط ایران نیز - مانند آذربایجان و زنجان - در قالب یکی از آداب و جشنهای زمستانی اجرا میگردد، از جمله آداب و رسوم قدیمی ایرانیان^(۴۰) است که به منظور تظاهر به از زمستان درآمدن و به بهار رسیدن به شیوه نمایشی و کارناوالی اجرا میشود است.^(۴۱)

شتربازی، که با استفاده از صورتک شتر انجام می‌گیرد، نمایش طنزآمیز و پرهیجان دیگری است که در میان روستائیان ترکیه رواج دارد. چوپان بازی، نمایشهای تمثیلی بر مبنای رفتار و زبان وحوش، خوک بازی، نمایشهای مربوط به آبیاری و تقسیم آب، بازی آسیاب و آسیابان و نمایشهای عروسکی از دیگر نمایشهای روستایی ترکیه بشمار میروند.

نمایشهای عامیانه نیز دارای شیوه‌های اجرایی خاص خود می‌باشند. در اینگونه نمایشها راویان و نقالان جایگاه ویژه‌ای دارند که به بذله‌گویی و لطیفه سرایی می‌پردازند. در این نمایشها یکی از تیپ‌های مسلط «حقه‌باز» است. «سایه‌بازی»، بازیهای نمایشی وابسته به قلمرو دربار - (بحث و مزاح باندیمه‌ها، مشاوران و اهل دربار...) - نمایشهای میدانی مربوط به اصناف (خست و چشم تنگی برخی اصناف، درگیری با شحنه...)، نمایشات محتسب نکره، جنگ نامه (نمایشهای وابسته به زندگی سپاهیان)، سوزنامه‌ها (نمایشهای مربوط به جشنها و آئینها و سنت‌ها و شادمانیها^(۴۲)) از دیگر نمایشاتی هستند که در چهارچوب تئاتر ترکیه قابل ذکر می‌باشند.^(۴۳)

۹-۴-۵- سینما

۱- ۹-۴-۵- پیدایش سینما و ریشه‌های آن در ترکیه

نخستین آشنائیهای جامعه ترکیه با مقوله سینما به سالهای پس از ۱۸۹۶ باز میگردد،^(۴۴) زمانیکه تعدادی از فیلمسازان فرانسوی جهت تهیه فیلمهایی مستند در ارتباط با خاورمیانه و خاور دور به کشورهای این منطقه و از جمله ترکیه سفر نمودند. گام بعدی نمایش فیلم توسط نماینده يك شرکت فرانسوی در پاره‌ای از شهرها، از جمله «بیگلو»، و بخشهای قدیمی استانبول بود. بدنبال استقبال غیر منتظره مردم از نمایش فیلم در محلهای مذکور، اتاقهای نمایش جدید دیگری در «بیگلو» و بعدها در «ازمیر» افتتاح گردید. در این دوره فیلمهای کوتاه مستند و کمدی به نمایش در می‌آمد.

اولین فیلم تهیه شده توسط فیلمسازان ترک در سال ۱۹۱۴ بوسیله «اوزکینای»

(F.Uzkinaay) با عنوان «سقوط یادواره آستیفانوس» فیلمبرداری گردید، که در حقیقت غمنامه‌ای از خاطرات حمله روسها در پی جنگ روسیه و عثمانی از سال ۱۸۷۸ میلادی را در قالبی سمبلیک بیان میکرد. بعدها با تاسیس «اداره فیلم ارتش» فیلمهای مستند بسیاری با استفاده از تجارب سینمای آلمان ساخته شد. در سال ۱۹۱۶، اولین فیلم داستانی با عنوان «ازدواج حمید آقا»، با اقتباس از داستان «ازدواج اجباری» نوشته «مولیر» در ترکیه ساخته شد. فیلمهای «چنگال» و «جاسوس» کار «سیمای» (S.Simavi) نیز از جمله نخستین فیلمهای ترکیه هستند که در همین سالها تهیه گردیدند، در سالهای بعد با ایجاد مراکز فیلمسازی افراد بیشتری به کار فیلمسازی روی آوردند.

در تاریخ سینمای ترکیه در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا نخستین سالهای دهه ۵۰ میلادی از دو دوره مشخص نام برده میشود: یکم، دوره مردان تئاتر؛ و دوم، دوره‌ای گذرا در سینما. (۴۵)

دوره مردان تئاتر

سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۹ را دوره مردان تئاتر خوانده‌اند. اگر چه در این دوره تنها از تسلط یک فرد با نام «محسن ارطغرل» بر هنر سینمای ترکیه یاد میشود. - هنر پیشه تئاتری که کار سینما را در فرانسه و آلمان دنبال کرده و با کسب تجربیاتی در این جوامع به ساخت فیلم در کشورش پرداخت. - «تراژدی عشق در استانبول»، «قاصدی از آنکارا» و «پیراهن آتش» سه فیلم ساخته وی هستند که به طریقه صامت تهیه گردیدند. در فیلم اخیر، برای نخستین بار هنر پیشه‌های زن ترک و مسلمان ایفای نقش نمودند و پس از آن زنان هنرپیشه ترک دیگری از آنها پیروی کرده و سنت‌هایی که مانع از شرکت زنان مسلمان در فیلمهای سینمایی میشد بدین ترتیب منسوخ گردید.

پس از آشنایی سینمای ترکیه با سینمای ناطق، فیلمهایی بدین طریق ساخته شد. «خیابانهای استانبول» و «قاچاقچی‌ها» از اولین نمونه‌هایی هستند که در سال ۱۹۳۲ در پاریس صداگذاری گردیدند. بعدها با تاسیس استودیوهای صداگذاری در استانبول فیلمهای سینمایی در ترکیه صداگذاری شدند. «ارطغرل» نیز در این سالها فیلمهایی بصورت ناطق تهیه نمود. وی تا سال ۱۹۳۹ به ساخت فیلم ادامه داده و سرانجام پس از ارائه چند فیلم ناموفق و بخصوص پس از با شکست روبروشدن فیلم «دختر قالیباف» - یکی از اولین فیلمهای رنگی تهیه شده در ترکیه - به حضورش در سینما ترکیه پایان داد.

دوره‌ای گذرا در سینما

در ارتباط با آشنایی با پیشینه سینمای ترکیه، این دوره مقطع قابل ذکر دیگری است که فاصله سالهای ۱۹۳۹- پایان دوره مردان تئاتر - تا ۱۹۵۲ را شامل می‌گردد و دوره زمانی کوتاه و گذرایی است که در طی آن فضای جدیدی - عمدتاً از لحاظ فرم - به سینمای ترکیه راه یافت. در آن سالها جوانانی که قبل از جنگ جهانی دوم جهت آموزش سینما و موضوعات وابسته به آن به اروپا اعزام شده بودند، در بازگشت به کشور خود، با تکیه بر مفاهیم جدید مطرح در زمینه هنر سینما، شروع به فیلمسازی نمودند. از میان فیلمسازان این دوره می‌توان از Faruk Kenc نام برد. وی تلاش نمود برخلاف فیلمهای تئاتر گونه «ارطغرل» بیان سینمایی به فیلمهای خود ببخشد و تلقی جدیدی از سینما، فیلمبرداری، صحنه‌آرایی، مونتاز، استفاده از هنرپیشه‌هایی خارج از چهارچوب تئاتر و... ارائه نماید. «یک قطعه سنگ» و «علی بی‌باک» از جمله نخستین فیلمهای وی میباشند که با شیوه نوین تهیه گردیدند.

«گلنبوی» (Baha Gelenbevi)، «کامیل» (Sodan kamil) و «دمیراژ» (Targut Demirag) از دیگر کارگردانان این دوره می‌باشند:

۲-۹-۴-۵ سینمای نوین ترکیه

اگرچه دو دوره مردان تئاتر و دوره موقت پس از آن، نخستین تجربه‌ها را فراهم آورده و نشانه‌هایی از سینمای نوین ترکیه را در خود داشتند، با اینحال ریشه‌های واقعی این سینما را بایستی در دوره زمانی بین ۱۹۵۲ تا آغاز دهه ۷۰ جستجو نمود. در طی این سالها، سینمای ترکیه از نظر فرم و محتوی متحول گردید، و این بار بیان مسائل اجتماعی با نگاهی تازه و طرز تلقی‌های زیبا شناختی تازه و متفاوت مورد نظر قرار گرفت:

- از سال ۱۹۵۲ دوره‌ای در سینمای ترکیه آغاز شد که قیلم «قانون» ساخته «لطفی عمر آکاد» (Lutfi Omer Akad)، را شروع این دوره قلمداد می‌نمایند. این فیلمساز در فیلم‌هایش برای نخستین بار رفتار مردم ترکیه را مورد تاکید و تحلیل قرار داد و با استفاده مناسب از ابزارهای گوناگون تهیه یک فیلم، زبان سینمایی خاصی را مطرح نمود.

«عطیف یلماز بتیبکی» (Atif Yilmaz Batibeki) - با فیلمهایی بر اساس داستانهای کوتاه ادبیات ترکیه، فرهنگ روستایی و مردم کوچ و خیابان شهرهای بزرگ - «عثمان سدن» (Osman Seden) - با فیلمهایی عمدتاً کمدی و ملودرام و عامه پسند - و «ممدوح ان»

(Memdoh Un) از دیگر فیلمسازان مطرح در این دوره هستند.

- در سالهای ۱۹۶۰ سینمای ترکیه بر طرح مسائل اجتماعی تمرکز بیشتری یافت و تعداد زیادی نشست‌ها و سمینارهای مختلف از سوی سازمانهای دولتی و خصوصی جهت بحث در زمینه مسائل سینمای ترکیه برپا گردید که در نوع خود تازگی داشت. اندوخته‌ها و تجربیات سینمایی در طی سالهایی که یادآوری گردید، از طریق نسل قدیم، میانه و جدید فیلمسازان در ظهور سینمای جدید ترکیه نقش موثری ایفا نمود. جهت شناخت پایگاه امروز سینمای ترکیه، در ادامه نگاهی خواهیم داشت به چگونگی فعالیت و پیام سینمایی هر یک از فیلمسازان مذکور:

الف - نسل قدیم فیلمسازان ترکیه: از میان این نسل از فیلمسازان ترکیه، «لطفی عمر آکاد» چهره شاخصی است که بویژه با ساخت فیلم «جنگل عطیه‌ای الهی»، زاویه دید جدیدی را در عرصه سینمای ترکیه مطرح نمود. این فیلم که به درخواست وزارت کشاورزی تهیه گردید، بطرز مستند، مشکلات ناشی از جنگل زدایی را به نمایش گذارد و از جمله نخستین گامها در مسیر رئالیسم جدید در سینمای ترکیه بشمار میرود که بعدها سینمای جدید ترکیه، آن را دنبال نمود. «آکاد» با ارائه فرم و محتوی جدید و با تکیه بر ویژگیهای مستند در فیلمهایش، سبک متفاوتی را ارائه نمود. مشکلات اجتماعی، واقعیات زندگی مردم و رفتارهای مردم ترکیه اصلی‌ترین محور فیلمهای وی را تشکیل میدادند.

«عاطف یلماز» (Atif Yilmaz) نیز در میان فیلمسازان نسل قدیم ترکیه دارای جایگاه مهمی است. وی که تا دهه ۸۰ میلادی به کار فیلمسازی ادامه داد بدلیل تواناییها و نوآوریهای دائم در کارهایش، همواره مورد توجه بوده و در نسل میانه و جدید فیلمسازان ترکیه نیز جای می‌گیرد. تم‌های اجتماعی، مشکلات زنان و تهیه فیلم براساس نوله‌های ادبی مهمترین دستمایه آثار وی محسوب می‌گردند. «خاک و خون»، «زن صورتی» «استانبول دوست داشتنی» از جمله فیلمهای «یلماز» هستند که پس از ۱۹۶۲ پیامهای تازه دیگری را برای جامعه ترکیه به همراه داشتند.

ب - نسل میانه فیلمسازان ترکیه: تمایل به سینمای مردمی که در طی سالهای دهه ۶۰ میلادی مورد توجه قرار گرفته بود از سوی این دسته از فیلمسازان مجدداً مورد حمایت

قرار گرفته و دنبال گردید.^(۴۶) «شریف گورن» (Sarif Goren) و «زکی اوکتن» (Zeki Okten) از کارگردانان مطرح در میان این نسل از فیلمسازان و همچنین از پیشگامان نسل جدید بشمار میروند و قبل از این دو نفر باید از کارگردان معروف ترکیه «یلماز گونی» و جایگاه در خور توجه وی در ارائه سینمای نوین ترکیه، در نیمه اول دهه ۷۰ میلادی نام برد. بسیاری معتقدند سینمای نوین ترکیه با فیلم «آرزو» ساخته «گونی» در ۱۹۷۰ آغاز میگردد. «گونی» با توجه به سابقه ادبی و شناخت عینی مردم سرزمین خود - بویژه مردم زادگاهش در استانهای جنوب شرقی ترکیه - و همچنین با تکیه بر انگیزه و تعهد قوی سیاسی، با نگرشی نوبه ساخت فیلمهایی پرداخت که تا آن زمان سابقه نداشت. در سال ۱۹۷۰ سه فیلم وی با کسب جوایزی بزرگ در جشنواره فیلم آدانا شهرتی بین المللی برای او فراهم آوردند. این فیلمساز در دوران فعالیت خود با یکی از مشکلات مهمی که اکثر فیلمسازان جدی با آن روبرو بودند درگیر بود: چگونگی برخورد با سانسور و فشارهای سیاسی. وی تا زمانی که از زندان فرار کرده به اروپا گریخت یازده سال از عمرش را در زندان بسر برده^(۴۷) و سه فیلم از آخرین فیلمهایش را در زندان به رشته تحریر درآورده بود. این فیلمها، بعدها توسط دوستان کارگردان همفکروی «زکی اوکتن» و «شریف گورن»، کارگردانی و تهیه گردید. - دو فیلم «دشمن» در ۱۹۷۵ و «رمه» در ۱۹۸۷ براساس طرح و نوشته گونی به ترتیب توسط «گورن» و «اوکتن» کارگردانی گردید. - این دو نفر، با ادامه سبک گونی، بعدها، در زمره کارگردانهای توانای سینمای ترکیه جای گرفتند و در جشنواره‌های سینمایی بین المللی نیز به موفقیتهایی دست یافتند. فیلم «درمان» به کارگردانی «گورن» در جشنواره فیلم لندن و فیلم «پهلوان» کار «اوکتن» در جشنواره برلین، در سالهای میانی دهه ۸۰، توجه بسیاری از محافل سینمایی را به خود جلب نمودند. فیلمهای آنان که عموماً با تکیه بر محورسیاسی - اجتماعی تهیه میشد، موضوعاتی چون فقر و زندگی سنتی روستایی، مهاجرت روستائیان به شهر و بیکاری و دیگر مشکلات ناشی از آن و همچنین وضعیت نامساعد اقلیت‌های ملی، زنان و کارگران ترک شاغل در اروپا را به تصویر می‌کشید.

«هلیت رفیق» (Halid Refig) نیز از دیگر فیلمسازان نسل میانه فیلمسازان ترکیه می‌باشد که فیلم «خواهر فاطما» ساخته وی نمونه دیگری از گرایش سینمای ترکیه به سینمای مردمی محسوب میگردد. - وی بعدها به ساخت فیلمهای کم‌مدی و فیلمهایی برای تلویزیون روی آورد.

در میان افراد نسل میانه فیلمسازان ترکیه، گروهی نیز به «سینمای ملی» روی آوردند. این سینما، در مقابل «سینمای مردمی» که خواهان تاکید بر چگونگی رفتار مردم ترکیه طی هزاران سال تاریخ و تجربیات اجتماعی و میراث سنتی، فرهنگی و اجتماعی بود، تمایل به تأکید بر جایگاه ترکیه در جهان و وضعیتهای ترکهای مسلمان داشت. از زمانیکه در آسیای مرکزی ریشه گرفتند، و از لابلای فرهنگهای گوناگونی که در طی تاریخ طولانی و پرفراز و نشیبشان تجربه نمودند. - «کارمکی» (Yucel Carkmaki) از جمله نمایندگان پرشور سینمای ملی است که فیلمهایی چون «جاده‌هایی که بهم میرسند» و «رستاخیز»، از جمله آثاری هستند که این گرایش سینمایی وی را نشان میدهند. این فیلمساز نیز در ادامه کارش به ساخت فیلمهای تلویزیونی پرداخت.

ج - نسل جوان فیلمسازان - اغلب فیلمسازان نسل جوان ترکیه، تمایل به پیروی از سبکی را دارند که در عرصه سینمای این کشور، «رنالیسم جدید» خوانده شده است و از سبک سینمایی «آکاد» - بخصوص فیلم «جنگل عطیه‌ای الهی» - بسیار تاثیر پذیرفته است. در پی «سینمای مردمی» و «سینمای ملی»، که هر دو عمدتاً گذشته مردم ترکیه را به تصویر می‌کشیدند، سینمای ترکیه در این مرحله با تکیه بر رئالیسم جدید، مفروضات پیام خود را بر پایه نمایش مشکلات معاصر جامعه ترک در زندگی روزمره‌شان قرار داد.

در میان افراد این نسل، «اردن کیرال» (Erden Kiral)، «اوزکان» (Yavuz Ozkan)، «علی حبیب ازگن ترک» (Ali Habib Ozegenturk) از جمله چهره‌های بارزی می‌باشند، که اولین فیلمهای قابل توجه خود را در سالهای ۸۰ - ۱۹۷۹ ساختند. بخصوص «کیرال» که دارای سبک سینمایی خاص خود بوده و با فیلم «کانال» - که مشکلات برنج‌کاران آدانا را بررسی میکرد - به شهرت رسید. فیلم «فصلی در حکاری» نیز از جمله آثار پرارزش وی محسوب میشود که ۴ جایزه بین‌المللی^(۴۸) را از آن خود نمود. فیلم، «آئینه» وی نیز در سال ۱۹۸۵ در جشنواره فیلم بین‌المللی استانبول^(۴۹) در زمره آثار بارزش معرفی گردید.

* * *

علاوه بر آنچه مورد بحث قرار گرفت و عمدتاً سینمای ترکیه را از نقطه نظر فرم و محتوی پیامهای سینمایی و دیدگاههای هنری مورد بررسی قرار می‌داد، اشاره به حضور سینمای تجاری در ترکیه ضروری است. باید توجه داشت که در همه دوره‌ها، در کنار فیلمهای با

ارزش هنری، فیلمهای ملودرام، ملودرام موزیکال، کمدهای سبک،... همواره بطرز گسترده‌ای ساخته و به جامعه عرضه شده‌اند و بهترین دلیل ساخت آنها توجه عامه و پرمفعت بودن آنها بوده‌است. در اینگونه فیلمها، فیلمنامه‌ها غالباً محتوایی چنین دارند: پسری دختری را می‌بیند دختر ثروتمند و پسر فقیر است (یا پسر ثروتمند و دختر فقیر است)، والدین دختر از ماجرا ناراضی‌اند (یا والدین پسر دچار سانحه می‌شوند)، دختر دچار کوری می‌شود (یا پسر ورشکسته می‌گردد)، و بالاخره روبراه شدن اوضاع، ازدواج و شادمانی پایان ماجرا است. فرمول ملودرام، پایان خوش و بازی ستاره‌های بزرگ در فیلم برای سالها موفق و پولساز بود^(۵۰) و اینگونه فیلمها بخش وسیعی از تماشاگران را به خود جلب می‌نمودند.

در اواخر دهه ۷۰ میلادی سینمای ترکیه با بحرانی روبرو شد که در دهه ۸۰ نیز کم و بیش ادامه یافت. در حالیکه در سالهای آغازین دهه ۷۰، «۲۵۰ میلیون بلیط سینما در ۲۴۰۰ سالن بفروش رسیده بود، در سالهای پایانی این دهه، شمار تماشاگران تا $\frac{۲}{۳}$ کاهش یافته و نیمی از سالنها دست از فعالیت برداشته بودند».^(۵۱) همچنین، مطالعه‌ای بر روی یکی از سینماهای ترکیه در سه ماهه آخر سال ۸۳، فروشی معادل ۱۶۳ هزار بلیط را نشان میداده‌است در حالیکه در مدت مشابه در سال ۸۴، این سینما تنها ۶۰ هزار بلیط را بفروش رسانده بوده‌است.^(۵۲) در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵، بهای بلیط ۱۵ برابر افزایش می‌یابد و تعداد فیلمهای ساخته شده نیز رو به تنزل می‌گذارد - در حالیکه در سالهای اولیه دهه ۷۰ سالانه ۲۰۰ فیلم در ترکیه ساخته می‌شد، در سال ۱۹۸۵ تنها ۸۰ فیلم تهیه گردید -

کاهش تماشاگر و کاهش میزان سرمایه‌گذاری، سینمای ترکیه را با مشکل روبرو نمود. «وسدل سایار» منتقد فیلم و سردبیر مجله ویدئو سینما، سه عامل عمده را در پائین آوردن تعداد تماشاگران مؤثر میداند: اول اینکه سینما در رقابت با تلویزیون و بخصوص فیلمهای وارداتی بخشی از تماشاگرانش را واگذار نموده‌است، دوم، شیوع ویدئو، بخصوص از سال ۱۹۸۲، و رواج نوارهای ویدئویی چه به طریق قانونی و چه غیرقانونی و ارزانی نسبی این نوارها بخش دیگری از تماشاگران سینما را به خود جلب نموده، و سوم، افزایش بهای بلیط - جهت تأمین مخارج فزاینده تهیه فیلم - باعث شده‌است که سینما دیگر ارزاترین سرگرمی محسوب نگردد.

حاصل بحرانهای فوق‌الذکر، بخصوص در آغاز دهه هشتاد و با توجه به تحولات

اقتصادی - سیاسی جامعه، خالی شدن سینماها از تماشاگران قدیمی سینمای تجاری و تبدیل سالنهای سینما به اماکن سود آور دیگر بود. در همین شرایط بود که از سوی دیگر عرصه سینمای ترکیه مورد هجوم کمپانیهای عظیم غربی قرار گرفت، که زمینه را برای فروش محصولات خود مناسب می‌دیدند. در چنین موقعیتی در حالیکه بنظر می‌رسید سینمای ترکیه در مسیر انحطاط گام برمی‌دارد، ناگهان موجی از فیلمهای نو و متفاوت ساخته کارگردانان پر سابقه و یا تازه کار راهی بازار گردید و با استقبال مثبت جوانان دانشگاهی و قشر تحصیلکرده، امکان ایجاد بازاری با استانداردهای بالاتر و کیفیت برتر فراهم آمد. - هرچند که از لحاظ اقتصادی سینمای ترکیه در این جهش نتوانست به کمیت گذشته‌اش دست یابد. - در حقیقت از اواسط دهه ۸۰ میلادی در کنار کارگردانهای کم سابقه و تازه کاری چون، «علی ازگن ترک» - با فیلمهای «نگهبان» و «اسب» - توفیق یاشار - با دو فیلم موفق «آلمان در چهل متر مربع» و «بدرود ای بهشت دروغین» - «عمر کاوور» - با فیلمهای «حکایت یک عشق بی فرجام»، «هتل آنابورد» و «سفر شبانه» - و «شریف گورن» - با «دنیای پریهاو» و «یک فیلم بی سروته» - کارگردانهای با سابقه‌ای چون «عاطف یلماز» با فیلمهای موفق «نام او وصیفیه»، «آه بلیندا»، «آسیه را چه کسی نجات خواهد داد»، «رفیق شیطان» و «دریای مرده»، و یا «هالیت رفیق»، با فیلمهای «طوفان حرص»، «خانم» «زندان زنان»^(۵۳)، و همچنین «تونج باشاران»، با فیلمهایی چون «یکی و دیگران» و «نگذارید به بادبادکها شلیک کنند»^(۵۴) «حیاتی تازه به سینمای ترکیه بخشیده و آنرا بار دیگر مطرح نمودند. البته در این میان کارگردانانی چون «ارتم ایلمز» که در سینمای تجاری صاحب سبک و سابقه‌ای دیرینه بودند نیز با فیلمهای موفق چون «مرد با ناموس» و «عربی»، در جلب بخشی از تماشاگران، که سینما را عموماً سرگرمی تلقی می‌نمایند تا یک بیان هنری، موفق بودند. در حقیقت دست اندرکاران سینمای ترکیه در طی سالهای اخیر تلاش نموده‌اند با تسلط نسبی بر وضعیت بحرانی حاکم، به جایگاه قابل توجه و متعادل‌تری دست یابند و بویژه در عرصه‌های بین‌المللی خود را مطرح نمایند.

زیرنویسهای فصل پنجم

- ۱- به نقل از منبع شماره 16 ص 25
- ۲- غیر از مدارس فنی و حرفه‌ای
- ۳- مدارس حرفه‌ای عالی، دانشجویان خود را از میان فارغ‌التحصیلان بخشهای فنی و حرفه‌ای مدارس متوسط برمی‌گزینند.
- ۴- در حالیکه در سالهای ۲۴- ۱۹۲۳، مجموعاً ۹ واحد آموزش عالی در ترکیه موجود بوده است.
- ۵- استفاده از الفبای لاتین بجای الفبای غربی
- ۶- برای اطلاع از آدرس و تلفن این مراکز ر.ک. به منبع شماره 11: ص ص ۱۲۶۸ الی ۱۲۷۲، همچنین منبع شماره ۲۸
- ۷- غیر از کتابخانه‌های مدارس و دانشگاهها
- ۸- ر.ک. منبع شماره ۳۳ صفحه سوم مقدمه
- ۹- مطالب این بحث عمدتاً براساس اطلاعات مندرج در منبع شماره ۲۸ تدوین شده است.
- ۱۰- مأخذ: منبع شماره ۲۲
- ۱۱- آمارها به نقل از منابع شماره ۱۵ و ۵۰ است.
- ۱۲- مطالب این بخش عمدتاً ماخوذ از اطلاعات منابع شماره ۲۷ و ۴۶ می‌باشد.
- ۱۳- جهت اطلاع بیشتر از آدرس و شماره تلفن آژانسهای خبری ترکیه، ر.ک.، منبع شماره 4
- ۱۴- اطلاعات این بحث ماخوذ از منبع شماره ۴۹ است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. منبع مذکور.
- ۱۵- در عصر عثمانی با نفوذ اسلام به عرصه فرهنگ و ادب این سرزمین نوعی دوگانگی فرهنگی در سطح اجتماع فراهم آمد که بویژه در قالب زبان و ادبیات نمودی بارز یافت.

بطور مثال، در این دوره دوزبان مورد استفاده بود یکی زبان عثمانی که امتزاجی از دستور زبان و لغات عربی و فارسی و ترکی بود - زبان تمدن عثمانی - و دیگری زبان عامه که اصطلاحاً «ترکی» خوانده میشد. در زمینه شعر نیز شعر عامیانه - فاقد عروض و قافیه - در مقابل شعر عروض متأثر از شعر فارسی قرار داشت. اصولاً یکی از ویژگیهای فرهنگی ترکیه را همزیستی متوازی دو فرهنگ رسمی و سنتی در این جامعه دانسته‌اند که به مقتضای زمان گاه به یکدیگر نزدیک و گاه از هم دور گردیده‌اند.

۱۶ - «ادبیات تنظیمات» در مباحث بعدی مورد معرفی بیشتری قرار خواهد گرفت.

۱۷ - به نقل از منبع شماره ۳۵، ص ۱۳۴

۱۸ - مأخذ: منبع شماره ۴۵

۱۹ - به نقل از منبع شماره ۳۰، ص ۴

۲۰ - به نقل از همان مأخذ، ص ۷

۲۱ - اگر چه مینیاتورهای ترکی و ایرانی را به آسانی با توجه به رنگ آمیزی، طرح، لباس و حتی پرتره‌ها میتوان از یکدیگر تمیز داد.

۲۲ - اینگونه نقاشیها که بوسیله هنرمندان مشهوری تهیه میشد، تحت تاثیر سبکهای

غربی باروک و روکوکو قرار داشت.

۲۳ - مانند Suleyman Seyyid ,Ahmet Ali (Seker Ali Pasha)

۲۴ - این دو نفر در حوزه هنر نقاشی ترکیه دارای جایگاه مهمی هستند.

۲۵ - به نقل از منبع شماره ۱۲، ص ۱۰۰

۲۶ - Independent Painters and Sculpture Association

۲۷ - گرایشی که پایه و اساس نقاشی و مجسمه سازی ترکیه محسوب میگردد.

۲۸ - به نقل از منبع شماره ۶: ص ۸

۲۹ - همان مأخذ: ص ۹

۳۰ - با توجه به اینکه تعالیم اسلامی استفاده از ظروف طلا و نقره و یا پوشیدن لباسهای

ابریشمین را مکروه میدانند.

۳۱ - مجموعه قابل توجهی از این اشیاء در موزه توپکاپی جمع آوری و عرضه شده است.

۳۲ - در زمانی که قصرها دارای سیستمهای گرمایی نبودند. منقل یک روش راحت

گرمایی بود که بدلیل قابلیت حمل و نقل راحت و سریع آن بسیار مورد توجه بود. حتی پس

از جنگ جهانی اول اغلب خانه‌های ترکیه تنها در یک اتاق دارای بخاری بودند و در بقیه اتاقها در صورت نیاز از منقل استفاده میکردند.

۳۳- اگر چه از قبل از این تاریخ نیز مدارکی بدست آمده است لیکن در استناد آنها به تولیدکنندگان بومی ترک تردید وجود دارد. بطور مثال، آثار بازمانده از قصرهای سلجوقی در قونیه، استفاده از شیشه‌های رنگی را نشان میدهد اما شواهدی دال بر وجود تولیدات شیشه‌ای در دوره سلجوقی در دست نیست.

۳۴- بوسیله هنرمندی معروف به ابراهیم

۳۵- ساخت حدود ۳۱۱ بنا را در قلمرو عثمانی به این معمار نسبت میدهند.

۳۶- پس از فتح مصر توسط عثمانیها، این طرحها به ترکیب نقوش فرشهای عهد عثمانی راه یافت.

۳۷- تئاترهای خصوصی در شروع سالهای ۱۹۸۰ بدلیل مشکلات حرفه‌ای با دسواریهایی روبرو بوده و غالباً تعطیل گردیده و تعدادشان بسرعت کاهش یافته بود.

۳۸- مآخذ آمارها، منبع شماره ۱۷: ص ۸۹

۳۹- به نقل از منبع شماره ۳۵: ص ۸۲

۴۰- همان مآخذ: ص ۸۱

۴۱- ابوریحان بیرونی در «التفهیم» می‌نویسد «آذرماه به روزگار خسروان اول بهار بوده است و به نخستین روز از وی از بهر فال نیک مردی بیامدی کوسه، برنشسته بر خری و بدست کلاهی گرفته و بادبزن خویشتن باد همی زدی و زمستان را وداع همی کردی...» همان مآخذ: ص ۸۱

۴۲- همان مآخذ ص ۸۱

۴۳- برای اطلاع بیشتر در زمینه تئاتر عامیانه و روستایی ترکیه ر. ک. «تئاتر روستایی و عامیانه ترکیه» نوشته «متین آند»، استانبول، ۱۹۸۵. متین آند از جمله شخصیت‌های بارز تئاتر ترکیه است که در زمینه تئاتر روستایی و عامیانه ترکیه و بویژه مقایسه آنها با تئاتر سنتی در آسیای صغیر و کشورهای همسایه، بخصوص ایران، مطالعات و تحقیقات قابل توجهی انجام داده است. وی استاد هنرهای نمایشی دانشکده زبان و تاریخ و جغرافیای دانشگاه آنکارا می‌باشد. - به نقل از منبع شماره ۳۵

۴۴- در این سال برادران «لومیر» در فرانسه و توماس ادیسون در آمریکا ماشینی بنام

سینماتوگراف را اختراع نمودند.

۴۵ - Transitory Period

۴۶ - عاطف یلماز، لطفی آکاد و دویگو ساگیروگلو از دیگر فیلمسازانی بودند که این

گرایش را دنبال می نمودند.

۴۷ - به نقل از منبع شماره ۳۵: ص ۸۸

۴۸ - از جمله در سی و سومین فستیوال فیلم برلن، جایزه خرس نقره‌ای را به خود

اختصاص داد، این فیلم برداشتی از نوول معروف «کارل لویی» (Carlo Levi) بنام «مسیح هرگز به ابولی نیامده است» می باشد که توسط فرانچسکوروسی (Rosi) بصورت فیلم درآمد.

۴۹ - Film Days 1985

۵۰ - به نقل از منبع شماره ۳۵: ص ۸۷

۵۱ - مآخذ ارقام، همان مآخذ، ص ۸۶

۵۲ - ارقام به نقل از «وسدل سایار» منتقد فیلم و سردبیر مجله «ویدئو سینما» همان

مآخذ، ص ۸۶

۵۳ - به نقل از منبع شماره ۵۲: ص ۳۵

۵۴ - این فیلم در فستیوال بین‌المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان اصفهان در سال ۱۳۶۹،

جایزه پروانه طلایی را به خود اختصاص داد.

منابع فصل پنجم

۱- آموزش و پرورش

منابع فارسی

- سازمانهای علمی - فرهنگی و هنری ترکیه - آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.

- کتابخانه‌های معتبر ترکیه (دفتر اول) - آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.

ناظمی افشار، احمد فرهنگ و امور اجتماعی ترکیه، - استانبول: سرکنسولگری ایران، ۱۳۷۲.

منابع لاتین

- Blake, Gerald The Cambridge Atlas of the Middle East and North Africa .- Department of Geography, university of Durham: Cambridge University press, 1987.
- Dewdney, John Wold Bibliographical Series, V. 27: Turkey .-Great Britain: The Camelet Press, 1981.
- Mitchell, Johnathan
- Guclu, Meral Development and Administration of Vocational and Technical Education in Iran, Program Implications for Human Resource Development.- Wisconsin, University of Wisconsin Limited, 1971.
- Khoshzamid, Firous The Middle East and North Africa.- London: Europa Publications Limited, 1990.
- Statistical yearbook of Turkey .- Turkey: State Insitute of Statistical prime minister, 1989.
- Turkish Review, quarterly digest.- Ankara: kaya - G. Toperi, Summer 1989.

مقاله

(The Educational Tradition of the Ottoman Empire and the Development of the Turkish Educational System of the Republican Era)
World of Learning.- London: Europa Publications Limited, 1990

۲- وسایل ارتباط جمعی

منابع فارسی

- انتشارات در ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷.
 - ایران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مقاله، به مناسبت سفر آقای موسوی به ترکیه، ۱۳۶۶.
- تال، کریم. شناسنامه فرهنگی ترکیه. - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور بین‌المللی، ۱۳۶۹.
 - رضازاده سفیده، عیسی. گزارشی درباره مطبوعات و نشریات و مجلات ترکیه. - آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲.
 - ساختار عمومی طبقه کتابخوان در ترکیه. - آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷.
- گنجی، اکبر. حکمت ایمانیان، - آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶.
- نصرافهانی، محمود. تاریخچه انتشار کتب اسلامی ایرانی در ترکیه. - استانبول: نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.
- نقش تلویزیونهای خصوصی و تأسیس دو کانال جدید تلویزیونی در ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
- نگرشی تحلیلی بر روند فعالیت کانالهای تلویزیونی در ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
- نگرشی کوتاه به چاپ و کتاب در ترکیه. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.

منابع لاتین

The Europa World Yearbook. - London: Europa publication Limited, 1990.

The Middle East and North Africa. - London: Europa publications Limited, 1990.

Statistical Yearbook of Turkey. - Turkey: State Institute of Statistical Prime minister, 1989.

۳- زبان و ادبیات

منابع فارسی

- ایران، وزارت بازرگانی. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، از سری

انتشارات بررسی مسائل کشورها، ترکیه.. تهران: ۱۳۴۶.

- سعدیان، عبدالحسین. مردمان جهان.. تهران: انتشارات علم و زندگی، ۱۳۶۳.

- ابطحی، محمد باقر. زبان فارسی در بلاد روم ترکیه فعلی.. آنکارا: مرکز

تحقیقات زبان فارسی: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۶۵.

- سخاوند، سعید. وجود لغات و اصطلاحات زبان و ادبیات فارسی در ترکی.

- ارزروم: کنسولگری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳.

- سیر تحول خط در ترکیه از عربی به لاتین.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۶۳

- گنجی اکبر. حکمت ایمانیان.. آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۶۹.

منابع لاتین

Guclu, Meral World Bibliographical Series , V.27: Turkey. - Great Britain: The Camelet press, 1981.

The New Encyclopedia Britanica. - England: Encyclopedia Britanica Inc., 1990.

Turkish Review , Quarterly Digest. - Ankara: Kaya, G.Toperi, Spring 1991.

Ataturk and Turkish Language Reform. - Fahir Iz.

مقاله:

۴- هنر ترکیه

منابع فارسی

- داماس، ژاک.
مجموعه خطوط
 بهروز گلپایگانی.-
 دوری، کارل جی.
فلزکاری، بافندگی،
 انتشارات یساولی
 مقاله: سینمای تونج باشاران، نوشته یوسفی
 فرهاد سخا)
 گنجی، اکبر.
 جمهوری
 مقالات، «آینده سینمای ترکیه»، به نقل از
 ۱۹۸۵، «تئاتر روستایی و عامیانه ترکیه»، به
 به همین نام نوشته: متین‌اند، ترکیه:
 میدل ایست»
 نقل از کتابی
 استانبول، (۱۹۸۵)

منابع لاتین

Boisgirard, Claude Art Dorient .- Paris, Drouot Rechelev - vendredi, 4 Mai 1990.

Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi, Winter 1986.

(Development in Turkish Painting and Sculpture . - Gonul Gultekin)

مقاله:

Turkish Review, Quarterly digest. - Ankara: Kaya - G. Toperi, Summer 1987.

Development in Turkish painting and Sculpture.- Gonul Gultekin

مقاله:

Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaua - G. Toperi, Spring 1987.

Development in Turkish painting and Sculpture.- Gonul Gultekin

مقالات:

The New Turkish Cinema and its Origins . - Alim Serif onaran

Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi, Autumn 1987.

Figurative Trend in Post - 1960 Turkish Painting and Sculptue.- Gonul Gultekin

مقاله:

Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi, Summer 1990.

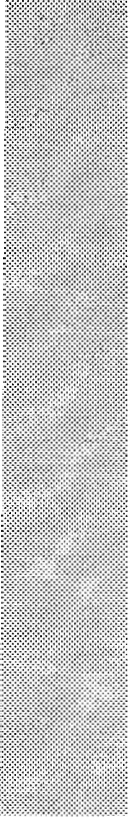
Turkish theater, Past and Present

مقاله:

Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi, Autumn 1991.

Turkish Metalwork and Glass. Graceful Artifacts for Daily Use

مقاله:



مؤخره

همانگونه که در ابتدای این مطالعه اشاره شد، بررسی «جامعه» و «فرهنگ» کشور ترکیه به لحاظ مسلمان بودن و همجواری آن با کشور ما از یکسو و ویژگیهای قابل مطالعه آن از نظر جغرافیایی و تاریخی از سوی دیگر، درخور اهمیت است.

سابقه روابط دیر پای اجتماعی و فرهنگی میان ایران و ترکیه را هم به دلیل تشابه معتقدات دینی و هم به دلیل پیوندهای همسایگی هنوز نیز، علیرغم تسلط ارزشهای غربی بر جامعه، می توان در مظاهری از چهره فرهنگ و اجتماع ترکیه جستجو نمود و یافت، و در این کنکاش چنانچه ملاحظه شد، ادبیات و هنر دو عرصه قابل توجه و شایان بررسی می باشند.

از جهتی دیگر، جایگاه جغرافیایی ترکیه، از دیر باز همچون حلقه ارتباط شرق و غرب عمل کرده و این امر چه در زمان عبور جاده ابریشم و چه قبل و بعد از آن، همواره نقش تعیین کننده ای در تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایفا نموده است. مردم این سرزمین، متأثر از موقعیت جغرافیایی خاص کشورشان، زمانی در معرض تمدن شرق قرار گرفتند، زمانی مظاهری از تمدن های یونان و روم و بیزانس را در خود یافتند و در عصری دیگر تأثیر رنسانس اروپا، انقلاب کبیر فرانسه... و در سالهای اخیر هجوم ارزشهای غربی را پذیرا گشتند. - از زاویه ای دیگر تأثیر این ویژگی جغرافیایی را در حضور چهره های متنوع نژادی در میان مردم این کشور نیز می توان مشاهده نمود.

از نگاه تاریخ، حاکمیت طولانی سلاطین عثمانی - با داعیه حکومت اسلامی - و تسلط طولانی آنان بر وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه، و پس از آن استقرار نظام جمهوری و بروز حرکتی جدید و مخالف الجبهت با مسیر حرکت معمول جامعه در عهد عثمانی - با رویکردی کاملاً غربگرایانه - دو مقطع مهم تاریخی با آثار اجتماعی و فرهنگی متمایز می باشند که هر یک دگرگونیهای قابل توجهی را در عرصه جامعه از خود بر جای نهادند و بخشی از بازتابهای آنها را در زمینه ساختار اجتماعی و مذهبی جامعه می توان سراغ گرفت. پیدایش مذاهب و نحله های مختلف اعتقادی - بویژه در عهد عثمانی - در یک بُعد و بروز

آسیب‌های اجتماعی - بویژه در عهد جمهوری، عمدتاً بدلیل شتاب و شدت تغییر ارزشهای اجتماعی - در بُعدی دیگر، هر یک به عنوان پاسخی به شرایط حاکم بر جامعه در زمان خود دو محور قابل بررسی از این دیدگاه می‌باشند که اجمالاً مورد مطالعه قرار گرفتند.

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناشی از این دو مقطع تاریخی هر بار از طریق تغییر ارزشها و سیاستهای اجتماعی و فرهنگی، جامعه را اساساً متحول می‌نمودند. چنانچه با انتقال نظام حاکمیت از دوره سلاطین عثمانی به عصر جمهوری، تحول عمیقی از این نظر فراهم آمد. در حقیقت با زوال امپراطوری عظیم عثمانی و تسلط ارزشهای ظاهراً اسلامی، در عصر جمهوری جامعه شاهد اشاعه روزافزون ارزشهای غربگرایانه به جای ارزشهای مذهبی گذشته بود که غالباً در قالب «ناسیونالیسم»، و «تمدن» به آن عرضه میگردید. با چنین نگرشی در شروع حکومت جمهوری اعتقاد به اصل «لایسیم» - جدایی دین از سیاست - در محور سیاست‌گذاریهای جامعه قرار گرفت و حذف مذهب از صحنه سیاسی، و متعاقب آن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، مجالی جهت ظهور هر چه بیشتر ارزشهای غربی و غربی نمودن جامعه را فراهم آورد و همانگونه که طی مباحث گذشته ذکر شد، این دیدگاه تحولات وسیع و پردامنه‌ای را در جامعه بدنبال داشت، و از پوشش ظاهری مردم گرفته تا تغییر الفباء را شامل گردید. این چنین دگرگونیهای بنیادین که با آراء آتاتورک در شروع جمهوری رسماً آغاز شده و در سالهای پس از وی تداوم یافت، قطع فرهنگی با گذشته عثمانی و تمامی مظاهر آن و چرخش بسوی غرب و آرمانهای جامعه غربی را در افق دید خود داشت. در این روند، جامعه با تحولات اجتماعی و فرهنگی عظیمی روبرو گردید که با گذشت ایام، و بویژه با بکارگیری ابزارها و روشهای مختلف فرهنگی تبلیغی، همواره بر شدت و گستره آن افزوده گردیده است. در صحنه اجتماع بارزترین نمود این جابه‌جایی فرهنگی را در چهره قشر جوان و همچنین زنان می‌توان جستجو نمود و در صحنه فرهنگ، در تحول عمیق نهادهایی چون آموزش و پرورش و یا تغییر پیامهای وسایل ارتباط جمعی، زبان و ادبیات و یا عرصه‌های گوناگون هنری.

علیرغم آنچه بر شمردیم، نکته‌ای که همواره در مورد جامعه ترکیه بایستی مدنظر داشت، حضور همزمان دو فرهنگ رسمی و سنتی در سطح جامعه است. دو فرهنگی که در طی سالها در جوار یکدیگر، هر چند با کیفیات و مسیرهای متفاوت، به حیات خود ادامه داده‌اند. در حالی که فرهنگ رسمی جامعه همراه و همگام با تحولات سیاسی و اجتماعی و

بر پایه دکتربن حاکمان جامعه، تحولات اساسی را در گذر زمان متحمل گردیده است، فرهنگ سنتی با حفظ پابندیها و معتقدات دیرینه خود همواره تلاش نموده است هویت خود را - کم یا بیش - حفظ نماید. فرهنگ سنتی و همراش با فرهنگ رسمی و چگونگی همزیستیها، تهدیدها و تداخلهای آنها خود مطالعه‌ای مستقل و در خور را می‌طلبد که به آینده وامی‌گذاریم.

انشاءالله



ضبيدها

ضمیمه شماره یک

ترکیه در یک نگاه

این بخش معرفی اجمالی از مشخصه‌های کشور ترکیه را ارائه می‌نماید:

۱) جغرافیا

الف) حدود و وسعت

- مساحت کل ۷۸۰ ۵۸۰ کیلومتر مربع - ۷۶۰ ۷۷۰ کیلومتر مربع مساحت خشکی‌ها، بقیه آب - مقایسه مساحت: حدوداً نصف مساحت ایران

- حدود: در شرق شوروی سابق و ایران، در جنوب دریای مدیترانه و سوریه و عراق، در غرب دریای اژه و مرمره، در شمال غربی یونان و بلغارستان، در شمال دریای سیاه.

ترکیه دارای ۲۷۵۳ کیلومتر مرز خشکی و ۸۳۳۳ کیلومتر مرز آبی با همسایگان خود میباشد.

- مناقشات: مشکلات و اختلافات دریایی با سوریه در مورد استان مرزی «حتای»، مناقشات و ناآرامیهای دائمی با سوریه و عراق درباره بخشهای سفلی رودخانه فرات و افزایش سطح آب رودخانه‌های دجله و فرات، و مسئله کردهای ساکن در بخشهایی از ایران، عراق، سوریه، ترکیه و شوروی

* ترکیه دارای موقعیت استراتژیک نظارت بر تنگه‌های بسفر و دار دانل، که دریای سیاه و اژه را به دریای مدیترانه متصل می‌کنند، است. همچنین لازم به ذکر است که ترکیه و نروژ تنها اعضای ناتو هستند که مرز خشکی با شوروی سابق دارند.

ب) آب و هوا

آب و هوای معتدل با گرمای ملایم، تابستانها خشک و زمستانها مرطوب که در مناطق داخلی سردتر و خشن تر می شود.

ج) شکل زمین

عمدتاً کوهستانی، دشتهای کم عرض ساحلی، فلات مرتفع مرکزی (آناتولی)

د) منابع طبیعی

آنتیمون، ذغال، کروم، جیوه، مس، سنگ آهن.

- زمینهای قابل استفاده: ۳۰٪ زمینها قابل کشاورزی، ۴٪ زیرکشت محصولات دائمی کشاورزی، ۱۲٪ علفزار و مراتع، ۲۶٪ جنگل و زمینهای دارای درخت، ۲۸٪ سایر اراضی شامل ۳٪ زمینهای غیرقابل کشاورزی.

- مسایل زیست محیطی: زمین لرزه های شدید خصوصاً در نواحی غربی در طول دره رودخانه، مشکل آلودگی هوا و پیشروی صحرا.

۲) جمعیت *

- تعداد جمعیت ۵۶ ۷۰۴ ۳۲۷ میلیون نفر

- نرخ رشد جمعیت ۲/۱٪

- نرخ موالید ۲۹ در هزار

- نسبت مرگ و میر ۸ در هزار

- نسبت مهاجرت خالص: صفر در هزار

- نسبت مرگ و میر کودکان: ۷۴ در هزار (از هر هزار کودک متولد شده ۷۴ نفر می میرند)

- امید به زندگی: ۶۴ سال برای مردان، ۶۷ سال برای زنان

- نسبت باروری: ۳/۶

- ملیت: ترک، ترکی

- تقسیمات نژادی: ۸۵٪ ترک، ۱۲٪ کرد، ۳٪ سایر نژادها

- مذهب: ۹۸٪ مسلمان (اکثریت سنی) ۲٪ سایر مذاهب (عمدتاً مسیحی و کلیمی)
- زبان: ترکی (زبان رسمی) کردی، عربی.
- در صد جمعیت باسواد: ۷۰٪
- نیروی کار: ۱۸۸۰۰۰۰۰ نفر، ۵۶٪ شاغل در بخش کشاورزی، ۳۰٪ در بخش خدمات، ۱۴٪ در بخش صنعت فعالیت می‌کنند. در حدود یک میلیون ترک در خارج از کشور کار می‌کنند.
- نیروی کار سازمان یافته ۱۵ - ۱۰٪ از نیروی کار

۳) دولت

نام کامل: جمهوری ترکیه

نوع حکومت: جمهوری پارلمانی (دمکراسی)

پایتخت: آنکارا

تقسیمات کشوری: ۷۰ استان (il - singular - iller) (ر.ک.). فصل اول، همین کتاب بحث جغرافیای سیاسی، نقشه تقسیمات کشوری.)

تاریخ استقلال: ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ (جایگزین شدن رژیم جمهوری به جای امپراطوری عثمانی) این کشور در ۲۹ ژوئن ۱۹۴۵ میلادی به عضویت سازمان ملل درآمد است.

تعطیل ملی: سالگرد اعلام جمهوری ۲۹ اکتبر

عطیلات عمومی: (در سال ۱۹۹۱): اول ژانویه (روز عید سال نو)، ۲۳ آوریل (روز ملی کودکان)، ۲۷ آوریل (عید فطر)، اول ماه مه (جشن بهار)، ۱۹ ماه مه (روز جوانان و ورزش)، ۴ جولای

(عید قربان)، ۳۰ اگوست (روز پیروزی)، ۲۹ اکتبر (روز جمهوری)

شعبات قانونگذاری شامل: سیستم پارلمانی یک مجلسی، مجلس بزرگ ملی.

شعبات قضائی حکومت شامل: دادگاههای قضائی

سران و رهبران: ریاست جمهور تورگوت اوزال، نخست وزیر سلیمان دمیرل

احزاب سیاسی و سران آنها:

۱ - حزب مام وطن: به رهبری یلدیمیراگبولوت

۲ - حزب سوسیال دمکرات مردم به رهبری اردال اینو

۳ - حزب راه راست به رهبری سلیمان دمیرل

۴ - حزب چپ گرای دمکراتیک به رهبری بولنت اجویت

- ۵- حزب موفقیت به رهبری نکمیتن ارباکان
- ۶- حزب کارملی به رهبری آلپاسلان ترک
- ۷- حزب اصلاحات دمکراتیک به رهبری آیکوت ادیبالی
- سن قانونی برای رأی دادن ۲۱ سالگی
- انتخابات: انتخابات مجلس ملی کبیر آخرین بار در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۱ انجام شده و تا اکتبر ۱۹۹۵ اعتبار دارد و انتخابات دیگری برگزار نخواهد شد.
- نتیجه آخرین انتخابات: (اطلاعات این قسمت بر طبق نتایج آخرین انتخابات اصلاح شده است)
- ۱- حزب راه راست به رهبری سلیمان دمیرل ۲۷٪ آراء مجلس را بدست آورده است.
 - ۲- حزب مام میهن به رهبری مسعود یلماز ۲۳٪ آراء
 - ۳- حزب سوسیالیست خلق به رهبری اردال اینونو ۲۰٪ آراء
 - ۴- حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان ۱۶٪ آراء
 - ۵- حزب سوسیال دمکرات چپ به رهبری بولنت اجویت ۱۰٪ آراء
- کل کرسیهای مجلس ۴۵۰ کرسی (۱۹۹۰ میلادی)
- ۱- حزب راه راست دارای ۱۸۰ کرسی مجلس میباشد.
 - ۲- حزب مام میهن دارای ۱۱۴ کرسی
 - ۳- حزب سوسیال دمکرات خلق ۸۸ کرسی
 - ۴- حزب رفاه دارای ۶۱ کرسی
 - ۵- حزب دمکرات چپ دارای ۷ کرسی
- پرچم: زمینه قرمز با یک هلال ماه و یک ستاره سفید

۴) اقتصاد

اصلاحات اقتصادی ترکیه که در سال ۱۹۸۰ شروع شده است همچنان ادامه دارد. رشد ثابت اقتصادی تا شروع سال ۱۹۹۰، ۶٪ برای هر فرد در سال افزایش داشته است. مازاد تولیدات کشاورزی بخش مهمی از درآمد اقتصادی ترکیه را تشکیل میدهد. بیش از نیمی از کل نیروی کار در بخش کشاورزی شاغل هستند و محصولات کشاورزی ۲۵٪ کل صادرات را تشکیل می‌دهد. رشد فزاینده اقتصادی ترکیه در سالهای اخیر مشکلات و کمبودهای اقتصادی این کشور را رفع نکرده است. تورم شدید قیمتها و قیمت بالای مسکن و اجاره خانه و کسر بودجه عظیم در این

کشور از جمله مشکلاتی هستند که در گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار آزاد، جامعه با آنان روبرو گردیده است. در حال حاضر، دولت برای برنامه‌های توسعه پیشرفت اقتصادی در نواحی جنوبی کشور میلیونها دلار هزینه در نظر گرفته است که شامل تاسیس ۱۲ سد بزرگ بر روی رودخانه‌های دجله و فرات برای تولید نیروی برق و آبیاری مزارع وسیع کشاورزی است.

تولید ناخالص ملی: ۷۵ بلیون دلار، درآمد سرانه برای هر نفر ۱۳۵۰ دلار، نسبت رشد حقیقی ۱/۸٪، نرخ تورم: ۶۸/۸٪ در سال ۱۹۸۹

در صد بیکاری: ۱۵/۸٪ در سال ۱۹۸۸

بودجه و درآمدهای دولت: درآمد ۱۲/۱ بلیون دلار، هزینه ۱۴/۵ بلیون دلار (شامل هزینه سرمایه‌گذاری در حدود ۲/۰۸ بلیون دلار)

صادرات: ۱۱۰۷ بلیون دلار، شامل: کارهای تولید شده صنعتی ۷۰٪، تولیدات کشاورزی و دامی ۲۵٪

شرکای تجاری: آلمان غربی ۱۸/۴٪، عراق ۸/۵٪، ایتالیا ۸/۲٪، ایالات متحده ۶/۵٪، بریتانیا ۴/۹٪، ایران ۴/۷٪

واردات: ۱۴/۳ بلیون دلار در سال ۱۹۸۸ شامل: نفت خام، ماشین‌آلات، ابزار و لوازم حمل و نقل، فلزات، مواد داروئی، رنگ، پلاستیک، کائوچو، سوخته‌های معدنی، کودشیمیایی، مواد شیمیایی.

شرکای تجاری: آلمان غربی ۱۴/۳٪، ایالات متحده ۱۰/۶٪، عراق ۱۰٪، ایتالیا ۷٪، فرانسه ۵/۸٪، بریتانیا ۵/۲٪

بدهی خارجی: ۳۶/۳ بلیون دلار (در نوامبر ۱۹۸۹)

نرخ رشد تولیدات صنعتی: ۷/۴٪ در سال ۱۹۸۸

تولید نیروی برق: ۱۴۰۶۴۰۰۰ کیلووات ظرفیت اسمی، با تولید ۴۰۰۰ میلیون کیلووات در ساعت. تولید سرانه برای هر نفر ۷۲۰ کیلووات در ساعت

صنایع: منسوجات، صنایع غذایی، صنایع استخراجی (استخراج معادن ذغال، کرومیت، مس) صنایع فولاد، پتروشیمی، صنایع ساختمانی، چوب بری، کاغذسازی

کشاورزی: ۲۰٪ کل تولید ناخالص ملی را محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهند ضمناً اکثریت نیروی کار این کشور شاغل در بخش کشاورزی هستند.

تولیدات کشاورزی: تنباکو، پنبه، غلات، زیتون، چغندر قند، نخود و لوبیا و لپه حبوبات، مرکبات،

تولیدات متنوع و گوناگون دامی.

لازم به تذکر است که ترکیه سالها است که به خودکفایی در تولید محصولات غذایی خود رسیده است.

مواد مخدر: ترکیه یکی از کشورهای مهم و عمده تهیه کننده مواد مخدر و مواد افیونی است و دولت کنترل سخت و شدیدی را در مناطق زیر کشت تریاک و خشخاش اعمال می کند.

کمک های اقتصادی: اعتبارات ایالات متحده شامل ۲/۲ بیلیون دلار، کشورهای غربی ODA و OOF اعتبارات دوجانبه (درسالهای ۸۷ - ۱۹۷۰) ۷/۹ بیلیون دلار، (اعتبارات دوجانبه اوپک در سالهای (۸۹ - ۷۹)، ۶۶۵ میلیون دلار، کشورهای کمونیست (۸۸ - ۱۹۷۰)، ۴/۵ بیلیون دلار

پول رایج: لیره ترکی، یک لیره ترکی = ۱۰۰ قروش

نرخ برابری ارز: یک دلار = ۲۳۱۴/۷ لیره در سال ۱۹۸۹.

حمل و نقل و ارتباطات:

۱ - راه آهن: در حدود ۸۴۰۱ کیلومتر که ۴۷۹ کیلومتر آن راه آهن مخصوص قطارهای برقی است.

۲ - بزرگراهها: در حدود ۴۹۶۱۵ کیلومتر طول کل بزرگراههاست، ۲۶۹۱۵ کیلومتر آسفالت، ۱۶۵۰۰ کیلومتر راه سنگفرش، ۴۰۰۰ کیلومتر راه شوسه، ۲۲۰۰ کیلومتر راههای سنگلاخی.

۳ - خطوط لوله: ۱۷۳۸ کیلومتر لوله نفت خام، ۲۳۲۱ کیلومتر لوله نفت تصفیه شده ۷۰۸ کیلومتر لوله گاز طبیعی

۴ - بنادر: ایزکندروم، استانبول، مرسین، ازمیر.

۵ - خطوط داخلی هوایی: ۳۰ هواپیمای عمده حمل و نقل در سال ۱۹۸۵ به حمل و نقل کالا و مسافر مشغول بوده اند.

۶ - فرودگاهها: تعداد کل ۱۱۹ فرودگاه که از این تعداد ۱۱۲ فرودگاه قابل استفاده است.

۷ - راههای آبی: در حد ۲۰۰ کیلومتر

نیروهای نظامی: شامل: نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی، ژاندارمری، گارد ساحلی. تعداد افراد نیروهای نظامی (بالقوه): مردان ۴۹ - ۱۴ سال در حدود ۱۴۴۱۳۹۴۴ نفر، همچنین در حدود ۸۸۱۳۴۳۰ نفر در قسمت خدمات نیروهای انتظامی به کار مشغولند. در این کشور همه ساله در حدود ۵۹۷۵۴۷ نفر به سن سربازی (خدمت - زیر پرچم) می رسند.

هزینه های دفاعی: ۳/۹٪ کل درآمد ناخالص ملی یا ۲/۹ بیلیون دلار (در سال ۱۹۸۹)

مآخذ: منبع شماره ۶، صص ۱۶ - ۳۱۵

ضمیمه شماره دو

معرفی دانشگاههای ترکیه

۱ - دانشگاه AKDENIZ

سال تأسیس: ۱۹۸۲، قبلاً به دانشگاه آنکارا وابسته بوده است.
سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن
تعداد دانشجویان: ۹۵۰۰ نفر
تعداد اساتید: ۴۶۱ نفر
شامل: دانشکده پزشکی، دانشکده مهندسی، دانشکده کشاورزی

۲ - دانشگاه ANADOLU

سال تأسیس ۱۹۸۲
دانشگاه دولتی (تحت نظارت دولت)
زبان اصلی (برای تدریس): ترکی
سال تحصیلی: اکتبر تا مه
تعداد اساتید: ۱۸۰۳ نفر
تعداد دانشجویان ۱۳۸۰۶ نفر، (۲۳۷۵۳۰ دانشجوی مکاتبه‌ای)
انتشارات: بولتنهای متنوع دانشکده‌های دانشگاه
شامل:

- دانشکده مشاغل اداری و اقتصادی
- دانشکده علوم و ادبیات
- دانشکده آموزش و پرورش (علوم تربیتی)
- دانشکده پزشکی
- دانشکده مهندسی و کشاورزی
- دانشکده داروسازی
- * مدارس وابسته به دانشگاه ANADOLU
- مدرسه هواپیمایی، ۱۸ معلم، ۴۶۵ دانشجو
- هنرستان دولتی: ۷ معلم، ۲۰ دانشجو
- مدرسه حرفه‌ای عالی افیون: ۱۳ معلم، ۶۲۲ دانشجو
- مدرسه حرفه‌ای عالی کوتایا: ۱۹ معلم، ۷۱۰ دانشجو
- مدرسه حرفه‌ای عالی BILECIK: ۱۳ معلم، ۵۲۰ دانشجو
- مدرسه حرفه‌ای عالی BOLVADIN: ۱۲ معلم، ۴۷۷ دانشجو
- مدرسه هنرهای کاربردی: ۲۰ معلم، ۲۵۷ دانشجو
- ** مراکز و انستیتوهای تحقیقاتی وابسته به دانشگاه ANADOLU
- مرکز تحقیقاتی هنرهای مردمی
- مرکز تحقیقات آموزش و کاربردی نقصهای شنوایی کودکان ماقبل دبستانی
- انستیتوی علوم اجتماعی
- انستیتوی علوم درمانی و داروئی
- انستیتوی استخراج و ذوب فلزات
- انستیتوی علوم

۳- دانشگاه آنکارا

- سال تاسیس: ۱۹۴۶
- تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)
- زبان اصلی برای تدریس: ترکی
- سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

تعداد اساتید: ۲۳۷۲ نفر

تعداد دانشجو: ۳۰۰۰۰ نفر

انتشارات دانشگاه آنکارا: YILLIGI (سالنامه دانشگاه) و انتشارات انستیتوهای تحقیقاتی و دانشکده‌ها.

دانشکده‌ها:

- دانشکده ادبیات

- دانشکده داروسازی

- دانشکده آموزش و پرورش (علوم تربیتی)

- دانشکده علوم

- دانشکده حقوق

- دانشکده الهیات

- دانشکده علوم سیاسی

- دانشکده پزشکی

- دانشکده دامپزشکی

- دانشکده کشاورزی

- دانشکده دندانپزشکی

* انستیتوهای وابسته به دانشگاه آنکارا

- انجمن فارغ‌التحصیلان علوم طبیعی و کاربردی

- انجمن فارغ‌التحصیلان علوم پزشکی

- انجمن فارغ‌التحصیلان علوم اجتماعی

- انجمن فارغ‌التحصیلان پزشکی قانونی

- انجمن فارغ‌التحصیلان تاریخ انقلاب ترکیه

** مدارس و کالجهای وابسته به دانشگاه آنکارا

- مدرسه اقتصادی بومی (خانگی)

- مدرسه روزنامه‌نگاری

- مدرسه عدالت

- مدرسه حرفه‌ای و فنی CANKIRI

- مدرسه حرفه‌ای و فنی KASTAMONU

- مدرسه حرفه‌ای و فنی KIRIKKALE

- کالج علوم تندرستی

۴- دانشگاه آتاتورک ATATURK

محل دانشگاه: ارزروم

سال تاسیس: ۱۹۵۷

تحت نظارت و کنترل دولت (دانشگاه دولتی)

زبان اصلی برای تدریس: ترکی

سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

کتابخانه: مصطفی کمال و تعداد کتاب: ۱۲۶ هزار جلد

تعداد اساتید و معاونان: ۸۵۰ نفر

تعداد دانشجویان: ۱۷۸۹۷

انتشارات:

Ziraat Fakul tesi Dergisi

Tip Fakul tesi Dergisi

Edebiyat Fakul tesi Dergisi

Isletme Fakul tesi Dergisi

شامل دانشکده‌های:

- دانشکده کشاورزی

- دانشکده پزشکی

- دانشکده علوم و هنر

- دانشکده علوم اقتصادی و اداری

- دانشکده تعلیم و تربیت

- دانشکده فنی و مهندسی

- دانشکده دندانپزشکی

- دانشکده الهیات
- دانشکده دامپزشکی
- * موسسات وابسته
- موسسه علوم پزشکی
- موسسه علوم
- موسسه علوم اجتماعی
- موسسه تاریخ جمهوری ترکیه
- ** کالجها و مدارس وابسته
- کالج تعلیم و تربیت: AGRI
- کالج تعلیم و تربیت ERZINCAN
- کالج پرستاری ارزروم
- کالج آموزش فنی و حرفه‌ای ERZINCAN
- کالج آموزش فنی و حرفه‌ای ارزروم

۵ - دانشگاه BILKENT

- سال تاسیس ۱۹۸۶
- دانشگاه خصوصی (سازمان فرهنگی)
- زبان پایه برای تعلیم: انگلیسی
- سال تحصیلی: اکتبر تاژوئن (دو ترم)
- تعداد اساتید: ۳۵۰ نفر
- تعداد دانشجویان: ۴۵۰۰ نفر
- شامل:
- دانشکده علوم اداری و اقتصادی
- دانشکده علوم مهندسی
- دانشکده هنرهای زیبا
- دانشکده ادبیات
- دانشکده موسیقی و هنرهای نمایشی

- مدرسه مقدماتی انگلیسی
- مدرسه تربیت فنی و حرفه‌ای
- مدرسه توریسم و هتلداری (مدیریت هتلها)
- * موسسات وابسته
- موسسه علوم اجتماعی و اقتصادی
- مرکز مطالعات علمی و فنی مهندسی

۶- دانشگاه BOGAZICI (دانشکده بسفر)

سال تاسیس: ۱۸۶۳

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان اصلی تعلیم: انگلیسی

سال تحصیلی: سپتامبر تا جولای

تعداد اساتید: ۵۵۶ نفر

تعداد دانشجو: ۶۴۰۰ نفر

انتشارات: ژورنال دانشگاه BOGAZICI، سالنامه، بولتن مهندسی/Biomedical

شامل:

- دانشکده مهندسی
- دانشکده هنر و علوم
- دانشکده علوم اقتصادی و اداری
- دانشکده علوم تربیتی
- * موسسات وابسته
- موسسه مهندسی BIOMEDICAL
- موسسه تحقیقات زلزله
- موسسه علوم محیط زیست
- موسسه علوم
- موسسه علوم اجتماعی
- موسسه تاریخ جمهوری ترکیه

*** مدارس و دانشکده‌های وابسته

مدرسه زبانهای خارجی

مدرسه آموزشهای فنی و حرفه‌ای

۷- دانشگاه CURUROVA

سال تاسیس: ۱۹۷۳

دانشگاه دولتی (تحت نظارت دولت)

زبان آموزش در دانشگاه: ترکی

سال تحصیلی: سپتامبر تا جولای

تعداد اساتید: ۹۹۷ نفر

تعداد دانشجویان: ۱۳۷۵۰ نفر، ۹۰۶ نفر فارغ‌التحصیل

انتشارات: ژورنال دانشکده

شامل:

دانشکده کشاورزی

دانشکده پزشکی

دانشکده علوم و هنر (فنون)

دانشکده مهندسی و معماری

دانشکده علوم آموزشی

*** موسسات وابسته

- انستیتوی علوم اجتماعی

- انستیتوی سلامتی

- انستیتوی علوم

*** مدارس وابسته

مدرسه آموزش و پرورش ADANA

- مؤسسه آموزش و پرورش انتاکیا ANTAKYA

- مؤسسه شیلات ادنا

- مدرسه توریسم و هتلداری

- موسسه آموزشی فنی و حرفه‌ای انتاکیه
- موسسه آموزش فنی و حرفه‌ای CEYHAN
- موسسه آموزش فنی و حرفه‌ای ISKENDERUN
- مؤسسه آموزش فنی و حرفه‌ای MERSIN
- مؤسسه آموزش و فنی و حرفه‌ای OSMANIYE

۸- دانشگاه جمهوریت (CUMHURIYET)

سال تاسیس: ۱۹۷۴، سازماندهی مجدد در سال ۱۹۸۲
دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان اصلی تدریس: ترکی

سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

تعداد اساتید: ۵۶۵ نفر

تعداد دانشجو: ۵۰۶۱

انتشارات: بولتن دانشگاه

شامل:

- دانشکده کشاورزی

- دانشکده علوم و فنون

- دانشکده مهندسی

- دانشکده پزشکی

۹- دانشگاه دجله (DIGLE)

محل دانشگاه: دریا ربکر

سال تاسیس: ۱۹۶۶، بعنوان شاخه‌ای از دانشگاه آنکارا، سال استقلال ۱۹۷۳

سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

تعداد دانشجو: ۷۱۲۸ نفر

تعداد اساتید: ۶۲۷ نفر

انتشارات:

سالنامه دانشگاه، ژورنال دانشکده پزشکی، سالنامه دانشکده علوم

شامل:

دانشکده پزشکی

دانشکده هنر و علوم

دانشکده دندانپزشکی

دانشکده آموزش و پرورش (علوم تربیتی)

دانشکده حقوق

دانشکده کشاورزی

دانشکده معماری و مهندسی

* موسسات وابسته

دانشکده علوم پزشکی

- دانشکده علوم اجتماعی

دانشکده علوم

کالج تندرستی (سلامتی)

مدرسه عالی فنی و حرفه‌ای دیاربکر

مدرسه عالی فنی و حرفه‌ای Saniurfa

مدرسه عالی و فنی و حرفه‌ای BATMAN

مدرسه فنی و حرفه‌ای SIIRT

موسسه عالی آموزشی دیاربکر

۱۰ - دانشگاه DUKUZ EYLUL

دانشگاه نهم سپتامبر (Ninth September University)

محل دانشگاه: ازمیر

سال تاسیس: ۱۹۸۸

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

تعداد استاد: ۹۵۳ نفر

تعداد دانشجو: ۲۱۲۵۰ نفر
کتابخانه: ۱۵۰۵۰۰ جلد کتاب
شامل:

دانشکده علوم و فنون (Vacant)

دانشکده علوم تربیتی

دانشکده علوم پزشکی

دانشکده حقوق

دانشکده علوم اقتصادی و مشاغل اداری

دانشکده الهیات

دانشکده مهندسی و معماری

دانشکده هنرهای زیبا

دانشکده مهندسی

دانشکده دامپزشکی

دانشکده کشاورزی

دانشکده علوم و فنون (ازمیر)

دانشکده زبانهای خارجی

دانشکده علوم طبیعی

* موسسات وابسته (فارغ التحصیلان)

موسسه علوم اجتماعی

موسسه علوم طبیعی

موسسه علوم پزشکی

موسسه تکنولوژی دریایی

موسسه تحقیقات تاریخ انقلاب ترکیه و اصول آتاتورک

۱۱ - دانشگاه اژه (Agean University) EGE

محل دانشگاه: برنوا (BORNOVA)

ازمیر

سال تاسیس: ۱۹۵۵
 دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)
 زبان آموزشی: ترکی و انگلیسی
 سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن
 تعداد استاد و معاونین: ۱۶۷۸ نفر
 تعداد دانشجویان: ۱۸۰۳۴ نفر
 انتشارات: انتشارات دانشکده‌ها و

Tip Fakultesi Mecmuasi Ziraat Fakultesi Dergisi

شامل:

دانشکده پزشکی
 دانشکده دندانپزشکی
 دانشکده داروسازی
 دانشکده کشاورزی
 دانشکده علوم
 دانشکده مهندسی
 دانشکده ادبیات
 مراکز تحقیقات و اطلاعات
 مرکز پردازش اطلاعات و تحقیقات کار بردی
 مرکز تحقیقات آبزیان
 مرکز تحقیقات سمعی و بصری

- دانشگاه ERCIYES

سال تاسیس: ۱۹۷۸
 دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)
 زبان اصلی تدریس: ترکی
 سال تحصیلی: نوامبر تا ژوئن
 تعداد دانشجو: ۷۶۷۲ نفر

تعداد اساتید: ۶۰۹ نفر

انتشارات: ژورنال مدرسه پزشکی، ژورنال مدیریت و مشاغل اداری، ژورنال دانشکده‌ها
شامل:

دانشکده پزشکی

دانشکده مدیریت و مشاغل اداری *

دانشکده مهندسی

دانشکده الهیات

دانشکده علوم و هنر

* موسسات وابسته

بیمارستان دانشکده پزشکی برای آموزش و مطالعات پزشکی

انستیتو سلامتی

انستیتو علوم

مدرسه پرستاری

مدرسه عالی تکنولوژی Kayseri

مدرسه عالی تکنیکی یوزگات Yozgat

مدرسه توریسم و هتلداری Nevsehir

۱۳ - دانشگاه فرات (FIRAT)

سال تاسیس: ۱۹۷۵

زبان اصلی تدریس: ترکی

تعداد اساتید: ۵۳۱ نفر

تعداد دانشجویان: ۶۳۰۲ نفر

شامل:

دانشکده علوم و هنر

دانشکده مهندسی

دانشکده پزشکی

دانشکده آموزشهای فنی و حرفه‌ای

دانشکده دامپزشکی

* موسسات وابسته

موسسه علوم تندرستی

موسسه علوم طبیعی کاربردی

موسسه علوم اجتماعی

** مدارس وابسته:

مدرسه Aquaculture

کالج آموزشهای فنی و حرفه‌ای Bingol

کالج آموزشهای فنی و حرفه‌ای Elazig

کالج آموزشهای فنی و حرفه‌ای Mus

کالج آموزشهای فنی و حرفه‌ای Tunceli

۱۴ - دانشگاه قاضی (GAZI)

محل دانشگاه: آنکارا

سال تاسیس ۱۹۸۲

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان اصلی تدریس: ترکی

سال تحصیلی: اکتبر-نوامبر

تعداد اساتید: ۲۰۳۴ نفر

تعداد دانشجویان: ۴۴۰۰۰ نفر و ۲۱۹۷ فارغ‌التحصیل

انتشارات: بولتنهای متنوع دانشکده‌ها

شامل:

- دانشکده معماری و مهندسی

- دانشکده علوم و هنر

- دانشکده دندانپزشکی

- دانشکده اقتصاد و علوم اداری

- دانشکده آموزش و پرورش (علوم تربیتی)

- دانشکده پزشکی
- دانشکده داروسازی
- دانشکده آموزشهای تکنولوژیک
- دانشکده فنی و حرفه‌ای

۱۵ - دانشگاه Hacettepe

محل دانشگاه: آنکارا

سال تاسیس: ۱۹۰۶ در Kayseri ۱۹۶۷

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان تدریس: ترکی و انگلیسی

سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

تعداد اساتید: ۲۳۷۳ نفر

تعداد دانشجویان: ۲۵۷۶۷ نفر

انتشارات Hacettepe tip بولتن cerrahi، بولتنهای دانشکده

*مؤسسات وابسته

انستیتو اصول آتاتورک و تاریخ انقلاب ترکیه

انستیتو سلامت کودکان

انستیتو علوم تندرستی

انستیتو علوم اعصاب و روان

انستیتو علوم هسته‌ای

انستیتو oncology

انستیتو مطالعات جمعیتی

انستیتو علوم

انستیتو علوم اجتماعی

شامل:

دانشکده پزشکی

دانشکده دندانپزشکی

دانشکده داروسازی
 دانشکده مهندسی
 دانشکده علوم تربیتی
 دانشکده علوم اداری و اقتصادی
 دانشکده هنرهای زیبا
 دانشکده ادبیات

۱۶ - دانشگاه INONU

محل دانشگاه مالاتیا
 سال تاسیس: ۱۹۷۵
 دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)
 زبان اصلی تدریس: ترکی
 سال تحصیلی: اکتبر تا جولای
 تعداد اساتید: ۳۱۵ نفر
 تعداد دانشجویان: ۳۸۰۰ نفر
 شامل:

دانشکده علوم و ادبیات
 دانشکده علوم اداری و اقتصادی
 دانشکده علوم تربیتی
 دانشکده پزشکی
 دانشکده مهندسی

۱۰ - دانشگاه استانبول (ISTANBUL)

سال تاسیس: قرن ۱۵ میلادی (۱۴۵۳) و تجدید سازمان در سالهای ۱۹۳۳ الی ۱۹۴۶
 دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)
 زبان آموزشی: ترکی
 سال تحصیلی: نوامبر تا فوریه / مارس تا جولای

تعداد استاد: ۲۴۷۵ نفر

تعداد دانشجو: ۳۰۸۶۲ نفر و ۸۰۷ نفر فارغ التحصیل

شامل:

دانشکده ادبیات

دانشکده علوم

دانشکده حقوق

دانشکده اقتصاد

دانشکده جنگلداری

دانشکده پزشکی + دانشکده پزشکی at cerrahapsa

دانشکده داروسازی

دانشکده دندانپزشکی

دانشکده علوم سیاسی

دانشکده علوم بازرگانی

دانشکده دامپزشکی

دانشکده مهندسی

* مدارس و کالجهای وابسته

مدرسه شیلات (صیادی)

مدرسه روزنامه نگاری

مدرسه پرستاری

مدرسه مطالعات حقوق تطبیقی

مدرسه آموزش تخصصی دخانیات

** مؤسسات وابسته

موسسه آمار

موسسه مطالعات اقتصادی و بازرگانی

موسسه قلب شناسی

موسسه بهداشت کودک

موسسه پزشکی قانونی

موسسه علوم پزشکی
موسسه علوم
موسسه علوم اجتماعی

۱۸ - دانشگاه فنی استانبول
مکان: استانبول
سال تاسیس: ۱۷۷۳
دانشگاه وابسته به دولت (دانشگاه دولتی)
زبان اصلی تدریس: ترکی
سال تحصیلی: اکتبر تا جولای
انتشارات: بولتن (فصلنامه)
اخبار (فصلنامه)
کاتالوک (دو ساله)
مجله (هر دو ماه یکبار)
تعداد استاد: ۱۵۰۵ نفر
تعداد دانشجو: ۱۸۶۶۰ نفر
شامل:
دانشکده مهندسی سیویل
دانشکده مهندسی معدن
دانشکده مهندسی برق و الکترونیک
دانشکده مهندسی معماری
دانشکده مهندسی مکانیک
دانشکده مهندسی متالوژی
دانشکده علوم و هنرها
دانشکده مهندسی سازه‌های دریایی
دانشکده مدیریت بازرگانی
دانشکده مهندسی در sakarya

دانشکده فزانوردی و هوانوردی
 * دپارتمانهای وابسته به دانشگاه
 دپارتمان زبانهای و تاریخ انقلاب ترکیه
 دپارتمان هنرهای زیبا
 دپارتمان تربیت بدنی
 * موسسات وابسته
 انستیتو مهندسی
 انستیتو انرژی هسته‌ای
 انستیتو علوم اجتماعی
 * کالجها و مدارس وابسته
 کنسرو اتوار دولتی موسیقی ترکیه
 کالج آموزش حرفه‌ای

۱۹ - دانشگاه فنی KARADENIZ

مکان: ترابوزان
 سال تاسیس: ۱۹۶۳
 دانشگاه وابسته به دولت (دانشگاه دولتی)
 سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن
 تعداد استادان: ۷۶۴ نفر
 تعداد دانشجویان: ۱۰۲۰۰ نفر
 انتشارات: بولتن دانشگاه، بولتن‌های دانشکده‌ها
 شامل:
 دانشکده جنگلداری
 دانشکده علوم و هنرها
 دانشکده علوم تربیتی
 دانشکده پزشکی
 دانشکده مهندسی و معماری

دانشکده علوم اداری و اقتصادی
 * دپارتمانهای مرتبط با دانشگاه
 دپارتمان آتاتورک و تاریخ انقلاب ترکیه
 دپارتمان زبان ترکی
 دپارتمان زبانهای خارجی
 دپارتمان هنرهای زیبا
 دپارتمان تربیت بدنی

۲۰ - دانشگاه مرمره

محل دانشگاه: استانبول
 سال تاسیس: ۱۸۸۳ و تجدید سازمان در سال ۱۹۸۲
 دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)
 زبان آموزشی: ترکی و انگلیسی
 کتابخانه: با ۹۰۳۳۴ جلد کتاب
 تعداد استادان: ۱۰۷۳ نفر
 تعداد دانشجویان: ۱۶۴۵۷ نفر
 شامل:
 دانشکده ادبیات و علوم
 دانشکده حقوق
 دانشکده علوم تربیتی آتاتورک
 دانشکده آموزش فنی
 دانشکده علوم اقتصادی و بازرگانی
 دانشکده فارماکولوژی (علوم دارویی)
 دانشکده الهیات
 دانشکده هنرهای زیبا
 دانشکده پزشکی
 * موسسات وابسته

موسسه عالی علوم اجتماعی
 موسسه عالی علوم
 موسسه عالی علوم پزشکی
 * کالجها و مدارس وابسته
 کالج تعلیم و تربیت
 مدرسه روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی
 کالج آموزش حرفه‌ای

۲۱ - دانشگاه معماری سینان (MIMAR SINAN)

محل دانشگاه: استانبول
 سال تاسیس ۱۸۸۳ / وضعیت دانشگاهی ۱۹۸۲
 دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)
 زبان اصلی تدریس: ترکی
 کتابخانه با ۵۱۲۰۰ جلد کتاب
 تعداد استادان: ۴۲۰ نفر
 تعداد دانشجویان: ۳۵۰۹ نفر
 شامل:
 دانشکده معماری
 دانشکده هنرهای زیبا
 دانشکده علوم و ادبیات
 * موسسات وابسته
 موزه دولتی نقاشی و مجسمه، استانبول
 مدرسه دولتی موسیقی، استانبول

۲۲ - دانشگاه ONDOKUZ MAYIS

یا دانشگاه نوزده می (Nineteen of May University)
 سال تاسیس: ۱۹۷۵

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان اصلی آموزش: ترکی

سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

کتابخانه با ۳۵۰۰۰ جلد کتاب

تعداد استادان: ۵۴۵ نفر

تعداد دانشجویان: ۷۷۷۳ نفر

انتشارات: بولتنهای دانشکده‌های مختلف

شامل:

دانشکده پزشکی

دانشکده علوم و هنرها

دانشکده کشاورزی

دانشکده علوم تربیتی

دانشکده الهیات

۱ - دانشگاه ORTA DOGU TEKNİK

دانشگاه فنی خاورمیانه (Middle East Technical University)

محل دانشگاه: آنکارا

سال تأسیس: ۱۹۵۶

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان آموزشی: ترکی انگلیسی

سال تحصیلی: اکتبر تا جولای (دو ترم)

تعداد استاد و معاونان: ۱۴۴۷ نفر

تعداد دانشجویان: ۱۷۷۵۸ نفر

انتشارات: METU

مجله علوم پایه و کاربردی (۳ شماره در سال)

مجله مطالعاتی در زمینه توسعه (فصلنامه)

مجله دانشکده معماری (دو شماره در سال)

مجله علوم انسانی (دو شماره در سال)

شامل:

دانشکده معماری

دانشکده مهندسی

دانشکده علوم و هنرها

* مراکز تحقیقاتی وابسته

مرکز تحقیقات دانش سیستم‌ها (System Science Research Center)

مرکز مطالعات محیطی

مرکز مطالعات تحقیقات مهندسی زلزله

مرکز مطالعات تحقیقات دمای محیطی و تبادل گرمایی

مرکز مطالعات تحقیقات مهندسی بنادر و سواحل

مرکز مطالعات تحقیقات انفورماتیک

مرکز مطالعات و تحقیقات صنعتی و طراحی صنعتی

مرکز مطالعات آئرو دینامیک و الکترو مکانیک

مرکز مطالعات و تحقیقات مهندسی نفت و معدن

مرکز مطالعات و تحقیقات منابع آب

مرکز مطالعات و تحقیقات حمل و نقل

مرکز مطالعات و تحقیقات استخراج فلزات

مرکز مطالعات و تحقیقات زمین شناسی و ژئوفیزیک

مرکز مطالعات و تحقیقات مکانیک خاک

مرکز مطالعات و تحقیقات اقتصادی

مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت

۲۴ - دانشگاه SELCUK

محل دانشگاه: قونیه

سال تأسیس: ۱۹۷۵

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان اصلی آموزشی: ترکی

سال تحصیلی: اکتبر تا می (دو ترم)

تعداد استادان: ۸۸۵ نفر

تعداد دانشجویان: ۱۳۰۵۶ نفر و ۴۹۱ فارغ‌التحصیل

شامل:

دانشکده کشاورزی

دانشکده معماری

دانشکده علوم و هنرها

دانشکده علوم تربیتی

دانشکده حقوق

دانشکده پزشکی

دانشکده الهیات

دانشکده دامپزشکی

* مؤسسه‌های وابسته

مؤسسه علوم پزشکی

مؤسسه علوم

مؤسسه علوم اجتماعی

** کالجها و مدارس وابسته

کالج آموزشی هنر برای خانمها

کالج آموزشی Nigde

کالج آموزش‌های حرفه‌ای

کالج‌های آموزش حرفه‌ای در Eregli, Aksaray, Karaman, Nigde

۲۵ - دانشگاه TRAKYA

محل دانشگاه: ادرنه

سال تأسیس ۱۹۸۲ بر پایه دانشکده‌های موجود در ادرنه

تعداد استادان، ۴۵۶ نفر

تعداد دانشجویان: ۱۰۷۴۰ نفر

شامل:

دانشکده پزشکی

دانشکده علوم و هنرها

دانشکده مهندسی و معماری

دانشکده کشاورزی

* مؤسسات وابسته

مؤسسه علوم بهداشتی

مؤسسه علوم

مؤسسه علوم اجتماعی

۲۶ - دانشگاه UIUKDAG

محل دانشگاه: بورسا

سال تأسیس: ۱۹۷۵

دانشگاه تحت نظارت دولت (دانشگاه دولتی)

زبان آموزشی: ترکی

سال تحصیلی: اکتبر تا ژوئن

کتابخانه با ۱۲۰۰ جلد کتاب

تعداد استادان: ۹۷۲ نفر

تعداد دانشجویان: ۱۸۲۲۵ نفر

انتشارات: مجلات دانشکده‌های مختلف

شامل:

دانشکده علوم و هنرها

دانشکده پزشکی

دانشکده علوم اداری و اقتصادی

دانشکده علوم تربیتی

دانشکده مهندسی

دانشکده الهیات
 دانشکده دامپزشکی
 دانشکده کشاورزی
 * مؤسسات وابسته
 انستیتو علوم
 انستیتو علوم بهداشتی
 انستیتو علوم اجتماعی
 ** کالج‌ها و مدارس وابسته
 کالج تعلیم و تربیت
 کالج آموزش حرفه‌ای
 کالج خدمات بهداشتی
 مدرسه هتلداری و مدیریت توریسم
 کالج تربیت معلم

۲۷ - دانشگاه YILDIZ

محل دانشگاه: استانبول
 سال تأسیس: ۱۹۱۱، سازماندهی مجدد در سال ۱۹۸۲ (آکادمی دولتی مهندسی و معماری)
 موجودی کتابخانه: ۶۰۰۰ جلد کتاب
 تعداد اساتید: ۶۹۹ نفر
 تعداد دانشجویان: ۱۴۸۷۸ نفر دانشجو و ۸۰۵ فارغ التحصیل
 انتشارات: نشریات ادواری (ماهنامه‌ها)
 شامل:

دانشکده مهندسی
 دانشکده معماری
 دانشکده علوم و ادبیات
 * مؤسسات وابسته
 مؤسسه علوم

مؤسسه علوم اجتماعی
 ** کالجهای وابسته
 مدرسه آموزشی فنی و حرفه‌ای

۲۸ - دانشگاه YUZUNCU

دانشگاه صد ساله (Centennial University)

محل دانشگاه: شهر وان

سال تاسیس: ۱۹۸۲

دانشگاه تحت کنترل دولت (دانشگاه دولتی)

زبان آموزشی: ترکی

سال تحصیلی: اکتبر تا جولای

تعداد اساتید: ۲۰۴ نفر

تعداد دانشجو: ۲۳۳۶ نفر

شامل:

دانشکده هنر و علوم

دانشکده دامپزشکی

دانشکده کشاورزی

* موسسات وابسته

مؤسسه علوم اجتماعی

مؤسسه علوم

** کالجهای وابسته

کالج آموزش و پرورش

کالج آموزش و فنی و حرفه‌ای Hakkari

کالج آموزش فنی و حرفه‌ای Tatvan

مأخذ: به نقل از منبع شماره 11، صص ۱۲۸۶ تا ۱۲۷۵

ضمیمه شماره سه

روابط فرهنگی ایران و ترکیه

۱- موافقتنامه‌های فرهنگی

- اولین موافقتنامه فرهنگی بین ایران و ترکیه برای توسعه روابط فرهنگی در تاریخ ۱۳۳۷ در تهران تنظیم شد. مفاد این موافقتنامه بقرار زیر است:
- تشکیل موسسات فرهنگی در هر یک از دو کشور بشرط آنکه این قبیل موسسات تابع مقررات کشور مربوطه باشد.
 - مبادله کارمندان دانشگاهها و تشویق اصل تحقیق و تتبع علمی
 - دادن تسهیلات و امکانات کافی در دانشگاهها و سایر موسسات آموزشی برای تدریس زبان و ادبیات و تاریخ و جغرافیا و واگذاری کرسیها و دوره‌های تعلیم برای طرف دیگر.
 - فراهم نمودن وسایل تحصیل و تعلیم کسانی که اهالی مملکت طرف دیگر معرفی می‌کند در موسسات مختلف آموزشی.
 - تبادل نظر بصورت اساسی برای تعیین ارزش گواهینامه و دیپلم و درجه‌های علمی هریک از دو مملکت در مملکت دیگر به فواصل معین.
 - اعطای بورس تحصیلی برای دانشجویان و دیپلمه‌های تحصیلات عالی دو کشور از طرف کشور مقابل برای تحقیق و تتبع.
 - تبادل دانستنیهای دو کشور در زمینه‌های تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و طرز زندگانی مملکت دیگر و شناساندن آن مملکت به دانشجویان طرف دیگر.

- توسعه روابط فرهنگی برای شناسایی بهتر فرهنگ طرف دیگر از طریق امور مشروح زیر:

الف - اعزام هیاتهای علمی و فرهنگی

ب - ترتیب کنسرت

ج - ایراد سخنرانی

د - افتتاح نمایشگاه علمی و هنری

هـ - ارسال هیاتهای مرکب از دانشجویان تحصیلات عالی

و - ایجاد تسهیلات مبادله کتب چاپی و نشریه‌ها و تصاویر چاپی از آثار هنری

ز - نشان دادن فیلمهای فرهنگی و تنظیم برنامه‌های رادیویی

ح - مبادله میکروفیلمهای نسخ خطی

- ایجاد همکاری ما بین موسسات و انجمنهای علمی و ادبی و هنری در دو مملکت.

- اصلاح و تصحیح مطالب نا درست مندرج در کتب درسی هر یک از دو کشور نسبت به طرف دیگر

- تبادل کتب و مجلات کشور طرف به کشور خود بشرط عدم درج مطالب علیه کشور فوق.

- ترتیب مسابقات ورزشی و سیاحت دستجات پیش‌آهنگی بین دو مملکت

- تاسیس موسسات و انجمن‌های فرهنگی مشترک ما بین دو کشور

- ترتیب دادن کمیسیون‌های مختلط مرکب از متخصصین هر دو مملکت برای تحقیق و مشاوره در

مسائل فرهنگی و علمی مورد علاقه هر دو مملکت.

- پیش بردن مقاصد نامبرده در این موافقت نامه توسط یک کمیسیون ۶ نفره مرکب از ۳ عضو ترک که

در ترکیه بسر می‌برند و ۳ عضو ایرانی مستقر در ایران و برای تامین ارتباط یک نماینده از جانب

جمهوری ترکیه در شعبه ایرانی و بالعکس تعیین خواهد شد.

- کمیسیون دائمی مختلط در مواقع لزوم و لااقل سالی یکبار به نوبت در ایران و ترکیه بصورت

هیات عمومی اجتماع خواهد داشت. ریاست کمیسیون بر عهده یکی از اعضاء خواهد بود و وظیفه

دیبری بعهده عضو دیگر میهمان خواهد بود.

- این موافقتنامه در هر یک از دو کشور بر حسب مقررات و قوانین اساسی آن مملکت بتصویب

دولتین خواهد رسید.

- مدت پایداری این موافقتنامه نامحدود است مگر اینکه یکی از طرفین این موافقتنامه با لااقل شش

ماه اخطار قبلی آنرا نسخ نماید. برنامه مبادلات فرهنگی ایران و ترکیه در ۲۴ مهر ۱۳۴۵ و بعد از

مبادله اسناد برای سه سال تنظیم شد و در ۳۰ شهریور ۱۳۵۱ برنامه مبادلات فرهنگی برای ۷۵ -

۱۹۷۳ تنظیم شد.

* همچنین برای سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۷۶ موافقتنامه دیگری تنظیم گردید که مفاد آن عبارتند از:

فصل اول - فرهنگ و هنر

- مبادله یک کارشناس در امور مربوط به فیلم و سینما بمدت ۳ ماه با دولت جمهوری ترکیه.
- مبادله یک کارشناس مرمت آثار و بناهای تاریخی بمدت ۳ ماه مابین دو کشور طرف قرار داد.
- مبادله یک هنرآموز (Art Instructour) در زمینه هنرهای تجسمی بمدت شش ماه مابین دو کشور.
- تبادل گروههای محلی و تئاتر سنتی برای اجرای برنامه در دانشگاهها.
- تبادل نوارهای موسیقی محلی و سنتی، نشریات، عکس و اسلایدهای تاریخی، فیلمهای مستند و آموزشی (حداکثر ۵ فیلم در سال) و فیلمهای تلویزیون ۱۶ و ۳۵ میلی متری.
- تبادل نمایشگاههای هنری و فرهنگی.
- برگزاری هفته فرهنگی هر یک از طرفین در سرزمین طرف دیگر.
- شرکت هر یک از طرفین در جشنوارههای سینمایی طرف مقابل.
- تشکیل هفتههای فیلم در سطح سینماکلوب و جشنوارههای فیلمهای ۸ و ۱۶ میلی متری فارغالتحصیلان مدارس سینمایی هر یک از طرفین در سرزمین طرف دیگر.
- پذیرش یک گروه ارکستر با خواننده برای ارائه موسیقی اصیل ترکیه که شامل حداکثر ۶ نفر باشد توسط دولت ایران.
- پذیرش یک گروه رقص متشکل از ۱۶ نفر توسط دولت ایران.
- اجرای حداقل ۶ برنامه توسط دو گروه فوق در تهران و سایر شهرهای ایران.
- دعوت از گروه دراویش مولوی (قونیه) برای شرکت در یکی از جشنهای هنر ایران.
- اعزام یک نی‌زن و یک مثنوی خوان از سوی ایران برای شرکت در مراسم بزرگداشت مولوی در قونیه.

فصل دوم - علوم و آموزش عالی

- اعطای بورس تحصیلی دانشگاه تهران (۲ بورس) در زمینه زبان و ادبیات فارسی به دو نفر از اتباع دولت جمهوری ترکیه که دارای درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی باشند.
- تبادل استاد مابین دانشگاه تهران و دانشگاههای ترکیه به منظور بازدید و ایراد سخنرانی در بعضی از

- رشته‌های علمی و پژوهشی.
- مبادله کتب و نشریات علمی و هنری مابین دانشگاه تهران و دانشگاه‌های ترکیه.
 - تبادل دانسته‌ها در زمینه پروتئینها و مواد خوراکی نوین مابین دانشکده علوم دارویی و تغذیه دانشگاه فردوسی و دانشگاه‌های ترکیه.
 - تبادل اعضای کادر آموزشی مابین دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی و دانشگاه‌های ترکیه.
 - تبادل اعضای کادر آموزش مابین دانشکده پزشکی دانشگاه فردوسی و دانشگاه‌های ترکیه.
 - اعطای ۱۵ بورس تحصیلی از محل کمک‌های فنی برای هر سال تحصیلی از طرف دولت ایران به جمهوری ترکیه.
 - تبادل میکروفیلم و فتوکپی اسناد خطی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان با دانشگاه‌های ترکیه.
 - مبادله استاد و کتابدار مابین دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه جندی شاپور با دانشگاه‌های ترکیه.
 - مبادله کتب و نشریات و نوشتجات خطی موجود در کشور و ترکیه با دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه جندی شاپور.
 - اعزام یک کارشناس از موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی برای بازدید از کتابخانه‌های ترکیه و آشنایی با روشهای ذخیره و بازیابی اطلاعات علمی و فنی بمدت یکماه و متقابلاً اعلام آمادگی برای پذیرش یکی از کارشناسان موسسه مذکور بمدت یک ماه.

فصل سوم - آموزش و پرورش

- مبادله یکنفر دبیر و یکنفر کارشناس برای هر یک از رشته‌های زیر بمدت ۲۰ روز مابین دو کشور.

الف) ریاضی و علوم تجربی

ب) تربیت معلم عمومی

پ) تربیت معلم فنی و حرفه‌ای

ت) راهنمای تحصیلی

ث) کودکان استثنایی

ج) برنامه‌ریزی درسی

فصل چهارم - مطبوعات و جهانگردی و رادیو تلویزیون

- اعزام یک نفر از کارشناسان مرکز مدارک و اسناد وزارت اطلاعات و جهانگردی به جمهوری ترکیه جهت استفاده از یک بورس سه ماهه کارآموزی.

- تشویق و ازدیاد ورود گروه‌های جهانگرد به دو کشور از سایر ممالک و همکاری در این زمینه.

- برقراری روابط جهانگردی بین دو کشور، ایجاد تورهای فرهنگی برای نوجوانان دو طرف.

- همکاری طرفین موافقتنامه در زمینه تهیه و چاپ کتاب و راهنمای مشترک جهانگردی.

- همکاری طرفین موافقتنامه در زمینه تهیه فیلم تبلیغاتی مشترک از جاذبه‌های جهانگردی دو کشور.

- تشکیل جلسات مشترک مسئولان توریسم و مدیران آژانسهای جهانگردی و ترتیب دهنده‌گان تورهای دسته جمعی دو کشور.

- شرکت طرفین در جشنواره‌های وابسته به سازمانهای رادیو تلویزیون دو کشور.

- مبادله برنامه‌های رادیوی طرفین موافقتنامه.

- مبادله فیلمهای مستند، علمی، هنری و خبری بین سازمانهای رادیو تلویزیون دو کشور.

- مبادله روزانه اخبار از طریق تلکس بین خبرگزاریها، رادیو تلویزیون دو کشور.

- قراردادان امکانات تاسیس دفاتر خبری بین دو کشور مورد بررسی و مطالعه دو طرف قرار خواهد گرفت.

- مبادله گروههای فنی و هنری، کارشناس و کارآموز در رشته‌های رادیو و تلویزیون بین سازمانهای مربوطه دو کشور.

- مبادله سردبیر خبری و گوینده بین بخش فارسی رادیو آنکارا و بخش ترکی رادیو ایران.

فصل پنجم - ورزش

- مبادله گروههای ورزشی طرفین در رشته‌های زیر:

الف) کشتی

ب) والیبال

ج) شمشیربازی

د) بسکتبال

فصل ششم - رفاه اجتماعی

- مبادله کارشناسان خدمات درمانی، بیمه‌های اجتماعی، توان بخشی، خدمات رفاهی و بطورکلی متخصصین مسائل اجتماعی و رفاهی دو کشور بمنظور کسب مدارج علمی و عملی.
- مبادله انتشارات و نتایج مطالعات و تحقیقات دو کشور در زمینه مسائل اجتماعی و رفاهی.

فصل هفتم - شرایط عمومی

- طرف گسیل دارنده هزینه اعزام نمایشگاه را تا مقصد و مخارج بازگشت و همچنین هزینه بیمه رفت و بازگشت و مخارج اقامت نمایشگاه را تامین خواهد کرد.
- طرف پذیرنده هزینه دایر نمودن نمایشگاه و همچنین مخارج اجاره سالن و هزینه‌های حمل و نقل داخلی را تامین می نماید.
- اعزام یک نماینده به همراه هر نمایشگاه.
- پیشنهاد تشکیل نمایشگاه حداقل شش ماه قبل از طریق سیاسی ارائه میگردد.
- قبول هزینه رفت و برگشت توسط طرف گسیل دارنده.
- قبول هزینه اقامت و ایاب و ذهاب داخل کشور توسط طرف پذیرنده.
- پیشنهاد مسافرت گروههای هنری و اشخاص حداقل ۲ ماه قبل از طریق سیاسی ارائه میگردد.

* * *

پس از پیروزی انقلاب اسلامی برنامه مبادلات فرهنگی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه برای سالهای ۱۳۶۶ - ۱۳۶۴ تدوین گردید. این برنامه بر اساس برنامه مبادلات فرهنگی ایران و ترکیه در سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۷۶ تدوین گردیده است لیکن بعضی از مواد و محتوی آن با توجه به برنامه‌ها، سیاستها و اهداف دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران حذف و بازنویسی شده و یا به آن اضافه گردیده است. مفاد این قرارداد عبارت است از:

فصل اول - آموزش و علوم

- همکاری بین دانشگاههای دو کشور بمنظور انجام برنامه‌های مشترک علمی.
- ایجاد امکانات و تسهیلات لازم جهت مبادله کتب و نشریات علمی و فنی و مبادله میکروفیلم کتب خطی مورد علاقه دانشگاههای دو کشور.
- مبادله چهار عضو هیئت علمی دانشگاهی جهت ایراد سخنرانی و تبادل تجربیات در زمینه‌های

- علمی و فنی بمدت یک هفته.
- مطلع نمودن طرفین از اجلاسها و کنفرانسهای علمی بین‌المللی که در کشورهايشان برگزار میشود و مبادله اطلاعاتها و قطعنامه‌ها در انتهای این اجلاس یا کنفرانسها.
- مبادله اساتید دانشگاهی بمنظور ایراد سخنرانی در دانشگاهها براساس قرارداد یکساله.
- ایجاد یک بخش زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه تهران که نظیر بخش زبان و ادبیات فارسی موجود در دانشگاه آنکارا خواهد بود و تبادل استاد برای تدریس در بخشهای مربوطه از جانب طرفین.
- اعطای یک بورس تحقیقاتی دو ماهه از جانب ایران به پنج تن از فارغ‌التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی.
- مبادله محققانی از جانب دو طرف بمدت ۳۰ روز بمنظور مطالعه و آشنایی با کتب خطی، اسناد و مدارک تاریخی مورد علاقه طرفین.
- تبادل اطلاعات و اسناد مربوط به برنامه‌ها و مقررات آموزشی دو طرف بمنظور شناسایی برابری دیپلم‌ها، گواهی‌نامه‌ها، درجات تحصیلی.
- مبادله مطالب و اطلاعات مستند و همچنین کتابهای درسی تاریخ و جغرافیا که در مدارس ابتدایی و متوسطه در کشور تدریس میشود و نیز نقشه‌ها و کتب مرجع و درج مطالب و اطلاعات صحیح تاریخی و جغرافیایی مربوط به کشور مقابل در کتب درسی.
- اعطای ۱۵ بورس با دوره زمانی مشابه از جانب طرفین که بورسهای اعطای طرف ایرانی در رشته زبان و ادبیات فارسی و سایر موضوعات ممکن و بورس اعطایی طرف ترک در زمینه فوق لیسانس در رشته‌های مهندسی خواهد بود.
- مبادله یک عضو هیئت علمی دانشگاهی بمدت حداکثر ۱۰ روز جهت بازدید از بخشهای مهندسی دانشگاههای مربوطه.
- مبادله دو عضو هیئت علمی دانشگاهی بمدت حداکثر ۱۰ روز بمنظور بازدید از بخشهای کشاورزی دانشگاههای مربوطه.
- پذیرش یک محقق دانشگاهی ایران از جانب طرف ترک حداکثر بمدت ۱۰ روز بمنظور انجام بررسی و مطالعه در بخش دامپزشکی یک دانشگاه ترکیه.

فصل دوم - فرهنگ و هنر

- اقدام نسبت به تهیه انتشارات نظیر کتب، مجلات، متون تحقیقی و سایر مواد در زمینه فرهنگ و

- هنر از جمله تاریخ، باستان‌شناسی و مردم‌شناسی دو طرف برای یکدیگر.
- مبادله یک کارشناس جهت مطالعه بر روی آثار و بناها، بافتهای سنتی و محوطه‌های دوران اسلامی بمدت ۲۰ روز از جانب طرفین.
 - تبادل هیئتی از جانب دو طرف شامل ۲ تا ۳ نفر جهت بازدید و آشنایی با مسائل باستان‌شناسی و تنظیم برنامه مشترک مطالعاتی در زمینه باستان‌شناسی و آثار و ابنیه تاریخی دوران اسلامی بمدت یک هفته.
 - تبادل یک کارشناس از سوی طرفین جهت آشنایی با روش نگهداری از بناها و مجموعه‌های تاریخی و ایراد سخنرانی در زمینه‌های فوق بمدت ۲۰ روز.
 - اعزام یک نفر استاد کار و تکنیسین از جانب طرفین جهت مبادله اطلاعات و بازدید از بناهای تاریخی در زمینه کارهای سنگی، برای مدت یک ماه.
 - مبادله کاتالوگ‌های نسخ خطی موجود در کتابخانه و نیز لیست انتشارات جدید مربوط به تاریخ و ادبیات دو کشور.
 - مبادله یک کتابدار بمنظور مطالعه کلی کتابداری و سیستم کتاب‌شناسی از جانب دو کشور برای مدت ۱۰ روز.
 - تلاش جهت تهیه میکروفیلم یا فتوکپی از اسناد مربوط به فرهنگ و تاریخ، بشرط پرداخت هزینه توسط درخواست‌کننده.
 - تشویق طرفین برای تماسها، همکاریها و مبادله کتب و انتشارات بین کتابخانه‌های ملی دو کشور.
 - مبادله اطلاعات، اسناد، تجربیات دو طرف در زمینه هنر خطاطی.
 - برپایی یک نمایشگاه از آثار هنری، صنایع دستی، نمونه‌های خطی و سایر موضوعات مربوط به فرهنگ‌ها بمدت ۱۵ روز در کشور مقابل.
 - مبادله عکس و تصویر، اسلاید، آثار هنری، فیلم و بروشور مربوط به فرهنگ مردم دو کشور.
 - پذیرش چهار نفر از کارآموزان ترکیه توسط طرف ایرانی بمدت سه ماه جهت آموزش در رشته‌های هنری و در مقابل پذیرش چهار نفر از کارآموزان ایرانی توسط طرف ترک بمدت سه ماه جهت آموزش خط «ثلث».
 - همکاری طرفین در زمینه موزه‌شناسی.
 - دعوت طرفین از یکدیگر جهت شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی سینمایی که در کشورهاشان برگزار می‌شود.

- طرفین یکدیگر را در مورد جشنواره‌ها و سایر فعالیتهای فرهنگی یا هنری که شرکت سایر کشورها در آن آزاد است مطلع خواهند کرد.
 - تاسیس مراکز فرهنگی در دو کشور.
 (با توجه به تاسیس مرکز فرهنگی ایران در آنکارا طرف ایرانی با افتتاح مرکز فرهنگی ترکیه در تهران موافقت می‌نماید).

فصل سوم - جوانان و ورزش

- طرفین بمنظور افزایش همکاریهای ورزشی بین دو کشور مبادله تیمها، مربیان و کارشناسان و همچنین انتشارات و مواد مستند در مورد ورزش، از جمله تولید وسایل ورزشی را تشویق خواهند نمود؛ و همچنین همکاری لازم در زمینه بازدید مقامات و کارشناسان سازمانهای ورزشی از تاسیسات و امکانات ورزشی کشور مقابل و همکاری لازم جهت تشکیل سمینارهای مشترک جهت پیشبرد امور ورزش.

- دعوت طرفین از تیمهای یکدیگر جهت شرکت مسابقات معلولین.
 - تمام مبادلات مورد نظر این برنامه‌ها در زمینه ورزش و جوانان از طریق توافق متقابل صورت خواهد گرفت. ارتباط مقامات ذیصلاح ورزشی در کشور از طریق مجاری رسمی (دیپلماتیک) انجام خواهد گرفت.

فصل چهارم - اطلاعات

- طرفین بمنظور افزایش همکاریهای موجود بین سازمانهای رادیو، تلویزیونی دو کشور، امضای پروتکل همکاریهای دوجانبه را تشویق خواهند نمود.
 - طرفین تاسیس دفاتر خبرگزاریهای رسمی یکدیگر را تشویق و تسریع خواهند نمود.
 با توجه به وجود دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در آنکارا طرف ایرانی با افتتاح دفتر نمایندگی خبرگزاری آناتولی در تهران موافقت مینماید.
 همچنین امضا پروتکل جدید همکاریهای دوجانبه بمنظور افزایش همکاریهای موجود بین خبرگزاری ایران و آناتولی.

فصل پنجم - شرایط عمومی

- تمام فعالیت های مشمول این برنامه طبق قوانین و مقررات دو کشور انجام خواهند گرفت.
- مکاتبات و ارسال یادداشتهای مربوط به کلیه فعالیتهای مورد نظر در این برنامه از طریق مجاری رسمی (دیپلماتیک) انجام خواهد شد.
- این برنامه مانع انجام سایر دیدارها، مبادلات و فعالیتهایی که براساس پیشنهاد یک طرف از طریق مجاری رسمی (دیپلماتیک) و تأیید طرف دیگر میباشد نخواهد شد.
- طرفین جهت اطمینان از حسن اجرای فعالیتهای مورد نظر در این برنامه، اطلاعات مربوط به نام، برنامه مسیر دیدارکنندگان و هیئت‌های اعزامی را حداقل ۲ ماه قبل به اطلاع طرف دیگر خواهد رساند.
- تاریخهای ورود و عزیمت افراد و هیئت‌های اعزامی حداقل دو هفته قبل به طرف دیگر ابلاغ خواهد شد.
- درخواست‌های مربوط به تحقیقات و بررسیهای علمی حداقل چهارماه قبل از تاریخ پیشنهادی دیدار، از طریق مجاری رسمی (دیپلماتیک) بطرف مقابل تسلیم خواهد شد.
- اشخاصی که قرار است در اجرای این برنامه مبادله شوند، توسط طرف اعزام کننده معرفی شده و از طریق مجاری رسمی (دیپلماتیک) به طرف پذیرنده ابلاغ خواهد شد.
- طرفین متقابلاً اطلاعات مربوط به بورس‌هایی که قرار است بطرف دیگر پیشنهاد شود را حداکثر تا دهم اسفند (آخر فوریه) از طریق مجاری رسمی (دیپلماتیک) بطرف دیگر ابلاغ خواهند کرد.
- هر یک از طرفین در صورت درخواست طرف دیگر گزارشی از وضعیت تحصیلی شخص بورس گیرنده را از طریق مجاری رسمی (دیپلماتیک) ارائه خواهد نمود.

فصل ششم - شرایط مالی

- در اجرای بازدیدهای موردنظر در این برنامه، هزینه رفت و برگشت افراد هیئت‌های اعزامی را کشور اعزام کننده پرداخت خواهد نمود.
 - کشور پذیرنده هزینه اقامت و مسافرت‌های داخلی را تقبل خواهد کرد.
 - بورسهای اعطایی موارد زیر را دربرمیگیرد:
 - الف) بورسهای پیشنهادی طرف ترک:
- ۱ - مقرر ماهیانه ۵۰۰۰۰ لیره ترک برای تحقیق

مقرری ماهیانه ۴۵۰۰۰ لیره ترک برای دکترا

مقرری ماهیانه ۴۰۰۰۰ لیره ترک برای دوره لیسانس

۲- هزینه ثبت نام، شهریه، معالجات پزشکی و کتابهای درسی

۳- طرف ترک حداکثر کوشش خود را جهت اسکان بورسیه‌ها در خوابگاه دانشجویان بعمل خواهد آورد.

ب) بورسهای پیشنهادی طرف ایران:

۱- مقرری ماهیانه ۲۲۰۰۰ ریال برای دوره فوق لیسانس

مقرری ماهیانه ۲۵۰۰۰ ریال برای بورس تحقیقاتی

۲- هزینه ثبت نام، شهریه، معالجات پزشکی و کتابهای درسی

۳- طرف ایرانی حداکثر کوشش خود را جهت اسکان بورسیه‌ها در خوابگاه دانشجویان بعمل خواهد آورد.

- طرفین موافقت می‌نمایند که برحسب افزایش هزینه زندگی در کشورهاشان نسبت به بررسی و افزایش مقرری بورسیه اقدام نمایند.

- در مورد بیماری ناگهانی فرد مبادله شده در چهارچوب این برنامه، هزینه معالجات اضطراری توسط طرف پذیرنده پرداخت خواهد شد، معالجات درمانی دراز مدت و عمل جراحی مهم بعهدہ طرف پذیرنده نخواهد بود.

- هزینه حمل و نقل لوازم و وسائل نمایشگاه تا اولین محل نمایشگاه و برگشت از آخرین محل نمایشگاه همراه با هزینه بیمه در طول مدت حمل و نقل، بعهدہ طرف فرستنده خواهد بود و در طول مدت برگزاری نمایشگاه هزینه بیمه بعهدہ کشور میزبان میباشد.

- هزینه‌های مربوط به ترتیب نمایشگاه، کرایه سالن، چاپ کاتالوگها و پوسترها و مخارج مسافرت‌های داخلی به عهده طرف پذیرنده خواهد بود و اسناد مربوط به نمایشگاه بایستی حداقل ۲ ماه قبل از تاریخ پیشنهادی افتتاح نمایشگاه به کشور پذیرنده ارسال گردد.

لازم به ذکر است که مبادله نامه دیگری برای سالهای ۷۱-۱۳۶۹ از سوی مقامات ایرانی تنظیم و به مقامات ترک پیشنهاد گردید. برنامه فوق‌الذکر براساس مواردی چون: تعلیم و تربیت، فرهنگ و هنر، رادیو و تلویزیون و خبرگزاری، ورزش و مقررات عمومی تنظیم شده است.

۲- مقایسه روابط فرهنگی ایران و ترکیه، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

به طور کلی روابط فرهنگی میان دو کشور قبل از انقلاب به دلیل هماهنگی و همسویی دو کشور در مسائل و اهداف سیاسی، گسترده‌تر و بیشتر بوده‌است. از طرفی علاوه بر هماهنگی در اهداف سیاسی، سیاستهای فرهنگی یکسانی از سوی دو کشور دنبال میشد. جدایی دین از سیاست، غربگرایی، تغییر تقویم کشور به تقویم میلادی در ترکیه و به تقویم شاهنشاهی در ایران، حذف حجاب و تحقیر ظواهر و پوشش اسلامی، آزادی روابط میان زن و مرد و... از جمله موارد اعمال سیاستهای فرهنگی اجتماعی مشابه در دو کشور بشمار میرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بدنبال آن، نفوذ پیام این انقلاب به دیگر کشورهای مسلمان منطقه، موجب نگرانی دولتمردان ترک از نفوذ انقلاب اسلامی در ترکیه گردید. بویژه آنکه ترکیه در این زمان با عدم تعادل سیاسی نیز روبرو بود. و در این زمان روابط فرهنگی دو کشور دوره‌ای از سردی و رکود را تجربه نمود؛ لیکن پس از گذشت چند سال، همان گونه که قبلاً اشاره شد، با بازنگری موافقتنامه فرهنگی گذشته میان دو کشور، موافقتنامه جدیدی به امضاء طرفین رسید و روابط در چهارچوب محدودی مجدداً برقرار شد و بویژه ملاحظات و ارزشهای مذهبی مورد توجه قرار گرفت.

در حال حاضر با توجه به تاثیر طولانی زبان و ادبیات فارسی در ادبیات ترکی و همچنین با توجه به مسلمان بودن و همجواری جغرافیایی این دو کشور، زمینه لازم جهت حضورهای فرهنگی فراهم می‌باشد. بویژه آنکه در حال حاضر تعداد زیادی ایرانی در ترکیه بسر می‌برند، و در این کشور هنوز از لغات فارسی در محاورات روزمره استفاده می‌شود، هزاران نسخ خطی فارسی در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری میشود، شاهنامه‌خوانی و مثنوی خوانی هنوز در بسیاری مناطق رواج دارد، نوروز و اعیاد اسلامی (مانند عید قربان) جشن گرفته میشود و... که جملگی می‌توانند زمینه‌ساز فعالیتهای فرهنگی قابل ملاحظه‌ای باشند.

مآخذ: منبع شماره ۵۱: بخش موافقتنامه‌های فرهنگی



فهرست‌ها

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اسپنسر، ویلیام. سرزمین و مردم ترکیه، ترجمه علی اصغر بهرام بیگی. - تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مجموعه ملل، ۱۳۴۵
- ۲- ایران، وزارت امور خارجه، کتاب سبز ترکیه. - تهران: ۱۳۶۹
- ۳- ایران، وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعاتی و پژوهشهای بازرگانی، از سری انتشارات بررسی مسایل کشورها، ترکیه. - تهران: ۱۳۶۴.
- ۴- ایگدمیر، اولوغ؛ و دیگران. آتاتورک، ترجمه حمید نطقی. - تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸.
- ۵- برنارد، لوئیس. استانبول و تمدن امپراطوری عثمانی، ترجمه ماه ملک بهار. - تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۶- داماس، ژاک. هنر خطاطی در ترکیه از قرن دوازدهم (مجموعه خطوط تزئینی) با ترجمه گروه صادقی‌وند و دکتر بهروز گلپایگانی. - تهران: انتشارات یساولی (فرهنگسرا) ۱۳۴۹
- ۷- دوری، کارل جی. هنر اسلامی، معماری، کاشیکاری، فلزکاری، بافندگی، نقاشی، ترجمه رضا بصیری. - تهران: انتشارات یساولی (فرهنگسرا)، ۱۳۴۹
- ۸- رایبسون، ریچارد. جمهوری اول ترکیه، ترجمه ایرج امینی. - تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۶۵.
- ۹- سعیدیان، عبدالحسین. مردمان جهان. - تهران: علم و زندگی، ۱۳۶۲.

- ۱۰- شاملویی، حبیب‌الله. جغرافیای کامل جهان.. تهران: بنیاد، ۱۳۵۱
- ۱۱- گوکالپ، ضیاء. ناسیونالیسم ترک و تمدن باختر، ترجمه فریدون بازرگان
- .. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۱.
- ۱۲- محجوب، محمود. گیتاشناسی کشورها.. تهران: مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۶۲.

اسناد فارسی

- ۱۳- ابطحی، محمدباقر. زبان فارسی در بلاد روم (ترکیه فعلی) - آنکارا: مرکز تحقیقات زبان فارسی، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.
- ۱۴- اسماعیلی فر، زهرا. گزارش سفر هیات اعزامی خواهران به ترکیه به مناسبت روز زن.. آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶.
- ۱۵- انتشارات در ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷.
- ۱۶- انجمن قلم ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- ۱۷- ایران، وزارت امور خارجه.. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مقاله: به مناسبت سفر آقای موسوی به ترکیه، ۱۳۶۶.
- ۱۸- ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور بین‌المللی.. گزارش هیات بازرسی خانه‌های فرهنگ و تبلیغات خارج از کشور درباره ترکیه، ۱۳۶۲.
- ۱۹- ایرانیان و شرح فعالیت‌های آنان تا پایان سال ۶۶.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷.
- ۲۰- بالامان، علیرضا. نحوه تشکیل خانواده و انحلال آن در مناطق روستایی ترکیه، ترجمه: بخش تحقیقات خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.. آنکارا، ۱۳۴.
- ۲۱- بررسی مسایل فرهنگی و امکانات تبلیغی در ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.
- ۲۲- تال، کریم. شناسنامه فرهنگی ترکیه.. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد

- اسلامی، اداره کل فرهنگی اروپا و امریکا، ۱۳۶۹.
- ۲۳ - تحولات جدید فرهنگی و سیاسی، در برخورد با علویان ترکیه (قسمت اول)
استانبول: سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- ۲۴ - جریان فرهنگی حاکم بر ترکیه.. آنکارا: سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳.
- ۲۵ - رضازاده سفیده، عیسی. گزارشی درباره مطبوعات و نشریات و مجلات ترکیه..
آنکارا خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲.
- ۲۶ - روند توسعه و ساختار خانواده در ترکیه، آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی
ایران، ۱۳۷۱.
- ۲۷ - ساختار عمومی طبقه کتابخوان در ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی
ایران، ویژه‌نامه شماره ۵۸، ۱۳۷۰.
- ۲۸ - سازمانهای علمی، فرهنگی و هنری ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری
اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
- ۲۹ - سخاوند، سعید. وجود لغات و اصطلاحات زبان و ادبیات فارسی در
ترکی.. - ارزوم: سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران،
۱۳۶۳.
- ۳۰ - سیر تحول خط در ترکیه از عربی به لاتین.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی
ایران، ۱۳۴.
- ۳۱ - طبقه جوان ترکیه به کجا می‌رود؟ آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران،
ویژه‌نامه شماره ۲۹، ۱۳۶۶.
- ۳۲ - فلاحی، کیومرث. گزارش توریسم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت سیاحتی و زیارتی، (براساس اطلاعات
دائرة المعارف ترکیه و گزارش وزارت توریسم ترکیه نوشته
صلاح‌الدین چوروج)، ۱۳۴.
- ۳۳ - کتابخانه‌های معتبر ترکیه (دفتر اول).. آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری
اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
- ۳۴ - کریملو، داود. فحشا در ترکیه.. استانبول: سرکنسولگری جمهوری
اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

- ۳۵- گنجی، اکبر. حکمت ایمانیان.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹.
- ۳۶- گنجی، اکبر. نگاهی به مسئله آذربایجان، جلد اول. - آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹.
- ۳۷- محمدی، ناصر. پژوهشی پیرامون مسئله فساد و فحشا در ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸.
- ۳۸- محمدی، ناصر. تأملی در شیوه‌های عملکرد فرهنگی مؤسسات اقتصادی.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹.
- ۳۹- مذهب در ترکیه، نگاهی به نحله‌ها و طریقت‌های مذهبی در ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- ۴۰- منح شخصیت زنان در ترکیه.. آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ویژه نامه شماره ۱۶، ۱۳۶۶.
- ۴۱- مؤسسات و مراکز فرهنگی خارجی در ترکیه.. آنکارا: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴.
- ۴۲- میرمعصومی. گزارشی از شهر آنکارا.. آنکارا: مرکز تحقیقات زبان فارسی، ۱۳۶۵.
- ۴۳- میرمعصومی. تحلیلی بر اوضاع ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲.
- ۴۴- ناظرزاده کرمانی، فرناز. طرح تبلیغات اسلامی در رابطه با زنان.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲.
- ۴۵- ناظمی افشار، احمد. فرهنگ و امور اجتماعی ترکیه.. استانبول: سرکنسولگری ایران. ۱۳۴.
- ۴۶- نصر اصفهانی، محمود. تاریخچه انتشار کتب اسلامی ایرانی در ترکیه.. استانبول: نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.
- ۴۷- نصر اصفانی، محمود. طریقتها در ترکیه.. استانبول: نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۶.
- ۴۸- نقش تلویزیونهای خصوصی و تأسیس دو کانال جدید تلویزیونی در ترکیه.. آنکارا:

- رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
- ۴۹- نگرشی تحلیلی بر روند فعالیت کانالهای تلویزیونی در ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
- ۵۰- نگرشی کوتاه بر چاپ و کتاب در ترکیه.. آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
- ۵۱- وهاج، کاظم. خلاصه‌ای از سوابق روابط فرهنگی ایران و ترکیه و نمونه‌هایی از فعالیت خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.. آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

نشریات فارسی

- ۵۲- زن روز، شماره ۱۳۳۶، آبان ماه ۱۳۷۰.. مقاله: سینمای تونچ باشاران، نوشته: یوسفی - فرهادسختا
- ۵۳- صنعت حمل و نقل، شماره ۹۷، اردیبهشت ۱۳۷۰.. مقاله: جهانگردی ترکیه در خدمت صنعتی کردن کشور.
- ۵۴- روزنامه کیهان، مورخ ۳۰ مهر ۱۳۷۰.. گزارش: حزب حاکم ترکیه در انتخابات سراسری شکست خورد.
- ۵۵- روزنامه کیهان. مورخ ۲۲ آبان ۱۳۷۰.. مقاله: «پرونده سیاسی ترکیه»، نوشته سیروس غفاریان.

منابع لاتین

1. Blake, Gerald. The Cambridge Atlas of the Middle East and North Africa .- Department of Geography, University of Durham: Cambridge University Press, 1987.
2. Boisgirard, Claude Art Orient.- Paris: Drouot Richeliev, vendredi 4 Mai 1990.

3. Countries of the World and their leaders yearbook.- Detroit,Michigan: Gale Research, Inc., 1990.
4. The Europa World Yearbook.- London: Europa publications Limited, 1990.
5. Guclu, Meral. World Bibliographical Series, V. 27: Turkey.-GreatBritain: The Camelet Press, 1981.
6. Handbook of the Nation , 10th edition.- Ditriot: U. S. Intellgence Agency, 1990.
7. Khoshzamid, Firous. Development and Administration of Vocational and Technical Education in Iran: Program Implications for Human Resource Development .-Wisconsin: University of Wisconsin, 1971.
8. The Middle East and North Africa.- London: Europa publications Limited, 1990.
9. The New Encyclopedia Britanica .- England: Encyclopedia Britanica Inc. 1990.
10. Statistical yearbook of Turkey .- Turkey: State Institute of Statistical prime minister, 1989.
11. World of Learning .- London: Europa publications Limited, 1990
12. Turkish Reriew, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi, Winter 1986.

13. Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi
Summer 1986.
14. Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi
Spring 1987.
15. Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi
Autumn 1987.
16. Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi
Summer 1989
17. Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi
Summer 1990.
18. Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi
Spring 1991.
19. Turkish Review, Quarterly digest.- Ankara: Kaya - G. Toperi
Autumn 1991.

فهرست جداول

- ۱- جدول شماره ۱: طول مرزهای آبی و خشکی ترکیه.
- ۲- جدول شماره ۲: رودخانه‌های مهم ترکیه.
- ۳- جدول شماره ۳: دریاچه‌های ترکیه.
- ۴- جدول شماره ۴: تنوع متوسط بارندگی، رطوبت نسبی و تعداد روزهای بارانی در ۱۰ استان منتخب در ۵ ناحیه از کشور ترکیه.
- ۵- جدول شماره ۵: درجه حرارت سالانه در ۱۰ استان منتخب در ۵ ناحیه از کشور ترکیه.
- ۶- جدول شماره ۶: متوسط سالانه تعداد روزهای برفی، یخبندان و ساعات آفتابی در ۱۰ استان منتخب در ۵ ناحیه از کشور ترکیه.
- ۷- جدول شماره ۷: تعداد مهاجران و پناهندگان به ترکیه.
- ۸- جدول شماره ۸: معرفی ۱۰ استان پر تراکم ترکیه در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ میلادی.
- ۹- جدول شماره ۹: معرفی ۱۰ استان کم تراکم در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ میلادی.
- ۱۰- جدول شماره ۱۰: درصد توزیع جمعیت شهری و روستایی در سطح کشور ترکیه در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ میلادی.
- ۱۱- جدول شماره ۱۱: ترکیب جنسی جمعیت ترکیه.
- ۱۲- جدول شماره ۱۲: معرفی شهرهای پر جمعیت ترکیه.
- ۱۳- جدول شماره ۱۳: درآمدهای و هزینه‌های توریسم در ترکیه در سه مقطع زمانی.
- ۱۴- جدول شماره ۱۴: آمار افراد خارجی که در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۵ و ۱۹۸۷ میلادی به ترکیه وارد شده‌اند براساس هدف سفرشان..
- ۱۵- جدول شماره ۱۵: آمار افراد خارجی که در سال ۱۹۸۸ به ترکیه وارد شده‌اند براساس ماه.

- ۱۶- جدول شماره ۱۶: آمار شهروندان ترک که در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۷ میلادی از ترکیه خارج شده‌اند براساس هدف سفرشان.
- ۱۷- جدول شماره ۱۷: آمار تعداد شهروندان ترکیه که در سال ۱۹۸۸ از کشور خارج شده‌اند بر اساس ماه.
- ۱۸- جدول شماره ۱۸: درصد باسوادی استانهای منتخب.
- ۱۹- جدول شماره ۱۹: مقایسه سهم بودجه آموزشی از کل بودجه عمومی کشور ترکیه، طی سالهای منتخب.
- ۲۰- جدول شماره ۲۰: روزنامه‌های پرسابقه و پرتیراژ ترکیه، ۱۹۸۶ میلادی.
- ۲۱- جدول شماره ۲۱: بررسی تعداد نشریات ادواری ترکیه براساس موضوع در سه مقطع زمانی.
- ۲۲- جدول شماره ۲۲: اسامی مجلات مهم و پرتیراژ ترکیه.
- ۲۳- جدول شماره ۲۳: میزان چاپ کتاب براساس موضوع طی سالهای ۱۹۸۸ - ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ میلادی در ترکیه.

فهرست نقشه‌ها

- ۱- نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی کشور ترکیه.
- ۲- نقشه شماره ۲: تفکیک مناطق آب و هوایی ترکیه.
- ۳- نقشه شماره ۳: تنوع آب و هوایی ترکیه.
- ۴- نقشه شماره ۴: متوسط بارندگی سالانه، تقسیم بندی مناطق بر اساس نزولات جوی.
- ۵- نقشه شماره ۵: پراکندگی اقوام مختلف نژادی - زبانی در ترکیه و کشورهای همجوار آن.
- ۶- نقشه شماره ۶: تراکم جمعیت در استانهای کشور ترکیه.
- ۷- نقشه شماره ۷: تحولات جمعیتی ترکیه در مقایسه با کشورهای همجوار.
- ۸- نقشه شماره ۸: ترکیه به تفکیک استانها.
- ۹- نقشه شماره ۹: نواحی مهم جالب توریست ترکیه.

فهرست نمودارها

- ۱- نمودار شماره ۱: مقایسه میزان مولید و مرگ و میر در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ میلادی.
- ۲- نمودار شماره ۲: جابجایی جمعیت شهری و روستایی در کشور ترکیه در سه مقطع زمانی.
- ۳- نمودار شماره ۳: هرم سنی جمعیت ترکیه: ۱۹۸۵ میلادی.
- ۴- نمودار شماره ۴: تعداد و درصد افراد باسواد و بی سواد در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ میلادی.
- ۵- نمودار شماره ۵: تعداد دانش آموزان دبستان و دبیرستان در طی سالهای ۸۳-۱۹۸۲ و ۸۸-۱۹۸۷ میلادی.
- ۶- نمودار شماره ۶: مقایسه تعداد کتب و جمعیت تحت پوشش خدماتی کتابخانه‌های ترکیه در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ میلادی.

فهرست تصاویر

- ۱- تصویر شماره ۱: گل‌های ماگنولیا اثر Ibrahim Calh.
- ۲- تصویر شماره ۲: نمایی از باغ قصر yildiz اثر: sevki از مجموعه موزه نقاشی و مجسمه استانبول.
- ۳- تصویر شماره ۳: اثر N.berk از مجموعه موزه نقاشی و مجسمه استانبول.
- ۴- تصویر شماره ۴: اثر T.zaim از مجموعه موزه نقاشی و مجسمه استانبول.
- ۵- تصویر شماره ۵: اثر S.Berkel ۱۹۵۸، از مجموعه سفارت ترکیه در اطریش.
- ۶- تصویر شماره ۶: مجسمه انتزاعی، اثر K.Acar از مجموعه موزه دولتی و نقاشی و مجسمه استانبول.
- ۷- تصویر شماره ۷: نقش بسم به شکل پرنده، قرن ۱۵ میلادی.
- ۸- تصویر شماره ۸: عبارت محمد و عمر در قالب سر انسان.
- ۹- تصویر شماره ۹: خط ثلث حلی، اثر: مصطفی راقم.
- ۱۰- تصویر شماره ۱۰: ایجاد تصویر با کلمات، سکانسهایی از یک فیلم ترکی.
- ۱۱- تصویر شماره ۱۱: عبارت لاله الاله در قالب مسجد.
- ۱۲- تصویر شماره ۱۲: تابلو سرامیک با عبارت مضاعف یاهو. بورس ترکیه. قرن ۱۶ میلادی.
- ۱۳- تصویر شماره ۱۳: در کوبه برنزی - متعلق به اوایل قرن ۱۳ میلادی.
- ۱۴- تصویر شماره ۱۴: ظروف نقره‌ای، متعلق به قرن ۱۶ میلادی.
- ۱۵- تصویر شماره ۱۵: نمونه‌ای از آیینه و ظروف فلزی متعلق به قرن ۱۹ میلادی.
- ۱۶- تصویر شماره ۱۶: گلابدان مسی متعلق به نیمه اول قرن ۱۸ میلادی.
- ۱۷- تصویر شماره ۱۷: ظروف شیشه‌ای متعلق به عهد عثمانی قرن ۱۹ میلادی.

- ۱۸ - تصویر شماره ۱۸: نمای مسجد ایاصوفیه استانبول.
- ۱۹ - تصاویر شماره ۱۹ و ۲۰ و ۲۱: تصاویری از چند «مناره» از مساجد بنا شده در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی.
- ۲۲ - تصویر شماره ۲۲: نمونه‌هایی از هنرکاشیکاری دوره عثمانی، ایزنیک، قرن ۱۶ میلادی.
- ۲۳ - تصویر شماره ۲۳: بشقابهای سفالی مربوط به قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی شهر ایزنیک.
- ۲۴ - تصویر شماره ۲۴: فرش اوشاک: متعلق به قرن ۱۶ میلادی (موزه متروپلیتن نیویورک).



کتابخانہ قومی بھارت